۱۱۲۹۲ - ثبت

۱۳۳۶

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی

جمهوری اسلامی ایران

کتاب مجموعه ۱- [illegible] از محمد نجیب قادری [illegible]

مؤلف ۲- اسب نامه - ۶ سنه (فرمان)

مترجم ۳- سؤالات گردون عیسوی از محمد هادی خواجه

موضوع

شمارهٔ قفسه ۹۵۵

شماره ثبت کتاب ۸۷۷۷۷

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی سید المرسلین و خاتم النبیین محمد مصطفی
و علی آله و اصحابه اجمعین اما بعد این رساله مختصریست از تذکرة اعراس انبیاء و صحابه
و اهل البیت و سایر مشایخ کرام رضی الله تعالی عنهم که شیخ شرف الدین بن قاضی
شیخ محمد بسرواله در زمان قاضی جمع کرد چون از اسم اکابران که بعد جمع رساله مذکور
برحمت حق پیوسته و از بعضی اسم متقدمین نیز خالی بود بنا برآن بنده محمد نجیب قادری
ناگوری اجمیری که از ارادتمندان و مریدان جناب عالمیان مآب قدوة الواصلین
بندگی شیخ نظام الدین چشتی اورنگ آبادی خلیفه قدوة الواصلین شیخ کلیم الله چشتی
شاه جهان آبادی خلیفه قطب الاقطاب الاولیا شیخ محمد یحیی چشتی الکورانی المدنی نبیره
و خلیفه قطب الاقطاب شیخ محمد الچشتی الگجراتی قدس الله اسرارهم است تمامی رساله مذکور را تکمله و تحقیق
و تنقیح آن از کتب سیر مثل نفحات الانس و مرآة الجنان تاریخ امام یافعی و رشحات
و آداب الطالبین و سیر الاولیا و سیر العارفین و اخبار الاخیار و خزانة الجلالی و فضایل
الاولیا و تواریخات و طبقات باحوال و در وقت اتمام تذکرة الابرار و سفینة الاولیا
و مخزن الواصلین و طبقات شاهجهانی و غیره نسخه معتبر آورده و بعضی را که نسبی و تاریخ

و مرقد

و مرقد و سلسله ایشان ... معلوم نبوده و نیز مقابر ایشان که مشهور است جای زیارت
آن بزرگان اتفاق مشغول این اوراق شد از صاحب نسبی و هم یا از خادمان معتبر
و ثقه بوده‌اند بتحقیق رسانیده ثبت نموده و تاریخ که در اعراس نامه مذکور مندرج
بعد بحال داشته و بنیح تغیر و تبدیل حتی الوجه در کتب سیر بخلاف آن نظر آمد جمع ساخته
وسیله نجات دارین خود نموده حق سبحانه تعالی بحق حضرات که درین نسخه شریفه
مذکور شده این عاجز فرده معتقد را از محبت این طائفه علیه وا از دور و محبت
ایشان مراد و دور از زمره محبان ایشان محشور کناد بحرمة النبی وآله الامجاد و قطب
الاولیا شیخ محمد چشتی بن شیخ حسن محمد بن شیخ احمد بن شیخ نصیر الدین ثانی بن شیخ
محمود الدین بن شیخ جمال الدین خلیفه و همشیره زاده حقیقی قطب الاقطاب
شیخ نصیر الدین محمود چراغ دهلوی در لطائف اشرفی آورده که ای طالب حق وای
عزیز دل محبوب باید ترا که رعایت اعراس اولیاء الله تعالی کنی که از ان ان
امداد ... و ترا استعداد در این کار حق تعالی بطفیل ایشان بهره کرم خود نماید
مجموع الروایات فرموده اذا اراد ان یتخذ الولیمة فلیتخذ یا ومیات
بعد موته و یحتاط فی الساعة التی نقل فیها روحه لان ارواح
الموتی یاتون فی ایام [illegible] فی کل عام فی ذالک الموضع فی تلک الساعة
فینبغی ان یطعم الطعام و یسقی الشراب فی تلک الساعة فان ذالک یفرح ارواحهم

وان فيه تاثير ابليغا فاو ان اد اسميا [illegible]
فبعض حون وبدن عون لهم ولا ابدن عونا [illegible] انتهى پس اگر طالب [illegible]
رفتن برج باشد هرجا كه باشد بلا هيچ حضرى خرج كند على قدر الامكان واگر ان ساعت معلوم
نشود پس اگر در روز روح نقل كرده باشد در روز كند واگر در شب نقل شده باشد
حضرت صاحب را گه مسو در از روح قطب الاقطاب شيخ نصير الدين محمود چراغ دهلی
شب هژدهم ماه رمضان المبارك بسيار خرج كردن چه نقل روح ايشان در ان شب بوده اما
در روز هم بايد كرد واگر بالتيقن نه روز معلوم باشد و نه شب پس بايد كه در روز كند
لكن اعلى قطب الاولياء پيران از طالب حق سبحانه تعالى مستتر شده ان كامل و پيران صادق
و معتقدان واثق را بايد كه بارواح پيران خوانش و نشتجان جمعه طعام بر حسب قدرت بلا هيچ اقدام
نمند تا ببركت ايشان فتوحات و نعمت دارين ميسر گردد و [illegible] و مال ايشان [illegible]
خود رسند و محتاج هيچ مخلوقى نگردند و عزت و دولت بسيار يابند و عاقبت ببركت نظر ايشان
بخير المراجع [illegible] انجه بخير كرده ان الله تعالى و اين به تجربه معاينه شده توفيق [illegible]
و نعمت اگر تمام اعراس [illegible] باشد [illegible] كند و بارواح جميع انبيا و اوليا و جمله اهل ايمان در ماه رجب
بلا هيچ خرج كند [illegible] اگر در روز شب عرس نكند و ديگر روز كند سبب مصلحت خوب باشد انما الاعمال
بالنيات [illegible] باشد [illegible] اعراس [illegible] جمعه كند على قدر الامكان بلا هيچ و در رغايب [illegible]
از [illegible] انفال [illegible] اطفال [illegible]

دارند

[illegible] والا عرس باشد كه در انجر در دشوار [illegible]
اسمان [illegible] روز خرج عرس بتكلف نكند انچه بخير تعلق باشد بكنند و خواننده الحلال [illegible]
كه شرط الطعام اصحاب صدق انست كه بروح كسى كه طعام خواهد كرد بايد كه وقت لطيف كه
ان [illegible] رحلت فرموده است بر ان فقرا طعام انعام كند و اگر نه ماند [illegible] روز [illegible] بر وقت
كه خواهد مختار است در اعراس [illegible] مشغول [illegible] در خرج كردن روز و شب بار عام [illegible] در روز عرس
و شب [illegible] در روز [illegible] خرج كردن روز عرس [illegible] واگر نه روز معلوم باشد و نه شب پس در ماه كند
واگر ماه هم معلوم نباشد بايد كه در ماه رجب كند خصوصا ليلة الرغائب يا روز ان اول پنجشنبه كه در
ماه رجب است [illegible] ليلة الرغائب گويند و در ان شب يا روز بر قدر كه امكان باشد بارواح
جميع اوليا و اهل ايمان كنند [illegible] سعادت همه [illegible] مستفيد شوند و اگر كسى فقير باشد و در ان باشد
انچه در خانه پخته شود بروح ايشان نيت كرده بخواند واگر [illegible] فاتحه فراموش نكند
يكى از اولاد خلفاى قطب الاقطاب شيخ محمد حنفى قدس الله سره منقول كه در روز عرس و يا شب
[illegible] بروح ايشان فاتحه خواند و طعام خرج كند واگر نتواند طعامى كه براى خوردن جمعه و عيال و
اطفال پخته باشد بروح ايشان فاتحه خوانده بخورانند بايد كه يك عرس از مشايخ خود بايد كه عرس
را البته [illegible] كرده بسيار خرج كند و سماع و ختم قران و طعام و غيره ذلك كنند اما از ما [illegible] و عادت [illegible] بر سر
كنند و اگر در ماه رجب در ليلة الرغائب يا روز [illegible] كه يا هم رجب است گويند يا بيست و هفتم ماه نيت
ارواح انبيا و اوليا و شهدا و صالحين خرج نمايد بسيار فايده دارد و در [illegible] شيخ

المشایخ شیخ حسام الدین مانکپوری مرید و خلیفه قطب العالم شیخ نور الحق قدس الله سرهما

جمعه برای ملاقات مخدوم زاده خود رفت وقت ... مقبره در راه بود پالکی را از کسی فاتحه خواندند

و نگاه آمد روز شنبه بعد نماز صبح برای زیارت رجال شد ... روز جمعه و اول وقت روز شنبه ارواح ... حاضر

حاضر میشوند زیارت باید کرد دوم ... برود کیمی یازده بار سوره اخلاص و معوذتین یکبار و آیة الکرسی

یکبار بخواند اهل قبور را مژده کرد چون در مقبره رفت نزدیک قبر والد خود شد و سلام کرد دوم ...

فاتحه و آیة الکرسی تا خالدون خواند و یازده بار سوره اخلاص و یکبار با معوذتین و یکبار الهکم التکاثر بخواند از

و طرف پایان رفت و پایان قبر ... و دو ... زیارت والده خود کرد و دو بار بالا طرف پایان ایستاده ...

الم نشرح بخواند و ... بالای قبر دست بر آورده ده بار کلمه توحید و تحمید ... باید

هر روز زیارت کرده شود اما میسر نیاید روز جمعه بار برد که مردگان منتظر میباشند و ... شیخ

و هم میفرمایند که شیخ من قطب العالم شیخ نور الحق هر روز بعد نماز بامداد زیارت والد خود شیخ علاء الحق و الدین

قدس سره میکرد دوم فرمود که ... فاتحه در مقبره کسی بخواند ... عذاب ... قطب الاقطاب

شیخ نصیر الدین محمود چراغ دهلی رضی الله تعالی فرمودند که طرف سینه اهل قبر ... شود فاتحه یکبار و آیة الکرسی سه بار

و الهکم التکاثر ... بار و اخلاص یازده بار بخواند و از آیة الکرسی و الهکم التکاثر ... اخلاص

زیاده کند ... زیارت القبور فی کل ... مستحب ... برای زیارت چهار روز اند

شنبه و دوشنبه و پنجشنبه و جمعه ... لیلة الجمعة ...

و ... قبله ... السلام علیکم ... دار من المؤمنین و المسلمین ...

... والله ... لا حول ... الله ... صلی الله

علیه و سلم ... رسول الله در حدیث آمده هرکه این را

بر قبره بخواند ... عذاب و ظلمت و تنگی ... لا اله الا الله وحده

لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر

و بعده بخواند سوره فاتحه و آیة الکرسی و ثواب آن ... سوره اخلاص ... بار

بخواند ... در جوامع الکلم ملفوظ سید محمد گیسو دراز قدس الله سره مسطور است که ... روزی

... گورستان ... در گورستان ... در میان ... که خواجه

رضی الله تعالی ... فاتحه ... خواند ... حاصل شود میان

... در نفحات الانس در احوال شیخ ابو الربیع مالقی مرید شیخ ابو العباس ... نبوی صلی الله علیه

و سلم وارد است ... هفتاد هزار بار کلمه لا اله الا الله ... نجات ...

... شیخ ابو الربیع گفته است ... هفتاد هزار بار گفته بودم ...

... طعام حاضر شدم ... بود

در آن وقت ... طعام ... ناگاه ... گفت ...

... شیخ ابو الربیع گفت ... گفتم ...

... هفتاد هزار کلمه لا اله الا الله گفته ام ... از آتش دوزخ ...

گفت ... در باطن ... گفت ...

الشیء دوزخ خلاص یافته الحمد لله ... مشغول ...

...توجه کنند بر روحانیت حضرت محمد مصطفی صلعم فایده یابد اما اگر علانیه متوجه روضه رود حاجت
آنحضرت صلعم از رفتن او در نیم راه ادخیمه باشد و چون آنجا رسد بحسن ... بشنید روضه پاک آنحضرت
را بکلی متوجه شود فایده از آن یا فایده این چه نسبت و اهل من بوده را بهمین تحقیق باشد
و هم منقول بود که اگر از آنهان زائر را توجه او حرد از ... عالم روحانیه لطافتی دارد تخصیص ارواح
اکابر از آنکه توجه زائر مشعر میکردند فرمود که سلطان المشایخ شیخ نظام الدین اولیا قدس الله سره
بزیارت مرقد شریف قطب الاقطاب خواجه قطب الدین قدس سره رفته اند و در حالی طواف بخاطر شریف
ایشان رسید که آیا از توجه من روحانیه آن ولی اشعار داشته باشد یا نه از این خطره خطوط بتمام نشده بود که
از مرقد منور و الا ... این عبارت شنیده فصیح این مضمون بگوش خورد که مرا زنده پندار چون خویشتن
من آیم بجان گر تو آیی بتن مدان خالی از همنشینی مرا به بینم ترا و نه بینی مرا منقول بود که گاه و ... در آنجا
باید که اول ادراک با نفوس اکابر که هر صد ... حاصل کند بعد از آن بشرف زیارت قبر اکابر رود و باید از بر مرقد
در آن شهر سپ اول زیارت در آنجا آرد و گر نه قبر اکابر که در آن شهر اند زیارت کنند
حضرت مخدوم شیخ علاء الحق و الدین بر سید اشرف جهانگیر قدس الله سره بر وضع جبهه بقبور
اکابر علما را آنچه است و جواز هم مشایخ را در این اختلاف است و این فقیر را در عالم سفر از
بسیار اکابر معاینه شد که در جناب کسی که بتعظیم دیده اند بهمان تعظیم اموات
را به نسبت چنانچه بر روی ... دو ... امثال آن که واجب التعظیم باشند حضرت مخدوم چون
از نماز جمعه عود میکردند قلندری سر در قدم ایشان ... سر بر زمین نهاد و سجده میکردند
شخصی از ملایان از همین استفسار کرد که ... میشود فرمودند ما آن ... بسیار شیخ که ...

رضی الله تعالی عنه منقولست که فرمود از خواجه نصیر الدین چراغ دهلی رحمه
شنیدم که در تربیت شیخ الاسلام خواجه قطب الدین قدس الله سره طواف میکنند
سند آن چیست فرمود که زیارت الفقرا میرسد و بحور الطواف حامل قبر
رجل صالح جامع ملفوظ مذکور میگوید که یاری صادق بود که در سر ... طرف
خانقاه شیخ مخدوم پای برهنه آورد و گفت که من مرید شیخ در این ... از لطائف
الشرفی ملفوظ حضرت سید اشرف جهانگیر سمنانی چشتی قدس الله سره ...
که منقول بود از زیارت اکابر که هر صد از ارشاد و مسند حضور نشسته اند زیارت
قبور اکابر است منقول بود که روزی در خدمت حضرت شیخ رکن الدین علاء الدوله
سمنانی قدس الله سره نشسته بودم درویشی سوال کرد که چون آن بدن را
در خاک ادراک نیست دیدن میکند با ارواح از وی مفارق شده اند و در
عالم ارواح حجاب نیست چه احتیاج است بسر خاک رفتن و فایده چیست چه در هر
مقام که توجه کنند بروح بزرگی همان باشد که بسر خاک رفته شیخ فرمود که فایده بسیار
دارد یکی آنکه چون بزیارت کسی میرود چندانکه میرود توجه او زیاده میشود و چون بسر خاک
رسد و بحس مشاهده کند خاک او را حس او نیز مشغول او شود و متوجه گردد و فایده
بیشتر باشد و دیگر آنکه هر چند ارواح را حجاب نیست و بمجمع او را ... است لیکن در
دنیا که در ... بدن او صحبت داشته باشد و بدن محشور او که بعد از حشر ... خواهد
بود اینجا باشد با این موضع نظر او و تعلق او بیشتر باشد که بموضع دیگر فواید زیارت بسیار است

که زیارت

باز می آیند و در سیر الاولیا منقول است که روزی در مجلس سلطان المشایخ شیخ نظام الدین قدس ...
افتاد که مریدان بخدمت مخدوم می آیند و سر بر زمین می نهند سلطان المشایخ فرمود من خواستم سر از این
می نهند سلطان که خلق را منع کنم اما چون پیش شیخ من همچنین کرده اند منع نکردم المقصد دوستان
صادق و طالبان واثق صورتها که در آینهٔ شیخ معاینه میکنند و معنی که در صورت شیخ مشاهده میکنند
بلا اختیار سر بر زمین نهند در اعتقاد او ... مشایخ که سر بر زمین نهند سجده نیست این تعظیم و تکریم ذات
و صفات معبود حقیقی است که مشایخ و اولیا بدان نور متجلی اند و هم منور شده چون بر زیارت [illegible]
از حیا تصور و خیال کنند سه طواف کنند یا هفت طواف بعده سر جانب پای قبر و روی آرد و مقابله روی میت استاده
قبر باشند و بگوید علیکم السلام یا اهل لا اله الا الله لا اله الا الله بحق لا اله الا الله من اهل لا اله الا الله وقد
بقول لا اله الا الله بحق لا اله الا الله واحشرنا فی زمرة من قال لا اله الا الله اغفر له قال لا اله الا الله و لا
ثانی قول لا اله الا الله محمد رسول الله پس قبر ... سبزه یا نداه نشیند یا استاده فاتحه و آیة الکرسی
و اذا زلزلت الارض و الهکم التکاثر تبارک سه بار و اخلاص هفت بار بخوانند و یکبار این دعا بخوانند
لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت ابدا ذو الجلال والاکرام
بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر بسم الله و علی ملة رسول الله بعده بگوید اللهم ثواب هذه القراءة ... و جعل
ثوابها تحفة روح فلان بن فلان یا ملائکه مران زیارت مشایخ با شریعت و کمال و سبزه بر دو ولی قبر باشند فتوح
از درینها بعده مخدوم را و کمال میرسانند و الصدق اسم مجاور آن خود را زد بکنند شرح صراط المستقیم منقول
روز جمعه ارواح مومنان بقبور خود نزدیک میشوند نزدیک معقول تعلق و اتصال روحانی نظر مشاهده القال
که بدن دار دور از آن که نزدیک بقبور آیند می شناسند وجود خود شناسند شناخت سایر ایام
از جهت نزدیک بدن بقبور ... بشناخت از نزدیک بیشتر و قوی تر باشد از شناخت از دور

... بیان آمده که این مشاهدت در ایام ... بیشتر است از جزوی و لهذا زیارت
قبور درین وقت مستحب است و عادت سرور ... شریف همیشه اینست و در جوامع الکلم
منقول است که اگر کسی بزیارت قبور رود باید که چون بر دروازه رسد یکبار یا هفت
بار کلمه سبحان الله تا آخر بگوید و زیارت ... فاتحه یکبار با تسمیه و آیة الکرسی سه بار
و اذا زلزلت الارض یکبار و سوره الهکم التکاثر هفت بار و اخلاص ده بار
و درود سه بار و بقول بندگی خواجه نظام الدین قدس الله سره فاتحه و آیة الکرسی یکبار
و اخلاص دوازده بار و درود ده بار بعد از آن بنشیند و آنچه از قرآن یاد
داشته باشد بخواند و بر حضرت هفت بار طواف کرده تربت بکند و آنچه مطلب داشته باشد
التماس کند و گر نه ... نمود پس باز گردد و پشت بدان جانب نکند و در وقت
زیارت و در آمدن و در آمدن ... منتظر باشد که در خطوه کدام کسی در آید و کدام کسی
بیرون شد و در ... وجه ... دارد ... آواز بر آید
و در لطائف شاهی منقول است که چون از روضه بر آید بجانب قبور جمع کند ... بجوار شریف
انور رخ آورده بگوید السلام علی اهل الدیار من المؤمنین و المسلمین و یرحم الله المستقدمین
منا و المستاخرین و انا ان شاء الله بکم للاحقون یکبار و اللهم اجعل ثوابها جمیع ...
الزیارات یا ارحم الراحمین یکبار در مخزن الفوائد منقول است که هر چند رجوع ... ارباب
خود با عتبارات و اضافات ... مرده ... مانند
چنانکه مشک را از نافه ... مقام مضاف ... باقی مانند
و از انجا ... که گفته اند ... بعد از ... [illegible]

نیز درین صورت چون زایر برسوخ عقیدت و وثوق اعتقاد لوازم
حرمت بر آئین نیکو بزیارت مزار کرامت آثار بتقدیم رساند روح پر فتوح صاحب
قبر حاضر گردد و در حین صفای نیت و صدق اعتقاد و به نسبت حال زایر امداد و
اعانتی مینماید و به تحصیل سرمایه سعادت و انحصار مواد مساعدت خاطر متکر و اگر گاه
احیانا نوعی در تقدیم لوازم آداب تفاوتی بظهور آید هر آینه زایر معرض عتاب گرفتار
گردد چنانچه سید علاء الدین جیبوری روزی بزیارت شیخ الاسلام خواجه قطب الدین
رفت نزدیک تربت شیخ نشست و از درون آوازی برخاست ای سید
بنشین اگر ما زنده باشیم تو پیش صفت تو ای نشست مجرد شنیدن این سخن برخاست
بر حالتیکه دور نشست و در آداب سعی نمود که چون بر خاک اولیا بگذری باستمداد
ایشان همت طلب میدارد بر کنار و متعقفان [illegible] تا توانی از طلب دنیا
هرگز بآنکه نیازی دو دولت بر سر خاک ابو الحسن و شیخ معرفت واز حق تعالی دنیا بخواست
آن شب ابو الحسن را در خواب دید گفت ای درویش چون بر سر خاک چو اجلان رو
در مرات الاسرار منقول است که چون احوال اهل قبور پوشیده و مخفی است یعنی معلوم
نیست که در ایشان شقی کیست و سعید کدام است و اما حقیقت ضمیر عالم است
یا جاهل یا ناقص است یا کامل و شاید که اسم او در اسماء اولیا و رسول او باشند
درین صورت بایستی ادب و حرمت اهل قبور در همه اوقات بر همه کس لازم دیا لکن حرا
بلکه از اسانید و [illegible] فاتحه و فواید و تکلمات [illegible] انجام توفیق الله
لنا و لکم مقصود ازین درج و بنای کتاب که مشتمل است در تاریخ از تواریخ مشهور تمام

[illegible]

ات لعده که این شناخت در [illegible] روز بیشتر است از خزان ولهذا زیارت
ساحی حیند اعراس این حضرات عالی درجات انعقاد بعموم ارواح اولیا که امم مشایخ
عظام بطریق استمرار دوام است باید که اگر سیر تاریخ وصال و عرس ولی از اولیاء الله
که بزمان سابق باشد یا حال و یا آینده واقف شود خواه از کتاب یا روایت درین
اعراس نامه که مسمی بمخزن الاعراس است بر محل آن ثبت فرماید تا به بشارت حدیث
النبوی صلی الله علیه وسلم من سن سنة حسنة وله اجرها واجر من عمل بها مولف الکتاب
هم از اجر و ثواب نصیبی و حظی یابد بعون الله تعالی این نسخه متبرکه شریفه باستنباط چند
نسخه معتبره چنانچه اعراس نامه مولف شیخ شرف الدین مذکور که از کتاب خانه عالی قدوة
الواصلین حضرت شیخ نظام الدین قدس الله سره العزیز بتاریخ چهارم ربیع الاول سال یکهزار
و یکصد و بیست و هشت هجری حسب الارشاد حضرت شیخ قدس سره بتبرک بهم رسیده بود و من البلاد و نسخه
از بلد مبارک گجرات و یک نسخه دیگر از اورنگ آباد که هم رسیده بود در ایام که محب درویشان معتقد
معتقدان انور الدین خان بهادر اعزه الله تعالی بعز قبوله در سلک نظام الملک نیاز آصف جاه
بتاریخ پنجم شهر شوال المکرم سنه یکهزار و یکصد و پنجاه و شش من الهجرة النبویه جمع شد و باتمام رسید
الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی سیدنا و نبینا محمد افضل المرسلین وعلی آله
واصحابه وسلم

ربیع الاول

وفات حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وسلم از سفینة الاولیا [illegible]

شیخ [illegible] بن احمد [illegible] رحمه الله [illegible] مرقد [illegible] از کلدار ابرار

شاه حبیب محمد قادری رحمه الله

سید راجن والد سید میران جیو از اولاد سید جعفر [illegible] مرقد در حیدراباد

سید صدر الدین محمد غوث بن سید جلال [illegible] قدس الله [illegible]

شاه نعمان [illegible] قدس الله سره و خلیفه محمد [illegible] در [illegible] مرقد [illegible] از کلدار ابرار

سید [illegible] شیخ برهان [illegible] از شیخ محمد غوث [illegible] محمد [illegible] شیخ محمد غوث [illegible] بجراه

امام محمد مهدی بالله

سید محمد عطا قادری رحمه الله در سال [illegible] مرقد در بجراه از کلدار ابرار

شیخ محمد بن [illegible] رحمه الله

سید حسین بن سید محمد [illegible] رحمه الله قبر در [illegible] احمداباد گجرات

شیخ نظام نارنولی رحمه الله

شاه شیخن [illegible] خلیفه [illegible] در سال ۱۱۵۱ [illegible] سلسله [illegible] از اولاد و خلفای ایشان [illegible]

شاه نعمان از [illegible] سید نظام الدین [illegible] که از خلفای شیخ نظام الدین [illegible] [illegible]

میران سید علی محمد بن سید عبد الرحمن
بن سید محمد مدرس بیجاپوری قبر در
ناجیوره ارکات

۸

ابو عبد الرحمن المسور بن مخرمه
بن نوفل القرشی همشیره زاده
عبد الرحمن بن عوف از صحابه بود وقت
وفات آنحضرت صلی الله علیه و سلم
هشت ساله بود ... در محاصره
که ابن زبیر را کرده بودند سنگ منجنیق
در حالت نماز از ریاحی المستطابه بدو رسید
اول ربیع الاول سال شصت و چهار

نهم ربیع الاول

تولد حضرت رسالت علیه السلام ... الکعبه
نهم ... با سبع ... از ... اللاولیا

شیخ رکن الدین بن شیخ فرید الدین رحمة الله

خواجه حسن مرید خواجه حسن بصری قدس الله سره
... و قبر در بصره

شیخ عبد الحی رحمة الله

نور الدین عبد القادر الحکیم طاوس ... رحمة الله

امام الجلیل الحافظ محمد بن علی التمیمی
المازری المالکی رحمة الله روز دوشنبه
سال پانصد و سی و شش از تاریخ ...

از اولاد سید احمد کبیر جلال سید جلال
بزرگ که جد سید جلال مخدوم جهانیان است

امام حسن رضی الله تعالی عنه

خواجه موسی بن زید خلیفه خواجه اویس قرنی قدس الله سره

شیخ عبد الحی بن سید وجیه الدین گجراتی رحمة الله
قبر در احمدآباد

سید محمد شریف بن حاجی عبد الوهاب بخاری رحمة الله

سید غیاث الدین رحمة الله سنه ۱۰۱۸

ابوبکر محمد بن عبد الباقی بن منصور البغدادی
الدقاق المعروف به ابن خاضبه رحمة الله قدوه
علم حدیث بود در سال پانصد و بیست و پنج از
تذکرة الحفاظ الذهبی

نعوت حضرت سید عالم صلی الله علیه
وآله وصحبه وسلم از سفینة الاولیا

خواجه بهاء الدین نقشبند قدس الله سره
شب دوشنبه در سال هفتصد و نود و یک مرقد
بخارا تولد در ماه محرم سال هفتصد و هژده عمر شریف
هفتاد و سه سال کبرا از نفحات و رشحات و سفینة الاولیا

شیخ معروف [illegible] رحمة الله علیه شیخ [illegible]
[illegible] در سال [illegible] وفات قبر در مدینه منوره مولد
و مزار از [illegible]

سید یحیی [illegible] خلیفه مخدوم جهانیان قبر [illegible]

میان شاه علی [illegible] خلیفه قطب عالم
قدس الله سره [illegible] تحقیق رسیده

شیخ فرید مرید سید محمد شاه بخاری رحمة الله [illegible]
در سال [illegible] وفات [illegible] در لاهور
از شطحیات دار الشکوه مسمی به حسنات الاولیا

خواجه فضیل عیاض قدس الله سره در
سال یکصد و هشتاد و هفت قبر در مکه معظمه
از خزینة الملک [illegible] الطالبین
و خوارقات

شیخ رضی الدین علی لالا [illegible] الدین
کبرا در سال ششصد و چهل و دو [illegible] نفحات
و سفینة الاولیا

ملک حبیب الله بن ملک عبد اللطیف [illegible] رحمة الله
قبر در [illegible] گجرات

السید المؤید سید علی پدر سید جلال [illegible] رحمة الله

شیخ فرید [illegible] از اولاد گنج شکر رحمة الله

خواجه [illegible] رحمة الله از خوارقات قدس الله سره

شیخ ابو محمد صالح دکالی مغربی قدس الله سره

میان سید محمود [illegible] رحمة الله بن [illegible]
سید یعقوب [illegible] قبر در گجرات

مولانا ضیاء الدین [illegible] رحمة الله

عبد الرحمان [illegible] رحمة الله

سید محمود [illegible] رحمة الله

میان شاه علی خطیب خلیفه قطب عالم [illegible]
سره قبر [illegible] احمد آباد

امام حسن عسکری در سال دویست و شصت بعد از هجرت در جهل و نش رحلت یافت و ولادت او در سال دویست و سی و دو بود و ده ساله بود که در ماه شعبان ... و بروایتی در پنجم رمضان ...
... جعده بنت الاشعث ...

ابو عبیده الجراح صحابی از عشره مبشره رضی الله

سید جعفر ... بن امام علی النقی رض

خواجه ... نقشبندی قدس الله سره در سال هزار و چهل و شش روز چهارشنبه ... از سفینة الاولیا

... قدس الله سره

شیخ ... قدس الله سره در سال ششصد و ... امام محی الدین ...

شیخ شمس الدین محمد بن محمد الجزری رحمه الله ... در سال ... و در شیراز عمر ... از طبقات ...

امام ابو یوسف شاگرد امام اعظم

سید ابراهیم ... رحمت الله

سید محمد بن سید ... رحمت الله

شیخ اوحد الدین کرمانی قدس الله سره

بروایتی امام حسن عسکری روز جمعه ... و بروایتی ... از سفینة الاولیا و در تاریخ یافعی ... سال و وفات در سال ... چهار نوشته

بروایتی سید عبد الله بن علی اکبر

شیخ عبد اللطیف قدس الله سره قبر در دولت آباد برهانپور

شیخ ذکریا

سید ... شاه ... قادری ...

سید خلیل عارف بالله ...

عبد الله بن شیخ بن عبد الله العیدروس المشهور ... قدس الله ... در سال ... و ... قبر در بندر سورت سید علوی ... نوشته

تاریخ الالف

امام مالک در سال دو صد [illegible]

شیخ منتجب الدین از زرزری قدس سره
الله مرید شیخ نظام الدین اولیا قبر
در دولتآباد که امروز بروضه مشهور است
از خادمان انجا تحقیق نموده

سید ابو القاسم عبد الرحیم بن عبد الرزاق
بن غوث الاعظم سید عبد القادر جیلانی
در سال ششصد دو [illegible] از تحفه القادریه
و لمحة الاسرار

شیخ سیف الدین باخرزی مرید و خلیفه
شیخ نجم الدین کبری قدس الله سره در سال
ششصد پنجاه و هشت قبر بخارا

شیخ میر الموری قادری قدس الله سره
در سه شنبه [illegible] ظهر در سال یکهزار و چهل
و پنج [illegible] و هشت سال قبر در
لاهور از سفینه [illegible] نوشته بوده

سید مبارک قادری قبر در گجرات قدس الله سره

خواجه محمد از مریدان شیخ نظام الدین اولیا
یک قبر از قبر شیخ منتجب الدین است که از زیارت
خادمان انجا خواجه محمد میگویند که [illegible] سعادت
و دیگر برادران [illegible] حق میشوند

شیخ ابو القاسم [illegible] قدس سره
در سال ششصد [illegible] قبر در [illegible]

و السید شاه [illegible] سید محمد الغوثی
سید محمد گیسو دراز [illegible]
[illegible] قدس الله سره [illegible]

مولانا شاه [illegible] حکیم [illegible]
خلیفه خاص شاه [illegible] عالم [illegible]
قبر در گجرات قدس الله سره [illegible]

حضرت شیخ جلال پانی پتی

شیخ فتح الله راجگیری مرید و خلیفه
شیخ نظام الدین امیتهی قدس الله سره
در سال [illegible] قبر در [illegible] راجگیر
تاریخ فتوح از اخبار الاصفیا

حضرت میر [illegible] و [illegible] شاه
حسینی [illegible] قدس الله سره و قبر مبارک [illegible]
[illegible]
تاریخ [illegible]
مشهور است

از حضرت [illegible] قدس الله [illegible]
قبر مبارک [illegible]
دروازه [illegible]
تاریخ [illegible] مشهور است

شیخ الهدیه [illegible] قدس الله سره [illegible]
[illegible] از اخبار الاصفیا

١٢

شیخ اسمعیل النجدی الشافعی رحمه الله
از اکابر شافعیه و صاحب عبادت بوده
در [illegible] دوشنبه در سال [illegible]
[illegible] از عقد الجواهر و الدرر

حضرت شاه [illegible] قدس الله [illegible]
مبارک در [illegible] قلعه [illegible]
[illegible] مشهور است

حضرت جلال [illegible] قدس الله [illegible]
مشهور است [illegible]
[illegible]

و حضرت میرزا رجب الله ... | حضرت میر ... قدس الله سره
قلعه را کجور ... سال ... در ماه | در روز ... مشهور ... است
رجب المرجب تاریخ ... مدفون است | دعوی ... تاریخ ... رحمة الله

در ربیع الاول

ولادت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و سلم از عینی شرح بخاری | امام حسن عسکری روز جمعه در سال ... شنبه ... در ... ولادت در ... در سال ... دو صد و دو ... از تاریخ ... و سفید

بروایتی امام الجلیل الحافظ محمد بن علی الیتیمی المازری المالکی در سال ... عمر هشتاد و سه سال از تاریخ ... | سید شرف الدین ... رحمة الله

شیخ عبد الوهاب متقی ... متقی | شیخ طیفور ... مخدوم جهانیان ... قدس الله سره

... شاه ... الله از اولاد سید محمد ... شاه ... بن شاه ... الله بن سید محمد ... در سال ... دوازده ... خوارقات | شیخ کامل عارف تاج الدین ... ابراهیم المالکی المکی ... در سال ... عقد الجواهر والدرر

... مدفون ... در ... سید احمد ... | حضرت سید ... قدس سره
حضرت شیخ ... قدس سره ... در مسجد جامع ... قلعه را کجور ... است | جامع ... را کجور ... است

در ربیع الآخر

امام حسن عسکری روز جمعه در سال ... از ... الوری | شاه غیاث الدین ... قبر ...

شیخ محمد معصوم سرهندی رحمه الله | شیخ محمد صادق بن شیخ احمد سرهندی

شیخ ... رحمه الله | شیخ ... رحمه الله

نبوت حضرت سلیمان [illegible] علیه السلام
از غیبی

شیخ ابو البرکات [illegible] قدس سره

سید تاج [illegible] محمد الرسول الله صلعم
روز شنبه [illegible] وفات [illegible] شد
بود [illegible] و ولادت در ماه
[illegible] نبوت [illegible] از غیبی
و بخاری

خواجه [illegible] قاضی حمید الدین
ناگوری قدس الله سرهما قبر در [illegible]

شیخ محمد [illegible]

خلیفه جمال الدین شیخ الاسلام [illegible] قدس سره

شیخ عبد الرحیم [illegible] سلیم چشتی
قبر در آگره قدس الله سرهما

شیخ عبد الله [illegible] از اولاد حضرت شیخ عبد القادر
جیلانی روز جمعه در سال [illegible]
[illegible]
[illegible] از سفینة الاولیا

شاه [illegible]
[illegible]
[illegible]
ارکات [illegible] مقبره [illegible]

سید محمد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

شیخ ابو الفتح [illegible]

امام مالک [illegible]
از ربیع الاول در تذکرة الحفاظ

امام حسن [illegible]
[illegible]
قبر در مدینه منوره از سفینة الاولیا و جمع الاولیا و
خزانة الجلالی

امام موسی علی رضا [illegible]

سید ابراهیم [illegible] قادری [illegible] قدس الله سره
قبر نزدیک مقبره [illegible]

شیخ [illegible] شیخ [illegible]
کان [illegible] قدس الله سرهما

سید فضل الله [illegible] قطب عالم قدس الله سره
قبر در گجرات

سید [illegible] شهید [illegible] گجرات

شاه عبد الرزاق رحمت الله

حافظ امام محمد ابو عبد الله الفضل بن [illegible]
المروزی المعروف [illegible] رحمت الله در سنه
[illegible] دو از تذکرة الحفاظ

امام مالک [illegible] بن ماجشون [illegible]
[illegible] ربیع الاول از تذکرة الحفاظ

۱۲ ربیع الاول

حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وسلم
روز دوشنبه وقت چاشت در سال
یازدهم از هجرت و لتوفی دویم ماه مذکور شب
چهارشنبه بیم شب یا سحر و لتوفی سه قول
اول اصح و لبعضی عشره دوم و لبعضی سیوم
اما بقول جمهور محدثان دوازدهم وقت
چاشت روز دوشنبه و دفن علیه السلام
چهارشنبه بود و ولادت آنحضرت
روز دوشنبه بعد از طلوع صبح صادق
و بعضی از طلوع روز

حضرت آدم علیه السلام

ام المؤمنین عائشه صدیقه رض

امام احمد ... چاشت ...
در سال دو صد و چهار ... در سال ... و هند
چهار ... شب ... گذشته بودند
از ربیع الاول ولادت در سال ... و ... در
و چهار ... در سال ... تاریخ ...

سید احمد بدوی مرید شیخ بزرگ
شاکر شیخ ابا نعیم خلیفه سید احمد
رفاعی قدس سره الله ... بود در سال ششصد
و هفتاد و ... شیخ ... قبر در ... از ...
توابع حضرات از ... الشوی

ولادت ... ربیع الاول ...
...
... ولادت ...

ابوهریره صحابی رض

بابا تاجره فرد ... نجات

شیخ ... بدر ... شاه ... در
مادر ... در سال ... و هفتاد و ...
او در ... در ... از ...
سید محمد ... با علوی

شیخ اسماعیل الله ...
شیخ احمد ... شیخ ... قدس سره

... توکل

شاه ... خواجه

شیخ بدرالدین ... خلیفه ...
... قربان ... مدفون

شیخ عبدالرحمن ... در ...
زیارتگاه ... الله ... است

ابوالقاسم ... عبدالله ...
المصر ... ابوذکریا ...
... در سال چهار صد و ... سنت روز
جمعه ... ربیع الاول سال ... و شصت و ...
از تاریخ یافعی

سید ابوالمعالی پیر شاه ...
... در قصبه ... در سال
۱۱۱۸ از مریدان سلسله ایشان شنیده

شاه ... خلیفه شاه ...
کبیره سید محمد گیسودراز از قبر در ... از ...

... ملکان ...
ماجده سید محمد گیسودراز از ...

شیخ محمد قادری دهلوی

سید ... از سادات ... در
سال ... در ... مشهور
و زیارتگاه ... در ... از شیخ

شاه جمال الدین ... سید جلال الدین
... از ...
... شنیده

ملا ... از فضلا ...
... در سال
... در سال ...

تولد با سعادت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و سلم

از عینی شرح بخاری

شیخ علاء الدین صابر خلیفه گنج شکر فرید

هم عم کلیر سرکار سهارنپور صوبه دهلی

شیخ ابو الفتح محمود بن ... خلیفه

قاضی عبد المقتدر و خلیفه شیخ نصیر الدین

چراغ دهلی روز جمعه در سال هشتصد ...

وفات و ولادت در ...

سال ... صد و ... از اخبار الاخیار

شیخ علاء الدین علی بن احمد صابر ... امام

موسی علیه السلام و مرید و خلیفه شیخ فرید الدین

گنج شکر در سال ... و قبر شریف در موضع

کلیر سرکار سهارنپور صوبه دهلی ...

...

شیخ عبد الغنی بن شیخ عبد القدوس ...

گنگوهی از گلزار ابرار

۱۴ محرم ... سید ...

شیخ حسین ... قطب ...

روسی قدس الله اسرارهما

شیخ جلال بابا ... در سال ...

و ... مرید شیخ شمس الدین ترک پانی پتی

مرید شیخ علاء الدین صابری مرید شیخ فرید الدین

گنج شکر

شیخ احمد ... بابا قدس الله سره

ابو الفضل جعفر بن ...

الفضل بن جعفر بن محمد بن موسی ...

النوبت البغدادی المعروف ابن ...

از ثقات حفاظ و امام بود در سال ...

دیگر از کتاب تذکرة الحفاظ الذهبی

بابا ملک ... [illegible]

... محمد ... شاهپور گجرات ... [illegible]

تولد حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و سلم

خواجه حسن بصری رضی الله عنه در سال ...

از مجمع الاولیا

سید محمد گیسو دراز ... مرید و خلیفه خواجه نصیر الدین

چراغ دهلی ... در ...

سال هشتصد و بیست و پنج و ولادت در

سال هفتصد و ... در ...

نفس ... از کتب ...

شیخ بابا ... در

سال ... و قبر ... موضع

...

از ... دارا شکوه

ابو الفضل عباس بن حمزه النیشاپوری

قدس سره صحبت داشته با ذو النون مصری

و ... در سال دویست و ... وفات

از نفحات

... بن حنبل رض

شیخ ... قدس الله سره در سال ...

وفات ...

محمد بن طاهر ... ابن القیسرانی

ابو الفضل المقدسی رحمت الله حافظ عالم ...

بوده روز جمعه در سال پانصد و ... از تذکرة الحفاظ

ابو عبد الرحمن عبد الله بن ...

... المصری رحمت الله در سال ...

وفات از تذکرة الحفاظ

سید عبد الله ...

الفضل ... [illegible]

... [illegible]

سید محمد ... [illegible]

مرید ... گردید

~~حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و سلم~~

~~خواجه قطب الدین بختیار اوشی [illegible] دوشنبه~~
چهاردهم ربیع الاول سنه ۶۳۳ قبر در دهلی [illegible]
سیر الاولیا و اخبار الاخیار و سیر العارفین [illegible]
و در لطائف اشرفی نوشته که [illegible]
خواجه روز دوشنبه چهارم ربیع الاول عمر وی
پنجاه و دو سال

~~ملک العلما میان جلال الدین میان~~
محمد عرف میان بهورا رحمه الله

~~[illegible] حسن [illegible] محمد~~
المعروف بکلینی رحمه الله امام علامه حافظ
الکبیر [illegible] اولاد [illegible] کلینی بوده در بیست و چهارم سال
سه صد [illegible] از تذکرة الحفاظ الحدیث

~~سلطان محمود بن لطیف شاه شهید رحمه الله~~

~~شیخ رکن الدین احمد فرزند و خلیفه [illegible]~~
شیخ یحیی چشتی [illegible] شکسته وفات
در سال یکهزار و یکصد و پانزده و ولادت در سنه
یکهزار [illegible] و عمر پنجاه و شش سال مدفن
مسجد [illegible] در گجرات [illegible]
الشان شنیده

~~امام مالک [illegible] قول [illegible]~~
چهاردهم ربیع الاول [illegible] از تذکرة الحفاظ

~~شیخ حسن محمد [illegible] قادری رحمة الله علیه~~

~~شهید الدین مسعود [illegible]~~

~~شیخ سعد خیرآبادی در سلسله چشتیه~~
[illegible] سال نهصد [illegible]
[illegible] نقشبندی [illegible] یکصد [illegible] سال
قبر در خیرآباد [illegible]
[illegible] از ملفوظات شیخ [illegible]

~~شیخ ابو المعالی قادری لاهوری قدس الله سره العزیز~~
[illegible] در سال یکهزار [illegible] در لاهور ولادت
روز دوشنبه دهم ذی الحجه سال نهصد و شصت
[illegible] تحفة القادریه [illegible] الاولیا

~~مولانا [illegible] رحمة الله~~

~~سید سلیم بخاری رحمة الله~~

~~سید محمد ولد سید [illegible] رحمة الله~~

~~شیخ ابوبکر قادری [illegible]~~
[illegible] در سال یکهزار و یکصد [illegible]
[illegible]

~~شیخ ابو سالم [illegible] رحمة الله~~

~~ابو عبدالله محمد بن سلیمان الجزولی~~
مؤلف دلائل الخیرات از سادات حسنی
در سال هشتصد [illegible] و وفات [illegible]
بعد [illegible] سال از آنجا نقل کرده
در [illegible] دلائل الخیرات

~~شیخ قطب الدین [illegible] شاه [illegible] بخاری~~
بن قطب عالم بن سید محمود بن مخدوم
جهانیان قبر در احمدآباد گجرات

~~مولانا [illegible] رحمة الله~~

~~شیخ حسین [illegible] رحمة الله علیه~~

~~سید کمال [illegible]~~

~~شیخ شمس الدین [illegible] شیخ [illegible]~~
[illegible] از اولاد شیخ بهاء الدین [illegible]
[illegible] در سال نهصد [illegible] در لاهور [illegible]

… ربیع الاول

~~امیر المومنین امام حسن رضه~~

~~ابو القاسم نصر آبادی رحمه الله~~

~~شیخ زاہد … قدس الله~~
عالم … قدس الله سره در سال …
و … از نفحات الاولیا

~~شیخ بهاء الدین … قدس الله سره~~
در سال … از طبقات شاهجهانی

~~شاه … بخاری قدس الله~~ سره

~~میر سید ابوالعلی … رحمه الله~~
در سال … از خلاصة الاخبار

~~میر … اکبر … ~~
چهار … در سال …
در … از آنجا در بلده برهانپور آورده
مدفون … که ولادت و وفات
… سره

~~عبد الله عباسی رضه~~

~~شیخ محمد … رحمه الله~~

~~شیخ محمد … جهان … الفتح … قدس الله سره~~
در سال هزار و چهار … از گلزار ابرار

~~شیخ … عالم قدس الله سره~~
جامع … در گجرات

~~میان سید … قادری … رحمه الله~~

~~سید … ابوالفضل … قدس الله سره~~ روز چهارشنبه در سال … و نود و …
… در سال … در بلده …
کتاب …

… ربیع الاول

~~… در جلال آباد~~
~~محمد … ~~
… از اولاد … غوث الثقلین در سال
… شریف … وفات
… از اخبار الاخیار

~~خواجه حکیم سنائی قدس الله سره~~

~~شیخ … محمد اویسی رحمه الله~~

~~امام فخر الدین رازی رحمه الله~~

~~… محمد …~~
از سیر … محمد عباس …
… تاریخ …

~~امام احمد … شب … عشر~~
لیله … الثالث عشر
… دوازده …
از ماه ربیع الاول … بود از ماه …
از تاریخ … روایت

~~سید یعقوب حسینی … محمد …~~

~~سید داود … سید سلطان … سید …~~
… غوث الثقلین در سال … جلال
و … در بقره … جد خود از تحفه
القادریه … الاسرار

~~شاه عبد الرزاق … سید عبد الحق … رحمه الله~~

~~شیخ بایزید … وجیه الدین قدس الله~~

~~شاه شیخ … بخاری قدس الله سره~~

~~عبد الله بن امیر المومنین عمر … رضی الله~~

~~قدوة العلما محمد … ~~
الملک … در سال …
… ماه … سال …
… ربیع الاول روز … روایت
از تاریخ …

خواجه ابوالقاسم گرگانی از بالعیلن رحمه

شیخ رزق الله عم شیخ عبد الحق
دهلوی رحمت الله در سنه نهصد و هشتاد
و نه از اخبار الاخیار

شیخ علاء الدین عبد الملک بن عبد السلام
بن عبد الحفیظ حسینی قدس الله سره
در سنه یکصد و ... از عقد الجواهر
والدرر

شیخ زین الدین ... سبانی ... رحمه

خواجه عبد الملک ... رحمه الله

حضرت شاه شیخ سمیع الله عثمانی خلیفه حضرت
شاه ناظم قدس سره العزیز فرقد شریف
در حیدرآباد

خواجه ... علاء ... العیلن
... سره و مرید خواجه حسن بصری در
سنه یکصد و شصت و هفت

خواجه اسمعیل شامی رحمه الله

مولانا شمس الدین محمد بن مولانا
شیخ عیسی رحمة الله در سنه نهصد
و دو و وفات ... و هشتاد سال
از طبقات شاهجهانی

شیخ ابوالعباس احمد نهاوندی ...
مرید شیخ ابو عبدالله خفیف در سنه
سیصد و هفتاد

سید بدری بن سید بیار رحمة الله

شاه تقی قادری ... در سنه یکهزار
و یکصد ... و ۳۳ ... در ...
حیدرآباد دکن

حضرت امام حسن [illegible]

شیخ محمد [illegible] کاشانی خلیفه شیخ نظام الدین اولیا قدس الله سره

سید مصطفی بن سید یحیی بن شیخ [illegible] حسینی قدس الله سره قبر در [illegible] پور گجرات

شیخ حسن مرید شیخ جلال الدین [illegible] سره و خلیفه شیخ نظام بلخی [illegible] قدس الله سره

سید عبد القادر بن سید ولی قادری قدس الله سره

سید ولی بن سید [illegible] قادری رحمه الله

امام محمد [illegible] شیخ [illegible] قدس الله سره در سال [illegible] ولادت [illegible] شیخ [illegible] اولیا

خواجه احمد بن سنان عطار رحمه الله

شیخ ابو الحسن بخاری [illegible] در سال [illegible] وفات [illegible] قبر در [illegible] تبریز [illegible] رشحات

شیخ صلاح الدین [illegible] مرید و خلیفه مخدوم شیخ احمد کتو در سال [illegible] قبر در سرکهیج گجرات

شاه خواجه بن [illegible] رحمه الله

سید دولت بن سید یحیی بن [illegible] رحمه الله قبر در گجرات قدس الله سره

شیخ عبد الحق دهلوی [illegible] قادری قدس الله سره در سال [illegible] هزار [illegible] قبر در دهلی بر لب حوض شمسی

شیخ اسعد الله [illegible] شیخ عبد الحق دهلوی مرید شاه محمد [illegible] قدس الله سره [illegible] در سال [illegible] از اخبار الاخیار

شاه ابراهیم [illegible] در [illegible]

عبد الغنی بن عبد الواحد [illegible] رافع بن حسین بن جعفر حافظ و امام و محدث کثیر العبادت بوده [illegible] تذکرة الحفاظ

امام شیخ الاسلام محمد [illegible] زین العابدین بن محمد تاج العارفین بن ابو الحسن البکری الصدیقی [illegible] در سال [illegible] هزار [illegible] قبر [illegible] اجداد خود [illegible] الجواهر

نفیسی بن خضر خافی قدس الله سره

خواجه ... شیرازی ابدال العراقی

شیخ کلیم الله چشتی ... جهان آباد ... وفات

شیخ یحیی ... رحلت سنه یکهزار و ۳۳ ... گرفت

... در سال یکهزار و یکصد و چهل و او

عمر ... سال و ... سال قبر در ...

جهان آباد ... از ... شنیده

دفن ... در دولت ... از او

خواجه ابو ... ... رحمت الله

مولانا یعقوب شیرازی رحمت الله مقبره ...

... افاده بان ... کننده

ابو ... الحسینی بن محمد بن ... حلوانی

الصوفی ... قطبی الاندلسی رحمه الله المعروف

... امام حافظ باورع ... یافته

... را که باقی مانده بود در ربع الدول

... چهاره از تذکرة الحفاظ

میان شاه عالم ... الدین ...

خواجه ... رومی رحم

شیخ ... چشتی مرید ... قادر ... قدس الله ...

در سال ... قبر در ... برود ...

منزل در راه خواجه قطب الدین از ...

الاخیار

بی بی مریم دختر سید ... شاه

بی بی ... شاه زوجه داود الملک

شاه داول قبر در گجرات

رابعه العدویه در سال یکصد و ... شبان ... قبر در جبل قدس الشریف

شیخ جلیل محمد قادری ... خلیفه شیخ بهاء الدین ... انصاری ملتانی در سال ... هجری ... بازار ... بمولد ... از ... طبقات شاه جهانی

خواجه ابو عبد الله محمد بن ... سعدانی رحمت الله

خواجه ابو ... حسن طولانی رحمت الله

امام حمادی امام اعظم کوفی رضی الله عنه

خواجه محمد الواحدی از مریدان [illegible] شیخ الله علیه
مرید مخدوم جهانیان

شیخ تقی الدین دهلی بار [illegible] شیخ برهان
الدین غریب دوی از شیخ نظام الدین
اولیا در نماز عصر در سجده در سنه هفتصد و هفتاد
وقبر شریف در روضه نزدیک دولت آباد و کسی از
خادمان آنجا تحقیق شده ولی تاریخ
وفات از سر قبر نقش میشود

راجی رقیه بنت سید غیاث الدین
زمانی

عبد الدین سعید باقته الحصری رحمه الله
بلاد معظم روز دوشنبه در سنه یکهزار و هفتاد
و شش ولادت در مکه شرفه در سنه
یکهزار وسی از کتاب عقد الجواهر الدرر

ملا [illegible] شیخ محمد حسین [illegible]
قبر در تعلقه در سنه ١١٠٣
دهلی

٢٠٢

ابوذر غفاری صحابی رضی الله عنه

خواجه محمد الیمن مبارک شاگرد امام
اعظم رضی الله عنه در سنه یکصد و شصت و یک
و ولادت در سنه یکصد و نوزده

خواجه علی بن فضیل عیاض قدس سره

جلال الدین ابو الفیاض [illegible] محمد بن عبد الله
الجلبانی رحمه الله المعروف ابن الظاهری
شیخ و امام و محدث حافظ زاهد متقی بوده
در سنه هفتصد و نود و شش از تذکرة الحفاظ

ابو موسی اشعری صحابی رض

خواجه محمد ابو احمد قدس الله سره در ... روب الطالبین

شیخ ابو الحسن فارسی رحمة الله علیه

سید عبد الوهاب ... قدس سره

خواجه دولس رحمة الله علیه

محقق ملتجی ... در ولایت ... شده قبر ... است

شاه محمد رحمة الله ... سید محمد
طلوع ... ۲۶ ... [illegible]
مانده ... [illegible] ... محلی
ولایت قطب ... سجاده سید محمد
گیسو دراز ... [illegible]

شیخ ... [illegible]
امام ابی حنیفه ... [illegible]

خواجه ابو القاسم ... رحمة الله علیه

قاضی سید ... شاه عالم
گجرات ... قبر در گجرات

محمد بن طاهر المقدسی رحمة الله المعروف
بابن القیسرانی از حفاظ حدیث بوده در
سال ... یافعی

... بن عمر و اولاد ... رحمة الله ...
... [illegible] ...
یافعی

عبد ... زین العابدین ...
... الله از اولاد سید محمد گیسو دراز
از خواجه ...

خواجه ابو سعید ... رحمة الله

خواجه حارث محاسبی قدس الله سره در
سال دویست و چهل و سه قبر در بغداد

ابو بکر الفخاری قدس الله سره

خواجه عبد الله انصاری قدس الله سره
شب جمعه بیست و دوم شعبان میان نماز شام و خفتن در
سال چهارصد و هشتاد و یک [illegible] در سال [illegible] و [illegible] ماه
کم قبر در سمرقند از رشحات و سفینه

شیخ بهاء الدین شیخ روان قبر در ملکر که

میان کالا [illegible] و شیخ [illegible] میان کلدی
رحمت الله علیه

[illegible] شیخ محمد کاکو [illegible] شاه گدا
دین [illegible] که در لاهور [illegible] ده روز
چهار شنبه در سال نهصد و نود و هفت و عمر گی
نود و هفت سال قبر در لاهور [illegible] اخبار الاخیار

شیخ حمادی [illegible] قدس الله سره در [illegible]
با [illegible] و شیخ

سید مودود [illegible] سید احمد رحمت الله

شیخ محمد [illegible] بن شیخ محمد [illegible] آمده [illegible]
بعد از صحبتی در سال [illegible] و حصار ولایت [illegible]
[illegible] شریف [illegible] و چهار سال [illegible]
مدت [illegible] و در [illegible]
از اولاد و خلفاء [illegible] شنیده [illegible]
سلسله [illegible] از بزرگان خود معمول [illegible]

[illegible] والده شیخ [illegible]
قبر در [illegible] گجرات [illegible]
شنیده

سید بدر الدین [illegible] سید جلال الدین
متوکل قدس الله [illegible] در سال [illegible] و نود
هشت قبر در آگره المعروف به اکبر آباد [illegible]
لا اصفیا

[illegible] شیخ ژنده پیل

خواجه [illegible] قدس الله سره

[illegible] در سال [illegible]
و شیخ قبر در موضع داران تعلقه دمشق

شیخ محمود [illegible] رحمت الله علیه

سید بدر الدین [illegible] سید جلال متوکل
قدس الله سره در سال نهصد نود و هشت و ولادت
در سال [illegible] و حیات [illegible] قبر در آگره اکبر آباد
از کلاه ابرار

شیخ ابو الحسن [illegible] در دی [illegible]
رحمه الله [illegible] ابو الحسن [illegible]
[illegible] روز شنبه در سال چهارصد و پنجاه
و عمر [illegible] و شش سال [illegible] رساله که در بیان
[illegible] کتاب انوار شافعی [illegible]

[illegible]

شیخ ابو العباس [illegible] قدس الله سره

شیخ بهاء الدین [illegible] قدس الله سره [illegible]
سال [illegible] و هفت [illegible] از
نفحات قبر [illegible] در دیه حفاره

سید محمد رحمت الله علیه

سید محمود [illegible] رحمت [illegible]

ابو العباس [illegible] محمد [illegible]
اللاموی حافظ فقیه صالح بوده المعروف
به [illegible] در سال [illegible] و هفت از تذکرة
الحفاظ

غره ربیع الثانی

ام المؤمنین حضرت زینب در یازدهم
از هجرت قبر در بقیع از نفحات الاولیا

سید ابوالحسن شاذلی یکشنبه دوازدهم از هجره ۶۵۶

شیخ احمد جوزقانی قدس الله سره

خواجه مبارک ابن عبدالله ابن خواجه [illegible]

عرس خواجه حافظ نظام حسینی اتام

شیخ محمد حسین بن شیخ محمد [illegible]
یحیی المدنی از اقربای ایشان شنیده

شیخ برهان غریب مقبره در [illegible]
واره دولتآباد از خادمان آنجا شنیده

میر محمد افضل قبر در شاهجهان آباد

حضرت میر محمد افضل المستوفی [illegible]
نو از قبر در شاهجهان آباد

[illegible] یعقوب [illegible]
یکصد و شصت [illegible]

شیخ محمد [illegible] ابو احمد [illegible] البردو
در محله نو [illegible] رحمة الله

نجم الدین محمد المشهور المولانا [illegible]
کاکی رحمة الله در سال نهصد و شصت و یک
[illegible] از اخبار الاصفیا

شیخ زین برهان [illegible]

سید جلال [illegible] رحمة الله

سید احمد [illegible] قدس الله سره [illegible]
بهروج المدنی در مدینه منوره روز دوشنبه در سال
یکهزار و [illegible] از کتاب عقد الجواهر والدرر

حضرت ام المؤمنین ام سلمه رضی الله عنها در سال شصت
و یک در ماه ذی الحجه [illegible] عمر شریف هشتاد و چهار ساله
قبر در بقیع از سفینة الاولیا

سید ابو سعید خراز از اصحاب سید الطایفه
قدس الله سره شیخ جنید در سال دویست و هشتاد و شش
قبر در مکه

سید حاجی محمد بن سید یحیی بخاری از
اولاد حضرت قطب عالم گجراتی قدس الله سره

شیخ شرف الدین بن شیخ زکریا ملتانی ساکن قصبه
سرستی رحمت الله

مولانا فتح الله شیرازی از فضلا بود
در سال نهصد و نود و هفت از طبقات
شاهجهانی تصنیف محمد صادق دهلوی

خواجه حبیب عجمی مرید خواجه حسن بصری رحمة الله
در سال یکصد و [illegible] ماه وفات قبر در بصره

ابو بکر محمد بن علی کتانی از اصحاب سید
الطایفه قدس الله سره در سال سیصد و [illegible]
و دو قبر در مکه

شیخ ابو سعید گنگوهی سلسله چشتیه

سید احمد بن سید [illegible] قدس

مخدوم شیخ الهدیه خیرآبادی قدس الله سره
مرید و خلیفه شاه صفی سلسله چشتیه [illegible]
خیرآباد صوبه اوده از اولاد ایشان [illegible]

خواجه [illegible] شامی قدس الله سره
از اوصاف الطالبین

خواجه ابو یوسف چشتی قدس الله سره در سال
چهارصد و پنجاه و نه و مدت عمر هشتاد و چهار
سال قبر در چشت از سفینة الاولیا

خواجه [illegible] الدین [illegible] چشتی قدس الله سره

شیخ علاء الدین بن شیخ ابو الفتح قدس الله

سلطان احمد بادشاه گجرات رحمة الله

دقیق علی [illegible] رحمت الله [illegible]

خواجه محمد بن ابو احمد ابدال چشتی قدس الله سره
در سال چهارصد و یازده

خواجه اختیار الدین [illegible] شیخ [illegible] قدس الله سره

شیخ آدم [illegible] رحمة الله

شیخ ابراهیم خطیب قبر در [illegible] رحمه الله

ابوبکر عبد الله بن زیاد بن واصل النیشاپوری
رحمه الله الموفق ابن زیاد فقیه حافظ محمود
علامه شافعی [illegible] بوده بعراق در
سال سیصد و چهار از تذکرة الحفاظ

ربع الثانیه

سید جعفر زکی بن امام علی النقی علیه السلام

امام ابو یوسف [illegible]
در سال [illegible] و هشتاد و [illegible] از
اسماء الرجال منقولست

شیخ ابو الفتح بن شیخ الله داد ابادی
مرید سید محمود [illegible] سلسله [illegible] از
اولادان شنیده

ابو طاهر عماد الدین احمد بن محمد بن احمد
بن محمد بن ابراهیم الاصفهانی الجروانی
المعروف سلفی حافظ علامه شیخ الاسلام
بوده صبح جمعه سال پانصد هفتاد و شش از
تذکرة الحفاظ

سید ابو محمد حسن بن علی بغدادی قبر در [illegible]

جعفر بن نصیر بن محمد البخاری در سال [illegible]
و چهل و [illegible] قبر وی در شونیزیه بغداد از [illegible]
قبر سری سقطی

ابو صالح الحیاتی بن علی بن محمد بن احمد بن
جعفر البلخی رحمة الله المعروف [illegible] امام
حافظ کبیر بوده در سال چهارصد و چهل و [illegible] از
تذکرة الحفاظ

حضرت [illegible] ابدال [illegible]
در شکر سرکار

شیخ [illegible] علیهما السلام

مولانا شمس الدین تبریزی قدس الله سره

خواجه ابو محمد بن احمد بن محمد بن الحسینی الحریری
مرید شیخ جنید بغدادی در سال سیصد و دوازده

میر سید شریف جرجانی مرید خواجه علاء الدین
عطار در سال هشتصد و شانزده تولد وی در
هفتصد و چهل در قریه طاغو که از اعمال استراباد است
و عمر هفتاد و شش سال از طبقات شاهجهانی

ابو سلیمان احمد بن محمد بن ابراهیم بن خطاب البستی
الخطابی المعروف خطابی امام فقیه علامه محدث
بوده وفات یافته [illegible] بوده از
ربیع الاخر سال سیصد هشتاد و هشت از تذکرة الحفاظ

حافظ شیخ کمال مرید شیخ رکن الدین
[illegible] در [illegible]

منور [illegible] علیه السلام

شیخ عبد الکبیر [illegible] زاده شیخ جلال [illegible] رحمة الله

شاه میرانجیو شهید [illegible]

شیخ جمال الدین معروف شیخ جمن بن شیخ زین الدین
[illegible] زاده شیخ یحیی المدنی [illegible] طلوع الصبح
سنه یکهزار و یکصد و بیست و چهار ولادت در یکهزار و
شصت و [illegible] و عمر شصت و چهار [illegible] مدت
مشیخت [illegible] سال از برادران و خلفای ایشان
شنیده

شیخ یاسین الجلیانی رحمه الله در سال یکهزار و
شصت و [illegible] بمدینه منوره از عقد الجواهر
و اللآلی [illegible] تصنیف شرع

ربیع الاول

امام مالک وفاتش ... قبر در بقیع از سفینة الاولیا

قاضی فضل ... بخارائی رحمه

شیخ محمود ... شیخ یحیی مدنی رحمه الله در سال ... وحال قبرش در ... احمدآباد از اولاد ایشان ...

شیخ ابوبکر نساج از اصحاب شیخ ابوالقاسم گرگانی قدس الله سره

شیخ علی سنجری رحمه الله

سید ابراهیم ... رحمت الله قبر ... برهانپور

ربیع الآخر

۲۸

غوث الثقلین سید عبد القادر جیلانی رضی الله عنه از سفینة الاولیا

شیخ شرف الدین نوری خلیفه شیخ علاء الدوله سمنانی قدس الله سره

سید عبد الرزاق بن قطب عالم گجراتی قبر در گجرات قدس الله سره

شیخ فرید اهل علم گجراتی قبر در ... [illegible]

ابو عبد الله محمد بن ابی المعالی السعید محمد بن عباس بن حجاج اللاهلی الواسطی الشافعی رحمه الله المعروف ... حافظ ثقه صاحب دیانت بود در سال ... وفات از تذکرة الحفاظ

سید عبد الرزاق بن سید عبد الوهاب جیلانی

شیخ عبد الکریم ... شاه ... الدین ... قدس الله سره

سید حامد ... قطب عالم ... در گجرات قدس الله سره

شیخ برهان الدین بن خواجه محمد معلم صبیان رحمه الله

غوث الثقلین سید عبد القادر جیلانی

از سفینة الاولیا

شیخ الاسلام شیخ عبد الله انصاری [illegible]

محمد ابو المنصور محمد الانصاری در سنه [illegible]

و هشتاد و یک ولادة روز جمعه وقت غروب آفتاب

نهم شعبان سال ششصد و نود و [illegible] عمر

شریف [illegible] قبر در گازرگاه هرات

از سفینة الاولیا

شیخ سعید بخاری قدس الله سره

از مشایخ مشرق قبر در سنجار

شیخ علاء الدین انصاری اندری الدهلوی

به لادلی انصاری مرید شیخ نصیر الدین

چراغ دهلی ارادت و اخلاص و [illegible]

و خلافت از سید محمد گیسو دراز دارد از

ملفوظ سید [illegible] قدس الله سره سید محمد قبر در [illegible]

الله که [illegible] کرده از [illegible]

سید عبد الرحمن [illegible] سید [illegible] شاه [illegible]

سید راجو بن قطب عالم بخاری قدس الله سره

قبر در گجرات

بی بی عائشه والده حاجی [illegible]

قبر در روضه نزدیک [illegible]

غوث الثقلین سید عبد القادر جیلانی

از سفینة الاولیا

شیخ الاسلام شیخ عبد الله انصاری

مرید پدر خود ابو المنصور محمد الانصاری

در سال چهار صد و شصت و یک ولادت [illegible]

جمعه وقت غروب آفتاب [illegible] سال

سال [illegible] صد و نود و دو [illegible] عمر شریف [illegible]

و هشت سال قبر در گازرگاه هرات از

سفینة الاولیا

شیخ سعید بخاری قدس الله سره

از مشایخ مشرق قبر در سنجار

شیخ علاء الدین انصاری اندری الدهلوی

به لادلی انصاری مرید شیخ نصیر الدین

ارادت و اخلاص و خلافت از سید محمد

گیسو دراز از ملفوظ سید [illegible] الله سره

سید محمد قبر در [illegible]

سید عبد الرحمن بن سید [illegible] شاه

بن سید راجو بن قطب عالم البخاری

قبر در گجرات

بی بی عائشه والده حاجی [illegible]

قبر در روضه نزدیک [illegible]

ازین جمله سید ... مرید و خلیفه مخدوم
جهانیان قدس الله سره مقبره در موضع ...
که متصل بلده قنوز

قاضی تاج الدین رحمة الله علیه

سید عطاء الله ... رحمة الله

سید سکندر ... قبر در ...

سید ... سید اسحاق ...
سلسله ایشان از شیخ بهاء الدین ...
دهلوی قبر در ...

شیخ عزیز الدین ... قبر در ...
دکن

سید ابو یوسف و سید ابو بکر ...
... قدس الله سره ...

قاضی شیخ ... سید تقی رحمة الله

سید محبوب ... رحمة الله

شیخ ابو الفضل بغدادی ... رحمة الله

حسن شاه ... سید شاه محمد رحمة الله
مرید پدر خود از اولاد سید محمد گیسو دراز
نورعات

۳

سید محی الدین بن عبد القادر ...
بعد از زمان رحلت ...
قبر ... تاریخ ...
... تولد وفاتش ...
۱۷۱

ایشان ... امام ...

میان حسن محمد رحمة الله

شاه حسن ... مرید و خلیفه شاه
... رحمة الله سلسله
...
...

سید عبد ...
...

سید عبد القادر رحمة الله ...
حضرت غوث الاعظم ...

... عارف ... سید عالم

شیخ ... شیخ احمد ...
جونپوری رحمة الله مرید ... سید نور ...
...
در ... جونپور

شیخ محمد الدین ... [illegible]
در ایام سه صد و ... ولادت
در شب ... [illegible] ... در ...
شیعه ... از فقرا ... [illegible]

شیخ زمان الله بابا ... قدس الله سره
سلسله ... در ایام ... [illegible]
قبر در ... از اصحاب الله ...

شیخ عبدالرزاق ... قبر در قصبه ...
در ایام ... سلسله ... [illegible]

مولانا ... رحمت الله

سید صبغة الله ... سید محمد ...
... [illegible]

قاضی محمود عباسی ... [illegible]
در ایام ... [illegible]

شیخ الله بخش ... رحمت الله ... [illegible]
... [illegible] ابرار

شیخ نظام الدین ابوالموید مقبره در ...
مقام خواجه قطب الدین ... [illegible]
مبارک ... [illegible]

شیخ علاء الدین رحمت الله

... رحمت الله از اولاد ...
مقبره ... [illegible]

سید ابوالحسن خادم الفقرا ... شاه
... سید ... الله ... شاه
... در ... بود

سید اولیا از فرزندان ... [illegible]
مشهدی قدس الله سره

قاضی محمود بن محمد بن شیخ احمد عارف

[illegible] قدس الله سره مرید پدر خود

و پدر مرید شاه عالم [illegible] دهلوی [illegible]

[illegible] از [illegible] الله [illegible]

اصطفیه

شیخ عبدالغنی بن شیخ کبیر ناگوری قدس سره

شاه تاج الدین بن شاه یوسف قدس الله سره

شیخ احمد بن علی بن احمد الشیرازی الصوفی

قدس الله سره نسبت [illegible] در

احمدآباد گجرات مرید سید عبدالقادر بن سید [illegible]

از عقد الجواهر

سید نور الدین مبارک [illegible]

خواجه خضر پاره دوز رحمة الله

شیخ عماد الدین بن شیخ [illegible] عماد الدین [illegible]

[illegible] قدس الله اسرارهما

سید ابو الحسن [illegible] شاه [illegible]

[illegible] قدس الله سره

[illegible] محمد [illegible] رحمة الله

شیخ شرف الدین ابو الفضل محمد البخاری

رحمة الله

خواجه ابو [illegible] قدس [illegible]

[illegible] الجلابی

قاضی [illegible] رحمة الله

قبر در گجرات احمد آباد

سید محمد از سادات [illegible]

[illegible] عشر [illegible]

[illegible] قدر در

معلا [illegible] ام المومنین خدیجه الکبری

ولادت [illegible]

[illegible] در [illegible]

[illegible] یافته

۵ ربیع الثانی

شیخ علاء الدین المشهور بعطار
قدس الله سره در سال هشتصد و [illegible] وفات
مقبره وی در [illegible]
[illegible] ابرار

شیخ محمد [illegible] کبروی قدس الله سره

سید [illegible] در سال هشتصد و [illegible]
[illegible]

سید محمد [illegible] بن شاه [illegible]
[illegible] رحمة الله

[illegible] امام حسن بن علی المرتضی رضی الله عنهما
در سال [illegible] و دو از جمع اولیا

شیخ بدر الدین سمرقندی مرید شیخ
نجم الدین کبری خلیفه شیخ سعد الدین
باخرزی قدس الله سره [illegible]

خواجه صالح مرید [illegible] رحمة الله

عزیز [illegible] شاه محب الله [illegible]
فتحی سلسله قلندریه مقبره در [illegible]
از مریدان [illegible] شنیده

سید حامد بن شاه [illegible]

۱۶ ربیع الثانی

شیخ عثمان [illegible] مرید [illegible] الدین
سهروردی قدس الله سره

خواجه [illegible]

ابو سلیمان احمد بن محمد بن ابراهیم بن
خطاب البستی الخطابی المعروف بخطابی
رحمة الله امام [illegible]
در سال سیصد و [illegible] از تذکرة
الحفاظ

شیخ ابو القاسم [illegible] مرید ابو علی
قدس الله سره در سال چهار صد و [illegible]

سید صدر الدین راجو قتال رحمة الله

تاریخ سبع الثانیه

حضرت شاه ... قدس سره
از سفینة الاولیا

شیخ عبد الغنی بدر ...
که سند مصافحه بسه جا بوالده ... رسیده

سید محمد مدینه گنبد ... تو
... کول ... از اولاد ایشان
در بلده ... که متصل بلده جبر
صوبه ... کار

سید احمد ...
در ... دیگر قبر در ...

... ابو ... رحمة الله
امیر صدر الدین عبد الله ...
شیراز ... در سنه ... از مجمع الاولیا

شیخ جمال الدین محمد بن علی ابو الخیر
قدس الله سره ... منصور بن احمد آباد
... در ...

شیخ احمد بن علی بن عبد الرحمن
بن محمد ... الحضرمی قدس الله
سره بمکه ...
... در ... الجوری والدار

مدارج الثانیه

... شیخ نظام الدین اولیا
... وقت
چاشت ... سنه ...
وقت ... در سنه ...
... در ... ولادت در
... در سنه ...
... عمر ... از سیر الاولیا و
اخبار الاخیار و ذکر العارفین و سفینة
الاولیا و خزانة الجلالیه

شیخ ابراهیم ... فوائد الفواد مرید
و خلیفه شیخ نظام الدین اولیا قدس الله سره

... سید جلال ... بن
شاه شیخ ... محمد بن قطب عالم ...
... در سنه ...
... سنه ... ماه

شیخ حسن ... رحمة الله

... قاسم

شیخ ... الدین ... بدر ... بالا
... قدس الله
صحیح ... سنه ... از مناقب
الاولیا و ثواقب المناقب

شیخ بایزید مرید سید ... الدین ...
... قدس الله سره ...

شیخ ... الدین خلیفه شیخ شهاب الدین سهروردی قدس الله سره ...

مولانا یوسف ... قاضی ... قدس الله سره

شیخ ... الدین قتال قبر در ... آباد
قدس الله سره

تاریخ الثانیه ٤٥

امام المحدثین ... محمد ...
... رحمة الله

امام ... بن ...

... شاه ...
... رحمة الله

سید ... شاه عالم ... قدس الله سره

... شیخ ... رحمة الله
مرید و خلیفه سید ... گیسو دراز
از رساله که یکی از مریدان ...
بیان اعراس ... و حاضر ... سید ...

شاه ... الدین مرید و خلیفه ...
خدا ... رحمة الله که در ... بوده
... مقبره در ...
... قریه ... سلسله
... از ...

شاه ... عالم ...
قبر در احمد آباد ... رحمة الله

... سید محمد گیسو دراز
رحمة الله ... در سنه ...
... و ... از رساله که از مریدان
ان در بیان اعراس ... قبر در
... گرگه

سید ... بن عبد الرحمن ...
محمد ... رحمة الله ...
چهارشنبه سنه ... در قبر
در بلده ... از ...

شیخ ابراهیم بن ... الدین ... قدس الله سره
مرید و خلیفه و داماد شیخ ...
در سنه ...
سید ... شیخ ...
نوشته

امام محمد سماک رحمه الله

میر علی ... رحمت الله در سال ...
شصت و ... مرقد لاهور ...

سید جلال الدین ... شاه ...
رحمت در سال یکهزار ... هفت ...
در ... آباد ... از ... در ...
شنیده

شیخ قطب الدین ابو المودود ...
بن ابراهیم ... رحمت الله

میر بزرگ از اولاد سید امیر جلال
رحمت الله

مولانا خواجه محمد ... رحمه الله

سید ... بن شاه لطیف محمد
بخاری رحمت الله

میان عبد المجید ... رحمت الله ... مولانا
اعتماد ... فرد در گجرات

سید شاه ... الله قادری ... شاه
ولی الله رحمت الله مقبره در ...
در ... از شاه ... شاه
ولی شنیده

۸۶

شیخ ... قدس الله سره

شیخ محمد بن ابراهیم ... رحمه الله

شیخ عبد السلام ... رحمه الله

ملک قطب خلیفه شاه ... در
احمد آباد

ابو الحسن ... رحمه الله
المعروف ... بسیار ...
... از ربیع الاول ... پانزده از ساله
بیان ... شافعی ...

سید زین بن الحامد بن عبد الله بن
عباس ... الوسط جعفر ... در سال یکهزار
و ... در ... از سید عبد الله
جعفر ... شنیده

حاجی صالح کشمیری رحمت الله از ...
مریدان و مقبولان شیخ ... لاهوری
بعد از وفات ... چهار روز
در سال یکهزار و چهل ... فرد بابا
... خود از سکینة الاولیا

سید حسن بن ... بن محمد ...
قدس الله سره روز جمعه ...
مانده بودند از ربیع الاخر سال ...
هشتاد و نه ... از ...

عالی [illegible] عالم
گجراتی قبر در تاج پور گجرات

شیخ محیی الدین ابن العربی قدس الله سره
شب جمعه در سال ششصد و سی و هشت [illegible]
بجنبه دمشق ولادت شد در [illegible] شنبه هفدهم
رمضان سال [illegible] شرکت او [illegible]
للاولیاء والطائفه شریف و [illegible] الاولیاء

شاه نور الله نقشبندی رحمة الله در
سورت بندر :

شیخ ابو الحسن بن علی خوارزمی رحمة الله

خواجه عبید الله احرار رحمة الله

شیخ کمال الدین حسین بن شیخ حسن [illegible]
رحمة الله شیرازی در سال [illegible]
از اخبار الاصفیا

ابو محمد عبد الله [illegible] بن اسمعیل بن
محمد [illegible] البغدادی المورخ
[illegible] فاضل و امام و علامه
و حافظ و محدث و شیخ بغداد
بوده دوازدهم ربیع الثانی بیمار شد
و بعد یازده روز ازان وفات یافت
از تذکرة الحفاظ

شیخ احمد البغدادی قدس الله سره قریب
[illegible] در [illegible] قریب [illegible]
از [illegible] نوشته

شاه [illegible] مشهور شاه قبول الله
[illegible] سید محمد صوفی شهید محمد گیسو دراز [illegible]
[illegible] صدر [illegible] روز چهار شنبه در
سال [illegible] ولادت [illegible]
گلبرگه [illegible]
[illegible] که از [illegible]

سید [illegible] رحمة الله
شیخ محمد حسینی روز دوشنبه [illegible]
[illegible] قبر در گجرات

سید [illegible] حسینی رحمة الله

سلطان محمود غازی [illegible] از
تاریخ فرشته

عرس مولانا بهاء الدین [illegible]
گیسو دراز رحمة الله از رساله [illegible]
نامه که یکی از مریدان این سلسله نوشته

ربیع الثانی

شیخ ابو حفص حداد در سال دویست و ... وفات ... شیخ فرید ابو عبد الله باوردی

سید حسینی ... سید ... رحمة الله

برهان الدین ... رحمه الله

سید ابو بکر ... دختر شاه زاهد

محمد

سید حسینی ... شاه لطیف محمد بخاری رحمة الله

شاه ... و ... سید محمد گیسو دراز

روز چهارشنبه وفات ... سال ... و چهار ماه ... ماه

شیخ فتح الله ... رحمة الله ... عالم ... بود ... در ...

سید حسینی ... بن سید ... رحمة الله

شیخ ... در ... میانی مخدوم ... رحمة الله

خواجه عمر بکر رحمة الله

حاجی شیخ احمد عاشق صادق رحمة الله

احمد بن ... الحسینی ابو ... السلمی ... البخاری از اقران بخاری ... و ... که ... بود ... ماه ... سال ... دو صد و دوازده ... شرح بخاری

... ربیع الثانی

شیخ عبد ... عثمان ... قدس الله سره

میان ... رحمة الله

شیخ ... عثمان رحمة الله

شیخ ... الدین ... الالهی

شیخ ... در ... سلسله او سید محمد گیسو دراز ... رسید ... سیوم سال ... و ... در ... و ... که ... بلده ... از اخیار الاخیار

... ابو المعالی ... المشهور به امام ... ابن الشیخ ... محمد ... بعد از ... در سال ... و ... عمر ... ساله ... کتاب ... شافعی

میان ... الله ... سید محمد گیسو دراز روز ... مولانا ... لام ... ملفوظ سید ... الله بن سید محمد ...

شیخ زین الدین ... غوث الاعظم رحمة الله

خواجه احمد ... رحمة الله

سید محمد خان ... رحمة الله

شیخ احمد ... رحمة الله

ملک سید محمد ... خلیفه شیخ محمد ... قبر در روضه پیر خود در احمد آباد

شیخ تقی الدین ابو عمرو ... المعروف ... ابن الصلاح رحمة الله امام بوده در فقه و حدیث ... در سال ... و ... در ... و ... ساله ... در ... شافعی ... الله

سید ... گیسو دراز ... ابن ...

خواجه کمال بن بابا دجلی قلندر شیبانی

خواجه محمود ارزنی در سال ... اکبر

شیخ ابو یوسف چشتی ابن امام وجیه ... شیخ محمد چشتی قدس الله سره

شیخ عطار محمد بن شیخ یونس علوی برادر سید وجیه الدین ... اوست

بیان عظمت الدین قاضی حماد علوی نبیره سید وجیه الدین فرد در یکه کنند کو تربت

شیخ فتح الله ... شیخ زید مقبول عالم سنه ۱۰۱۷

سید مصطفی ابن ... موسی بخاری رحمه الله

سید احمد جلبی ... رحمه الله

بابا رجب ... زاید

سلطان محمود سبکتگین

۳۹

شیخ یعقوب ابن ... در سال ... ولی و بچادر قبر در یکه قدس الله سره

محمد الخواص رحمت الله

شیخ ... محمد بن قاضی جالندهر ... نوری رحمت الله

محمد دوم شیخ سالار بن ... الدین رحمه الله در سال ... قبر در بلده کوره که الان بکوره جهانآباد مشهور است از اخبار الاصفیا

شیخ زین الدین دولت آبادی مرید شیخ برهان الدین اولیا از خرامه ... المدعو ازبت ... رحلت کردی بلده ... رنگ آباد خجسته بنای بالا ...

خواجه داود دهلاوی مرید شیخ علاء الدین قدس الله سره
در سال یکصد و بیست و دو نقوی تشریف
بغداد

خواجه احمد یونسی رحمة الله

مولانا محمد موسی موذن مسجد بتار رحمه الله

شیخ ابراهیم از اولاد خواجه حسین الکوزاتی قدس الله
المشتهر بزود المدینه مرید شیخ احمد الکاسی
شطاری روز چهارشنبه قبر در ورتیه از شیخ
راحت ابو القتوح دوازده که از خلفای ایشان
نبوده اند

شیخ محمد بن شیخ بلد ساتی الترکی

شیخ سلام دشتی ایشان عالم بوده
به فنون علوم بغیر روز جمعه در سال هزار
و هشتاد و هفت از عقد الجواهر
والدرر

شیخ احمد اسلم طوسی قدس الله سره

شیخ فرید مبارک عودی رحمة الله

شیخ ابراهیم کریم محبوب سلطان
مولانا موسی بخاری از اولاد قطب
عالم بخاری رحمة الله

سید محمد بن عبد الله المعروف شافعی
الحسینی در مکه مشرفه روز جمعه در سال یکهزار
سی و هفت از عقد الجواهر والدرر

شیخ عبد الله صدقه بن مسافر التقی
المکی قدس الله سره شب پنجشنبه در سال
یکهزار یکصد پنجاه در مکه معظمه از شعر
بذکر صدقه سید محمد الله قدس

سلطان الثارکی شیخ عبد الدین صوفی
الدهلوی مرید و خلیفه خواجه معانی الدین
چشتی در سال ششصد و هفتاد و سه فوت در بلاد
ناگور از اخبار الاخیار

سلطان داود خلیفه میان ولی الدین شاه رحمه الله

شیخ مجاهد الدین ابو الخیر رحمه الله

میان کلی شامی رحمة الله

شاه سید الله بن سید شاه محمد از اولاد
سید محمد گیسو دراز از خوارقات

عرس شیخ فرید الدین گنج شکر
سلطان الثارکی فرزند قتالی دهلی فرید
در راه مقام خواجه که بخانه حضرت یحیی
منزل واقع جهت منزل او بمنزله آنجا بود
مرید و خلیفه و صاحب سجاده جد خود

سید یحیی چشتی ابن سید ابو محمد حسینی در
پتیاله گجرات

خواجه ابوبکر در بلد رحمة الله

بابا لهو نشانی قادری رحمة الله

شیخ ابو الفارس قدس الله سره در سال
ششصد و سی و دو از سفینه در طائف

شاه یوسف الله رفاعی فرزند شاه شیر ابو العلو
بند سورت در سنه ۱۰۱۶

سید جلال بنیاد احمد رحمة الله

شیخ علی محمد زبیدی رحمة الله

خواجه خانون کولیام مرید علیه شیخ حسینی
ناگور خلیفه والد شیخ جلال و شیخ مرتضی گوپال
تولد در سال ششصد و پنجاه و هشت متولد شد
از اخبار الاصفیا

عرس سید علی الله بن سید محمد اصغر بن سید محمد
مسعود از اهل سادات که بگویند از بزرگان این
سلسله در بیان اعراس نوشته

شیخ عیسی متقی الحنفی القادری الشافعی
وفات سنه در سال نهصد و هفتاد و شیخ
عمر بن متقی بود در سال از اخبار الاصفیا
و سفینه ولادت در سنه هشتاد و شیخ

سید عبد القادر بن سید عثمان شاه بخاری
گجراتی رحمة الله

شیخ جلال الله ربانی رحمة الله

خواجه احمد بیر طوسی سلسله میران رحمة الله

عرس سید محمود بن سید محمد علی الله از اولاد سید محمد
گیسو دراز روز یکشنبه بیست و دوم در سنه
هفتصد و سی و هفت از خوارقات

رشید الدین ابو الحسن یحیی بن علی بن عبد الله
بن مفرج القرشی اللامی امام حافظ
مرقد در مصر در سنه ششصد و شصت و دو از
تذکرة الحفاظ

عبد القادر بن عبد الله محدث حافظ
و صالح و راه حیلی وفات یافته بحران
در سال ششصد و هشتاد از تذکرة الحفاظ

سید دیال بن محمد بن عبد الله رحمة الله

مولانا عزیز زاهد رحمة الله

مولانا عماد طارمی محمود در سال نهصد و پنجاه و
ذی‌الحجه قبر در احمدآباد گجرات

میان راجی بن شیخ داود چشتی رحمه الله

شیخ جلال الدین احمد غوری فقیر شیخ رضی الدین علی لالا سلسله کبرویه در سال [illegible] شهید گشت ذکر او در نفحات و سفینة الاولیا

شیخ عز الدین طاهر [illegible] رحمت الله

خواجه سید الجلیل بخاری رحمت الله

ابو عمر یوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر النمری القرطبی المعروف به ابن عبد البر رحمه الله امام و شیخ الاسلام حافظ مغرب بوده [illegible] در سال [illegible] ذکر او در تذکرة الحفاظ

سید محمد بن علوی رحمت الله از سادات حضر موت فرزند جد [illegible] از شیخ احمد [illegible] امام مسجد بیت الله صحیح بخاری شنیده

شیخ حسن سید [illegible] الحسنی [illegible]

مخدوم سید محمد [illegible] از سر محمدی [illegible] تاریخ حبیبی

شیخ احمد [illegible] رحمت الله

سید عبد الله بن [illegible] بن فقیه المقدم محمد بن علی [illegible] الثانی در سال [illegible] [illegible] به استجابة الدعوات [illegible]

شیخ الاسلام العلامه [illegible] محمد [illegible] رحمت الله [illegible] در سال [illegible] ان شاء الله

شیخ جلال الدین ابو المظفر عبد الصمد [illegible]

خواجه فرید الدین ناگوری [illegible]

شیخ تاج الدین ابو الوفا [illegible] عبد الله [illegible] خلیفه شیخ [illegible] عارف شطاری رحمت الله [illegible] در سال [illegible] و سیزده از کلمات ابرار [illegible]

خواجه ابراهیم [illegible] رحمت الله

خواجه ابو احمد بن رکن الدین [illegible] رحمت الله

شیخ علاء نور الدین [illegible] امام محمد زین العابدین [illegible] القادری المالکی رحمت الله [illegible] در سال [illegible] [illegible] الجواهر والدرر

در [illegible] پادشاه [illegible] حذف کرده اند

خواجه ضیاء الدین عراقی رحمت الله

سید ابراهیم بن محمد الطحاوی بن ابو القاسم بن
حسن بن علی بن ابی طالب رضی الله عنهم سنه سته
در سال ... از خط السیّد

میران سید تاج الدین جمال رحمت الله

مولانا حامد فضل الله رحمت الله

شیخ رحمت الله بن فارس بن محمد بن فارس بن ...
بن عریب الدهلی الشیبانی السید ... البغدادی
الدین حافظ و امام ... از تذکره الحفاظ

... جمیع الالوف

شیخ ابو الفتح عبد السلام البیضاوی رحمت الله

خواجه زاهد ... رحمت الله

سید شیخ بن العلی عبد الرحمن سقاف باعلوی قدس الله سره
... در سال ... مقبره ... در
مرحوم از کتاب ... تاریخ ... نوشته وفات

ملک ... ملک محمود ... رحمت الله ...
گجرات

مولانا راجا سالار رحمت الله

... جمیع الالوف ٤٣

خواجه ابو الحسن ... قدس الله ... الله
نه و پنج

سید علی بن سید محمود سید عبد القادر جیلانی قدس الله سره
... گجرات

شیخ سلیمان ... رحمت الله

مولانا برهان الدین کابلی رحمة الله

سید سیدان سید یعقوب ... رحمت الله

شیخ نعیم الدین لطف الله بن صنع الله الحنفی رحمت الله

سید علی ... شاه ...
رحمت الله

... المعروف ... سید محمد میر

میان خان ... رحمت الله

خواجه قابل ... شاه زاهد رحمت الله

شیخ ... عبد القادر بن سید شیخ عبد روس
قدس الله ... گجرات

فقیه شیخ شمس الدین عثمان ... شیخ ... رحمت الله
در بلده ...

خواجه ابوالحسن ... شیخ ... قدس الله سره از ...

ابراهیم ... مرید ابو عبدالله ... قدس الله سره ... و یک قبر او در ... اصفهان

خواجه سید اسحاق ختلانی رحمة الله قبر او در ختلان

سید میران ... شاه عالم گجراتی قدس الله سره ... رسول آباد گجرات

شیخ محمد بن احمد قبر او در پاتن گجرات

مولانا محمود ... رحمة الله

سید عبدالرحمن قدس الله سره از سادات ... موت ... من مجمع الاوق ... از جمع الاوق ... از شیخ قبر او معروف ... جلالی است

شیخ ابو الفتح ... بن عبدالغفور ... تعالی ... رحمة الله از علما ... قبر ... از اخبار الاصفیا

حضرت مریم علیها السلام

مولانا رضی الدین ... رحمه الله

خواجه ابراهیم ... رحمة الله

بابا خواجه سعد الدین رحمة الله

میان عبدالسلام ... قدس الله سره

شیخ ... مرید قاسم ... قبر ... از لطائف اشرفی

سید احمد بن ... از سادات ... موت ... از جمع الاوق ... قبر او در ترمذ از شیخ ...

عبدالله بن زبیر صحابی ... در مکه معظمه ... لابن حجر المکی

عبدالرحمن بن عثمان بن عبدالله القرشی ... برادرزاده طلحه ... عبدالله بن زبیر ... مسجد الحرام شهادت یافته ... از ریاض المستطابه

عبدالله بن صفوان بن امیه بن خلف الجمحی القرشی ... المکی از تابعین با عبدالله کشته شد ... از اسماء الرجال مشکوة

عبدالله ... صحابه ... عبدالله بن زبیر ... مکه از اسماء الرجال مشکوة

عبدالله بن مطیع بن الاسود القرشی العدوی از اهل مدینه کشته شد با عبدالله از اسماء الرجال مشکوة

منذر ابن زبیر کشته شد با برادر خود عبدالله از ریاض المستطابه

حمزه بن زبیر کشته شد با برادر خود عبدالله از ریاض المستطابه

جعفر ابن زبیر ... کشته شد با برادر خود از ریاض المستطابه

ابو اسحاق گل بادی قدس الله سره

سید احمد بن سید عیسی بن سید ابی بکر بن سید سالم رحمه الله
از سادات حضرموت است روز جمعه در سنه یکهزار و شصت و یک
از کتاب مشرع

خواجه قطب الدین محمد خلیفه مخدوم جهانیان رحمت الله قبر او در پتن
گجرات

سید امیر کمال قدس الله سره بهی خسپید وقت نماز بامداد
سنه هفتصد و هفتاد و دو قبر او در [illegible] الاولیا

شیخ زین الدین ابو الفتح برادر سید عماد الدین در ارتحال
ملتانی بود روز جمعه در سنه هشتصد و پنج در اوج صلوه
التسبیح والدین و مجموعه از سعد و جمل و صحف عجایب
منشأ و محمد ساخت قصیده المسبح بعد بدر نجاه و دیوان
روضه در ملتان از جواهر الحلاء و سفینه اللطایف شرقی

ابو القاسم قرشی رحمت الله

سید عبد اللطیف [illegible] قبر در سلوستان ۱۰۲

سید محمد امین بن قطب عالم قبر در گجرات

شیخ بایزید افغان [illegible] مرید شیخ ادم بنوری
قبر در سانبهان [illegible] شهید شد

محمد بن ابی بکر بن عمر بن ابی علی [illegible] الاصفهانی
المعروف ابو موسی المدینی حافظ [illegible] شیخ الاسلام
وحید وقت شیخ زمان روز جمعه در سنه پانصد هشتاد
و یک از تذکره الحفاظ

سید شرف الدین محمد بن سید نصیر الدین رحمه الله
روز چهارشنبه سنه ۱۰۵

شیخ اسد بن یوسف [illegible] رحمت الله

سید محمود مختار الله [illegible] سید جلال [illegible] رحمت الله

سید شرف الدین بن سید علی [illegible] رحمه الله

سید عبد الله بن محمد بن عبد الرحمن بن عبد الله بن محمد
بن علی بن احمد بن فقیه المقدم محمد بن علی روز
جمعه در سنه هشتصد و هفتاد و چهار از مشرع

شیخ ابو یعقوب برکلانی مرید ابو یعقوب یوسف در سال سبعین وست قدس الله سره

شیخ ابو حفص ابن فارض قدس الله سره

ابو سعد الحسن بن محمد بن علی رحمه الله سنه ۵۴۶

شیخ عز الدین بن عبد السلام ملقب به سلطان العلماء وشیخ الاسلام صاحب علم وعمل وورع وتصانیف در سال ستین وست در صالحیه دمشق از آنکه بیان فضائلش در انوار شافعی مذکور اند

میر امامی سلامی نبیره میر ابو تراب رحمه الله

شمس الدین ابو الحجاج یوسف بن خلیل بن عبد الله الدمشقی الازجی المعروف به ابن خلیل حافظ مفید مسند شام لسوه ومحدث حلب بعد از سال سته وستین وست از تذکره الحفاظ

شیخ نجم الدین کبری در سال ست عشر وستمائه بدست تاتار شهید شد از سلسله الاولیاء قبر در خانقاه خیوه خوارزم

بابو جابر رحمت الله

مولانا بدر قوام بهروجی رحمه الله

احمد بن الحسین بن علی البیهقی فقیه وامام حافظ زاهد ومتورع بیهقی در سال چهار صد وپنجاه وهشت وولادت در ماه شعبان سنه اربع وثمانین وثلثمائه در خسروجرد که دهی است از نواحی بیهق وفات یافت درانجا است در سانه بیان فضائلش در کتاب انوار شافعی نوشته

شیخ ابو احمد ابدال چشتی رحمه الله قدس سره بن سلطان وستانه که از شرفای حسینی است در زمره جمع الاوف وبعضی اصح در جمع الاتباع

خواجه حسین زنجانی قدس الله سره صاحب الولایه لاهور خلیفه سلطان احمد کبیر

سید احمد نبیره قطب عالم گجراتی رحمه الله

بندگی میتان فرمل رحمت الله

شیخ عبد القادر از نسل گنجشکر رحمه الله

سید ابراهیم الدین شاه من الله بن سید محمد المعروف به سید محمد گیسو دراز قبر در گنبد بدر جد است بیرون شهر بدر از خادمان انجا شنیدم

بابا علی شیر چشتی شتر نشین قبر در سر ایلچ است

سید تاج الدین سالار از اولاد غوث الاعظم قدس الله سره قبر در درون قلعه گنبد بهروالله در اسلام

شیخ قطب الدین احمد جامی رحمه الله

شیخ میر محمد امام مسجد شاه عالم رحمه الله

میان محمد بن عبد الله مولف فتاوی بن علی رحمه الله

زین الدین ابو الفتح محمد رحمت الله بن احمد بن ابی بکر الاکاوانی الصوفی الشافعی المعروف الورد امام حافظ محدث از اهل دین وصلاح بوده در سال ست وستین وستمائه از تذکره الحفاظ

خواجه ابراهیم خفی قدس الله سره

شیخ محمد ماه چشتی قبر احمدآباد گجرات

میان شیخ محمد فضل الله رحمه الله

عزیز شیخ نور الدین ملک یار پران [illegible] مرید شیخ داود [illegible]
و او مرید شیخ علاء [illegible] و او از شیخ [illegible] مرید شیخ
ابو علی حسین بن محمد الاکار [illegible] مرید شیخ ابو عبد الله
خفیف [illegible] مرید شیخ رویم [illegible] مرید شیخ جنید بغدادی
رضی الله عنهم ونفعنا به

قطب العالم [illegible] شیخ رکن الدین ابو الفتح [illegible]

شیخ ابو الغیث یمنی در سلک [illegible] و سجاده [illegible]

مخدوم شیخ حسن [illegible] مخدوم شیخ محمد [illegible] رحمه الله

سید احمد ابو الحسن رفاعی [illegible]
در سلک [illegible] از [illegible]

عبد الله بن زبیر [illegible] در سلک [illegible]
[illegible] شیخ [illegible] از [illegible]

شیخ سعد الدین حموی قدس الله سره

شیخ مبارک خلیفه شیخ [illegible] الدین صوفی [illegible] رحمه الله
قبر در [illegible]

شیخ زین الدین [illegible] قبر [illegible] گجرات

میران سید حسین [illegible] از اولاد حضرت سید عبد القادر
جیلانی [illegible] از اجداد [illegible] از اجداد
حضرت [illegible]
از اولاد ایشان شنیده

شیخ [illegible] در سلک [illegible] سجاده [illegible] قبر
در گجرات احمدآباد [illegible]

مولانا یعقوب [illegible] قدس الله سره

سید محمد بن سعید [illegible] قبر در [illegible] قدس الله سره

[illegible] میان بن عبد [illegible] سید وجیه الدین

سید عبد القادر [illegible]
از اجداد حضرت [illegible] قبر [illegible]

امام محسن رحمه

شاه علی جیو پانو در بیت پلان قدس الله سره

شیخ علاء الدین الحسینی تاجی بهری رحمه الله

شیخ بهاء الدین جیو نیور چشتی قدس الله سره

سید شیخ بن سید عبد الرحمن السقاف
[illegible] و رسالتی مقصد و [illegible] قبر در مولد بلده
تریم از شیخ

شیخ نور الدین بن عبد الرحمن اسفراینی [illegible] محمد
[illegible] و از شیخ رضی الدین علی لالا و از شیخ
نجم الدین کبری ره و شیخ رضی الدین خلافت
از شیخ مجد الدین بغدادی ره شیخ نجم الدین مذکور
[illegible]

میر ابو تراب شیرازی قبر در گجرات

خواجه ابو اسحاق چشتی قدس الله سره

سید عثمان شیخ برهان بخاری [illegible] و خلیفه قطب عالم
قبر در عثمان پوره گجرات

خواجه حاتم اصم استاد احمد خضرویه قدس الله سره

شیخ محمود [illegible] قبر در گجرات [illegible]
[illegible] شیخ برهان [illegible]

شیخ شمس الدین بن بابا [illegible]
[illegible] شیخ صدر الدین [illegible]
دهلوی [illegible]
برهان [illegible] قبر در [illegible]

ابو نصر عبد السید محمد البغدادی المعروف بابن
صباغ روز شنبه در سال چهار صد و [illegible]
ولادت [illegible] در سال چهار صد از رساله بیان فقها [illegible]
در انوار شافعی مذکور اند

برادر امیر المومنین [illegible] رحمه
[illegible] از [illegible] الجلالیه

خواجه [illegible] سهل تستری قدس الله سره

شیخ [illegible] عثمان گجراتی قدس الله سره

شیخ [illegible] محمد [illegible] شاه فضل الله رحمه الله

شیخ عبد الله بن [illegible] علوی [illegible] محمد بن علی
ره بن محمد بن علی بن علوی بن محمد بن علوی
بن عبد الله بن احمد بن عیسی بن محمد بن علی ره
بن امام جعفر صادق رضی الله عنه از سادات
حضرموت روز چهارشنبه در سال [illegible]
[illegible] قبر در تریم و ولادت در سال [illegible]
عمر نود و یک سال از کتاب

حسین المشهور [illegible]
بن [illegible] الحافظ الکبری ابو علی [illegible]
از فقها در سال [illegible] روز [illegible]
[illegible] بیان فقها [illegible] انوار شافعی
مذکور اند

شیخ اثیر الدین بن [illegible] محمد الانصاری [illegible]
قدس الله سره [illegible] قصبه [illegible] در هندوستان

مولانا ابا قاسم از مریدان شاه عالم رحمه الله

شاه عالم [illegible] گجراتی [illegible]

خواجه ابو القاسم گرگانی قدس الله سره

عبد الله بن زبیر رضه در ریاض المستطابه [illegible]
جمع الدلائل [illegible] تاریخ [illegible]
[illegible]
[illegible] در مکه معظمه [illegible] حجاج [illegible]
[illegible] از ریاض المستطابه
در اسماء و احوال [illegible] عبد الله بن
زبیر را حجاج [illegible] روز [illegible]
[illegible]
[illegible]

علی محمد بن [illegible] رحمه الله فاضل و حافظ
[illegible] در سال [illegible] از تذکرة الحفاظ

بوسعید عمر بن عیسی بن حمو النجمی الکورانی قدس الله سره از کبار اولیا [illegible] صغرا روز یکشنبه [illegible] از طبقات الکبری

عبدالرحمن بن عثمان ابن عبدالله القرشی التیمی رض برادرزاده طلحه رض با عبدالله زبیر در مکه [illegible] مسجد الحرام شهادت یافته در سال [illegible] از ریاض المستطابه

عبدالله بن صفوان بن امیه بن خلف الجمحی [illegible] الاسدی المکی از تابعین با عبدالله بن زبیر کشته شده و در [illegible] از اسماء الرجال

عبدالله بن ثابت صحابی رض و [illegible] در قتل عبدالله بن زبیر [illegible] از اسماء الرجال مشکوة

عبدالله بن مطیع بن الاسود القرشی العدوی رض از اهل مدینه کشته شده با عبدالله بن زبیر از اسماء الرجال مشکوت

منذر ابن زبیر رض کشته شد با برادر خود عبدالله از ریاض المستطابه

حمزه بن زبیر کشته شد با برادر خود عبدالله بن زبیر رض از ریاض المستطابه

صفوان ابن زبیر کشته شد با برادر خود عبدالله از ریاض المستطابه

سلطان ابراهیم ادهم مرید فضیل عیاض در سال یکصد و [illegible] و یا یک [illegible] شام از سفینة الاولیا

خواجه ابو اللیث سمرقندی [illegible]

میر [illegible] سید میر شاه بخاری [illegible]

خواجه الله [illegible] رحمة الله

جام محمد مرید قطب عالم گجرات

بابا منجهلی دختر قطب عالم [illegible]

بی بی سعادت [illegible] والده قطب عالم گجرات

شیخ شهاب الدین بن شمس الدین [illegible] شیخ یحیی مدنی از شیخ مجد الدین اولاد [illegible] شنیده

عرس [illegible] در [illegible] [illegible] از خادمان [illegible] شنیده

شمس الدین محمد بن محمد بن عباس ابو بکر بن جعفر [illegible] الشافعی المعروف [illegible] حافظ در سال [illegible] تذکرة الحفاظ

فقیه [illegible] مسلمی [illegible] المقباط الزبیدی در [illegible] سال [illegible] در بلده زبید [illegible] در ماه [illegible] از اثمار [illegible]

شیخ ابو تراب نخشبی در سال دو صد چهل و پنج از سفینة الاولیا

شیخ محمد الله ... در دو شیخ ... شیخ ابی اللهی ... سمرقندی سلسله در اسنه در ... شیخ بدر الدین سمرقندی سلسله در اسنه قبر در ... جانب شرقی حوض شمسی

مخدوم مولانا احمد عوامی از اولاد ... سید محمد ... جلال ... روز جمعه سال ... قبر او ... بیرون ... از شایخ ساکن کرکه شنیده

شیخ احمد جمرویه مرید حاتم اصم قدس سره در سال دو صد و چهل قبر در ... شیخ عمر ... بخارا

شیخ سماء الدین مشهور در دلی ... شیخ کبیر الدین ... مرید او و ... مخدوم جهانیان ... مخدوم جهانیان ... نهصد ... قبر ... بابا حوض شمسی از ... الاصفیا

عبدالله زبیر العوام رضی الله از اصحابه عشره مبشره و مادر او ... اسما بنت ابی بکر صدیق است و مادر ... خلیفه ... رسول الله صلی الله علیه و سلم ... مغلوب ... حجاج بن یوسف روز ... سنه ... نذر ... از جمع الاولی ... سنه ... در مکه ... و ولادت ... رضی الله عنه ... از هجرت و ... اول از هجرت و اول مولود ... بعد از هجرت از تاریخ امام سیوطی

بدیع الدین شاه مدار ... از ... در سنه ... و ... و وفات ... و ... شامی و از ... شامی و از ... الدین شامی و از عبدالله ... و از ... عبدالرشید مکی ... و از ... بابا ... تاریخ ولادت ... مدار شاه ... تاریخ وفات ...

۸۳۸ ۴۲۲

شیخ جمال الدین عبدالرحیم بن حسن بن علی ... الاسنوی از فقها و صاحب تصانیف ... و فقها و ... از رساله ... فقها ... الشافعی ...

شیخ تاج الدین ... سلطان ... سلسله ... روز ... و ... و از شیخ ... در ... شیخ جلیل ...

سلطان محمود دین ... رحمة الله

بروایت شیخ ابو تراب نخشبی قدس الله

شیخ ... مجذوب قبر در ...

بدر ... از اولاد سید محمد ... قبر ... از اولاد ایشان شنیده

شیخ قاسم بن شیخ قدم از قوم افغان قدس سره ... شیخ ... الحسن ... از عم ... شیخ شمس الدین محمد و از ... شیخ شرف الدین و از ... شیخ ... عارف ... عبدالباسط ... شیخ ... الدین ... شیخ علاء الدین ... شیخ شمس الدین محمد ... شیخ شرف الدین محمد و از شیخ ... الدین ... و از شیخ ... عماد الدین ... عبدالرزاق ... از شیخ ابو سعید المبارک ... و از شیخ ... علی الحسن ... و از شیخ عبدالواحد بن عبدالعزیز ... و از شیخ ... و از شیخ معروف کرخی و از ... و از ... و از ... صلی الله علیه و سلم

شیخ ... قبر ... رحمة الله

خواجه ابو ... رحمة الله

میان فضل الله ... شاه ... عالم ... سنه ۹۴۲

شیخ عبدالله بن محمد بن عبدالرحمن ... با ... معروف ... از ...

شیخ ابوبکر محمد بن الوراق در سال [illegible] فوت شد
قبر در ترمذ

سید جلال شیخ قدس الله سره

سید محمد از سادات بخارا در سال [illegible] از دنیا رفته
قبر در لاهور از اخبار الاصفیا

سید صبغة الله بروجی در روز سه شنبه فوت شد قبر در مدینه منوره
از شیخ الشیوخ سید حسن بن سید صبغة الله بن
شاه زین الدین بن سید محمد ملک بخاری خلیفه
سید صبغة الله بروجی و سید صبغة الله والد
سید وجیه الدین احمد گجراتی و از شیخ محمد غوث گوالیاری

شیخ کبیر قدس الله سره بخارا زاده و مردم از ارادتمندان
[illegible] ارشاد یافته و بفیض رسیده مرید
محمد بن علی حکیم الترمذی

شیخ ابوبکر جلاباذی بعد محمود در سال [illegible]
قبر در بخارا از سفینة الاولیا

شیخ یحیی معاذ رازی در سال دویست و پنجاه و هشت
قبر در نیشاپور

سید جلال الدین بخاری رحمة الله علیه

الشیخ جلال الدین ابو الفضل عبد الرحمن السیوطی الشافعی
بن ابی بکر بن محمد الاسیوطی روز جمعه وقت عصر در
سال نهصد و یازده متوفی شد در تاریخ واقعه مصر
و در مشهور است تصانیف [illegible] و ثبت در سال
نهصد و یازده در آخر کتاب [illegible] الواعان فی
اخبار الطاعون الشیخ مذکور بخط [illegible]

سید عبد الله از اولیای عارف [illegible] مخدوم [illegible] صاحب
کرامات خارقه است در حق سید عبد الله
[illegible] گفته که [illegible] سید عبد الله با الفقیه
را حق تعالی که زنده میشود در آسمان و
[illegible] که زنده شود در [illegible]

شیخ محمود بن [illegible] ابو [illegible] شیخ طریقه قادریه
منسوب [illegible] در سال [illegible] قبر [illegible]

خواجه [illegible] گنجشکر رحمه الله

سید عثمان [illegible] زاده سید عثمان شاه [illegible] رحمه الله

سید محمد الله [illegible] جمل اللیل رحمه الله

خواجه ابوبکر الفارسی رحمه الله

سید عالم مشهدی رحمه الله

عرس شیخ اسمعیل بن شیخ [illegible] قدس الله سره

حضرت شاه محمد الله [illegible]

شیخ سراج الدین محمود بن شیخ کمال الدین محمد [illegible] شیخ نور الدین [illegible]
[illegible] روز سه شنبه وقت عشا در سال [illegible]
قبر در [illegible] الله [illegible] از اوراد الطالبین

شیخ علم الدین [illegible] رحمه الله

سید ابو [illegible] از اولاد [illegible] رحمه الله قبر
نزدیک [illegible] در [illegible]

سید عماد الدین [illegible] رحمه الله

سید عالم شیخ برهان بن سید محمد [illegible]
شیخ برهانی قدس الله سره

سید عالم بن سید وجیه الدین [illegible] رحمه الله [illegible] ١٠٢٣

سید عبد الرسول [illegible] رحمه الله [illegible]
در [illegible] سنه ١٠٢١ [illegible]

محمد بن [illegible] علی [illegible]
[illegible]

[illegible]

سید احمد بن ابوالحسن رفاعی روز پنجشنبه در سال پانصد هفتاد و
هفت قبر در قریه ام عبیده عمر او شصت و [illegible]

سید قطب الدین [illegible] رحمت الله

خواجه یحیی زاهد رحمت الله

شیخ الاسلام ابو عبدالله محمد بن علاء الدین البابلی الا
زهری الشافعی رحمة الله در سال یکهزار و هفتاد و
[illegible] رحمه الله [illegible] از حق تعالی [illegible]
ولادت [illegible] بابلی را اشتغال [illegible] کتاب
عقد الجواهر والدرر

سید عبدالغفور [illegible] شاه عالم [illegible] رحمه الله
قبر در رسول آباد گجرات از اولاد ایشان [illegible]

احمد بن عاصم الانطاکی [illegible] قدس سره

سید شاه شافعی رحمة الله حسینی

سید راجی محمد صوفی سلطانی رحمة الله

عبدالعزیز بن یحیی بن عبدالعزیز [illegible] المکی [illegible]
سنه یکهزار [illegible] مکه معظمه [illegible]
بعد وفات [illegible] شیخ احمد [illegible] عقد الجواهر

سلطان قطب [illegible] سلطان محمود [illegible] از سلاطین گجرات
بعد نماز جمعه در سال [illegible] از تاریخ گجرات

حضرت شاه [illegible] الله [illegible]
در قطعه [illegible] عمر [illegible] سال ۳۰ [illegible] ۱۲

شیخ سلطان محمود بن شیخ فرید الدین گنج شکر قدس الله سره

سید جلال [illegible] خلیفه مخدوم جهانیان [illegible] قدس الله سره

شیخ برهان الدین بن عبداللطیف رحمه الله

شیخ عبدالله صوفی شطاری [illegible] شیخ محمد غوث گوالیاری
عصر روز [illegible] در سال یکهزار و ده ولادت [illegible]
[illegible] دیگر روز [illegible]
سال [illegible] ابرار

شیخ [illegible] الدین [illegible] شیخ نظام الدین اولیا قدس الله سره

سید شرف الدین میر ملک [illegible] رحمه الله

خواجه [illegible] میان سلطان شاه رحمت الله

شاه اسمعیل [illegible] ۹۰۵ [illegible] سال [illegible]
بعد [illegible] حضرت [illegible]

شاه حیدر [illegible] مقام [illegible] ۹۲۵

خواجه نعمه [illegible] قدس الله سره

شیخ نصیر الدین [illegible] مخدوم جهانیان قدس الله سره

میان قطب الدین منور [illegible] علی الدین [illegible]

شیخ رکن الدین محمود قدس الله سره و [illegible]
[illegible] قبر در [illegible] و مولانا [illegible] از کبار ابرار

مولانا عالم بن اسمعیل قبر در باغ [illegible] رحمه الله

سید جلال [illegible] شهید [illegible] قبر در باغ [illegible]

شیخ جمال الدین متوکل رحمة الله [illegible]

خواجه اسکندر

مولانا فخر الدین رازی رحمه الله

قاضی نور الدین [illegible] رحمه الله قبر در [illegible]

قاضی ابو العباس احمد بن عمر بن سریج بغدادی رحمه الله
المعروف ابن سریج چهار صد تصنیف دارد در سال [illegible]
قبر در بغداد [illegible] ذکر آمده

شیخ حسین بن قاسم [illegible] رحمه الله

خواجه احمد [illegible] رحمه الله

[illegible] تمام جمعیت شاه [illegible]
[illegible] در اینجا [illegible] همراه جمعیت شاه [illegible]
[illegible] عالم [illegible] شدند
[illegible] دروازه [illegible] قبر [illegible] تمام [illegible]
[illegible] ۹۱۱

بروایت سلطان ابراهیم ادهم قدس الله سره سماعه از خواجه الجلالیه و جوارقات و اوراد الطالبین و فخر الواصلین

بروایت خواجه ابو یوسف همدانی قدس الله سره و خواجه الجلالیه و اوراد الطالبین

شیخ سعد الله گوپاموی سلسله قادریه مرید شاه عبد الشکور از شیخ [illegible] متعنی شد به صورت مریدان آن شنیده و نیز شیخ سعد الدین [illegible] مرید سید شاه عبد الشکور و از شاه معصوم الاسلام [illegible] و از سید علی و از سید جعفر و از سید ابراهیم و از سید عبد الله و از سید عبد الرزاق و از سید محی الدین عبد القادر جیلانی

شیخ فتح الله سنبهلی قدس الله سره از عمده خلفای شیخ سلیم چشتی اند سنبهل مراد آباد مشهور است قدرشناس زمان [illegible] مردم اند بارها [illegible] از احباب الاصفیا

خواجه شمس الدین محمد الکوت الحانی قدس الله سره از اولاد شیخ احمد جام [illegible] روز دوشنبه [illegible] قبر در جوار میانه جامع هرات از نفحات و السخینه

شیخ داود بارکوت قبر در اروه [illegible]

سید شاه صبغة الله بروجی مدینا [illegible] سید وجیه الدین گجراتی [illegible] ۳ سنه قبر در مدینه منوره [illegible] تاریخ خط مولوی حبیب الله بیجاپوری مرید و خلیفه سید یحیی اولاد مولوی [illegible] ملفوظ مولوی حبیب الله سید ابو الفتاح مرید ایشان [illegible] عبد القادر نام مرید مولوی علی تاریخ [illegible] و وسیله حسنه

بروایت شیخ احمد محمود قدس الله سره

قاضی محمد شیخ بن شیخ داود رحمة الله

سید محمد [illegible] سید عبد الرحمن سید عبد الله رحمة الله

سید صبغة الله [illegible] سید وجیه الدین گجراتی مولانا سید میرزا و سید [illegible] و شیخ احمد السعادی از عمده خلفای سید صبغة الله قدس الله سره اند [illegible] قبر در مدینه منوره در بقیع [illegible] سید ابراهیم بن رسول الله صلعم سلسله شطاریه از شیخ احمد ابو الفتوح [illegible] که از خلفای سلسله [illegible] شنیده و از عقد الجواهر والدرر

حضرت شاه عبد الله حسینی العلوی شطاریه قبر مبارک در بیجاپور ۱۰۳۶ هجری [illegible]

شیخ ابراهیم محی الدین ابو الفتح فاروقی الواسطی رحمه الله

اخی راجی [illegible] بن سید محمد صوفی

سید احمد با حسن جمل اللیل رحمة الله

شیخ عبد الله بن قطب الاولیا شیخ محمد حسینی عم شیخ یحیی المدنی قبر در شاهپوره [illegible] از اقربای ایشان شنیده

سید حلیم الله رحمة الله بن سید ابو الحسن [illegible] از اولاد شاه [illegible] الله قبر در [illegible] شنیده

شیخ عثمان جوبابادی رحمة الله

سلمة بن هشام القرشی صحابی رض از اسماء الرجال [illegible] شده
[illegible] با ابابکر صدیق [illegible] در جنگ اجنادین [illegible]
که در ای از خالد رض و فوج سلطان روم جنگ شده [illegible] سعد
العاص و سلمة بن هشام و نعیم بن النحام و هشام بن العاص شهید شدند

ابان بن [illegible] العاص [illegible] صحابی رض روز اجنادین

هشام بن العاص رض روز اجنادین از روضة الاحباب

عثمان بن طلحة بن ابی طلحة العبدری القرشی از صحابه
به قولی کشته شد روز اجنادین از اسماء الرجال مشکوة

شیخ عبدالله جهانسی رحمة الله

ابو سعید خالد بن سعید بن العاص بن امیة القرشی رض از
صحابه قدیم الاسلام روز اجنادین شهید شد [illegible] از زوجات
ابابکر صدیق به بیعت [illegible] از اسماء الرجال مشکوة

بی بی جلو بنت مقبول عالم

جلیل الرحمن ملا قاضی ابراهیم جوابادی [illegible] اور سلطان

عکرمة بن ابی جهل القرشی المخزومی [illegible] از صحابه کشته شد [illegible]
[illegible] روز اجنادین [illegible] از اسماء الرجال [illegible]

فضل بن عباس بن عبد المطلب القرشی الهاشمی
المطلبی از صحابه به قولی شهید شد [illegible]
[illegible] روز اجنادین در اسماء الرجال مشکوة

قطب الاولیاء [illegible] شیخ ابوبکر [illegible] قدس الله سره او سبب
صحبت ابابکر صدیق

مخدوم سید [illegible] خلیفه شیخ نظام الدین اولیاء [illegible] تولد
در [illegible] سید [illegible] سلک

سید عبد اللطیف رسولی [illegible]

شیخ تاج الدین [illegible] رحمة الله

امام [illegible] جعفر [illegible] النسفی المستغفری [illegible]
[illegible] از تواریخ سمرقند
[illegible]

بی بی [illegible] امام حسن [illegible]
بن زید امام حسن [illegible]

میان [illegible] محمد [illegible] رحمة الله [illegible]
روضه [illegible] الملک [illegible]

سید عبد الغنی جعفری [illegible] رحمة الله سنه ۱۳[illegible]

شیخ عبدالله [illegible] رحمة الله

ضیاء الدین ابو محمد عبد العزیز [illegible]
[illegible] از
رساله بیان [illegible] اند

بروایت امام شافعی ... روز ... سنه ... اظهار ورود
[illegible] ... و در ... فتوی و ... سرای
محمود ... از ... النبوة ... گشت ... ابو الحسن
و برادر ابو الحسن ... و ... مبارک ... در ... مشهور است

بروایت شیخ ابو الحسن ... قدس الله سره

سید منصور ... قدس الله سره ... شیخ محمد ...
... ابو بکر ... حضرت صدیق اکبر

خالد بن ... بن ... ابو ... رحمه الله
امام حافظ ... از ... الحافظ

بابا ... حضرت قطب عالم گجرات

شیخ عمر بن سعید ... رحمت الله

شیخ محمد بن شیخ محمود ...
حال ... علیهم ... احمد آباد ... قطب عالم گجرات ...
سلطان گجرات ... شده بود

خواجه ابو محمد ... قدس الله سره از ... الخلفای ...

سید ابو الفتح ... بن ... عبد القادر ...
... و ... شیخ ... الاولیا ...
... الاولیا و ... الاسرار

مخدوم ... خلیفه شیخ نظام الدین اولیا در ...
...
بر کنار ...

مولانا ... قدس الله سره ... مولانا ... خلیفه شیخ ...
و ... مولانا ... الدین ...

سید علم الدین ... مخدوم ... احمد آباد

مولانا یار احمد ... رحمت الله

سید عالم الدین بن سید یحیی رحمه الله ... از ...
... اول از شیخ ... و بعد از آن ... شاه ...
و بعد از آن از شیخ ابو حفص قدس الله اسرارهما

ملک ... رحمت الله ... شاه عالم گجراتی

خواجه ابو احمد ... قدس الله سره از ... الخلفا

امیر احمد بن سید محمد بن محمود ...
... شیخ نظام الدین اولیا ...
... نزدیک ... خود از سیر الاولیا

بی بی زلیخا والده شیخ نظام الدین اولیا ... در ...
نزدیک مقبره شیخ نجیب الدین متوکل از اخبار ...
سیر الاولیا

بی بی ... شیخ نظام الدین اولیا ... مخدوم ...
در سال ... گجرات بر کنار ...

سید ... قبر ... قلعه احمد

سید شاه محمد رحمه الله از اولاد شاه عالم گجراتی

ابو عبد الرحمان بن عبد الله بن عبد السلام بن ابو ...
المعروف ... رحمه الله حافظ محدث ...
وفات در اول ماه ... الاولی ... و از ...

۲ جمع الفنایه

شیخ ابو عثمان قدس الله سره در عهد شاه شجاع [illegible]
معاذ و ابو حفص [illegible] بود و [illegible] در نیشاپور

شیخ ابراهیم بن عبدالرحمن الحماری [illegible] رحمه الله امام و
خطیب مسجد [illegible] [illegible]

شیخ ابو سعید حامد رحمت الله

خواجه علی دقیق رحمة الله

شیخ عفیف الدین الفاروقی سیاهی رحمة الله

ملک زین الدین شامی خلیفه قطب الدین که خلیفه شاه عالم گجراتی

۴ سیر الفنایه

شیخ ابو عبدالله ابو سلمه رحمت الله

سید میران سید خوند میر رحمت الله

شیخ عبدالله ابو الخیر عزالدین بن شیخ عز الدین الطائفی قدس الله سرهما

شیخ ابو الحسن ابو البرکات نیشاپوری بغدادی قدس الله سره

سید قاضی تاج الدین رحمت الله شاه قطب الاقطاب عالم قدس سره

شیخ عبدالرحمن متقی [illegible] شیخ علی متقی قبر در
مکه معظمه از شیخ محمد شمس امام مسجد بیت الله شنیده •

شاه اسمعیل از فرزندان [illegible] رحمة الله [illegible]
قبر در [illegible] شنیده

۳ جمع الفنایه

۵۷

شیخ علاء الدین بن شیخ قاضی محمد ساوی قدس الله سره

سید شهاب الدین قاضی [illegible] گجرات قدس الله سره

ابو محمد ولد شیخ ساوی رحمت الله

شیخ احمد بن قطب رحمت الله

شیخ رکن الدین محمود رحمت الله

خوند السعد با نوبت قطب عالم گجراتی

ابو عبدالله بن علا قدس الله سره مرید ابوبکر الخشنی
و [illegible] سعد [illegible] مجمع الاولیا

شیخ یعقوب رحمت الله بن شیخ یحیی [illegible] قبر در
[illegible] گجرات از اولاد [illegible] شنیده

تقی الدین ابو الحسن علی بن عبد الکافی السبکی رحمة الله
[illegible] قبر در مصر از کتاب
حسن المحاضره فی اخبار مصر والقاهره السیوطی

ابوالبرکات ... ابوالمعالی ... [illegible]

۵ ربیع الثانی

سید عبد الرزاق بن سید عبد القادر ثانی از اولاد سید عبد القادر جیلانی در سال ... شهید و جمعی او را از اعاظم سلسله اولیا

شاه نور محمد ... قلب ... محمد ... بکمر ... نکهدو جبار و ... که ایشان ... ساخته بودند الحمله ... در ... که در عام ... قبر ... و ... ارشاه ... سیمه ... شیره و بعضی گفته اند که ایشان از اولاد حضرت غوث الاعظم عبد القادر جیلانی

شیخ ابو المظفر عبد السمیع الواسطی رحمه الله

سید عبد الحسن قبر در ... رحمت الله

مولانا جلال الدین محمد ادهمی ... وقت غروب آفتاب ... در سال ... و ... قبر ... و ولادت در ربیع ... از نفحات

شیخ ابراهیم ملتانی پدر شیخ محمد ملتانی القادری قبر در روضه ... خود در بلده ... از خادمان آنجا شنیده و از شیخ شاه محمد ... شیخ محمد ملتانی

خواجه حسین ... و خواجه شهاب الدین ... شهیدان رحمت الله

سید جلال الحسن قبر در ... رحمت الله

ابو طاهر عماد الدین محمد بن محمد بن احمد بن محمد بن ابراهیم الاصبهانی الحروانی حافظ علامه شیخ الاسلام کنیته ... جمعه در سال ... از تذکره الحفاظ

۶ ربیع الثانی

شیخ عبد الله خفیف قدس الله سره

مولانا عماد الدین ... شیخ مودود شافعی قدس الله سره

شیخ ابراهیم ... شیخ عبد العزیز بن شیخ حسن ... طاهر خلیفه ... قاضی ... شیخ حسن بن طاهر ... و خلیفه ... شیخ حسام الدین ... سلسله ... قبر او در ... متصل قبر ... مسجد ... و ولادت در ... در سال ... شیخ جان ... از اخبار الاصفیا

شیخ ابو محمد اسمعیل الواسطی رحمه الله

سید عبد القادر ... قدس الله سره

ابوالحسن محمد بن علی المالکی ... رحمه الله ... و اعلم ... در سال ... در انوار ... مذکور

بی بی مریم والده سید احمد

مولانا کمال الدین کاشغری مرید و خلیفه مولانا نظام الدین
خاموش و او از شیخ علاء الدین عطار و او از خواجه بهاء الدین
نقشبند قدس الله سره فوت چهارشنبه [illegible] هشتصد و
هفت قبر در خیابان هرات از نفحات و رشحات

شیخ عبدالرزاق معروف شیخ [illegible] مرید شیخ ابوالفتح [illegible]
در سال نهصد و سی و چهار قبر در آگره از گلزار ابرار

مخدوم بهای ابراهیم والد شیخ محمد ملتانی مذکور

قاضی ابوالفضل عباسی مصنف شعار [illegible] سال
نهصد و چهل و چهار قبر در [illegible] ولادت [illegible]
شعبان سنه [illegible] هرات کتاب [illegible]
این را نوشته دیده

بی بی [illegible] ملا [illegible] در روز
چهارشنبه سال [illegible] نقل من خط ملا مذکور

مولانا بدر الدین اسحق داماد و مرید و خلیفه
شیخ فرید الدین گنجشکر قبر در صحن مسجد جامع قدیم
اجودهن

شیخ فتح الله [illegible] شیخ محمد ملتانی [illegible]
قبر در [illegible] از خادمان [illegible]
و از شیخ شاه محمد [illegible] شیخ محمد ملتانی

شیخ محمد فضل الله قطب قبر در [illegible]

سید محمد بن عبدالعزیز بن غوث الثقلین سید
عبدالقادر الجیلانی قدس الله سره در بغداد در
سال [illegible] از کتاب [illegible] الاسرار

مروایت شیخ نجیب [illegible] قدس الله سره

شیخ [illegible] بن [illegible] المعروف [illegible] رحمه الله

شیخ ابراهیم بن داود [illegible] رحمه الله

شیخ [illegible] بن علی بن حسن المعروف رحمه الله مرید و
[illegible] عالم [illegible] در سال [illegible] عشر [illegible]
و [illegible] در [illegible]

[illegible] سید علی شاه

سید امیر جلال [illegible]

[illegible] در سنه [illegible] از [illegible]

شیخ ابوالحسن عبداللطیف بن اسمعیل [illegible]

شاه میر محمد [illegible] شاه [illegible]
شیخ محمد ملتانی [illegible] شیخ [illegible]
المعروف [illegible] در [illegible]
مریدان الشان شنیده

خواجه ابو محمد حشتی قدس الله سره از خوارزمات

یوسف بن اسباط در بلسان [illegible]

سید سلیمان بن سید عبد الوهاب بن سید عبد القادر جیلانی قدس الله سره سنه ٦١١

میان شیخ محب [illegible] بن شیخ [illegible] بن شیخ احمد زبیری رحمة الله

خواجه شاه سجستانی رحمت الله

امام سیوطی رحمت الله

شیخ ابو شجاع رحمت الله

شیخ احمد سرهندی [illegible] در کابل و در حکرات

سید عبد الوهاب [illegible] سید عبد الملک رحمة الله

شیخ احمد الغنی [illegible] شیخ عبد العزیز رحمة الله

مولانا نظام قوام [illegible] برادر قاضی قوام [illegible] رحمة الله

سید حسن بن سید عبد الرحمن السقاف [illegible] از سادات حضرموت [illegible] جمعه [illegible] سنه [illegible] ماه الاخر در سال [illegible] [illegible] ترجم از تشریح

محمد معلم بن سید عمر بن سید علی بن سید احمد بن سید الله محمد بن سید حسن بن علی بن جعفر المقدم سید محمد بن سید علی رض قدس سره از سادات حضرموت [illegible] جمعه [illegible] ربیع الاول در سال [illegible] [illegible] از تشریح

ابو الفضل عیاض بن عیاض بن عمر ابن موسی الحصبی السبتی المعروف به قاضی عیاض مولف کتاب شفا است امام حدیث بوده در وقت خود [illegible] جمعه [illegible] در سال [illegible] [illegible] از تذکرة الحفاظ

[illegible] بن [illegible] رض

سید عبد الرحمن [illegible] قطب عالم [illegible] قبر در [illegible]

خواجه ابو احمد ابدال چشتی قدس الله سره در سال [illegible] [illegible] و بجاه قبر در [illegible] [illegible] از [illegible]

شیخ شمس الدین ترک پانی پتی قدس الله سره [illegible] مرید و خلیفه شیخ علی صابر قبر در بلده [illegible]

زبیر صحابی رض از عشره مبشره در وقعه جمل [illegible] روز [illegible] دوم جمع الاخر بود در سال [illegible] [illegible] عمر [illegible] از ریاض المستطابه

طلحه بن عبد الله رض صحابی از عشره مبشره در روز یوم الجمل در سال [illegible] [illegible] از [illegible] الاخبار از لطائف اشرفی در [illegible]

مجاشع صحابی رض بن مسعود السلمی روز جمل از ریاض [illegible] عطائیه و عیینه از [illegible] عائشه رضی الله عنها

مسلم مجاشعی از فوج مرتضی علی در روز یوم الجمل از مجمع الاولیا

شیخ فرید الدین عطار بن سید محمد صادق بن نجم الدین بن [illegible] الدین بن امام محمد تقی بن امام اسمعیل بن امام محمد باقر [illegible] بن امام جعفر صادق بن امام محمد باقر بن امام زین العابدین بن امام حسین رضی الله تعالی عنهم عطار مرید شیخ مجد الدین بغدادی [illegible] مرید شیخ نجم الدین کبری رض در [illegible] [illegible] در شهر نیشاپور [illegible] والده شیخ در [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

شیخ ابو یعقوب [illegible] [illegible] از فوج [illegible] بن زیاد [illegible] مرتضی علی [illegible] [illegible] از شیخ عبد الواحد بن زید [illegible] [illegible]

عبد الله بن [illegible] از فوج [illegible] [illegible] در یوم الجمل از مجمع الاولیا

عبد الرحمن بن عتاب رض [illegible] از [illegible] ام المومنین [illegible]

حارث بن زبیر [illegible] از فوج [illegible] علی [illegible] در یوم الجمل از [illegible]

محمد [illegible] [illegible] صحابی رض از [illegible] ام المومنین عائشه [illegible] یوم الجمل [illegible] [illegible] از ریاض [illegible]

عمر بن الاشرف از فوج [illegible] عائشه [illegible] در یوم الجمل از [illegible] [illegible] عمر بن الاشرف [illegible] عائشه رض در وقت [illegible] [illegible]

زید بن [illegible] رض از [illegible] [illegible] از [illegible]

محی الدین مسعود السمرقندی [illegible] برادر [illegible] شیخ گفته اند روز
جمل از لشکر امیر المؤمنین [illegible] المستطاب [illegible] شیخ [illegible]

نعیم بن مسعود بن عامر الاشجعی از صحابه [illegible] گفته
در روز جمل از لشکر امیر المؤمنین از اسماء الرجال مشکوة

مسلم بن قرظه [illegible] علیه [illegible]
گفته اند در روز جمل از لشکر امیر المؤمنین [illegible]

یعلی بن منبه [illegible] تمام [illegible]
[illegible] زید بن مالک [illegible] گفته اند در روز جمل از

[illegible]

خواجه حمدون [illegible] قدس الله سره

شیخ ابو الحسن بن سلیمان [illegible] رحمه الله

سید عماد الدین [illegible] علاء الدین [illegible] جلال الدین [illegible]

امیر [illegible] مولانا [illegible] نام [illegible]
[illegible]
[illegible] از طبقات شاه [illegible]

محمد بن عامر [illegible] از جمع الاولیا قدس الله سره

شیخ ابو طاهر [illegible] ابو العباس [illegible] رحمه الله

سید [illegible] رحمه الله

شیخ ابو [illegible] المحدث [illegible] الاولیا [illegible]
[illegible]
در کتاب [illegible] نوشته

شیخ [illegible]
شیخ [illegible]

شاه اسمعیل [illegible]

سید [illegible] سید عبد الرحمن [illegible]

ابو القاسم بن [illegible] رحمه الله

خواجه جلال [illegible] مولانا [illegible] کمال الدین خجندی
شیخ محمد [illegible]
[illegible]

[illegible] امام [illegible]
[illegible] الشافعی [illegible]

[illegible] قدس الله سره [illegible]
قبر [illegible]

شیخ ابو النجیب سهروردی [illegible]
قبر در بغداد [illegible]

شیخ محمود بن ابراهیم بن ادهم رحمه الله

[illegible] شیخ عبد العزیز رحمه الله

شیخ فخر الدین بن احمد بن مسعود رحمه الله

شاه عبد اللطیف [illegible]
[illegible] قبر [illegible] از نسخه تالیف سید حسن از
اولاد سید محمد [illegible]

ابو عبد الله الحسین بن محمد بن الحسین بن علی بن یعقوب [illegible]
الازدی المعروف [illegible] حافظ [illegible] عارف
محدث و لغت بوده [illegible]

شیخ شمس الدین علی بن عبد الله [illegible]
[illegible] وقبر در بلده زبید
از کتاب [illegible]

۱۳ الحج الثانیه

بروایت امام علی حقی از ۱۳ از نسخه الاولی

مولانا یعقوب شیخ زین الدین دولتآبادی قبر او در ...

بدر ... سید امین الدین بن شاه جمال ... قدس الله اسرارهم

مولانا یعقوب بن حسن ... قدس الله سره

در سال ... فوت قبر او در ... ارکان ابرار

... مولانا یعقوب تعلق دارد هر که اراده ...

و بعد او در ... قبر وقت ... از اولیاء

خود ... بصورت ظاهر شده بر سبیل ارشاد و لوازم

بتقدیم میرسانید

بروایت شیخ ابوالحسن ... شیخ احمد ...

شیخ جمال الدین ... مخدوم جهانیان قدس الله سره ...

شیخ نظام الدین بخاری رحمه الله

سید ابوبکر از سادات ... سنه ... بنجاه ...

مولود و مرقد تریم از مشرع سید ابوبکر بن عبدالله بن ...

بن سید علوی بن سید ... بن علی بن عبدالقادر بن ...

سید علوی بن فقیه المقدم محمد بن علی رضی الله عنهم

۶۲

۱۲ الحج الثانیه

... مرید شیخ ابوعلی فارمدی

مرید شیخ ابوالقاسم گرگانی و او مرید شیخ ابوعثمان

مغربی و او از شیخ ابوعلی کاتب مصری و او از شیخ ابوعلی

رودباری و او از شیخ جنید بغدادی قدس سره روز شنبه

در سال ... قبر در بغداد ولادت ... طوس

سال ... عمر ... از ... تاریخ یافعی و از دیگرها

شیخ عبدالله محمد بن شیخ فضل الله برهانپوری

شیخ سری الدین ... بن عبدالکریم

... رحمه الله

شیخ محمد قطب بن شاه قطب الدین ...

قلندریه چشتیه از علمای ... متصل جونپور از

مردم ... شنیده

ابوالفضل بن محمد العراقی المعروف ... فضلا

در سال ... قبر در ... از رساله بیان فقهاء که

شیخ پهلوان دهلوی رحمه الله سنه ۱۰۰

شاه موسی قادری در سال ۱۰۱۰ قبر در ...

... بیجاپور ... از نسخه ... اولاد سید محمد

امام محمد ... امام اعظم در سال

۱۸۹ قبر در ... از سفینه اولیا ...

میان ... بن شاه ... در احمدآباد

سید عبدالغنی بن شاه ... قادری رحمه الله

فقیه ابومحمد بن عبدالله رحمه الله

مولانا میران ... رحمه الله

مولانا حسین ... رحمه الله

شاه ... بن سید ... بن سید محمد اکبر

بن سید محمد گیسودراز مرید ... از ...

حضرت بی بی ... الکریم ... شاه ...

والده شاه عبدالجلیل ... الله

سید ... قادری از رساله ... از مریدان سید

محمد گیسودراز در بیان ... نوشته

مولانا علاء الدین زید مولانا سعد الدین کاشغری قدس سره عزیزی مولانا محمد بن ...
مزار ایشان در سلسله نقشبندیه روز ... سنه ۹۲۶ از سخنان ... مردم انجا خلیفه شیخ نظام الدین اولیاء ...

شیخ ابو الحسن الحوسقی مرید شیخ علی بلخی قدس الله اسرارهما

شیخ ابو صالح و کمال الدین ... مرید شیخ ابو مدین ...

شیخ ابو محمد عبد الحق ... شیخ ... بابا ... و ابو الحسن البکری
ترک ... شیخ علی ... شیخ فرید الدین گنج شکر رضی الله عنهما

مولانا شیخ الاسلام محمد ابن محمد ابن علاء ... ۸۲ ... در
کلاه کاه هرات بابا ... خواجه عبد الله انصاری رجب ...

سعید بن مسعود بن سید المحمد

ابو عبد الله بصری ... بن العوام ... از تابعین ... سنه
... یوم وصل ... روز ... الله ... شده ...
... که ... و ... عبد الملک ...
از ...

ابراهیم المعروف ابن الدهم بن عبد الله بن عبد المنعم بن علی
بن محمد بن مالک بن زید ... الامام المعتمد ... و امام
وقت ... سعد ... ۸۲ ...
از رساله ... در کتاب ... ثابت نفحی

عیسی بن مصعب بن زبیر ... شد ... از تابعی

عبد الملک ... از کبار تابعین ... شد
روز ... از اسماء الرجال مشکوة

ابراهیم بن اشتر با مصعب بن زبیر کشته شد از تابع تابعی

عمرو بن مصعب بن زبیر ... کشته شد از تابع تابعی

شیخ جار الله بن عبد العزیز ... الهاشمی ...
رحمه الله ... سنه ... و ...
... ستم رجب ... و ...
و ... از نوراق ...

مسلم بن عمر الباهلی کشته شد مصعب بن زبیر روز ... از تابع
تابعی

شیخ امام الدین بن احمد ... العمر ... سنه ...
... از عقد الجواهر الدرر

خواجه ابو یحیی ... قدس الله سره

شیخ احمد المرزوی قدس الله سره

شیخ شمس الدین محمد بن محمود الخوارزمی رحمه الله

شیخ یعقوب اسرائیل رحمه الله

عزیز ... الدین ... قدس الله سره برادر
و خلیفه مخدوم جهانیان و خلافت ... سید احمد کبیر
... داشت

شیخ ضیاء الدین ... مرید شیخ ... خلیفه شیخ
محمد غوث گوالیاری ... قدس الله ...
قبر ... صوبه مالوه ...

شیخ ... رحمه الله

شیخ نام الدین محمد بن علی ... رحمه الله

حاجی ... محمد ... رحمه الله

شیخ جلال الدین محمود ... گجرات

شیخ عبد الله محمد ... رحمه الله

میر سید علاء الدین ... بن ... جلال الدین ...

عبد الله بن زبیر الاسدی القرشی ... ابو بکر ...
... اسماء ... ابی بکر صدیق ... شده
در اسلام ... الله ... قبل ...
حجاج ... مشکوة
... از اسماء الرجال مشکوة

عبد الله بن صفوان بن امیه بن خلف الجمحی القرشی
... المکی از تابعین با عبد الله بن زبیر کشته
... از اسماء الرجال مشکوة

عبد الله بن مطیع بن الاسود القرشی العدوی ...
از ... کشته شد با عبد الله بن زبیر از اسماء الرجال مشکوة

عبد الرحمن بن عثمان بن عبد الله القرشی التیمی برادر
طلحه بن عبد الله ... عبد الله بن زبیر کشته شد در
مسجد الحرام از ریاض المستطابه

منذر ابن زبیر کشته شد با برادر خود عبد الله
از ریاض المستطابه

عبدالله بن زبیر باتیب صحابی وفات یافته علم در قتل عبدالله زبیر از اسماء و الرجال مشکوت

جعفر ابن زبیر کشته شد با برادر خود عبدالله از ریاض المستطابه

حمزه بن زبیر کشته شد با برادر خود عبدالله بن زبیر از ریاض المستطابه

۱۸ ذی الحجه

ابو عبدالله محمد بن عباس سنه ۳۰۱

سید مصطفی از اولاد شاه عالم رحمه الله

شیخ محمد غوث رحمت الله

شیخ هیتا بن شیخ طاهر زاهد مرید شیخ نظام الدین اولیا قدس سره

شیخ علامه علی بن محمد علی الشبیه باین غانم مقدسی خزرجی رحمت الله علیه شب شنبه در سنه یکهزار و چهار قمری و در تربت مجاوری در مصر از عقد الجواهر و الدرر و سید محمد شاه مفتی مرشد

شیخ شمس الدین محمد قبر در کرمینه رحمه الله

بر روایت شیخ ابو نجیب سهروردی قدس سره

سید جان بخاری رحمت الله

شیخ برهان الدین بن تاج الدین القفار کالپی در سنه نهصد و هفتاد و هفت قبر در قصبه کالپی از اخبار الاخیار

۱۹ ذی الحجه

خواجه ابو بکر وراق ابو بکر محمد بن عمر حکیم ترمذی در سال سیصد و هفتاد و قبر در ترمذ

سید کمال کنتالی رحمت الله سنه ۹۸۱

سید جلیل شیخ بخاری مخدوم جهانیان مرید شیخ بهاوالدین زکریا

شیخ مبارک بن خلیل رحمت الله

شاه عبداللطیف علوی جانپوری رحمه الله

شیخ محمد الدین بن شاه داود بن شاه صدیقی نوراله مرقده مرید شیخ الهداد حالی مرشد خلیفه شاه حسن حنفی در سنه ۹۷۰ عمر یکصد و هفت بحساب بروایت یکصد و هفت سال قبر در آگره از مطالع الابرار بر عجایبات الاصفیا

سید جمال الدین بن ابوبکر بن توثیق بن نجم نوراله مرقده

سید جلیل شیخ بخاری مخدوم جهانیان مرید شیخ بهاوالدین زکریا قدس الله

شیخ قیس بن یونس ساقی رحمت الله

سید لطف الله شاه رحمه الله

سید محمد محبوب عالم بن جعفر بن جلال بن سید محمد مقبول عالم روز شنبه وقت عصر سنه ۱۱۱۲ قبر در گنبد مقبول عالم از ملکات الله از اولاد بن شیر

شیخ عبدالرزاق نبیره شیخ جلال الدین قدس الله سره

۲۰ ذی الحجه

سید سراج الدین محمد شاه عالم ثانی بن قطب عالم بن سید تاج الدین بن مخدوم جهانیان مرید پدر خود سید برهان الدین قطب عالم و از سید تاج الدین و از سید راجو قتال و از مخدوم جهانیان و از مرید پدر خود سید احمد کبیر و از پدر خود سید جلال بخاری و از پدر خود سید علی و از پدر سید جعفر و از سید محمود و از پدر خود سید احمد و از پدر خود سید عبدالله و از پدر خود سید علی اصغر و از پدر خود سید محمد و از پدر خود

امام علی رضا و از پدر خود امام موسی کاظم و از پدر خود امام جعفر صادق و از پدر خود
امام محمد باقر و از پدر خود امام زین العابدین و از پدر خود امام حسین رض و از پدر خود
امام علی المرتضی کرم الله وجهه گویند که مروان بن حکم با وجود که با ایشان ...
ایشان بود در خانه بر حجت با طلحه کاتب طلحه انداخت و از آن کشته شد از تاریخ
نامی و وصول الملهم این شجره بخاریه است اما مخدوم جهانیان را بیعت در سلسله
سهروردیه در خدمت شیخ رکن الدین ابو الفتح و وی را از پدر خود شیخ صدر الدین و وی را
از پدر خود شیخ بهاء الدین ذکریا و وی را از شیخ شهاب الدین سهروردی و سید جلال بزرگ
جد مخدوم جهانیان بن مرید و خلیفه شیخ بهاء الدین ذکریا است رضی الله تعالی عنهم
و نقل به روز پنجشنبه وقت ... صبح ... ذی الحجه در سال ... و ولادت در
سال ... در ذی قعده سال ... و عمر شریف ... سال ... احمد آباد
بگوات از شعبه الاولیا

شیخ عبد الرحمن بن احمد الشیخ قدس الله سره	شیخ قطب الدین محمود فرزند شاه عالم رحمه الله
شیخ عبد الله عارف مرید حمزه ... و مرید ابو تراب ...	شیخ عبد القدوس ... شیخ جلال ... رحمه الله
شیخ داود ... شاه ...	سید شهاب الدین ... رحمه الله
سید نعمت الله فرزند شاه عالم ...	شیخ عبد الرزاق ... رحمه الله
شیخ شرف الدین ابو عبد الله محمد بن سعید بن حماد ناظم قصیده برده ...	طلحه بن عبد الله ... روز ... که روز پنجشنبه ...
بی بی ... سید عالم ... رحمت الله	که باقی مانده بود ...

از نحو روایات تاریخ ... حضرت فاطمه ... زبیر ... محمد بن طلحه و عبد الرحمن و
مسلم ... و عبد الله بن شداد و ... بن مسعود و مسلم بن قرطا ... علی بن ... زید بن ...
عمر بن الاشرف و ... ابن زبیر ... در جنگ جمل که صلح ... با عوان ... کشته
کشته شدند و در بعضی تواریخ ... جمع ... است چنانچه در این کتاب در تاریخ مذکور نوشته شده

۲۱ امام ... الثانی

65

امام عبد الله یافعی ... از شیخ ... و ... الشیخ ابو الحسن نور الدین علی بن ... عبد الله ... خواجه فضیل عیاض سلسله ... از شعبه سلسله الاولیا	خواجه قطب الدین محی ... در ... بعقصد ...
شیخ زین الدین عبد الصمد رحمه الله	میر سید احمد بن ... الدین محمد رحمه الله
سید عبد القادر رحمه الله	شاه محمود رحمت الله
شیخ ... بن ... و محمد بن یوسف ... قدس الله سره	شاه حسام الدین رحمت الله ...
	سید ... بن سید ... محمد از اولاد شاه عالم رحمت الله

امیر المومنین ابی بکر صدیق رضی الله عنه [illegible]
روز دوشنبه از شغفة اللآلی و تذکرة الحفاظ
از روضة الاحباب و تاریخ [illegible] و حسن مجالس
از تاریخ جلال الدین [illegible] و سوم ربیع الثانی
سنه ۱۳ هجری عمر شصت و سه [illegible]

سید احمد رفاعی قدس الله سره

شیخ ابو محمد عبد الله بن مسعود رحمة الله

مولانا احمد [illegible] رحمة الله

سید علاء الدین فضل الله زاده کابلی رحمة الله
از علما روز یکشنبه سنه ۸۶۷ در [illegible] از طبقات شاهجهانی

امام ابو النصر عبد الرحیم بن الامام ابی القاسم قشیری
صبح جمعه در نیشابور در سنه ۵۱۴ از تاریخ یافعی

شاه گدا ابن شاه طاهر [illegible] قدس الله سره
خرقه خلافت از شیخ [illegible] مولدش [illegible]
مدفنش [illegible] از اخبار الاخیار

سید عبد الرسول خلف سید شیخ الله [illegible] قدس الله سره

سید عبد الرحیم بدا رحمة الله

شیخ تاج الدین عبد الله عمر البیضاوی رحمة الله

عرس شیخ عبد القدوس گنگوهی قدس الله سره

سید عبد القادر الجیلانی الغیلانی قدس الله سره

سید [illegible] سید عبد الملک [illegible] و الا عم برده
قدس سره

خواجه [illegible] شیخ [illegible] قدس الله سره در
سنه ۳۲۲ بعد از نماز شام عمر [illegible] سال

سید بدر الدین [illegible] در قصبه [illegible] متعلقه
صوبه برار [illegible] خادمان آنجا [illegible] که آن [illegible]
[illegible]

شیخ ضیاء الدین ابو عبد الله [illegible] قدس الله سره

سید ابو الحسن بن سید علاء الدین سنه ۱۰۴۲ قدس سره

شیخ عبد القدوس گنگوهی سنه ۹۴۵ مرید شیخ محمد
بن عارف بن شیخ احمد عبد الحق ردولی
سلسله چشتیه قدس الله اسرارهم

سید عبد الجلیل بن عبد القادر قدس الله سره

١٢

۲۴ جمادی الثانی

شیخ قطب الدین ابو الحسن البرقانی خواهرزاده سید الکبیر قدس الله سره

شیخ ابو الخیر اقطع در سال ۴۳۳ قدس الله سره

خواجه محمد خاوند بن خواجه خاوند محمود نقشبندی العطار قدس الله سره

سید محمد بخاری عرف خان جیو رحمه الله مقبره در خیرآباد

مولانا العارف خادم یعقوب [illegible] رحمه الله

شاه ابراهیم محمد عرف [illegible] سید محمد فارسی [illegible] در سال ۱۰۱۵ [illegible] از نسخه [illegible] در بیان [illegible]

سید رکن الدین حسن شاه [illegible] قدس الله سره

سید شیخ جیو رحمه الله سنه ۱۰۲۹

مولانا محمود [illegible] شاه عالم [illegible] رحمه الله

سید ابراهیم [illegible] شاه [illegible] قدس الله سره

عرس شاه محمد سلسله قلندریه رحمه الله

[illegible]

٦٧

۲۵ جمادی الثانی

[illegible] در [illegible] و ولادت [illegible] در ماه رجب در سال [illegible] عمر ۲۰ سال از [illegible] و فضول [illegible]

شیخ ابو حمزه [illegible] قدس الله سره در سال ۲۹۰ در نیشابور [illegible] ابو حفص [illegible]

میان قطب الدین [illegible] رحمه الله

شیخ ابو نصر [illegible] بن ابو المعالی رحمه الله

خواجه عبد الباقی نقشبندی [illegible] خواجه [illegible] خواجه محمد زاهد [illegible] خواجه عبید الله احرار [illegible] خواجه یعقوب چرخی [illegible] خواجه بهاء الدین نقشبند قدس الله سره [illegible] در سال ۱۰۱۲ عمر ۴۰ [illegible]

سید حمید الدین ابو الوقت محمود [illegible] قدس الله سره

میان سید عبد [illegible] بن شاه [illegible] رحمه الله

۲۶ جمادی الثانی

شیخ [illegible] قدس الله سره

شیخ محمد [illegible] قدس الله سره

شیخ ظهیر الدین عبد الرحمن قدس الله سره

علی بن [illegible] بن عبد الله بن شیخ [illegible] عبد الله بن عبد الله [illegible] روز یکشنبه سال ۱۰۴۱ [illegible]

سید جلال الدین [illegible] شاه عالم [illegible] قدس الله سره

شیخ ابو بکر [illegible] قدس الله سره

شیخ محمد [illegible] بن قطب عالم [illegible] قدس الله سره

سید عبد الرسول بن شاه قمر الدین قادری رحمه الله برادر حقیقی سید وجیه الدین گجراتی قدس الله سره

شیخ معمر بابا حبیب [illegible] المصری رحمه الله

سید محمود بن سید حسن محمد رحمه الله

اسماء بنت ابی بکر صدیق رضی الله عنهما زوجه زبیر مادر عبد الله بن زبیر از صحابیات وفات [illegible] بعد قتل پسر چند روز [illegible] [illegible] از اسماء از [illegible]

شیخ عبد الله احمد المغربی رحمه الله

شیخ ابو محمد طاهر بن مطهر رحمه الله

قاضی شهاب الدین عثمان بن ربیع الدین علی الکورانی رحمه الله از علمای شافعیه [illegible] سنه [illegible] از رساله [illegible] در انوار شافعی مذکور اند

مخدوم شیخ رحمت الله بن شیخ عزیز الله متوکل قبر او [illegible] از اقربای [illegible]

سید [illegible] سید موسی بن سید حسن بن سید میران [illegible] ١٠

نقل من خط شیخ علی متقی قدس الله سره [illegible]

ابو سعید عبد الرحمن بن اسماعیل ابو القاسم عبد الکریم القشیری المعروف [illegible] امام ائمه [illegible] بوده روز جمعه در سنه [illegible] از رساله [illegible] از کتاب انوار شافعی مذکور اند

شهاب الدین عبد الرحمن [illegible] از فضلا [illegible] سنه [illegible] از طبقات [illegible]

شیخ ابو بکر کاشانی رحمه الله

شیخ حسین المحمود رحمه الله

شیخ عبد الکریم بن ابراهیم بن عبد الکریم بن خلیفه بن محمد بن محمود الگیلانی مصنف [illegible] والادواح [illegible] شیخ شرف الدین اسمعیل [illegible] در سنه [illegible] مذکور [illegible]

شیخ [illegible] الدین [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

شیخ عفیف الدین ابراهیم الکرخی قدس الله سره

مولانا محمود بن محمد [illegible] رحمه الله

سید [illegible] بن سید نور عالم رحمه الله

[illegible] سید وجیه الدین گجراتی

مخدوم شیخ رحمه الله [illegible] [illegible]

سید محمد باقر [illegible] محمد رحمه الله

سید جلال الدین بن سید بدر [illegible] شاه عالم [illegible]

سید عبد الرسول بن سید عبد الکریم رحمه الله [illegible]

[illegible] سید [illegible] در [illegible] ول

امام علی نقی [illegible] [illegible] [illegible] المنوره [illegible] [illegible] [illegible] الدولة

شیخ حمزه بن [illegible] [illegible] [illegible] الاسرار

شیخ سلیمان [illegible] شیخ محمد الماجد الکردی قدس الله سره

ابو القاسم محمود بن ابراهیم بن محمد بن عیسی بن القسم بن سمیع الدمشقی رحمه الله المعروف ابن سمیع حافظ صاحب کتاب طبقات [illegible] در دمشق [illegible] الحفاظ

شیخ عماد الدین حیدر بن شیخ محی الدین [illegible] رحمه الله

شیخ عبد الله محمد بن جعفر الشیرازی رحمه الله

غرهٔ رجب

شیخ [illegible] مرید شیخ ابو العباس نهاوندی [illegible] خواجه محمد بن [illegible]
خفیف [illegible] شیخ ابو محمد رویم [illegible] سید الطائفه جنید بغدادی [illegible] در انجام علوم [illegible]
سره روز [illegible] از سفینة الاولیا

در [illegible] از سلطان ابراهیم ادهم و از فضیل عیاض [illegible]
عبد الواحد [illegible]
قبر در [illegible] از سفینه

ابو محمد عبد الله بن مسلم الدینوری رحمه الله وفات در سال
دویست و هفتاد و شش از تاریخ یافعی در غرهٔ رجب

خواجه مودود چشتی مرید پدر خود خواجه ابو یوسف چشتی
و او مرید خال خود خواجه محمد چشتی قدس الله سره العزیز
در سال پانصد و [illegible] رحلت از [illegible] الجلالیه

میران سید [illegible] عبد الحلیم الکلیسری [illegible] سنه ۱۰۵[illegible]

شیخ ابو محمد [illegible] رحمه الله

شیخ ابو محمد لقمان بن عتبه [illegible] در سال
یکصد و نود و [illegible] ولادت [illegible] یازدهم شعبان
سال یکصد و [illegible] وفات در مکه قبر
در حجون از [illegible] مشکوة تاریخ یافعی

احمد بن ابراهیم بن اسمعیل بن ابی العباس الاسمعیلی
الجرجانی رحمه الله حافظ و شیخ الاسلام [illegible] در سال
سیصد و [illegible] تذکرة الحفاظ

خواجه نعمان [illegible] قدس الله سره

شاه [illegible] قدس الله سره که [illegible]

شاه طیب محمد قادری روز دوشنبه سنه ۱۰۵[illegible]

سید شاه محمد قادری روز [illegible] سنه ۱۰۸[illegible]

سید [illegible] شاه محمد از اولاد سید محمد [illegible]

ابو بکر احمد بن محمد بن احمد بن غالب الخوارزمی البرقانی
الشافعی حافظ شیخ فقهاء المحدثین [illegible]
سال چهارصد و [illegible] از تذکرة الحفاظ

مولانا ادهم [illegible] رحمه الله

شیخ حسین بن عثمان [illegible]
[illegible] شیخ بهاء الدین زکریا [illegible]
قبر در لاهور از اخبار الاصفیا

شیخ علاء الدین [illegible] بن شیخ عمر [illegible]
قدس الله سره مرید و خلیفه شیخ اخی سراج الدین [illegible] در سال [illegible]
از مرآت الاسرار

سید علوی [illegible] قدس الله سره
[illegible] عاقبة المقصد والمراد
فی مناقب سیدنا عبد الله حداد

۲ رجب

۶۹

ابراهیم [illegible] علیه السلام

سید [illegible] قدس الله سره

شیخ ابو محمد بلخی قدس الله سره

مولانا العارف محمد [illegible] قدس الله سره

نعیم الدین شاه نعمت الله ولی قدس الله سره [illegible]
[illegible] از طبقات شاهجهانیه

خواجه حاجی شریف زندنی قدس الله سره

شیخ مطهر مغربی قدس الله سره

شاه جلیل الله [illegible] شیخ نظام [illegible]
[illegible] در ارکات

شیخ [illegible] الدین [illegible] مرید شیخ نظام الدین
اولیا [illegible]

۳ رجب

برادر حقیقی امام حسن رض

امام علی نقی رض [illegible] در سال دو صد [illegible]
[illegible] ۱۵ رجب سال [illegible]
[illegible] سال [illegible] ماه [illegible] روز [illegible]
[illegible]

[illegible]

خواجه احمد وطی قدس الله سره وبا وی سلسلهٔ بیعت اسلام قرار یافت
که بغزا رفته بود در حلب بجمعه یا در سالی بست وهفت همراه
امیر المومنین علی المرتضی کرم الله وجهه در صفین جنگ کرده شهید شد
از روضة الریاحین نفحات امام یافعی

خواجه ابو یوسف جیشی از خوارقات

میان محمد حسین پور محمد جاشتی قبر در گجرات

میان محمدی رحمة الله

شیخ الاسلام تقی الدین ابو عبد الله محمد بن الحسین
بن رزین بن موسی بن عیسی بن موسی العامری
الحموی الشافعی المعروف بابن رزین در شب یکشنبه در سال
ششصد وهشتاد وولادت روز شنبه سیوم شعبان در سال ششصد و
سه از تاریخ یافعی واز رسالهٔ حیان فقها یلیه و از انوار شافعی

خواجه اکمل الله قدس الله سره روز جمعه در سال [illegible] قبر
شریف ... در بلخ از اخبار الاصفیا

امام محمد تقی بن امام علی رضا ... روز ... در سال [illegible]
ولادت بالتقوم ... روز جمعه در سال ... وسیع
در مدینه منوره شانزده سال ... و ... ماه ... روز
امام بعمر ... عمر شریف ... بوده امام علی نقی بوجود
امد عمر وی چهار سال ویک ماه وبیست روز

شاه عبد الکریم شیر سوار قبر در گجرات

شیخ ابو عمر عثمان رحمة الله

شیخ دولت شاه خادم ملک ... رحمة الله

شیخ ابو منصور بن سید عبد السلام بن سید عبد الوهاب
بن سید عبد القادر جیلانی قدس الله سره در بغداد سال ششصد
ویازده ودولادت در شب ... سال پانصد وچهل و ...
از تحفة القادریه و لمحة الاسرار

حضرت حبیب الله محمد رسول الله صلعم

قطب الربانی شیخ تاج العارفین سید ابو الوفا الکردی
البغدادی قدس الله سره

سید برهان الدین خلیل الله بن شاه نعمت الله ولی ... مقبره
در بیرالی کشمیر بود از خادمان انجا شنیدم

مولانا الغرت محمد صوفی رحمة الله

شیخ صالح ... وکسلی رحمة الله

شیخ عبد اللطیف جمالی ... رحمة الله

جامع المعقول والمنقول مولانا محسن رحمة الله در سال
هزار ... وهشتاد ... از کلمات ... ابرار

حضرت امام حسن رضی الله از ملفوظ ... الله

اویس قرنیا از اوراد الطالبین

سید محمد حسینی ... سید حمدان برادر ... سید محمد ... از قبر ... از ... پدر خود در ... از خادمان انجا شنیدم

بابا شاه ... نقشبندی ... وقت ... ارشاد ... بیت ... مرقد او در ... ودکی از شاه محمود جمال ... شنیده

عبد اللطیف مجذوب قبر در گجرات

شیخ ابو طالب عبد الرحمن ترکی رحمة الله

سید محی الدین احمد بن عبد العالی ... سید عبد العالی ... بن محمد ...

ظهیر الدین ... شیخ نظام الدین اولیا قبر در
روضه ... دو ... باد

خواجه عبدالله علمدار رسول الله صلعم

خواجه حسن بصری در سالی یکصد و ده و ولادت در سالی بیست و یک
هشتاد و نه سالگی قبر در بصره از سفینة الاولیا

عمر بن عبدالعزیز خلیفه رحمت الله

مولانا تاج الدین امام شاه ملار رحمة الله

فخر الاسلام ابو الحسن مصنف بزدوی رحمة الله

عرس شیخ سالار فاروقی که رخصت از شاه ارزانی شیخ
اختیار الدین ایرجی و بیعت و ارادت از خواجه محمد شاه داشت

شیخ سراج الدین عرف سراج العارفین مرید شیخ جمال الدین
المعروف شیخ جمن چشتی قبر در بیرم گاه سوالبار گجرات
از اولاد امام حسین

امام موسی کاظم رض روز جمعه در سال یکصد و هشتاد و سه وفات
و چهار سال عمر قبر در بغداد از کتاب احوال ائمة الاثنی عشر خلاصة
الاولاد سید البشر الشیخ عبدالحق دهلوی ولادت یکصد و
بیست و هشت در ماه صفر سنه

قاضی محمد ملار شاه عماد رحمت الله

شاه عبداللطیف مجذوب الهی مرید شاه ارزم المعالی
که در شهر آسوده اند قدس الله

مخدوم سید علاء الدین محمد رحمت الله

قاضی علیم الدین بهروچی قدس الله سره

شیخ قطب الدین ابو العباس احمد بن سریج رحمة الله

میر عبداللطیف قزوینی از سادات و فضلا در سال
نهصد و شصت و یک رحلت نمود از طبقات شاهجهانی

سید شیخ بن عبدالله از سادات حضرموت اوست که سنه
در سال یکهزار رحلت نمود قبر در روضه ... و
ولادت در سال نهصد و نوزده ... در بلده ... از

شیخ احمد المکی مرید شیخ محمد الجلی قدس الله سره در
سال یکصد و پنجاه وفات قبر در مدینه منوره از
طبقات شعرانی

ابان بن سعید العاص بن امیه بن عبد شمس بن عبد مناف
القرشی الاموی رض از صحابه کشته شد یوم الیرموک
و بقولی یوم الجمعه ... کشته شد ... بعد از
رجب سال پانزده در خلافت عمر رض و بعض گویند که در جهاد
در غزوه یرموک مسلمین سی و چند هزار بودند و افواج
روم ده لک نود ... جنگ عظیم واقع شد از تاریخ یافعی

فضل بن العباس بن عبد المطلب القرشی الهاشمی
المدنی از صحابه رض بقولی کشته شد یوم الیرموک سال
پانزدهم و گفته اند در یوم اجنادین از اسماء الرجال مشکوة

سعید بن عمر القرشی العامری از صحابه کشته شد روز
یرموک از اسماء الرجال مشکوة

عیاش بن ابی ربیعة المخزومی رض برادر مادری ابو جهل صحابه
قدیم الاسلام بقولی کشته شد روز یرموک در شام از
اسماء الرجال مشکوة و تاریخ یافعی و غیره

نعیم بن النحام و گفته اند نعیم بن عبدالله القرشی
العدوی رض و بعض گویند نعیم بن النحام بن عبدالله قدیم
الاسلام شهید شد به اجنادین و بقولی در یرموک در سال پانزدهم
از اسماء الرجال مشکوة

عمرو بن سعید بن العاص صحابی رسول کشته شد یوم
الیرموک از عینی شرح بخاری

[illegible]

طفیل بن عمرو الدوسی از صحابه کشته شد روز عام یرموک
در وقعه یرموک از اسماء الرجال مشکوة و غیره

عکرمة بن ابی جهل از صحابه رض کشته شد یوم الیرموک
و بقولی روز اجنادین از اسماء الرجال مشکوة و تاریخ یافعی

هشام بن العاص بن وائل برادر حقیقی عمرو بن العاص
قدیم الاسلام کشته شد اجنادین بقولی در یرموک
سال پانزدهم از اسماء الرجال و بقولی سال سیزده مشکوة

اقرع بن حابس بن عقال بن محمد بن سفیان بن مجاشع
المجاشعی الدارمی و ابن درید گفته که نام اقرع فراس
بن حابس التمیمی است از صحابه بعد از یرموک سال سیزده
با ده کس از فرزندان کشته شد از عینی شرح بخاری

عبدالرحمن بن العوام برادر زبیر العوام کشته شد
در یرموک از تاریخ یافعی

بتوی حارث بن هشام بن المغیرة المخزومی رض
برادر ابوجهل کشته شد در یرموک از تاریخ یافعی

عامر بن ابی وقاص برادر سعد بن وقاص کشته شد
در یرموک از تاریخ یافعی

۱۶ رجب

جعفر ثوانی امام موسی کاظم رض یحیی بر ملی ور رجب ریز داده
بلغته هارون رشید و از بعض کتب معتبر رجب ۱۸۳

خواجه طیفور شامی قدس الله سره

سید الطائفه شیخ جنید بغدادی روز جمعه در سال سیصد و دو
از مخبر الواصلین

خواجه رکن الدین احمد چشتی قدس الله سره

معین الدین ابوالقاسم از اولاد حضرت شاه عالم گجراتی قدس اسرارهم

شیخ عبدالله بن سید وجیه الدین گجراتی صاحب سجاده
بود محمود در سال هزار و شانزده از اخبار الاصفیا

شیخ احمد بن محمد الحموی مصنف کتاب شیخ الخط فی شرح
الوسیط و کتاب ابو الانوار و فقها مشهور بوده سیصد و
و هفت عمر ششتاد ساله بود از ابناء محدثین فقها بلکه در انوار یافعی

خواجه معین الدین چشتی سنجری قدس الله سره در سال ششصد و سی و سه
ولادت سال پانصد و سی و در سیستان بود و در
خراسان در عمر شریف نود و هفت سال مرقد مبارک در بلده
اجمیر از ملفوظات ابرار و خزینه کتب ها

حاجی شریف زندنی مرید خواجه مودود چشتی قدس الله سره
از سفینة الاولیا

شریف ابوبکر بن عبدالله العیدروس قدس الله سره

بندگی میان فتح الله جمال رحمة الله

شیخ فتح الله حسینی چلاماوری صاحب مخزن الوصایل
روز جمعه در کتابی مذکور

شیخ حسن بن شیخ محمود الغفاری رحمة الله از فضلا مشهور
در آگره از اخبار الاصفیا

۱۷ رجب

شاه محمود و جانشین قاضی علم الدین گیلانی خلیفه سید راجو قتال
در سال هشتصد و سی در عمر
از ملفوظات ابرار

مخدوم سید علاء الدین محمد رحمة الله

سید عبدالقادر بن سید اعلی محمد بن قطب عالم گجراتی

رضی الدین ابواسحق ابراهیم بن ابی حفص عمر الواسطی

میان بده بن حسام الدین محمد در سنه ۹۳۱

مولانا بیار محمد رحمة الله

اسماء بنت ابی بکر صدیق مادر عبدالله بن زبیر بعد قتل
پسر خود عبدالله وفات یافته بعد ده روز و بقولی
بیست روز و کور و معظم حج الاول با یعقوب حج شده
از اسماء الرجال مشکوة

شیخ نظام بلخی چشتی پیر شیخ جلال
در مرید شیخ عبدالقدوس گنگوهی قدس الله سره

شیخ عبدالله قادری سوری رحمة الله

شیخ ابوالقاسم بهلول شوری رحمة الله

شیخ شهدالله بن عبدالصمد رحمة الله

سید عثمان کبیر باد رحمة الله

سید کبیر الدین رحمة الله شهید شده در قصبه صوبه برار
بوده اند از خادمان تاریخ شنیده

وجیه الدین الشیخ عبدالرحمن بن علی الدیبع الشیبانی الزبیدی
الشافعی رحمه الله روز جمعه در سال نهصد و چهل و چهار وفات
او روز جمعه چهارم محرم سال نهصد و چهل و چهار از کتاب الاعلام

۸ رجب

شیخ عبدالرحمن طغسونجی مرید شیخ العارفین ابوالوفا قدس الله سره

شیخ علی بن ادریس [illegible] قدس الله سره

خواجه علی محمد الخوری رحمه الله

بابا داموکل قبرش [illegible] رحمه الله

شیخ عظیم الدین مرید شیخ شرف الدین شیخ [illegible] رحمه الله

سید احمد حسینی باعبود قدس سره روز جمعه در سال ۱۰۴۰
ولادت شریف در بندر مخا بوده وفات هم در بندر مخا بوده وفات در
بندر جده بعد وفات او را از آنجا آورده در مکه معظمه در مجلا محوطه آل باعلوی
دفن کرده‌اند رحمه الله از اکابر مشایخ بوده

در [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]

۹ رجب

حضرت ابراهیم بن رسول الله صلعم و بعضی از وی حال
و سنه که پانزده توقیع وفات شد

محمد اسمعیل صاحب صحیح بخاری رحمه الله روز جمعه از ساکنان
صد و بنجاه از نجا و اصلین

شیخ بدرالدین غزنوی خلیفه خواجه قطب الدین بختیار اوشی
قبر در ملتان [illegible] قدس الله سره

شیخ محب الله صدرالدین [illegible] شیخ واحد [illegible] از [illegible]
شیخ جلال تهانیسری و او از عبدالقدوس گنگوهی و او از شیخ عارف
و او از شیخ عبدالحق و او از شیخ جلال پانی پتی و او از شیخ شمس الدین
ترک و او از علاءالدین صابر و او از شیخ فریدالدین گنج شکر قدس الله سره در سال ۱۰۵۶
از اولاد الابرار قبر در [illegible]

خواجه ابو محمد چشتی قدس الله سره

سعد وقاص صحابی رضی الله عنه

شمس الدین تبریزی روز یکشنبه از فخر الواصلین قدس الله سره

شیخ محمد [illegible] رحمه الله

شیخ موسی سهاگ حسینی قبر در گجرات رحمه الله

شیخ [illegible] مبارک [illegible] رحمه الله

ابوعلی الحسین بن محمد بن الفرن محمد بن الحسین بن عیسی که عالم
حسن المآثر جلیس [illegible] [illegible] المعروف [illegible] فی زمانه
سعید المنصف [illegible] من الثقات [illegible] الحفاظ

۱۰ رجب

بروایتی امام حسن

[illegible] شیخ [illegible] [illegible] الحلالی

شیخ ضیاءالدین ابونجیب سهروردی قدس الله سره در سال ۵۶۳

ملا مسکین بیره زاده ملا [illegible] محمد اختیار رحمه الله

عمر بن عبدالعزیز خلیفه رحمه الله

شیخ عبدالله رهبری رحمة الله

محمد نورمی مرید شیخ اسمعیل [illegible] از شیخ نورالدین [illegible]
السواب و او از شیخ احمد جوزجانی و او از شیخ رکن الدین علاءالدوله
شیخ نجم الدین کبری قدس الله سره روز جمعه در سال ۸۵۱ از فحول واصلین

فقیه علامه شیخ عبدالله ابن الفقیه الصوفی عمر بن العلامه
عبدالله با مخرمه [illegible] در سنه [illegible] [illegible] [illegible] در [illegible]
[illegible] [illegible] الساهر

امام محمد باقر رضی الله عنه

سید محی الدین ابوالفتح بن سید ابراهیم بن [illegible] سید عبدالقادر جیلانی قدس الله سره

شیخ محمود ابن [illegible] خلیفه شیخ احمد [illegible] قبر در [illegible] قدس الله سره

شیخ علی مرید سید عبدالرحمن عرف [illegible] شاه قبر در گجرات

شیخ ابوالقاسم گرگانی قدس الله سره

سید محمود [illegible] [illegible] از مریدان سید محمد گیسو دراز [illegible]

سلطان الاولیاء مولانا جلال الدین رومی [illegible] شمس الدین تبریزی و او از سید
برهان الدین محقق و او از شیخ بهاءالدین ولد والد مولوی شیخ جلال الدین
مذکور و او شمس الائمه سرخسی و او از احمد خطیبی شیخ بهاءالدین ولد و شیخ احمد مرید
شیخ احمد غزالی و او از ابوبکر نساج و او از شیخ محمد زجاجی و او از شیخ ابابکر
شبلی و او از شیخ جنید بغدادی قدس الله سره در سنه ۶۷۲ [illegible] [illegible] از ده
ولادت در سال [illegible] [illegible] از [illegible] و [illegible] و [illegible] المناقب
والمعانی و سلسله ایشان مروج است

شیخ ابو الحسن صایغ دینوری قدس الله سره

شیخ ابو عثمان مغربی در نفحات الانس مسطور است نسبت او به ابو علی کاتب است
و ابو علی از رودباری و او از سید الطایفه جنید بغدادی قدس الله سره

شیخ علی متقی تا باز فرزندان سلمان فارسی

شیخ ابراهیم بن یوسف لطف الله رحمه الله

شاه نعمة الله فرید عاشق شیخ علی الله از اولاد

سید محمد گیسو دراز از خوارقات

ابو القاسم علی بن الحسن بن هبة الله بن
عبد الله بن الحسین الدمشقی الشافعی المعروف
ابن عساکر امام حافظ کبیر محدث شام بحر الاکم
صاحب تصانیف بسیار ثقه و متدار وفات در سال ۵۷۱
از تذکرة الحفاظ

سید محمد المعروف محبوب عالم ۱۰۴۰ قدس الله سره

شیخ ابو الحسن ... بادی ...
اولاد ایشان ... شنبه

شیخ ابو العباس احمد بن ابو البرکات المغربی

شیخ فتح الله نجیب رحمه الله

سید محمود چشتی رحمة الله

نعوذ ... امام محمد باقر ... در سال ۱۱۲ ... چشتی
۵۲ ... دوازده روز از جمع الاولیا

شیخ الاسلام ابو الصفا عبد الرحمن بن عبد الکریم
بن ابراهیم بن علی بن زیاد الحنفی الزبیدی
الیمنی رحمه الله تعالی ... در سال ۹۰۵
به بلده زبید ... در رجب سال ... از النور السافر

نور الدین شاه ابو العلائی صدیقی
وفات صاحب حیدر آباد روز شنبه بوقت نماز ظهر ۱۲۷۶
عمر شصت و پنج سال بود مرقد شریف
در حیدر آباد اندرون فتح دروازه درخل ...

حضرت ... در رکاب
... ۹۰۶ ... در بقیع

شیخ عثمان ... قدس الله سره

خواجه ... شیخ ... سلسله
چشتیه قدس الله سرها

سید محمد با حسن جمل اللیل قدس الله سره

میان ... محمد ... عبد الواحد ... عالم ...

شیخ بن علوی عبد الله باعمود باعلوی ...
دوازدهم رجب سنه ۱۱۲۰ قمر در بلدة منوره
سید علوی بن شیخ باعبود از سوره ... نوشته

شیخ عقیل محی از مشایخ شام قدس الله سره

سید محمد مقبول عالم بخاری رحمه الله

سید ابو محمد ... سید مصطفی ... چشتی
رحمه الله سنه ۱۰۴۱

شاه عبد السمیع رحمه الله سلسله قلندریه

بابا ... نور ... محمد ...
نور الدین ... تغلق ...
الی ...

حاجی شریف زندنی از اولیای ... [illegible]
خواجه ... [illegible] قدس الله سره

ابو عیسی محمد بن عیسی بن سورة الترمذی ... صاحب سنن
امام حافظ ... [illegible] ... وفات ...
در دو صد و ... [illegible]

شاه ... شاه عالم گجراتی قدس الله سره قبر در احمدآباد
گجرات زیارتگاه مردم

سید شاهی بن سید یعقوب ... رحمه الله

بابا حاجی رجبی در پتنی گجرات سنه ...

در ایوان شاه ... شاه شیخ ... رحمه الله

میان شریف محمد علوی رحمة الله

بابا حاجی رحمة الله

بابا غور رحمه الله

بابا حبیب رحمه الله

شیخ الاسلام ابو زید محمد المعروف به ابو زید
المروزی بن احمد بن عبدالله بن محمد الفاشانی
از فقهای ... [illegible] ... در سنه
... و فقهای دیگر ... در رساله بیان فقها
در اقوال شافعی مذکور اند

سید عمر بن محمد بن علوی بن محمد المعلم بن علی بن
عبدالرحمن بن محمد بن الشیخ عبدالله باعلوی ...
در سنه ... [illegible] ... از مشرع

75

بقول اکثر
تربت شیخ ... [illegible] ... ابو الوفا ...
... [illegible] ... چهارشنبه
... از اسماء ... [illegible] ... سنه ۹۰۱
قبر ... در شام

ابو عیسی محمد ترمذی رحمه الله مصنف شمائل ...

شیخ محمد بن شیخ عبدالملک ... [illegible] ... رحمه الله
در سنه ... [illegible] ... از قلندران ابرار

شیخ ... [illegible] ... رحمة الله

سید حسین عابد ... رحمة الله

سالار مسعود غازی قدس سره

خواجه قطب الدین بن رکن الدین بخاری رحمه الله

خواجه محمود شهید ... رحمه الله

میان محمود ... [illegible] ... رحمه الله

حاجی عبد الوهاب بخاری ... سید جلال ...
سید صدر الدین راجو ... در سنه ۹۳۲ ...
در جوار شیخ عبدالله قریشی

سید حسین قادری ... [illegible]

امام محمد باقر رض ... [illegible] ... در شام
بن عبد الملک ... [illegible] ...
... [illegible] ...
... [illegible] ...
امام ... [illegible] ... امام جعفر صادق ...
تاریخ ...

امام جعفر صادق رض ... روز دوشنبه در سنه ...
در بقیع ... امام حسن رض ...
... [illegible] ...
... [illegible] ...
... [illegible] ...
الاولیا و مشرع

امام موسی کاظم رضی الله عنه در سال یکصد و هشتاد و سه قبر در بغداد و در مقبره قریش ولادت روز یکشنبه هفتم صفر سال یکصد و بیست و هشت ... از سفینة الاولیا

معاویه بن ابی سفیان صحابی در سال شصت عمر هشتاد و یک سال از گزیده

شیخ ابوالحسن ... در سال ... قبر در ... از نفحات و سفینة الاولیا

برادر شیخ احمد ... قدس الله سره

برادر شیخ موسی ... قبر در هرات

سید ... بن سید قاسم ... رحمة الله

سید شاه ... بن سید جعفر رحمة الله

... بن سید ... قبر در ... رحمة الله

سید شیخ بن سید محمد ... الدین قدس الله سره ... روز جمعه در سال ... مولد قند ... بلده ... از سبع

امام اعظم ابوحنیفه کوفی ... روز ... یوم الاستفتاح در سال یکصد و پنجاه عمر ... سال قبر در بغداد از سفینة الاولیا

ابومحمد عبدالله بن مسلم ... رحمه الله در ... [illegible]

سید علاء الدین ... بن سید عالم عثمان ... قدس الله سره

شیخ ابوالفتح ... رحمه الله

شیخ فتح الله رحمة الله

شاه ... شهید رحمة الله

حاجی شریف زندانی قدس الله سره

صفی الدین ابا الخیر مسعود بن ابوالفتح ... در ... قبر در ... شیراز از شیراز نامه

احمد بن محمد بن جعفر الامام المشهور به ابوالحسن ... رحمه الله المعروف بالقدوری ... روز یکشنبه در سال چهار صد و بیست و هشت ... قبر ... از ...

۱۶ از رجب

شیخ ابوعبدالله ... قدس الله سره

... ابوالفتح ... الدین ... شیخ ... روز پنجشنبه بعد نماز مغرب ... از سیر العارفین در سال ششصد و پنجاه

ملک ... برادر شاه داول رحمة الله

سید ... الدین سید اسحاق ... رحمة الله

ابوعبدالله الحسین بن ابراهیم بن حسین بن جعفر الهمدانی المعروف به جوزقانی حافظ امام ... در سال پانصد و چهل و سه از تذکرة الحفاظ

شیخ ابوالغیث مسعود المغربی قدس الله سره

شیخ ... ساوجی در سال ... از تاریخ گزیده

شیخ علی ... قدس الله سره

سالار شهید رحمة الله

ملک ... قبر در بلده ... از خادمان آنجا شنیده که از چند ... رجب ... وفات ... امروز ... یکصد و پنجاه و ... است که ... بلده ... وفات ایشان ...

۱۷ از رجب

ام المومنین رقیه رضی الله عنها

شیخ عبدالله خفیف ... الجلالی

شاه ... الله ... روز جمعه ... اشراقی

عباس بن عبدالمطلب ... جمعه در سال ... از ...

سید ... قبر در ... تاریخ

عبدالله ... بن شیخ احمد نقشبندی ...

سید محمد [illegible] الملی مرید و خلیفه شیخ نصیر الدین محمود چراغ دهلی در ایام [illegible] متعقد بجاه و شیخ [illegible] قدس سره

خواجه محی الدین عبدالله الطائی

سید علی بن قاسم قزوینی رحمة الله

خواجه احمد ابدال قدس الله سره

شاه [illegible] رحمة الله

سید حسن بن سید نعمة الله بن شاه [illegible] بن سید محمد [illegible]
رحمة الله قبر در بیجاپور علیه [illegible]
سید امام الدین ابو المعالی رحمة الله
در عهد [illegible] رحمهم الله

سید عبدالله بن محمد [illegible] سید عبدالقادر عرف
حضرت [illegible] سید [illegible]
از اولاد [illegible]

میان [illegible] خلیفه شاه [illegible]

سید محمود معلی رحمة الله

ابو الحسن [illegible] سید [illegible]
بن علی بن محمد [illegible] بن علی بن محمد بن علی بن [illegible] محمد بن
عبدالله بن احمد بن عیسی بن محمد بن [illegible] بن جعفر الصادق رض

۱۸ رجب

ابو عبدالله سری سقطی قدس الله سره

مخدوم سید شرف الدین [illegible] و خلیفه مخدوم [illegible]

شیخ ابو المعالی [illegible] ابو الحسن [illegible] رحمة الله

سید عبد الوهاب رحمة الله از اولاد حاجی عبد الوهاب بخاری
صاحب تغیر انوار در [illegible] طبقات

سید [illegible] بن مقبول عالم از اولاد شاه عالم گجراتی قدس الله سره

سید احمد اعظم شرف جهان رحمة الله

شاه [illegible] لطف الله [illegible] سید شاه [illegible] از اولاد [illegible]
گجراتی قدس الله اسرارهما

مولانا محب رحمة الله

مولانا عماد الدین عبد العزیز [illegible] المشهور [illegible]
زاده [illegible] از طبقات [illegible]

شیخ صالح محمد بن شیخ محمد [illegible] رحمة الله [illegible]
قبر در [illegible] گجرات از اولاد

[illegible] بن عباد [illegible] ابو حمزه [illegible]
[illegible] الحفاظ
[illegible] شاه [illegible]
[illegible]

امام علامه شیخ [illegible] بن [illegible]
بن اسمعیل بن محمد بن عمر رحمه الله [illegible]
[illegible] از عقد الجواهر و الدرر

۱۶ رجب

[illegible] قدس الله سره [illegible]

شیخ محمد بن عبدالله [illegible] رحمه الله

[illegible] شاه عالم [illegible]

شیخ [illegible] بن عبدالله [illegible] رحمه الله

شیخ ابو مسلم رحمه الله

[illegible]

[illegible] خواجه [illegible]
[illegible] خواجه علی [illegible] مسعود

سید علی [illegible] بن [illegible]
[illegible] ترجم از شیخ

[illegible] سلطان بن [illegible]
[illegible] رحمه الله [illegible]
[illegible] از تذکرة الحفاظ

[illegible] حافظ الدین
[illegible] از تذکرة الحفاظ

۲۰ رجب

امام موسی کاظم رضه روز جمعه بیست و ... در سنه ۱۸۳ زهری که یحیی بن خالد برمکی در رطب تر داده بقول بعضی هارون رشید از شواهد النبوه و سفینة الاولیا

بروایت حاجی شریف بیست و یکم از جوارقات ...

عمر بن عبد العزیز روز ... از رجب از شواهد النبوه در سال ... از شواهد النبوه ... تاریخ یافعی

سید صادق محمد بن قطب عالم گجراتی رحمت الله

نور شهید قبر در گجرات رحمت الله

شیخ محمد صبغة الله عرف شاه ... شیخ وجیه الدین گجراتی ... در سنه یکهزار و ... بعد نماز مغرب ولادت یازدهم شعبان سنه یکهزار ... از ملفوظ ملا حبیب الله

خواجه علاء الدین عطار ... خواجه بهاء الدین نقشبند ... از نفحات ... جهانیان وار از رشحات طبقات شاه جهانی ... نفحات

ابو الحسن کرخی رحمت الله

شیخ بهلول بن شیخ کبیر ... رحمة الله ... شیخ محمد ... که در ارشاد ... در سال ... از تحفه از اخبار الاخیار

شاه محمد بن شیخ جالندا قبر در گجرات

شیخ اسمعیل بن ابی الفضایل رحمة الله

۲۱ رجب

ام المومنین حضرت خدیجة الکبری

... نور البعلبکی رحمة الله

شیخ محمد سیران رحمت الله

فقیه الامام معین الدین محمد بن ابراهیم اسمعیلی رحمت الله ... روز جمعه در سال ... از تاریخ یافعی

شیخ حیوة بن قیس قدس الله سره

شاه نعمت الله ولی خلیفه شیخ عبد الله یافعی ... قدس الله سره

مخدوم مولانا غیاث رحمة الله

سید احمد بن عبد الرحمن السقاف قدس الله سره در سنه ... عمر ... در سال ... از مشرع مولد و مرقد تریم

۲۲ رجب

شیخ رکن الدین علاء الدوله سمنانی مرید شیخ نور الدین عبد الرحمن اسفراینی ... احمد جوزقانی و از رضی الدین علی لالا ... از شیخ نجم الدین کبری قدس الله سره ... در سال ۷۳۶ ... ولادت ... در خطاب قطب زمان عماد الدین عبد الوهاب از نفحات

شیخ علی بن ادریس رحمت الله

معاویه بن ابی سفیان ... روز پنجشنبه ... در سال ... از ریاض المستطابه

بروایتی شاه نعمت الله ولی قدس الله سره

سید جلال ابن عرب شاه رحمت الله

سید نعیم الله بن سید منتجب رحمة الله

بروایت حاجی شریف بیست و یکم از جوارقات

سید صفوی سید قاسم نبیره شاه ناصر الدین محمود ...

ابو الفرج عبد الرحمن بن ابی العلاء ... رحمت الله

... شیخ زین الدین دولت آبادی ...

۲۳ رجب

امام جعفر صادق رض روز دوشنبه در سال یکصد و چهل و هشت ولادت
روز دوشنبه ... ربیع الاول سال هشتاد و سه و عمر شریف شصت و پنج سال
چهاردهم ماه ... از آن جمله ... یک سال ... امام ... وفات
رضی الله عنه ... مسموم شد در آن وقت امام موسی کاظم
... سال بود از تاریخ گزیده

احمد بن شهاب الدین بن محمد بدر الدین بن محمد شمس الدین
بن علی نور الدین ابن حجر الهیتمی المعروف بابن
حجر ... روز دوشنبه وفات ...
از رجب سال نهصد و هفتاد و چهار از مشرع

شیخ وجیه الدین ابو حفص عمر سهروردی قدس الله سره

ملک ... الدین ... مرید شیخ نصیر الدین رحمة الله

ملک بدر الدین ... مرید شیخ نصیر الدین

شاه نعمی بن مقبول عالم رحمة الله

شیخ تاج درویش رحمة الله

حافظ ابو محمد رحمة الله

میان خواجه محمد رحمة الله

شیخ عبد الفتاح ... قادری رحمة الله

سید طیب ... شاه لطف محمد قادری رحمة الله

احمد بن شهاب الدین محمد بدر الدین بن محمد شمس الدین ابن علی
نور الدین ابن حجر

ابو الحسن محمد بن هانی الاندلسی رحمة الله ... در
چهارشنبه ... که باقی مانده بود از رجب سال
سیصد و شصت و دو از تاریخ یافعی

۲۴ رجب

امام ابو الحسین مسلم ... شب یکشنبه ... که باقی مانده
از ماه رجب ... [illegible] ... و تاریخ گزیده

امام محی الدین نووی در سال ششصد و هفتاد و ... ربیع
چهارشنبه از نفحات و تاریخ یافعی مذکور الحفاظ

خواجه ... شاه ترکمان قدس الله سره ...
... قبر ... نزدیک ترکمان دروازه

شیخ سراج الدین ابو عبد الله محمد ... قدس الله سره

سید ... از اولاد قطب عالم ...

شیخ محمود بن ... رحمة الله

۷۹

شیخ ... عثمان رحمة الله

سید احمد بن عبد الله علوی بن حسن بن احمد بن محمد بن حسن بن علی
بن الفقیه المقدم از سادات حضرموت ...
مانده بود از رجب سال نهصد ... از مشرع

میان ... الاسلام رحمة الله

شاه ... رحمة الله

۲۵ رجب

عمر بن عبد العزیز ... در سال یکصد و یک وفات
خلافت ... از طبقات ناصری و تاریخ یافعی

ابو الحسن امام مسلم ... روز یکشنبه ... باقی مانده
از رجب سال ... در سال ۲۶۱ ... قبر در نیشاپور ...

شیخ ... مرید ... شیخ نظام الدین اولیا
... شیخ نظام الدین ...
شیخ نصیر الدین ...
... ۸۱ ... قبر ... الله اولیا

قاضی شهاب الدین دولت آبادی ... ملک العلماء ...
... ابراهیم ...
این ... در سال ۸۴۹ قبر در جونپور
رضی الله عنه

شیخ ابوالنجیب [illegible] رحمه الله

سید ابوالحسن محمد الواسطی رحمت الله

مولانا مخلص الدین ابوالحمید رحمه الله

شیخ العلامه احمد بن ابی الفتح الحلبی المغربی المکی رحمه الله در سال ۱۰۴۶ در مدینه [illegible] از
عقد الجواهر والدرر

شیخ عبدالله ابن عرب رحمه الله

سید حسین بن علی فردوسی رحمت الله

میران شاه سعید شهید قبر در گجرات رحمه الله

شیخ علامه امام [illegible] محمد بن احمد الثعالبی [illegible] الملکی المذهب [illegible]
[illegible] رحمه الله [illegible] در سال ۱۰۸۰
از عقد الجواهر والدرر

۲۶ رجب

شیخ احمد [illegible] و [illegible] شیخ [illegible] سید عبدالله [illegible] رحمه [illegible] در [illegible]
شیخ محمد [illegible] شیخ سراج الدین [illegible] شیخ جمال الدین [illegible] قبر در قریه العید [illegible]
علامه [illegible] شیخ [illegible] در سال ۹۶۶ [illegible] معلوم شد
[illegible] از اولاد [illegible]

سید شاه [illegible] ابوالحسن از اولاد شاه [illegible] الله
قبر [illegible] از خادمان [illegible]

شاه [illegible] که در [illegible] آسوده قبر
نزدیک مقبره شیخ جلال [illegible] در [illegible]

شیخ ابوعبدالله محمد بن [illegible] رحمه الله

شیخ محمد [illegible] رحمه الله

شیخ عبدالله بن شیخ احمد [illegible] رحمه الله

شیخ حسن [illegible] رحمت الله

شاه [illegible] الله قبر در [illegible] رحمت الله

مولانا جمال الملة والدین رحمت الله

سید [illegible] قبر [illegible] از
خادمان [illegible]

شیخ سلیمان [illegible] شیخ [illegible] شیخ نظام الدین [illegible]

حاجی [illegible] قبر [illegible] قلعه دهلی

[illegible]

خواجه عبدالرحمن [illegible] شاه قاسم [illegible]
قبر [illegible] دروازه [illegible]

سید [illegible] سید [illegible] عبدالقدوس قبر در [illegible]
سید عبدالله [illegible]

۸۵

امام حافظ شیخ الاسلام ابومحمد عبدالرحمن بن علی الدیبع [illegible]
رحمت الله [illegible] در سال [illegible]
در بلده زبید روز پنجشنبه چهارم محرم [illegible]
از [illegible]

سید محمد بن [illegible] عبدالله بن علی [illegible] از سادات
[illegible] عبدالقدوس [illegible] اول
[illegible] ۱۱۶۰ [illegible]
نزدیک [illegible] کوت [illegible]
[illegible] از [illegible] خطوط که از [illegible]

علامه [illegible] شیخ [illegible]

۲۷ رجب

امام علی [illegible] بن امام جعفر [illegible] رضی الله عنهما [illegible]
از اولاد حضرت امام [illegible]

قطب الاقطاب سید [illegible] موسی [illegible] سید
عبدالقادر جیلانی قدس الله سره

سعید [illegible] شیخ [illegible] جنید بغدادی [illegible]
و [illegible] معروف کرخی [illegible] امام [illegible]
امام [illegible] امیرالمؤمنین [illegible]
[illegible] امیرالمؤمنین
[illegible] در سال ۲۹۷ [illegible] قبر در بغداد [illegible]

امام ابویوسف [illegible] امام اعظم [illegible]
[illegible] قبر در بغداد [illegible]

امام [illegible]

شیخ سلمان [illegible] قبر در مدینه منوره [illegible]
[illegible]

شیخ [illegible] از اولاد شیخ جمال الدین [illegible] قبر در [illegible]
[illegible] از [illegible]

شیخ محمد بن حسن بن [illegible] قبر در [illegible]
نزدیک [illegible] از اخبار الاخیار

شیخ ابی بکر بلبلی [illegible]

سید قطب سیره قطب عالم ... رحمة الله

شیخ صدر الدین فرید و تلمیذ خواجه عثمان هارونی یا شیخ
قبر آنحضرت در قصبه اودهر ... در صوبه بهار و کن
رباط ... مردم اند ... تاریخ از حاجی ایشان شنیده

بیرحاتم که در سوان ... کرده

نظام الدین عبد الرحیم ... رحمة الله

قاضی القضات تاج الدین عبد الوهاب ... السبکی
الشافعی رحمة الله صدر الدین ... تاریخ از
تاریخ امام یافعی

۲۸ رجب

شیخ فیض الله عرف میان قاضی که فرزند ... بود

شیخ حسام الدین مانکپوری در سنه هشتصد و
هشتاد و سه از فضایل الاولیا

سید شرف الدین مشهدی و امام محمد ... قدس الله سره

شیخ ابو المقدم قاضی ... رحمة الله

سید محمد بن سعید محمد ... رحمة الله

شاه کامل ... قبر در محله ... تا دیر ... بگذرانید
ولی ... در قید حیات بود ... شنیده

شاه عبد الکریم قدس الله سره پسر شاه محمد ... قبر
در مانکپور از مریدان سلسله ایشان شنیده

مولانا سید محمود بن احمد ... وفات شده روز
چهارشنبه قبر در ملتان از شیخ ... امام ... شنیده

ملا ولی محمد شاهی رحمة الله

خواجه برهان الدین بن خواجه محمد ... نقشبندی ... قدس الله سره

سید محمد برادر سید یحیی فرزند سید اوحد ... رحمة الله

ملک شهاب الدین تاج ... شیخ نصیر الدین رحمة الله

شیخ ابو الفضل ... رحمة الله از اعاظم
اصحاب اقوال ... از ... ابرار

۲۹ رجب

شیخ ابو ... شطی ... احمد الحلاجی

شیخ عبد العزیز فخر الدین ... سنه ۱۰۲۴

شاه عبد اللطیف قبر نزدیک ... دروازه

مولانا قاسم ... مقبول عالم رحمة الله

سید ... شیخ جمال بن ... محمود

سید جعفر مبارک قبر در محله ...

شیخ ابو حامد عراقی قدس الله سره

سید مطیع شهید بن سید ... رحمة الله

مولانا خان بن محمد ... رحمة الله

شیخ طالب بن شیخ صلاح الدین رحمة الله

شیخ محمد ... عارف ... رحمة الله ... اللیل
وجه الله عبد الرحمن بن ... عثمان ...
قدس الله سره ... وفات
... قدس الله سره از اولیای ... مشایخ ...
... نور الله ...

۸۱

۳۰ رجب

امام شافعی روز جمعه ... در سنه ۲۰۴
چهار ولادت در ... قبر در ...
از ... الاولیا و ... فقها

خواجه امام ابو بکر بن ابی سعید رحمة الله

ابن عبد الله ... حافظ ...
ابو الحمد محمد بن عبد الله بن ...
... رحمة الله ...
... در سنه ۶۹۲ ...
... از تذکرة الحفاظ الحدیث الذهبی

شیخ ابو ... قدس سره

شیخ ابو طالب محمد بن علی بن عطیه الحارثی المکی مرید شیخ عارف ابو الحسن محمد بن ابی عبد الله احمد بن سالم البصری و او مرید پدر خود ابو عبد الله احمد بن سالم و او مرید شیخ سهل بن عبد الله تستری و او مرید شیخ ذو النون مصری و مرید اسرافیل رضی الله عنهم و نفعنا به

غره شعبان

حضرت خدیجه الکبری رضی الله عنها

شیخ نجم الدین خراسانی قدس الله سره

شیخ علاء الحق و الدین بن شیخ فرید الدین گنج شکر قدس الله سره از خلفاء ...

سید عبد الله بن محمد بن عبد الرحمن سید محمد بن سید علوی بن سید ابو القاسم بن سید علوی بن سید ... الشیخ عبد الله علوی رضی الله عنهم از سادات حضرموت فرزند بلکه از مشائخ ... در مدینه منوره قبر در بقیع مشهور ... در ... در بلده ... و عقد الجواهر و الدرر

شیخ ... قدس الله سره

سید اسمعیل بن عطار رحمة الله

سید اسمعیل بن نجم رحمة الله

... بن عبدوس رحمة الله از تذکرة الحفاظ

٢ شعبان

شیخ عبید الله انصاری ... رحمه الله ... هست ... از ... الواصلین

قاضی محمد صالح ... مجاور الحرمات

شیخ نور بن شیخ جالندار رحمة الله

شیخ ابو الفضل الله بن ... رحمة الله

سید ابو بکر سلطان بن سید عبد الله ... رحمة الله

شاه شیخ قلندر سلسله از ... شنیده ... خواندگانی

٣ شعبان

شیخ نعمان ... امام اعظم ... و ... شیخ ... سی و سه ... از نفحة ... از تحفه قول ... مذکور است

شیخ محمد ... از ... الله الجلال رحمه الله

شیخ ابو الفرح ... قدس الله سره

شیخ علی بن هیتی قدس الله سره

سید میران جعفر ... رحمة الله

شیخ ... از خلفاء شیخ نظام الدین اولیاء و مرید شیخ ... بن ... شیخ فرید الدین گنج شکر ... قصبه ... مالوا

شاه ... بن شاه ... بن شاه ... بن سید محمد ... از مریدان شاه ابو الحسن ... از ...

سید محمد ... از مریدان ... سید ... الله ... قبر در ... باغ ... از ... شنیده

مولانا حسن عمر رحمة الله

امام محی الاسرار مصنف کتاب جامع الاحکام
اخر روز شنبه در سنه ستصد و چهل و نه وفات یافت رساله
در بیان صفات که در کتاب انوار شافعی مذکور اند

سیم شعبان

امام اعظم ابو حنیفه کوفی رضی الله عنه روز دوشنبه سال
یکصد و پنجاه و هجری در بغداد از فتح الوالملس
بروایت سید محمد غوث الثقلین سید عبد القادر
جیلانی قدس الله سره
بروایت شیخ عبد الله یافعی قدس الله سره
شیخ حمید مقیم لاهور شیخ بهاء الدین قریشی رحمه الله
در سال نهصد و نود و دو رحلت از خلفای ابرار

سلطان ابو سعید ابو الخیر در سنه اربعمایة و چهل
و در ایام جار صد و چهل و سه هجری وفات یافت
و لطایف الترغیب و سفینة الاولیا
بروایت شیخ زین الدین بن محمد بن علی حسن
قدس الله سره
شیخ مبارک حقانی نبت قطب عالم گجراتی رحمه الله
ابو بکر محمد بن علی بن حسین المقری رحمه الله
امام حافظ ابو المعروف تعالی در سنه سبعمایه
از تذکرة الحفاظ

د شعبان

شیخ فخر الدین پسر جلال خواجه معین الدین
چشتی قدس الله سره در سال ستصد و هفت و یک
و برادر مصنف سیر و از شاگرد او از اجلا از خلفای ابرار
مولانا جلال الدین یوسف پسر مولانا محمد الدین
ذهبی از فقها در سنه ستصد و
و در بلده هرات از طبقات شافعیه و حبیب السیر
شیخ محمد بن ابو بکر الحاجی مرید شیخ ابو بکر شبلی
و از خلیفه بغدادی قدس الله سره

ملا عبد الغفور مرید شاه دولتی حامد قدس الله سره صاحب
روز یکشنبه سال نهصد و هشتاد و فوت یافت در هرات
رشحات و سفینة الاولیا
محب الدین ابو عبد الله محمد بن محمود بن الحسن بن هبة
بن محاسن بن النجار البغدادی حافظ و امام تاریخ
و از اعیان حفاظ ثقات در سال ستصد و چهل و سه از تذکرة الحفاظ
خواجه ربیع الدین حسن چشتی رحمه الله علیه
و در موضع ... ثانیه

ه شعبان

ابو البشر آدم صفی الله صلوة الله علیه عمر هزار سال
بابا رتن رحمة الله در سال ... و در گجرات
ملا خواجه مرید و خلیفه شاه میر لاهوری قدس الله سره
در دیوان آن جلسه شنیده
شاه محمد غوث چاوری رحمه الله

شاه زاهد برادر شاه عالم گجراتی قدس الله سره در سال ... و ...
میر عبد الرشید رحمة الله
شیخ علاء الدین تاج الدین رحمه الله در سنه ...
بلخ ... در مکه معظمه از عقد الجواهر و الدرر

۷ شعبان

حضرت یوشع پیغمبر علیه السلام

شیخ الاسلام شیخ عبدالله انصاری روز جمعه سلخ [illegible] شمار و یک [illegible] ابو اصلیین

عالم بابا [illegible] عبدالعزیز رحمة الله

خواجه شمس الدین شهاب الدین رحمة الله

بروایتی امام محمد باقر از خزانة الجلالی

شیخ ابوبکر [illegible] یحیی علی تبریزی رحمة الله

امیر ابراهیم قطب بلخی رحمة

۸ شعبان

حضرت یوشع پیغمبر علیه السلام [illegible] عمر یکصد و چهل سال

سید محمود رحمة الله

شیخ ابوطالب مکی مرید شیخ عارف ابوالحسن محمد بن ابی عبدالله احمد بن سالم البصری و او از پدر خود ابی عبدالله بن سالم و او از شیخ سهل بن عبدالله التستری و از شیخ ابوطالب [illegible] ذوالنون مصری در ذکر اولیا [illegible] و نیز نعمت از شیخ ابوبکر شبلی هم رسیده در سال ۳۸۶ صاحب نفحات در ماه جمع الدر [illegible] کرده

شیخ عبدالرحمن سلمی مرید شیخ ابوالقاسم نصرآبادی از شبلی و در سال [illegible] و دوازده

استاد الاساتید میان عبدالعزیز مطور

یوشع [illegible] پیغمبر علیه السلام عمر یکصد و بیست سال

شاه محبوب رحمة الله

قاضی عبدالقادر بن قاضی محمود انصاری مولد [illegible] از خدمت شیخ علی متقی و شیخ عبدالرزاق جهنجهانه [illegible] و ارادت شیخ عبدالرزاق دارد و از شیخ امان [illegible] سرفیض یافته در [illegible] از کبار ابرار

شیخ نظام الدین محمد النواری رحمة

شاه سالم بن قطب عالم بخاری رحمة الله

امام حسین بن زید بن حسن بن علی [illegible] ابن علی بن حسن بن علی بن عمر الاشرف بن امام زین العابدین [illegible] علی المرتضی رضی الله تعالی عنهم در سال [illegible] از زبان [illegible]

---

۹ شعبان

امام زین العابدین ۹۵ سال

بابا بدهو [illegible] رحمت الله

شاه عبدالجلیل خلیفه بحضرت شیخ محمد صادق گنگوهی از شیخ و العبد گنگوهی [illegible] از شیخ جلال تهانیسری و او از شیخ عبدالقدوس گنگوهی و او از شیخ عارف [illegible] از پدر خود شیخ احمد عبدالحق [illegible] و شیخ جلال پانی‌پتی و او از شیخ محمد ترک و او از شیخ علاء الدین [illegible] از شیخ فرید گنج شکر قدس سره [illegible] الله ابادی سلسله چشتیه صابریه

سید مصطفی ابن عمر بن عبدالله العیدروس رحمة الله [illegible] سال [illegible] و پنجاه و نه در بندر سورت سید علوی بن شیخ [illegible] از [illegible]

بابا الرحمن [illegible]

شیخ صدرالدین بن عبداللطیف [illegible] رحمة الله

محمد غوث [illegible] مرید و خلیفه سید [illegible] الله [illegible] قادریه از قوم [illegible] بنگلور و [illegible] قبر در [illegible] ولادت [illegible] عبدالغفور [illegible]

شیخ [illegible] شرف [illegible] حضرت بنده نواز گیسو دراز قدس الله سره

۱۰ شعبان

خواجه معروف کرخی قدس الله سره

شیخ نصیرالدین جمال [illegible] سنه [illegible]

خواجه علی الحسن [illegible] زاده خواجه دیوانه رحمة الله

شاه جلال [illegible] سید محمد گیسو دراز [illegible] قطب [illegible]

ابو [illegible] محمد [illegible] سنه [illegible]

شیخ چلبی [illegible] رحمة الله

شیخ ابوالحجاج الاقصری المغربی قدس الله سره

محمد ابن زیاد کوفی قدس الله سره

شیخ کمال محمد عباسی [illegible] و خلیفه سید [illegible] الدین [illegible] از کبار ابرار

ابومنصور محمد الانصاری [illegible] شیخ عبدالله انصاری قدس الله سره در سنه [illegible] قبر در [illegible] قبر شریف [illegible] از مجمع الاولیا

شیخ محمد ... بن علی ... محمد علوی ... فقیه المقدم محمد بن علی
از ... حضرموت ... مدفون ...
قبر در تریم از کتاب عقد النبوی و مشرع و کتاب النور

۱۱ شعبان

حضرت نوح پیغمبر علیه السلام ... رحمه الله

جعفر بن ابی طالب رض

عبدالله بن راسو رحمة الله

شیخ زاهد پدر شیخ شهاب رحمة الله

شیخ ابو علی کاتب مغربی مرید شیخ ابو علی رودباری و نیز
از شیخ جنید بغدادی قدس الله اسرارهما

شیخ الاسلام ابی الفتح محمد بن محمد بن محمد ابن سید الناس شیخ علامه
محدث حافظ ... از تذکرة الحفاظ

شیخ ابو الفتح الحسینی النوری ... علی بن عباس النوری رحمه الله
در ... وقت ...
از یافعی ...

امام زید رض

شیخ سعد الدین ... قدس الله سره

بابا عیسی رحمه الله که در ... الاسود

ملک ... شهید رحمه الله در ...

شیخ عبدالحق ... رحمه الله که در ...
...

شیخ عبد الملک محمد بن احمد ... رحمه الله
صاحب ...

حضرت شاه محمد حنیف ...
سرکار ... شریف ... سنه ۱۰۳

85

سید عماد الدین ابو الصمصام ذوالفقار بن معبد الحسینی
قدس الله سره

شیخ ابو حفص عمر بن ... واسطی رحمه الله

سید باقر بن سید جلال مقصود عالم رحمه الله

سید حسن ... شیخ جمال ... در سال ۱۰۱۱ و
قبر در قصبه محمد پور سرکار ... از ملا ...

سید محمد مختار رحمه الله

محمد بن ناصر بن محمد بن علی بن عمر المعروف ابو الفضل السلامی
حافظ امام محدث عراق ثقه ... بوده در
سال پانصد و پنجاه از تذکرة الحفاظ

شیخ یحیی بن شیخ ... شیخ شرف الدین ...
از ... شیخ شهاب الدین سهروردی ... از اجداد ...

شیخ بدر الدین ...
شیخ منتجب الدین ...

شیخ کمال الدین شیخ محمد بن مخدوم شیخ ...
السرهندی رحمه الله

خواجه ... قدس الله سره

سید عثمان ... از اولاد شاه علی ...

شیخ عبد الکریم ... در سال
هزار و ...

ابو علی الحسن بن محمد ... الحافظ رحمه الله ...
اصفهانی حافظ امام محدث ...
دوازده ... از شعبان سال ...
از تذکرة الحفاظ

امام العلامه جمال الدین ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن
مالک الطائی الشافعی دوازده ...
...

٣ شعبان

شیخ داود بن محمود المعروف بخادم الفقرا

خواجه خاوند محمود نقشبندی [illegible] رحمة الله

شیخ ولی [illegible] خلیفه شیخ سلیمان ملتانی [illegible] رحمة الله

شیخ ابو الفتاح بن ابو الغنایم واسطی رحمة الله

شیخ سیادی رحمت الله در [illegible] زیارت

شیخ عفیف الدین عبد الرحمن بن علی بن [illegible] العمری
الحنفی مفتی مدینه [illegible]
که [illegible] از شعبان سنه یکهزار و [illegible] وفات
و قبر در بقیع و [illegible] در مکه معظمه [illegible]
[illegible] سنه یکهزار و چهارده از عقد الجواهر

٤ شعبان

شیخ ابو [illegible] محی الدین عبد القادر جیلانی در [illegible]
[illegible] در ماه ربیع الاول سنه [illegible]
قبر در بغداد متصل برادر خود سید عبد الوهاب از سفینة الاولیا

شیخ [illegible] شیخ [illegible] قبر در هانسی

شیخ [illegible] در [illegible] یکهزار و [illegible]
[illegible] قبر در [illegible] سلسله [illegible]

سید سلام الله قادریه رحمة الله

مولانا [illegible] رحمة الله

سلطان شمس الدین ملتمش در [illegible] قبر در
دهلی مقام خواجه قطب الدین از اخبار الاخیار

شاه شمس الدین [illegible] سید عبد القادر جیلانی
[illegible] در موضع [illegible]

شیخ عبد اللطیف بن احمد بغدادی رحمة الله

[illegible] شاه عابد [illegible] رحمة الله

اسحق بن ابراهیم سمیعی محدث وفات [illegible] در
سنه [illegible] از [illegible] در [illegible]

شیخ عبد الصمد فاروقی [illegible] شیخ [illegible]
احمد آباد گجرات از اولاد [illegible]

شیخ ابو بکر بن [illegible] سید عبد الله [illegible]
اربعة عشر خلت من شعبان [illegible] سنه [illegible] از [illegible]

سید عبد الله بن [illegible] شیخ بن سید عبد الله [illegible]
در سال ۹۴۴ ولادت و در سال ۸۰۷ [illegible]

٨٦

٥ شعبان

هر روا [illegible] طیار رض

ابو الحسن علی بن حمید العدل المعروف بابن الصباغ [illegible]

سلطان العارفین شیخ بایزید بسطامی در سال ۲۶۱
[illegible] قبر در بسطام از سفینة الاولیا [illegible] ۲۵۹

شیخ عبد الرحیم [illegible] المغربی [illegible] شیخ [illegible] از
شیخ الکبیر [illegible] در سال ۵۹۰ قبر [illegible]

شیخ بن [illegible] در سال ۳۰۲ از نفحات و سفینة الاولیا

الدین [illegible] گجرات [illegible] شیخ [illegible]
[illegible] قبر در [illegible] از اخبار

شیخ ابو الفتح بن علاء الدین کالپوی [illegible] گجراتی

شیخ اسمعیل [illegible] الگجراتی قدس الله سره

شیخ فرید [illegible] الرحمن [illegible] الله

میان خوب محمد رحمت الله

شیخ زاهد رحمت الله

ابو الحسن اسمعیل [illegible] رحمة الله

ام البشر حوا علیه السلام

حافظ الامام ابو العباس احمد بن علی بن [illegible] محدث
بغداد [illegible] از تذکرة الحفاظ

یحی بن سعید ابان بن سعید العاصی القرشی رحمة الله
در سنه [illegible] سنه ۱۹۴ از [illegible]

شیخ الاسلام امام ابو الحرث المشهور به لیث بن
سعد الفهمی تابعی حافظ و امام مصر و پیر اوست
شب جمعه از نیمه شعبان در سال ۱۷۵ و عمر ۸۱ سال قبر
در قرافه مصر از تاریخ یافعی

۱۶ شعبان

سید علاء الدین احمد بن مخدوم سید شرف الدین سهروردی

شیخ ابو الفتح قرشی خلیفه سید محمد گیسو دراز قبر در گجرات از ابدال الصالحین

سید احمد رحمه الله

خواجه اسحق رحمه الله

شیخ احمد بن صالح محمد بن شیخ حسن محمد چشتی گجراتی
قبر در احمدآباد گجرات از اقربای ایشان شنیده

محمد بن احمد بن محمد با عمر الحضرمی از اولاد امیر المؤمنین
عمر الخطاب شهید شده در سال ۹۵۳ از کتاب عقد النبوی

ابو الوفا حسن بهادر روز جمعه وقت نماز جمعه شهید شدند
با فوج نقار او در سال ۹۶۳ آخر شده ماه اما ... در مسجد
جامع ارکات بعد از آن بحیدرآباد بردند نزد کان شاه ولی الله دفن شدند

یوسف خان خلف محمد نجیب خان ارکاتی و محمد نجیب خان همراه انور الدین خان
بهادر شهید شد نعش او امانت ماند بعده همراه بحیدرآباد بردند
نزد کان شاه ولی الله دفن کردند

سید کبیر قبر در روضه نزدیک چوک تعلقه ... است

۱۷ شعبان

بابا اسحاق مغربی از اولاد خلیفه شیخ محمد صالح که عمر ایشان صد و سی
سال با صد پنجاه سال بعد روز چهارشنبه قبر در قصبه هنو
سرکار باگور و مولد در مغرب و فات در سال ۷۷۶ از ملفوظ

میان شیخ علی گیسو بن شیخ ایوب از اولاد ملا نظام الدین عرس سنه ۱۰۸۲

شیخ سراج الدین عمر بن سعید لما بیتی

سید احمد بن سید شیخ ابو محمد در سال ۱۰۳۴ قبر در
بندر بروچ صوبه گجرات از مشرع

ولی الدین احمد المشهور به ابو زرعه بن عبد الرحیم
بن الحسین بن ابراهیم العراقی المصری الفقیه صاحب
تصانیف از دو شنبه در سال ۸۲۶ و ولادت در
ماه ذی الحجه سنه ۷۶۲ از رساله بیان فقها در انوار شافعی

شیخ محمود المشهور فاضل و صاحب سجاده شیخ یحیی المدنی
قبر در شاه پوره گجرات از اعاظم یا مراد نزدیکی از اقربای ایشان

شیخ جمال الدین بن شاه خسرو ...

حاجی یحیی بن عبد القادر الکازرونی که ... از اخبار الاصفیا

شیخ یوسف ترکی از سلسله شیخ بهاء الدین ذکریا در سال
۹۸۰ ملتانی شیرکوت ... از اخبار الاصفیا

۱۸ شعبان

سید عبد الجبار بن غوث الثقلین قدس الله سره

جمال الدین احمد شاه غوری رحمه الله

شاه محبوب مجذوب قبر در احمدآباد

شیخ حسن سرکار خلیفه ... شیخ سالار فاروقی

سید حیدر بهاری رحمه الله

شیخ کبیر خلیفه شیخ فضل الله ... رحمه الله

جمال شهید کوئی شهیدا در بیان بریله قدس سره

بابا جنت جوار قطب عالم گجراتی

ظهیر الدین محمود عطاری مرید شیخ صدر الدین [illegible]
السند خان [illegible] شاه پور بلکاهن
در سر [illegible] کرامات با و اصحاب

الشیخ عبد العزیز العادلی از فقهای امام
شافعی وفات یافته بعد وفات امام شافعی
وفات یافته بنه یک ماه و بقول [illegible]

۱۹ شعبان

سید عبد الجبار ملکور رحمة الله

سید علم الدین بخاری رحمة الله

خواجه علی شوریده رحمة الله
[illegible] باد بوی در دروازه [illegible]
عمر نیوشی ۹۵ سال سنه ۵۳ هجری

حضرت بابا شرف الدین [illegible] قدس الله سره
قبر در حیدرآباد از بیرون شهر [illegible] عرس مبارک
بتاریخ نوزدهم شعبان مقررست در سنه [illegible]

۲۰ شعبان

میر یعقوب بغدادی رحمة الله

شیخ محمود واعظ شهید رحمة الله

جمال الدین یونس عالم رحمة الله

سید مسعود از اولاد سید محمد گیسو دراز از خواجگان

شیخ قوام الدین مرید شیخ نصیر الدین قدس الله سره
چراغ دهلی قبر در بلده لکهنو در سنه ۶۰۶
مولد در بلده [illegible] از ملفوظ شیخ سعدی [illegible] آبادی

سید محمد بن الشیخ الامام عبد الله بن سید [illegible]
المقدم محمد بن علی [illegible] شنبه که در دور [illegible]
ماه [illegible] شعبان در سنه [illegible] مولد و مرقد بلده [illegible]

شیخ علامه جمال الدین محمد بن عمر بن مبارک بحرق
الحضرمی الشافعی شب بستم از شعبان سنه
۹۳۰ در احمدآباد گجرات از نور السافر

۸۸۰

۲۱ شعبان

ام المؤمنین حضرت زینب رضی

شیخ ابو عبد الله محمد بن [illegible] الحسینی الموصلی

سید بدیع الدین بن شاه بدر الدین بن سید محمد الحسینی
سید محمد گیسو دراز قبر در روضه جد خود از خواجگان

سید سلیمان بن [illegible] محمود [illegible]
روز پنجشنبه وقت نماز بامداد در سنه [illegible] از [illegible] اولیا

سید حامد بن سید ناصر الدین بن مخدوم جهانیان

سید عثمان [illegible] شاه [illegible] رحمة الله

امیر سید احمد بن سید [illegible] خلیفه شیخ نظام الدین اولیا
قبر در [illegible] روز پنجشنبه [illegible] معتقد [illegible] از ابرار

میان عاشق محمد بن شیخ یحیی المدنی الحسینی قبر
در [illegible] گجرات از اقربای ایشان شنیده

شیخ خطیب تاج الدین ابو القاسم عبد الکریم بن
محمد الکریم [illegible] رحمة الله

شیخ محمد کاتب رحمة الله

۲۲ شعبان

شیخ جلبی حسام الدین فرزند و خلیفه مولانا جلال الدین رومی روز چهارشنبه در سال سعد و شمانون و ستمائة از مناقب الاولیاء و نواقب المناقب

شیخ ابو الفتح علی بن جمال الدین قادری رحمه الله در سال ۹۵۳ مدت ارشاد سی و چهار سال از کلان امرار

شیخ عیسی جونپوری رحمت الله

سید احمد شهید رحمت الله

ابو العلاء کمال الدین ابو الفتح یونس بن الشیخة مفتیة رضی الدین یونس الموصلی الشافعی رحمه الله سال ست و ثلاثین و ستمائة از تاریخ یافعی

شیخ شمس الملة و الدین قانونی رحمه الله

شیخ ابو المفاخر علی بن ابو البرکات رحمه

شیخ موسی جونپوری رحمت الله

۲۳ شعبان

شیخ محی الدین ابراهیم الدعواتی بن علی الرفاعی رحمه الله

ارشد الدین علی بن محمد التبریزی رحمه الله مصنف مجمع البحرین روز چهارشنبه سال ۶۰۴ قبر در مصلی شیراز از شیراز نامه

سید عبد الرحمن سقاف بن محمد مولی الدویلة بن علی بن علوی بن فقیه محمد بن علی روز پنجشنبه الثلث و عشرین خلت من شعبان در سال ۸۹۱ و ولادت ۷۳۹ از عقد الیواقیت

سید جمال الدین بن سید علی کار قبر در احمد آباد

شیخ ابو محمد بن ابو الحسن علی بن ابی محمد خزاعی رحمه الله حافظ ابو القاسم مکی بن عبد السلام المقدسی شهید در قدس شب جمعه در نصف تب را که باقی مانده بود در ماه شعبان سال هشتم چهار صد و هفتاد از تاریخ یافعی

شیخ جمال بن سراج العالم شیخ محمود رحمه الله در اکبر آباد پدرش شیخ محمود از اولاد دامادی و از مرید شیخ سارنگ و از خلیفه شیخ قوام الدین و خلیفه سید راجو قتال رضی الله عنهم در سنه ۹۰۰ [illegible] شیخ سعدی خیرآبادی

۲۴ شعبان

سید جمال بن شیخ عبد القادر النفری رحمه الله

شیخ ابو البقاء محمد بن المظفر حرالفی رحمه الله

شیخ قطب الدین علی بن محمد سرفرزان نظام

شاه محمد حیات قادری از اولاد غوث الاعظم قبر در او در نقا یار محله زنگیشیه در ازه اریان این بنده

شاه نور الله بن شاه عزیز الله قبر در پتن رحمه الله

شاه حامد بن قطب عالم بخارائی قدس الله سره

شیخ ابو الحسن ابی القاسم رحمت الله

سید اسرار الله بن سید عبد الفتاح رحمه الله

سید علوی بن احمد بن فقیه المقدم محمد بن علی در چهارشنبه سال هفتصد و چهل و سه قبر در تریم از مشرع

۸۹

۲۵ شعبان

شیخ محمد بن ابو بکر عجمی رحمه الله

عرس شاه قطب الدین سجاده نشین شاه نجم الدین قلندر بن سید نظام الدین بن سید نور الدین مبارک فرزند شیخ نظام الدین اولیاء چون اسم باطنی مستر نماید بموجب ارشاد سرخود بمردم ترتیب از شیخ خضر رومی که خلافت از خواجه قطب الدین بختیار اوشی کاملیاب شده در علی پور نزدیک جونپور از مریدان سلسله اینان نشستیم

خواجه اسعد یار دیوانه رحمت الله

شیخ یوسف بن شیخ یحیی المدنی قبر در باغ پوره از اولاد آن سیده

ابو القاسم انور بن عبد الرحمن بن عبد الله بن احمد بن اصبغ بن سعدون المعروف به سنبل حافظ علامه تاریخ واسع المعرفه بانواع علوم بعد در کمر بستی وفات یافته در سال پانصد شصت و یک از تذکرة الحفاظ

۲۶ شعبان

قدوة الشیوخ شیخ ... قدس الله سره در سال ... وفات یافت ... در ... سفینة الاولیا و مجمع الاولیا

خواجه ابو محمد بن ابو الوفا رحمت الله

شیخ خلیل محمد محدث قبر در ... گجراتی

خواجه علاء الدین بن عطار ... رحمه الله

خواجه علاء الدین عطار ... رحمت الله

خواجه محمود حسن محمد ... رحمت الله

۲۷ شعبان

شاه شجاع کرمانی قدس الله سره

شیخ ابو العباس بن احمد ... رحمت الله

شیخ شمس الدین ابو محمد بن محمد بن ابراهیم ... الدوغانی رحمت الله

خواجه محمد ... شیخ زین الدین دولت‌آبادی قبر در روضه

سید محمد ... و خلیفه شیخ برهان الدین برهانپوری در ... قبر در محمود پور ... برهانپور

سید عبد الغفور نبیره زاده شاه عالم گجرات

سید محمد بن قاضی عبد الوهاب ... رحمه الله

شیخ ... الدین ... قادری ... شیخ عبد الحق در سال ... معمور ... سمیه

سید خواجه ... شیخ زین الدین دولت‌آبادی قبر در روضه

شیخ ... بن زین الدین ابی بکر بن محمد بن ... المحصی الشافعی رحمت الله المعروف بالعلمی ... ... در ...

۲۸ شعبان

میر سید ... القادری قبر در برودہ گجرات

شیخ فضایل ... رحمت الله

بابا ... رحمت الله

شاه اسد الله ... بن سید عبد الله بن سید محمد اکبر بن سید محمد گیسو دراز از جوار ... منتخبه ... الرحمن بن سید محمد اصغر بن سید محمد گیسو دراز

ابو محمد علی بن احمد بن سعید بن حزم بن غالب بن صالح المعروف بابن حزم امام علامه حافظ فقیه مجتهد ... در سال ... شعبان در سال ... پنجاه از تذکرة الحفاظ

شیخ نظام الدین ابو الحطا ... الکلبی

مولانا ... محمد رحمت الله

بلبلی فاطمه ... سید محمد گیسو دراز ...

شیخ ... شیخ ... و از سید ... عبد الرزاق بن سید عبد ... قدس الله سره ... ۱۰۴۰ ...

شیخ علامه ابو عبد الله محمد بن عبد الرحمن بن محمد بن ابی بکر السخاوی ... بجوار امام مالک ... از ... لعاشر ... عبد القادر ... شیخ عید روس

۲۹ شعبان

حضرت بلال صحابی رض

امام محمد شیبانی رح

شیخ فخر الدین ابی یحیی القفاری رحمه الله

شیخ یحیی بن محفوظ دمشقی رحمت الله

شیخ عبد الوهاب صفد مادر شافعی قدس الله سره

احمد به قبر در مکه از شیخ احمد شمس ملکی شنیده

سلخ شعبان

شیخ ابو البرکات بن سعدان عراقی رحمت الله

خواجه حسین رحمت الله

خواجه عابد رحمت الله

شیخ رکن الدین الحیا ولی رحمة الله

شیخ عبد الوهاب معروف شیخ بره مرید شیخ ابو الفتح ملکی

در سال شصد و شتاد یکم مشتی قبرو آن بر بازار الملا ابراز

حسام الدین امیر واحد از سلطان و الدین مولانا هلال الدین

روم اخر شعبان در سال هفتصد و چهل ودو از مضافات الدولیا

ابو نعیم الفضل بن دکین حافظ الکوفی در سال دو صد و نوزده

حافظ فقیه الکبیر ابو علا الحسن بن احمد بن صالح العطار

از تذکره الحفاظ و اسماء الرجال مشکوه

الرعفرانی رحمت الله در سال دو صد و شصت از تذکره الحفاظ

ابو اسحاق ابراهیم بن الحسین الکسائی الهمدانی المعروف

سید ابو بکر بن العلوی از سادات حضرموت قبر در تریم

به ابن دیزیل رحمت الله وفات او در سال دو صد و هشتاد و یک

جده از شیخ احمد شمس ملکی شنیده

الشهید شیخ عبد العزیز العامری رحمت الله از مصاحبان امام

شافعی وفات یافته بعد وفات امام شافعی به یکماه

و بقولی بیست روز از تاریخ یافعی

غره رمضان المبارک

امام خداداد رحمت الله

امام محمد شیبانی رحمة الله از فحول الواصلین

شیخ ابو مدین مغربی که از سادات مشایخ مرید شیخ ابو الغرا

مغربی

مولانا شمس الدین محمد آل مجه در سال هشتصد و

نود و چهار قبر در گازرگاه هرات از نفحات

شیخ ابو الغیث رحمت الله قدس سره

شیخ ابو الغیث رحمت الله

شیخ عبد الوهاب بن شیخ ابو الفتح ملکی رحمة الله

فیض از پدر خود و شیخ محمد بن حسن طاهر یافته از اخبار الاصفیا

سلطان عاقبت محمود سلطان محمود بیگره از سلاطین

احمد آباد گجرات مرید شیخ رحمت الله بن شیخ عزیز الله متوکل

او گنبد و باطن در صحبت شیخ سراج از خلفای شیخ علی خطیب

شده غره رمضان از دولت رفت عمر سال هشتصد و هفده

۲ رمضان

ام المومنین حضرت خدیجه الکبری رضی الله عنها الجلیل و از صحابیات

سید علی مشهدی رحمت الله

خواجه ابراهیم بن یوسف رحمة الله

خواجه سید محمد نبیره خواجه دیوانه در سمرقند تربت کرده

شیخ محمد بن فضل الله مرید شیخ محمد ماه که خرقه خلافت یافته

از شیخ ابو ادریس شیخ بهاء الدین جونپوری داشت در سال یکهزار

بیست و نه عمر هشتاد داشت سال قبر در مسجد وزیره برهانپور

سلطان عادل مجاهد محمد بن محمد بادشاه تابع احمد آباد گجرات

مرید شیخ رکن الدین کمال الدین از خرقه حضرت سلطان و زوجه

مولانا شیخ نور الدین در سال هشتصد و نود و دو با شیخ احمد کبیر

اعتقاد داشت از نور السافر

سید مبارک محمد امام خواجه محمد گیسو دراز از تاریخ حبیبی و از رجال شنیده

۳ رمضان

حضرت فاطمه زهرا رض در این شب در سنه یازده بعد رحلت النبی صلی الله
علیه وسلم بعد شش ماه وفات یافت قبر در
بقیع از روضة الاحباب ریاض الصالحین

شیخ سری سقطی مرید خواجه معروف کرخی قدس الله سره
بامداد سه شنبه سیوم رمضان سنه دو صد و پنجاه و سه قبر در بغداد
از نفحات والطائف اشرفی و نفحات

ابو عبدالله محمد بن خفیف شیرازی قدس الله سره
در سال سیصد و هفتاد و یک و عمر شریف صد و
سال و یا یکصد و چهار سال تاریخ یافعی

شیخ نور الدین ضیاء الله پسر شیخ محمد غوث گوالیاری در سال
یکهزار و ... از گلزار ابرار قبر در آگره

شیخ مظفر شمس بلخی رحمة الله

امام محمد بن مسلمه رحمة الله

سید عظمت الله نبیره شاه شیخ جیو بخاری رحمة الله

شیخ یعقوب قرادای رحمة الله

ابو النصر احمد بن عمر بن محمد بن عبدالله المعروف به عاصمی
لقب متدین امام حافظ واسع الروایة محدث
اصبهان بعد در سال ... وفات از تذکرة الحفاظ

ساداتخان مرید شاه دوله گجراتی قبر در سیالکوت در
حویلی شاهجهان آباد

۹۲

۴ رمضان

بروایتی شیخ عبدالواحد تمیمی رحمة الله

خواجه ابو الطیب حافظ سمرقندی رحمة الله

عبدالملک بن حبیب رحمه الله المعروف به ابو مروان
السلمی ثم المرداسی الاندلسی القرطبی فقیه
عالم اندلس بعد از تذکرة الحفاظ

حاجی شیخ الاسلام تارک دنیا

سید ابو الفضل عبدالوهاب رحمة الله

شیخ عبداللطیف بن جمال سراج الدین رحمة الله

شیخ ضیاء الدین شیخ محمد غوث گوالیاری رحمة الله
مرید پدر خود در سال ... در لاهور وفات
یافته بعد از یکسال از آنجا آورده در آگره بخانقاه ...
دفن کردند از اخبار الاصفیا

۵ رمضان

بروایتی امام حسن رض

امام ابو الحسن محمد الفارسی رحمة الله

شیخ ابو محمد السهروردی رحمة الله

سید سعید حمزه شاه ... حسینی ... ثانی
... شیخ داود ... از شیخ صادق محمد ... شیخ ابو سعید ...
... شیخ نظام الدین ... شیخ جلال ... شیخ عبدالقدوس
... قدس سره در سنه ۱۱۳۰ قبر در موضع ... نزدیک
... بعد ... در قصبه ... از ... کردند
از مریدان ایشان ... شد

بروایتی سید عبدالرزاق ابن غوث الاعظم قدس سره
شیخ محی الدین ... شوال سنه ۶۰۳ ...

سید محمد بن سید ابو القاسم ... رحمة الله

شیخ ناصر الدین شیخ شرف رحمة الله

خواجه ابو حفص الکبیر بخاری رحمة الله

۹۹۴ سنه سید علی بن عبدالملک الحسینی ... رحمة الله

حاجی محمد انور مولد ... مولوی ... اوده

فقیه عبدالله بن عبدالرحمن بافضل الحاج
حاجی محقق کرد صغر روز یکشنبه وقت سحر در
سنه ۹۱۶ از رساله تبیان حقائق و غیره

شیخ عالم فقیه عبدالله بن عبدالرحمن بن ابی بکر
بافضل الحاج الحضرمی نیز وقت سحر وقت عصر
روز یکشنبه در سنه ۹۱۷ و ولادتش ۸۵۰ از رساله

جمال الدین عبدالله بن الحافظ عبدالغنی بن
عبدالواحد بن علی المقدسی الصالحی الحنبلی
المعروف ابو موسی فقیه حافظ ثقه توفی روز جمعه
در سنه ۶۲۹ از تذکرة الحفاظ

سید عبدالله بن محمد بن احمد الشاذلی باعلوی خلیفه
سید علی عیدروس روز شنبه سنه ۱۰۳۳ قبر در
تریم فقیه حال وقت خود سید علی عبدالله
العیدروس در بندر سورت سید علی باعبود از ...

۶ رمضان

خواجه حسین منصور حلاج قدس الله سره

بنده نایب شیخ داود گنگوهی قدس الله سره

ابوالغنایم مسعود عراقی رحمه الله

میان برهان شطاری ... رحمه الله

... که یکی از مریدان
سید محمد گیسو دراز در برهانپور ...

سید شمس الدین بن نصیر الدین محمد سنه ۸۹۰

خواجه منصور عمار قدس الله سره

سید حسین نیره قطب عالم گجراتی قدس الله سره

مولانا ابو محمد ساکن نوساری گجرات

خواجه شاه ... مرید قاضی حمید الدین
ناگوری قبر در بداون

۷ رمضان

خواجه ابوالحسن خرقانی ... قدس الله سره . ملا عبداللطیف ... رحمه الله

سید اسمعیل سلام الله ... رحمه الله

بابا ... شاه زاهد بخاری رحمه الله

بابا شاه سعید ... نقشبندی رحمه الله خلیفه
محمد ... بخاری در سنه ۱۱۱۰ ... قبر در
... از شاه محمود ... شنیده

شیخ ابراهیم جوار رحمة الله

ابو اسحاق بن حمزه ... در سنه ۳۵۳
... از تذکرة الحفاظ

شیخ عبدالله محمد بن سلیمان المتوفی ...
در سنه ... از طبقات شعرا ...

۸ رمضان

شیخ عزیز ... قدس الله سره

شیخ عمر ملتانی رحمة الله

شرف الدین ابو عبدالله بن احمد بن فخر الدین
... علی بن محمد بن ... رحمه الله المعروف
... فقها در سنه ...

شیخ شهاب الدین بن شیخ فرید الدین گنج شکر

خواجه ابو عبدالله الشهید بن خواجه محمد عبدالله
بن خواجه عبدالله احرار شب شنبه ... وقت
عشا در سنه ۹۸۳ از ثمرات الابرار

ابوالقاسم خلف بن عبدالملک بن مسعود
بن موسی بن بشکوال بن یوسف بن داحة واحد
الانصاری الاندلسی المعروف ابن
بشکوال محدث حافظ و امام ...
توفی در سنه ۵۷۸ از تذکرة الحفاظ

امام علی رضا رضی الله تولد در مدینه روز پنجشنبه یازدهم ربیع الاخر سنه ۱۵۳ و بقولی پنجاه و سه از سفینة الاولیا

قاضی حمید الدین ناگوری مرید و خلیفه قبر در روضه خواجه قطب الدین در سنه ستصد و چهل و سه و بقولی ششصد و سی و تاریخ از سیر العارفین و ملفوظ ابرار و سفینة الاولیا

[illegible]

شیخ خلیل الله خلیفه ملک قاضی محمد که خلیفه حضرت شاه شیخ حسین بخاری است قدس الله سره

شیخ نجیب الدین متوکل برادر حقیقی گنج شکر روضه در اراده خواجه قطب الدین در دهلی [illegible] از سیر الاولیا و سیر العارفین و قرة الابرار

ابی محمد عبد الحی ابن سید محمد جونپوری روز پنجشنبه سنه ۱۱

خواجه اختیار الدین رکن الدین رحمة الله

[illegible] الاصفهانی صاحب [illegible] در سنه از تاریخ یافعی

حافظ یوسف بن یعقوب الکردی در سنه دو صد و نود و هفت از تاریخ یافعی

خواجه حبیب عجمی روز شنبه سنه یکصد و بیست [illegible] قبر در بصره از فخر الواصلین

تقی الدین ابو عبد الله محمد بن الحنبلی ابن محمد بن عبد الله بن عیسی بن احمد بن علی البعلبکی الحنبلی المعروف به یونینی شیخ و فقیه و حافظ و امام و صاحب کشف و کرامات بود در سنه سبعصد و پنجاه [illegible] از تذکرة الحفاظ

شیخ نجم الدین کبری روز شنبه از فخر الواصلین

شاه الله بخش [illegible] خلیفه شیخ مبارک [illegible] شیخ [illegible] که خلیفه شیخ بهاء الدین جونپوری است قبر در ملک [illegible] گنگا

شقیق بلخی قبر در ختلان از فخر الواصلین

شاه سراج نبیره شیخ محمد غوث گوالیاری رحمة الله

شیخ محمد ابو طاهر بن شیخ ابراهیم بن حسن الکورانی المدنی رحمة الله روز سه شنبه نهم رمضان سنه ۱۱۴۵ بمدینه منوره و ولادتش با اذان مغرب روز پنجشنبه با جمعه [illegible] رجب سنه یکهزار و [illegible] سید عبد الله مذکور گفته

شیخ [illegible] قدس الله سره از خزانة الجلالیه

شیخ محمد بزاز رحمة الله

قاضی علاء الدین ارم الله تربته رحمة الله

شیخ صدر الدین [illegible] در سنه [illegible] از [illegible] الکبیر

سادات راجه دولت جده شیخ یحیی المدنی قبر در شاهپوره گجرات از اولاد و اتباع الشیخ

شیخ [illegible] از خلفای شیخ زین الدین خوافی در سنه ۸۱۱ [illegible] از طبقات شاهجهانی

سید [illegible] بن عبد الرحمن [illegible] از سادات حضرموت [illegible] در سنه ۱۱۵۴ قبر در [illegible] از سید عبد الله حضرموتی شنیده

سید قاسم بن سید [illegible] المعروف [illegible] رحمة الله در سنه ۱۱۳۹ قبر در [illegible] نزدیک [illegible] جوار جد خود

شاه خلیل الله درویش از نسل سلطان [illegible] قبر در شاهپوره گجرات

شاه برهان الدین بن شاه عبد الجلیل [illegible] رحمة الله

شاه یوسف خلیفه شاه عالم بخاری رحمة الله

خواجه تاج الدین رحمة الله

العالم العلامه ابراهیم بن محمد [illegible] الشافعی [illegible] مواهب

شیخ محمد [illegible] المغربی [illegible] از شیخ [illegible] ابی العباس احمد [illegible] مغربی و از شیخ عارف ابی محمد صالح و او از شیخ المغرب ابی مدین شعیب [illegible] و از ابی [illegible] مسعود [illegible] و از شیخ ابی الفضل بغدادی و از شیخ [illegible] و از شیخ ابوبکر [illegible] و از شیخ ابو القاسم [illegible] از ابو عثمان مغربی و از ابی علی کاتب [illegible] از شیخ جنید بغدادی رضی الله تعالی عنهم [illegible]

۱۱ از رمضان

شیخ ابوبکر قستانی رحمة الله

شیخ ابو محمد صالح الدکالی المغربی مرید ابو مدین مغربی و او از شیخ ابو العزیز مسعود اندلسی و او از شیخ ابو الفرکان عجایبی و او از شیخ احمد غرابی رحمة الله

میان شمس الدین طاهر بن محمد بن محمود جانمیان رحمه الله

شیخ محمد بن عبد المنعم الطایفی بمکه مشرفه در سال ۱۰۵۲ الولادت در سال ۱۰۰۴ قبر او معلاه از عقد الجواهر اللارر

میان شیخ ... خلیفه شیخ طاهر رحمه الله

مولوی محمد حسینی در ایام کلام مجید را حفظ کرده در علم غار تراویح برای مسجد در اقتاله ... و مولوی شهید نموده رحمه الله از اقربا از ایشان شنیده

میان ... عبد اللطیف ...

سید واصل از سادات کرام ... سید محمد گیسو دراز در میان ... اس ... نوشته

۱۲ از رمضان

سید عمر محبوب الله سادات سولدار رحمت الله

شیخ ... ابو الفتح رحمة الله

شیخ بدل قادری رحمت الله

امام الحافظ ابو الفرج عبد الرحمن بن علی المعروف با بن الجوزی البغدادی التیمی البکری شیخه در سال ... بغداد ... از تاریخ یافعی

شیخ نور الدین عبد الرحمن اسفراینی البغدادی قدس الله سره

شیخ جمال الدین بن ابراهیم رحمت الله

رابعه حمیده بنت را... یار ... سید عالم

ابو الفضل عباس بن عبد المطلب ... در رمضان سال ... از کتاب ... الطیف

سید عبد الله العیدروس بن ... سادات بن سید ابوبکر بن عبد الرحمن بن محمد السقاف بن علی بن علوی فقیه مقدم ... در ... سیزدهم از رمضان در سال ۸۶۵ و ولادت در سال ... از کتاب عقد ... و مشرع قبر او ترم

رابعه ... بنت شاه عبد الجلیل ... الله

شیخ شرف الدین بو علی قلندر قدس الله ... پانی پت

۹۵

۱۳ از رمضان

شیخ ابو الحسن نوری در سال ... بغداد ... الطاقی ...

ابو الحسن علی الدقاق قدس الله سره

شیخ شرف الدین ابو علی قلندر در سال ۷۲۴ مولد عراق ... از اخبار الاصفیا

سید عالم ... سالم رحمة الله

محمد غوث ... گوالیاری ... عبد اللطیف ... الدین عطار ... ابن امام محمد تقی بن امام ... تا امام جعفر صادق رضی الله عنه ... از شیخ ابو الفتح ... از شیخ محمد عاشق ... از ابو الحسن خرقانی ... از خواجه ... و از بایزید بسطامی و از امام جعفر صادق ... ۹۷۰ ... از ...

شیخ ابوبکر ... در سال ... شهادت ...

شیخ امین ... بدرالی

شیر ... شاه بن سید ... از اولاد سید محمد گیسو دراز ... در مسجد ... از برادران ایشان شنیده

ابو ... بن ابراهیم ... رحمت الله

شیخ ... بن شیخ قاسم ... قادریه از قوم افغان قبر او ... قنوج ... موضع ... در سال ... و ... خلفا ایشان شنیده

عبد الله بن عبد الله بن جمال الدین جعفر بن عبد الله المعروف به ابن خورن امام علامه حافظ عالم عراق و از اولاد ابابکر صدیق و حنبلی المذهب بوده وفات یافت ببغداد در جمعه در سال ۵۹۶ از تذکره الحفاظ

شیخ جمال الدین محمد بن اسمعیل المشرع عجیل بطریقه زبید صحاری روز جمعه در سال ۹۲ ... از ...

۴ از رمضان

شیخ صلاح الدین درویش رحمت الله

شیخ عبد الله بن ابا بکر علوی ... رحمه الله

شاه حسن ... رحمت الله

بهای الدین ... در سال ... از ... الابرار والدرر

محمد بن عبد الله بن حسن بن امام حسن بن علی بن ابی طالب رضی الله عنه در سال ۱۴۵ هجری در مدینه شهید شد از تاریخ ...

زین الدین ابو عبد الله محمد بن یوسف ... السروراتی الاسلمی رحمه الله المعروف ... امام حافظ ... در سال ۶۳۶ از ...

سید عبد الرحمن بن ... بن عبد الرحمن بن ... علی علوی قدس الله سره روز دوشنبه در سال ۱۰۱۴ ... از عقد ... الدرر

الامام الشیخ زین العابدین بن عبد القادر الحسینی رحمه الله در سال ... از ... از عقد الجواهر والدرر

۵ از رمضان

۹۶

شیخ ... در سال ۶۵۳ ... الفضل الاولی

شیخ محمد ... از اولاد امام ... در سال ... از ... السیر و طبقات

شیخ علی ... از اولاد شاه ... الله قدس سره ... از صاحب ...

سلطان محمد بلخی از اولاد سلطان ابراهیم ادهم ... در قصبه ... از ... الی ...

سید احمد ... سید احمد ... قدس الله سره

محمود بن ... قدس الله سره

امام ... رحمت الله

شاه ... در سال ۱۰۴۳

شیخ ... از سادات ... در سال ۱۰۴۹ ...

... الشیخ ... قبر در ... از ...

خواجه محمد ... رحمت الله

سید ... بن سید احمد بن ... بن ابو القاسم بن زین العابدین ... قبر در ... از ...

شاه ... قبر در ... باره

... در سال ۶۹۰ از اخبار ...

۶ از رمضان

سید نور ... در سال ۹۰۰ ... از اسرار الملوک

مولانا ... محمد ... در سال ... از ... الاولیا

وجواهر الاسرار

سید ... قدس الله سره

سید شاه ... از اولاد ...

عایشه صدیقه رضی الله عنها ... ماه ...

محمد حمید رحمه الله

تاج محمد الدین لاهوری در سال [illegible] از [illegible] — مولانا شیخ عیسی صدیقی رحمه الله

شیخ ابو محمد بن ابو الحسن منصور الصوفیه الدمشقی — شیخ اسمعیل [illegible]

روز جمعه قبل از عصر در سال [illegible] از تاریخ یافعی

۱۷ از رمضان

ام المؤمنین عائشه رضی الله عنها [illegible] در سال [illegible] عمر [illegible] در بقیع [illegible] و غیره — ابو عبیده بن الحارث بن عبد المطلب [illegible] صلعم [illegible] جمعه در سال دوم در جنگ بدر از تاریخ یافعی

عمر بن ابی وقاص [illegible] در جنگ بدر — دو شمال ابن عبیده از قریش [illegible] در جنگ بدر

مهجع مولا عمر بن الخطاب [illegible] — صفوان [illegible] از قریش الیفا

[illegible] — مبشر عبد المنذر بن عمرو بن عوف در جنگ بدر

رافع بن المعلی در جنگ بدر — زید بن الحارث بن [illegible] در جنگ بدر

عاقل بن البکیر از [illegible] در جنگ بدر — حارثه بن سراقه در جنگ بدر

عوف بن عفرا [illegible] در جنگ بدر — معوذ بن عفرا در جنگ بدر

[illegible] در جنگ بدر — شاه عبد الرحیم [illegible]

شیخ رکن الدین [illegible] در سال [illegible] — مولانا فرید [illegible] ساکن [illegible] رحمة الله

سید میران بن سید [illegible] رحمة الله — شیخ صدر الدین [illegible] رحمة الله

میران سید ابراهیم رحمة الله — مولانا حمید [illegible] رحمة الله

ابو سعید [illegible] المعروف [illegible] فی [illegible] المکی [illegible] در ماه رمضان [illegible] در سال [illegible] از تواریخ الحفاظ — حارثه بن سراقه بن [illegible] در جنگ [illegible] سبحان الله [illegible] شهید شد [illegible] از اسماء الرجال مشکوه

عبد الله بن عمرو [illegible] در سال [illegible] عبد الله [illegible] — ملا [illegible] رحمة الله [illegible] در سال [illegible] در لاهور [illegible] الاولیا

[illegible] در سال [illegible] — عمر بن [illegible] در [illegible]

عبد الله بن الجراح [illegible] ابو عبیده بن الجراح شهید شده [illegible] از اسماء الرجال المشکوه — [illegible] عبیده بن الحارث [illegible] شهید شد [illegible] از اسماء الرجال مشکوه

۹۷

۱۸ از رمضان

شیخ نصیر الدین محمود چراغ دهلوی [illegible] خلیفه شیخ نظام الدین [illegible] در سال [illegible] — سید [illegible] در رمضان در سال [illegible] ۹ [illegible]

یحیی بن معاذ رازی [illegible] در سال [illegible] — شیخ علامه ابراهیم بن محمد [illegible] در سال [illegible] از عقد الجواهر [illegible]

سید شاه محمد [illegible] بن سید محمد [illegible] از خوارقات — سید [illegible] الله خلیفه شاه [illegible] الله [illegible] سید محمد گیسودراز در میان [illegible]

[illegible]

شیخ علیم الدین نبیرهٔ شیخ فریدالدین رحمه الله

شرف الدین ابو عبدالله محمد در سال [illegible]

دوم رمضان

قاضی جمال الدین بن قوام الدین رحمه الله

مولانا محمد بن جمال الدین عرف میان نور رحمه الله

شاه علی شیخ نور [illegible] العلاء [illegible] عالم
که در کوچهٔ [illegible] مرید شاه محمد [illegible]
[illegible] باقی مانده قبر در قصبه [illegible]
از مریدان [illegible]

شهاب الدین ابو القاسم عبدالرحمن بن اسمعیل بن ابراهیم
بن عثمان المقدسی الدمشقی المعروف بابی شامه
رحمه الله حافظ علامه محقق [illegible] در سال ۶۶۵ از تذکرة الحفاظ

سیم رمضان

قاضی علیم الدین خلیفهٔ سید [illegible] مخدوم جهانیان
در سال [illegible] [illegible]

سید ضیاء الدین ابو القاسم علی [illegible] الحسینی الواسطی
[illegible] رحمه الله

مخدوم سید یحیی [illegible] الحسینی [illegible] رحمه الله

شیخ حمیدالدین [illegible]

شیخ [illegible] رحمه الله

سید حسین بحر العلوم [illegible] رحمت الله

سید [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

سید عبدالقادر بن سید شیخ بن عبدالله بن سید شیخ بن
سید عبدالله العیدروس مصنف کتاب النور السافر
رحمه الله [illegible]

ربیع الخطیب احمد بن علی [illegible] الحنفی
[illegible]
[illegible]
[illegible] در سال ۲۵۰ [illegible]

حسن بن محمد بن الصباح المعروف به ابو علی [illegible]
از رواة بخاری [illegible]
[illegible] از عینی شرح بخاری

سیوم رمضان

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

شیخ ابو عبدالله محمد بن خفیف [illegible]
[illegible] صد و [illegible]

سید شیخ بن علوی عیدروس از سادات حضرموت در سال
[illegible] قبر در تریم [illegible]

شیخ نورالدین بن شیخ [illegible]
[illegible]
[illegible]

شیخ جنید [illegible]
[illegible]
[illegible]
از خلفای ابرار

[illegible] قطب عالم [illegible] رحمه الله

شیخ ابوالحسن [illegible] شافعی رحمت الله

سید [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

خلف بن سالم الحافظ [illegible]
از اعیان حفاظ [illegible]
رمضان از تذکرة الحفاظ

ابو محمد [illegible] منصور [illegible] رحمت الله

شیخ ابو [illegible] رحمه الله

حضرت میر [illegible] قبر [illegible] رحمه الله

سید [illegible] رحمت الله

شیخ زین الدین بن شیخ محمود در سنه ... از
وفات یافت قبر ... از اخبار الاصفیا

معصوم علیشاه ... خلیفه محبوب علیشاه ... ۱۲۹۳
بروز یکشنبه فوت شد ... عارف ... باب
قبر در ... شاه جلال الدین ... در ...

۲۱ رمضان

شیخ ابوالحسن علی بن سلیمان الجباری رحمه الله

رابعه فاطمه بنت شاه عبدالرحمن

شاه ... امین الدین ... از اکبر سید
شاه نظام ... ان ... عرس
... نوشته

حضرت موسی معصوم علیه السلام

شیخ رکن الدین الدهلوی الجلیلی

شیخ امین الدین ... رحمه الله

۲۲ رمضان

سید ... سید ... ولد ... خلیفه سید ... سنه ...

شیخ فصیح الدین رحمه الله روز جمعه ... در ...
قبر در لاهور ... رسید

شیخ ... محمود ... سنه ۱۹۲

اخی سید قطب الدین بن سید ... رحمه الله

شیخ داود ... رحمت الله

محمد بن ... رحمت الله ...

شیخ ابوعبدالله ... رحمت الله

خواجه ... ابوالحسن علی رحمت الله

شاه ناصرالدین محمود بن مخدوم جهانیان

سید ... الحسینی رحمه الله

۲۴ رمضان

شیخ ابوالحسن الشروانی رحمه الله

شیخ عبدالرحیم مسلم ... رحمه الله

فقیه الامام ابوابراهیم اسمعیل بن یحیی
المزنی المصری الشافعی شاگرد امام شافعی
صاحب جامع کبیر و صغیر در سنه ... و ... و شصت
و چهار ... در سنه ... و ... و پنج
قبر نزدیک شافعی

ابی محمد یحیی ... الفقهات فارسی رحمه الله در سنه
... قبر در ... شیراز از شیرازنامه

... اسمعیل ... الفقهات فارسی در سنه
... قبر در ... شیراز ... شیرازنامه

محمد غوث ... رحمت الله

شاه امین الدین ... تاریخ ... از ...
این سلسله ... تاریخ ... گویند

عبدالله بن المبارک رحمه الله علیه از تذکرة الحفاظ

ابوبکر احمد بن موسی بن مردویه الاصبهانی رحمه الله
المعروف به ابن مردویه حافظ و علامه ... تصنیف
تفسیر و تاریخ ... در سنه ... از تذکرة الحفاظ

۲۵ رمضان

شیخ عبدالرحیم ... خواجه محمد ... رحمه الله

شیخ ... الدین ... شاه ... رحمه الله
در ... آباد

سید ... شاه نعمت الله ... در سنه ... و چهار
قبر در قریه ماهان کرمان ... رجب ...

شیخ ابوعبدالله محمد بن عباد ...
رحمه الله

سید ... شاه شیخ ... رحمه الله

شاه میر محمد ... رحمه الله ... شاه ...
شنیده

سید شیخ بن عبدالله بن شیخ بن عبدالله عیدروسی
ایست که از اولاد فقیه مقدم محمد بن علی مصنف
کتاب عقد النبی [illegible] در سال نهصد و [illegible] قبر در
احمدآباد گجرات [illegible] ولادت در سال نهصد و
نود [illegible] از مشرع الروی [illegible]

شاه اسمعیل قادری بن شاه ندیم الله قادری
عرف کابلی پیران در سال ۱۱۸۹ قبر در بالکنده

[illegible] شاه اسمعیل قادری [illegible]
۱۱۹۶ قبر در بالکنده

۲۴ رمضان

خواجه حسن ابدال خلیفه خواجه ابو محمد ابدال در
سال ۷۲۵ قبر در بخارا از [illegible]

شیخ ابو محمد بن ابی الحسن منصور المقرئ الدمشقی
روز جمعه قبل از عصر در سال ۵۴۴ از تاریخ یافعی

شیخ ابو حسن شیخ [illegible] مرید شیخ بهاء الدین
سنه ۶۰۱ قبر در [illegible]

شیخ حمید الدین [illegible] خلیفه شیخ [illegible] از رساله
[illegible] این سلسله [illegible]

شیخ نور الدین محمد الحارثی رحمه الله

سید محمود [illegible] رحمه الله

شاه حلیم [illegible] قبر [illegible]
[illegible] انجا شنیده

شیخ بهاء الدین [illegible] شیخ [illegible]
خلیفه [illegible] در سال ۹۱۱ از اخبار الاولیا

شیخ [illegible] عبدالرحمن بن محمد بن عبدالرحمن [illegible]
[illegible]
نهم از عقد الجواهر و الدرر

۲[illegible] رمضان

امام محمد حسن شیبانی رح

سید مبارک بخاری محمود [illegible] رحمه الله

ابن ماجه عبدالله محمد بن زید بن ماجه القزوینی
صاحب سنن در سال ۲۷۳ ولادت ۲۰۹

امام العصر ابو القاسم المعروف [illegible] یوسف
بن احمد [illegible] در سنه ۴۰۵ از تاریخ یافعی

بابا بهلول دیوانه [illegible] معاصر شیخ نظام الدین [illegible]

شیخ [illegible] شیخ [illegible] در [illegible]

عبدالصمد یعنی البکاری رحمه الله

شاه شیخ محمد فرزند قطب عالم [illegible] رحمه الله

شیخ [illegible] شیخ الاسلام در سال نهصد [illegible]
[illegible] قبر [illegible] از گلزار

شیخ محمد [illegible] مرید شیخ محمود [illegible] در سال
نهصد و [illegible] قبر در [illegible] از گلزار

سید [illegible] سادات [illegible] تعلقه گجرات

شیخ [illegible] ۹۳۱

شیخ ابو الحسن علی بن عبدالله رحمه الله

[illegible] شاه [illegible] باعلوی

احمد بن [illegible] العباس رحمه الله
[illegible] در سال [illegible]
تاریخ یافعی

سید علی بن محمد [illegible] باعلوی رحمه الله از
سادات [illegible]
از سید عبدالله [illegible]

برادر شیخ ابی بکر شبلی قدس الله سره

شیخ نوریا بن نظام رحمة الله

سید عمر بن محمد بن احمد بن الفقیه المقدم محمد بن علی روز چهارشنبه [illegible] رمضان در [illegible]
از شرح

[illegible] بابا صاحب رحمة الله

شیخ ابو محمد عبد الواحد بن صالح [illegible]

قاضی جمال الدین [illegible] رحمة الله

شیخ عمر [illegible] قدس الله سره [illegible]
شیخ احمد [illegible] تحقیق کرده نوشته

شاه کریم الله [illegible] ۱۳۲۵

شیخ سلیم چشتی از اولاد گنج شکر [illegible]
[illegible] در [illegible] رحمة الله
[illegible] الاخیار
[illegible] قدس الله سره

مولانا [illegible] عمران [illegible] رحمة الله

سید [illegible] رحمة الله

شیخ محمد [illegible] بن شیخ محمد [illegible] الله بن ملا [illegible] الله
[illegible] این سلسله [illegible]

شیخ [illegible] جونپور [illegible]
جونپور [illegible]

ملک عبد الله بن ملک عبد اللطیف رحمة الله

شیخ حماد بن مسلم دباس قدس الله سره

سید عبد الجلیل [illegible] شیرازی رحمة الله

میان محمد یوسف [illegible] علم [illegible]

بابا [illegible] رحمة الله

مولوی [illegible] رحمة الله

امام زین العابدین [illegible] عید الفطر [illegible]

شیخ ابو القاسم رمضان الصفار رحمة الله

سید [illegible] بن سید شیخ [illegible] رحمة الله

شیخ علاء الدین [illegible] شیخ [illegible]
القاهر [illegible] شافعی [illegible] عید الفطر
سال ۷۹۳ [illegible] سال ۸۴۳ [illegible]

ابو بکر محمد بن [illegible] الخطیب از اصحاب شافعی [illegible]
و محدث [illegible] عید الفطر در سال [illegible]
که در [illegible] در انوار شافعی مذکور اند

شیخ الاسلام ابو عبد الله محمد بن اسمعیل البخاری [illegible] صحیح بخاری
[illegible] عید الفطر [illegible]
[illegible] شوال [illegible] بخارا [illegible] ولادة
[illegible] شوال [illegible]
[illegible] مرآة الجنان [illegible] امام یافعی و تذکرة الحفاظ و غیره

[illegible] الحاشی [illegible] عید الفطر [illegible]
[illegible] تاریخ [illegible]

شیخ ابو عبد الله بن شیخ ابی اسحق ابراهیم رحمة الله

سید ابو محمد بن سید حسین الشیرازی رحمة الله

فقیه العلامه ابو المعالی [illegible]
[illegible] یافعی [illegible]

ابو القاسم [illegible] بن محمد بن عبد العزیز بن المرزبان
البغوی المعروف به بغوی حافظ [illegible]
[illegible] عید الفطر [illegible]
از تذکرة الحفاظ

غرهٔ شوال

سلیمان پیغمبر علیه السلام

خواجه هبیره بصری قدس الله سره

امیر حمزه ولد دوم امیر ... در سال ... از نجات
و طبقات شاهجهانی

شیخ لشکر محمد عارف خلیفه شیخ محمد غوث گوالیاری
قبر در برهانپور سنه ۹۹۳ از مردان سلسله ایشان شنیده

شیخ ابو عبدالله خفیف شیرازی در سال ... وفات کرده
اند غرهٔ شوال بعد عصر ... در سال سیصد و نود و یک و عمر
... از ... اشرفی

مخدوم شیخ عبدالله بن شیخ ... قبر در ...
گجرات از اقربای ایشان شنیده

سید ... بن سید محمد از اولاد سید محمد گیسو دراز

ابا ... محمد النجار الحنفی المقتبس در سال ...
صد و ... از تاریخ گزیده

امام احمد حنبل رضی الله عنه

خواجه عثمان هارونی ... قدس الله سره از ... السائر

شیخ اخی سراج الدین مرید و خلیفه شیخ نظام الدین
اولیا از فضائل الاولیا

شیخ محمد ... قبر در بلده ... از شیخ ...
سجاده ایشان شنیده

امام فخر الدین رازی ابو عبدالله محمد بن عمر بن الحسین القرشی
التیمی البکری ... سال ششصد و شش ... و تولد
در بیست و پنجم رمضان سال پانصد و چهل و سه ... در ...

سید علاء الدین مسعود بلوی قدس الله سره

امام ابو عبدالله محمد بخاری مصنف صحیح بخاری از گزیده

محمد ابن عبدالمجید القوسی صاحب مکارم و فضائل ...
... سال ... قبر ... از تاریخ گزیده

شیخ محمود بحر بن شیخ بحر الدین مرید و خلیفه شیخ محمد باقر روز جمعه
در سال ... در سلسله ... قبر در ...
... از سید محمد ... مرید و خلیفه ...
ایشان شنیده

قاضی قطب الدین احمد بن مولانا نور الدین محمد بن قاضی جلال الدین
محمود الامامی از فضلا در سال ۸۷۸ قبر در هرات از طبقات شاهجهانی

میر شیخ مودود لاری ... سلسله ...
... سید عبدالقادر ... نظام ...
روز عید فطر در سال ۹۳۷ قبر در بلده ... از اخبار الاصفیا

ابو حازم عمر بن احمد ابراهیم بن عبدویه بن سدوس بن
علی المعروف به عبدوی حافظ و امام و محدث و ثقه
و صادق ... در سال ۴۲۷ از ... الحفاظ

شیخ عبدالمؤمن بن شیخ محمد ... مرید و خلیفه پدر خود
در سال ۹۷۲ قبر در آگره از اخبار الاصفیا

سید ابراهیم ... ۹۸۳ ...
اولاد عبدالوهاب سنه ۹۸۵ قبر در گجرات

۱۰۳

۲ شوال

خواجه ابو علی رودباری مرید و خلیفه سید الطائفه شیخ جنید
بغدادی در سال سیصد و بیست و یک

مخدوم سید علاء الدین ... بلوی خلیفه ... بلوی

سید احمد بن ... بن عبدالله بن شیخ بن عبدالله العیدروس
شب جمعه ... که ... از شوال در سال
... قبر در ... و ولادت ۹۷۰ از ...

میان حافظ از رساله ... سید محمد گیسو دراز در ...

شیخ زین الدین خوافی ... سال ...
... هرات از نفحات

سید علی ... قدس الله سره

لشکر محمد عارف خلیفه شیخ محمد غوث از ملفوظات ...

شیخ محمد ملتانی ابدال ... قدس الله سره

سید ... در گجرات

سید عبدالملک ... پادشاه عالم قبر در ... قدس الله سره

سوم شوال

سید تاج الدین بهلول خلیفه مخدوم جهانیان

شیخ نجم الدین ابوبکر بن محمد بن شاهاور الاملی الرازی المعروف بدایه مصنف مرصاد العباد و تفسیر [illegible] قرآن و مقالات [illegible] مرید شیخ مجدالدین بغدادی در سال ۶۵۴ روز جمعه از جواهر الاسرار تصنیف شیخ آذری

سید علاءالدین صاحب ولایت سندیله

سید قطب الدین دیوانه الانوار قدس الله سره

ملک الله داد قبر در احمدآباد رحمة الله

شیخ ابوالحسن علی [illegible] رحمة الله

سید محمد [illegible] بن سید علی محمد بن سید شاه علاء الدین [illegible] بن سید محمد مدارس رحمة الله قبر در [illegible] ارکات

[illegible] شوال

شیخ محمد دارابی قدس الله سره

شیخ ابوالعباس [illegible] منسوب [illegible] در سال [illegible] قبر در مرو

شیخ محمود عطار در سال [illegible] از اخبار الاخیار

سید شاه عبدالله [illegible] مقیم [illegible] روز [illegible] در سال ۱۱۵ مقبره در [illegible]

شاه [illegible] بن سید محمد [illegible] الدین اشرف [illegible] از سادات [illegible] چهارم واسطه [illegible] روز [illegible] ۹۹۶ قبر [illegible] از اخبار الاصفیا

شیخ احمد سوری رحمة الله

شیخ جمال الدین [illegible] در سال ۸۵۱ [illegible]

مصعب بن عمیر القرشی العبدری از اصحاب [illegible] ایشان شهید شده روز احد از اسماء الرجال مشکوه

حمزه بن عبدالمطلب عم رسول الله صلی الله علیه وسلم در احد [illegible] صاحب اسماء الرجال مشکوه و بهجة المحافل [illegible]

عبدالله بن جحش [illegible] از صحابه [illegible] صلعم [illegible] عبدالمطلب [illegible] از بهجة المحافل

شماس بن عثمان روز [illegible]

حنظله بن مالک الانصاری الاوسی رضی [illegible] غسیل الملائکه است و از سادات صحابه شهادت یافته در احد

عبدالله بن عمرو الانصاری السلمی پدر جابر رضی در احد از اسماء الرجال مشکوه

عامر بن امیه بن زید [illegible] صحابی شهید رضی در احد از اسماء الرجال مشکوه

حسیل بن جابر [illegible] با الیمان پدر حذیفه [illegible] از صحابه [illegible] مقتول شده در احد [illegible] مسلمانان [illegible] از اسماء الرجال مشکوه

شماس بن [illegible] در احد شهید شده از تاریخ یافعی و از بهجة المحافل

حارث بن اوس الانصاری [illegible] در احد [illegible]

عبدالله بن عمرو بن [illegible] الانصاری در احد از [illegible]

خارجه بن زید رضی در احد از اسماء الرجال مشکوه

عبدالله بن جحش رضی الله [illegible] شهادت یافته در احد از تفسیر [illegible] و طبقات ناصری و بهجة المحافل

انس بن النضر الانصاری عم انس بن مالک رضی از صحابه در جنگ احد شهید شده از اسماء الرجال مشکوه

سعد بن الربیع بن عمرو الانصاری الخزرجی از صحابه رضی در احد و مدفون شد او و خارجه در یک قبر از رجال مشکوه

ابو حبه صحابی [illegible] نام او ثابت بن نعمان الانصاری الاوسی البدری [illegible] و غزوه احد از اسماء الرجال مشکوه

اصرم الاشهلی از صحابه رضی در احد شهید شده از بهجة المحافل

عمرو بن الجموح رضی در احد شهید شده از بهجة المحافل

رفاعه بن عبد المنذر از صحابه [illegible] و شهید شد در احد از عینی

۵ شوال

بروایتی خواجه عثمان هارونی از خزانة الجلالیه و اداب الطالبین و خوارقات

شیخ محمد ماکوری قدس الله سره

سید احمد پسر سید محمد گیسودراز از روضه [illegible] در دولتآباد و گویند که امروز بر خطیره سید صدرت وارد در سر محمد محمود عباسی مانند مرید و خلیفه سید محمد گیسودراز منسوب کرده بر بعضی حقوق بنده نواز محکم سوال عرس مبارک

حافظ عبدالله سوری [illegible] مرید و خلیفه الاولیا شیخ نظام الدین اورنگ آبادی

شیخ سعدی شیرازی [illegible] در سال [illegible] از [illegible]

سید نظام الدین ادریسی رحمة الله

شاه خداوند مرید و خلیفه شاه امین الدین اعلی قدس الله سره قبر در بیجاپور به صوبه [illegible] از [illegible]

بانی بارسا والده سید احمد بن عرب شاه

حافظ ابو یوسف [illegible] المعروف به یعلی بن عبید در سال [illegible] از تذکرة الحفاظ

سید [illegible] از اولاد سید محمد گیسودراز [illegible] و نیم از خوارقات

۶ شوال

سید ابراهیم بن غوث الاعظم سید عبدالقادر جیلانی

شیخ عبدالله بن شیخ یعقوب [illegible] شیخ فخرالدین [illegible] در سنه ۹۴۰ از اخبار الابرار

ابوالقاسم عبدالرحمن بن الحافظ الکبیر ابی عبدالله محمد بن اسحق بن محمد بن یحیی بن منده العبدی الاصفهانی المعروف به عبدالرحمن ابن منده حافظ عالم محدث بعد در سال ۴۷۵ از تذکرة الحفاظ

مولانا محمد شهاب رحمة الله

سید عبداللطیف [illegible] بن سید ابوالحسن قبر [illegible] سید [illegible] از [illegible] شنیده

بابو دیوانه

شیخ محمد عاشق [illegible] در سال [illegible] از طبقات شاهجهانی

ابو عبدالله محمد بن الواحد [illegible] الاصبهانی الفرودی بوفاق صالح [illegible] در سال ۵۱۶ از تذکرة الحفاظ

ابو محمد عبدالعزیز بن محمود بن المبارک الجنابذی البغدادی المعروف به ابن الاخضر امام حافظ محدث عراقی کثیر السماع واسع الروایه بعد در سال ۶۱۱ از تذکرة الحفاظ

شیخ علامه عبدالسلام بن شیخ الاسلام ابراهیم اللقانی المالکی رحمة الله روز جمعه سنه ۱۰۷۸ ولادت سنه ۹۹۱ از خلاصة الاثر

شیخ شرف الدین یحیی بن اسماعیل [illegible] الفردوسی قدس الله سره روز جمعه [illegible] شوال در سنه ۶۲۰ [illegible] در بیهار از مرآة الاسرار و اقتباس الانوار

حافظ محدث صالح علامه جمال الدین محمد طاهر [illegible] ملقب به ملک المحدثین در سال [illegible] شهادت ولادت سنه ۹۱۳ قبر در پتن گجرات از [illegible]

۱۰۴

۷ شوال

خواجه بیره الجبری از خزانة الجلالیه

شیخ محمد [illegible] رحمة الله

۲ مالک بن سنان الانصاری پدر ابو سعید خدری در جنگ احد

۲ ابو محمد عبدالله بن زید بن ثعلبه بن عبد ربه بن زید بن الحارث بن الخزرج الانصاری الخزرجی از صحابه شهید شده در احد

۲ سلمه بن ثابت بن وقش انصاری در روز احد

۲ عمرو بن ثابت بن وقش الانصاری در احد

۲ رفاعه بن وقش الانصاری در احد

۲ ایاس بن اوس انصاری در احد

شیخ عبدالله اندلسی رحمة الله

ابن القسطلانی شیخ تاج الدین علی بن شیخ ابی العباس احمد [illegible] الفقیه المقری المالکی در سال ۶۳۵ [illegible]

۲ نعمان بن مالک بن ثعلبه بن اصرم الانصاری [illegible] از صحابه روز احد

۲ عماره بن زیاد الانصاری

۲ عمرو بن معاذ الانصاری در احد

۲ ثابت بن [illegible] در احد

۲ قیس بن [illegible] الانصاری در احد

۲ عبید بن التیهان الانصاری در احد

حبیب بن زید بن تمیم انصاری روز احد

یزید بن حاطب انصاری روز احد

عمرو بن قیس انصاری در احد

قیس بن عمرو بن قیس انصاری در احد

ثابت بن عمرو انصاری در احد

عامر بن مخلد انصاری روز احد

ابو سعید بن الحارث انصاری در احد

عمرو بن صواق انصاری در احد

کیسان بن عبد مولی بنی مازن انصاری در احد

سلیم بن الحارث انصاری در احد

نعمان بن عبد عمرو انصاری در احد

اوس بن الارقم انصاری در احد

کعب بن سوید انصاری در احد

عقبه بن ربیع انصاری در احد

ثعلبه بن سعد انصاری در احد

نفع بن فروه در احد

حمزه حلیف بن طریف انصاری احد

نوفل بن عبدالله انصاری در احد

عباس بن عباده انصاری روز احد

المجدر بن زیاد انصاری در احد

عباد بن الحسحاس انصاری در احد

رفاعه بن عمرو انصاری در احد

عبید بن عمرو بن الجموح انصاری در احد

ابو ایمن مولی عمرو بن الجموح انصاری در احد

سلیم بن عمرو انصاری در احد

عنتره مولی سلیم بن عمرو در احد

سهل بن قیس انصاری در احد

ذکوان بن عبد قیس انصاری در احد

عبید بن المعلی انصاری در احد

عباد بن سهل در احد

حارث بن اوس بن معاذ در ۳ در احد

ابو جابر عبدالله بن عمرو بن حرام در احد شهید

ثابت بن وقش اشهلی در احد شهید شد

یزید بن السکن در احد شهید شد

مالک بن نمیله انصاری در احد

حارث بن عدی انصاری در احد

شیخ ابو نصر محمد بن شیخ الاسلام الحمصی کنیت ابا الحسن البکری رحمت الله سنه در بیان نکی... مشغول الاوش درسهای ... و بعقاید محمود فقر در ... موعقد الجواهر

حضرت سید محمد غوث گوالیاری قدس سره ... بلده حیدر آباد وفات یافته قبر در کمبایت ... عزرائیل ... گوالیار گشت ... عالم قرب ارادن غیب ... سنه ۱۰۵۲ عمره ۹۵ شده

سوال

شیخ کمال بابا قبر در احمد آباد گجرات

شیخ عنوضات

اسعد بن ازار ... بابا ... گجراتی

سید سالم بن ... عالم گجراتیه

خواجه میر ... ثوری

شاه علاء الدین سلسله قلندریه از ... سالک

شیخ صدر الدین ... مرید شیخ ... قبر در ... از اولاد ایشان ... شده

قاضی شمس الدین العراق ... الحاج الحسن ... محمد حسن عبدالملک ... فی ... جعفر ... سنه ... تابعی

شیخ علم ... ملتان ... نورالدین

با واحمد قادان تو رو ... ملتان اجمیر

سوال

شیخ ابو عثمان مغربی در بیان ... قبر در پیشاور از لطائف اشرفی

محمد بن البشری روز جمعه ... از تاریخ یافعی

سید نصر الدین محمد بن سید احمد ...

میر سید احمد ... القاری

شیخ ... الدین بلخی ... فردوسی

شیخ حفظ الدین ... شیخ ... مولانا ...

سید نظام الدین اولیاء الله و حمید الدین برادر
سید محمد گیسو دراز دو برادر در سنه ۸۳۳ اقبر
دریافت موت بوده حیدرآباد از بلاد محی الدین
بسر رود … ایشان شده

شیخ ابو الحسن … الشاذلی
… المطلب الباوردی … در
سنه ۶۵۶ وفات یافته … دفن شده
به شیخ جبل المقطم از طبقات شعرانی

شیخ عارف بالله احمد باعشه رحمه الله روز جمعه در
سنه یکهزار و نود و یک … لطایف … در
بلکهزار … موت از عقد الجواهر

مولانا راجا دیوانه

۱۰ شوال

میر حسین سادات … شیخ … اولیا
در سال ۹۱۸ قبر در هرات از … الاولیا

شیخ … قدس الله سره

شیخ شهاب الدین عاشق … شیخ عماد الدین
شریف … خلیفه شیخ امام الدین عاشق

سید عبدالله … سادات … قدس الله سره …
در سنه ۹۲۴ مولد و مرقد بلده ترمذ …

شیخ … زین الدین صدیقی رحمه الله در سنه
هزار و نه قبر … از اخبار الاصفیا

اخی جمشید خلیفه مخدوم جهانیان …
راجگیر متصل بلده …

شاه جان محمد … رحمه الله …

قاضی احمد … خلیفه شیخ احمد … در میان …
احمد … سنه ۹۰۲ قبر …

عبدالله بن ابی … عبدالله …
روز … در سنه ۹۲۴ از …

ابی الحجر … صحابه …
یافته … از …

ابو العلاء … محمد المعروف …
حافظ و امام … در سنه ۵۱۲ از تذکرة الحفاظ

… ابو علی … ابن امام الحسن … اصحابه
… که مانده بودند …
آنحضرت صلعم در جنگ … یافت
از مرج بخاری

ابو عامر … از کبار صحابه شهید … رسول الله
صلعم …
… شوال …
… شوال شهید شد

عمر …
محمد … رحمه الله شیخ بخاری … وفات یافته
… شوال سنه ۲۲۹ از عینی

۱۰۶

۱۱ شوال

… شیخ … در سنه …
ابو القاسم …
… قبر …

خواجه … عصام الدین …
…

سید محمد بن علی بن محمد …
المقدم …
…

مالک بن … انصاری در احد از عینی

اوس بن ثابت برادر حسان بن ثابت

شیخ رکن الدین ابو محمد تاج الدین ابو القاسم …
… رحمه الله

سعد علی بن سید علی عبد الحق …
قدس الله سره

شیخ محمد … خلیفه …
…
…

مالک بن ایاس انصاری در احد از عینی

قیس بن مخلد انصاری در احد از عینی

یزید بن السکن روز احد از تحفة المحافل

عمرو بن الجموح از صحابه ۳ روز احد از تحفة المحافل

۱۲ شوال

سید حامد بن سید محمود عرف مخدوم سید جلال رسول دار خلیفه برادر مخدوم جهانیان قدس الله سره

شاه عبد القدوس پسر شاه محی سلسلهٔ قلندریه قبر در عیسی پور از مریدان شیخ بدیع

سید قطب الدین بن سید رفیع الدین سبزواری

سید ابو الفتح نبیره زاده غوث الاعظم سنه ۶۵۶

شیخ کبیر سید صوفی خلیفه مخدوم جهانیان

شاه عطاء الله سلسلهٔ قلندریه قدس الله سره

علی ابن عبد السلام بن الحسین حافظ امام و فقیه مذهب شافعی بود در سال چهار صد و نود و هفت از تذکرة الحفاظ

شیخ امام مفتی انام علامهٔ زمان شیخ عبد السلام بن شیخ الاسلام عبد الرحمن زیاد زبیدی رحمه الله در سال ۹۷۵ و ولادتش ۹۰۴ تبعه از نور السافر

۱۳ شوال

قاضی القضات ابو صالح نصر بن عبد الرزاق بن سید عبد القادر جیلانی در بغداد در سال ۶۳۳ از تحفة القادریه

شیخ عبد الله بن عمر بن عبد الله بن احمد با صحال الحضرمی رحمه الله در سال ۱۰۱۹ و ولادت در محرم ربیع الثانی سنه ۹

باوا احمد آن پیر کوچیری

۱۴ شوال

شیخ محمد عیسی سندی برهانپوری خلیفه شیخ محمد عارف در سال ۱۰۲۷ از مریدان سلسلهٔ ایشان شنیده

شیخ اسمعیل عطاء در ترتیب شاه عالم گجراتی در سنه ۱۰۹۲ عمر یکصد و پنج سال

شهاب الدین ابو العباس احمد بن عبد الحق با جابر حضرمی رحمت الله سنه در سال ۱۰۰۱ در بلده لاهور از عقد الجواهر

سید ابو بکر الف سنه الرابع عشر شوال در سال نهصد و چهار قبر در عدن و مولد او تریم در سال نهصد و [illegible] تبعه از نور السافر

سید جلال تبریزی رحمه الله

۱۵ شوال

ابو طالب عم رسول الله صلعم بود ۲ از شرح عینی

بروایت سلیمان منجم علیه السلام متواتر عمر یکصد و پنجاه سال

الامام الکبیر الحافظ سلیمان بن الاشعث ابو داود سجستانی از اصحاب احمد حنبل رحمه الله در سال ۲۷۵ روز جمعه از تاریخ یافعی

شیخ بهاء الدین معتمد بن شیخ علی [illegible] در بابا در سال ۹۷۹ و طرف شمال آگرا آباد خلیفه بهر غوث از گلزار ابرار

قاضی سید حسن بن الشیخ علی بن شیخ عبد الرحمن السقاف از سادات حضرموت در سال نهصد و پنجاه و سه مولد و مرقد تریم از مشرع

حسن بن شجاع ابو علی البلخی حافظ کبیر بود در سال دوصد و چهل و چهار از تذکرة الحفاظ

میر عبد الواحد بن مسعود وجیه الدین رحمه الله

محمد بن عبد الملک المرجانی بن فرج رحمه الله حافظ و امام بوده در سنه ٥٠٣ از تذکرة الحفاظ

شیخ سراج الدین قدس الله سره [illegible]
سید محمد گیسو دراز [illegible] قبر در گلبرگه

شیخ جمال بن قاضی محمود سهروردی رحمه الله

ابو عمرو عثمان بن [illegible] اللاهوری المعروف [illegible] حافظ و امام شیخ الاسلام محدث و [illegible]
[illegible] در سنه ٤٤٠ از تذکرة الحفاظ

شیخ شهاب الدین مرید سید محمد گیسو دراز در سنه ٨٤٠
در بیان اعراس

٦ شوال

شیخ ابی [illegible] رحمه الله

شاه عیسی [illegible] قطاری [illegible] ١٠٢٧

شاه [illegible] قادری قبر در احمدآباد

بابا [illegible] قبر در [illegible] تغلق [illegible]

شیخ حسن [illegible] مرید شیخ قوام [illegible] از
سید راجو برادر مخدوم جهانیان [illegible]
در سنه ٨٥٥ از ملفوظ

ابو الحسن علی بن احمد بن محمد بن سالم بن عبد الله بن
الحسن العلوی الحسینی المعروف به [illegible] از اولاد
زید بن علی حافظ ربانی بوده [illegible] در سنه ٥٠٥
از کتاب تذکرة الحفاظ

ابو داود سجستانی صاحب سنن در [illegible] سنه ٢٧٥
ولادت در سنه ٢٠٢ از تاریخ [illegible]

سید عیسی بن سید علیم [illegible] رحمه الله

شهاب الدین [illegible] سهروردی رحمه الله

سید اسمعیل بن [illegible] بن احمد بن ابی بکر بن ابراهیم بن سید
عبد الرحمن السقاف از [illegible]
سنه ١١٠٠ قبر [illegible]

سید [illegible] عبد الرزاق بن [illegible] عبد القادر [illegible]
[illegible] در سنه [illegible]
ولادتش [illegible] ربیع الاول در سنه ٤٧٠ [illegible]

[illegible] و عالم شیخ نور الدین محمد بن شیخ [illegible]
محمد [illegible] الدمشقی رحمه الله [illegible]
در سنه ٩٨٤ از ذیل الامم

٧ شوال

امیر [illegible] رحمه الله [illegible] در سنه [illegible]
مرید شیخ بهاء الدین زکریا

ابو سعید احمد بن محمد بن احمد بن عبد الله بن حفص الانصاری
الهروی [illegible] المعروف به طاوس الفقرا
قدس الله سره [illegible] در سنه ١٢ [illegible] از تذکرة الحفاظ

حاجی عبد الوهاب بخاری از اولاد سید جلال الدین
سید جلال [illegible] سید صدر الدین راجو [illegible]
[illegible] قدس الله سره

شیخ تاج الدین حاجی عمر رحمه الله

۱۸ شوال

شیخ ابو العباس قصاب آملی مرید شیخ عبد الله طبری و او مرید ابو محمد جریری و او مرید شیخ جنید بغدادی

ملک الاقطاب محمد بن اختیار حقانی در سنه ۸۲۰

امام الکبیر الفقیه ابو سعد الماوردی عبد الرحمن بن محمد المعروف بالمتولی افتاب ابو زرعه در سنه ۴۷۸ از انوار شافعی

شیخ علامه نور الدین ابن علی الشیراز الشافعی الازهری رحمه الله در سنه ۱۰۸۸ او در سنه ۹۷۷ از عقد الجواهر

شیخ علاء الدین عطار بخاری مرید شیخ ابو سعید تبریزی قدس الله سره

ملک الاقطاب دریاء و ملک نظام الدین [illegible]

سید علامه سید علی بن عبد الله بن احمد العیدروس صاحب سورت المشهور در سنه ۱۱۳۱ ولادش ۱۰۳۵ قبرش در سورت

شیخ نور الله بن شیخ حبیب الله فاروقی قدس الله سره

۱۹ شوال

شیخ محی الدین ابو محمد سید عبد القادر بن محمود الاعظم

امام الدین ابو الفرج خان شاه

سید محمد عیدروس مرید سید محمد عیدروس [illegible] در سورت آسوده

شیخ ابو الحسن سری قدس الله سره

شاه نظام الدین رحمة الله

سید علی عیدروس رحمة الله

شیخ ابو حامد احمد الاسفراینی بن محمد بن حامد الاسفراینی رحمة الله امام طریقه اهل عراق در سنه ۴۰۶ ولادتش ۳۴۴ از انوار شافعی

۲۰ شوال

محمد بن یعقوب المشهور مجد الدین الشیرازی الفیروزآبادی مصنف صراط المستقیم و قاموس در سنه ۸۱۷ در بلده زبید که به [illegible] در ۲۹ سنه ۷

شیخ عبد الحق دهلوی رحمه الله

عبد الله بن ابی بکر بن علوی السقاف بن عبد الرحمن بن علی بن عبد الله بن علوی بن الاستاذ الاعظم فقیه مقدم محمد بن علوی [illegible] در سنه ۹۲۳ از مشرع

۲۱ شوال

شیخ سراج الدین عثمان محمود الکاشانی در سنه ۱۰۵۲

شیخ قاسم از اولاد شیخ حسام الدین مانکپوری در سنه ۹۸۰ روز پنجشنبه از قفایل الاولیا

وجیه الدین ابو المظفر منصور بن سلیم بن منصور بن فتوح الهمدانی الاسکندری المعروف بابن العماد امام حافظ در سنه ۶۷۳ از تذکرة الحفاظ

شیخ ضیاء الدین فضل الله عباسی خلیفه مخدوم [illegible]

بابا احمد قبور جوک احمد آباد گجرات رحمه الله

بی بی جیو والده شیخ مهمای

سید حبیب شاه علی [illegible]

۲۲ شوال

خواجه رکن الدین ابو اللطف مودود چشتی شرف
ثانی پسر از اولاد مودود چشتی مرید خواجه محمود زاهد مودودی
روز جمعه در سال ۸۱۱ ولادت در سنه ۵۰۰ قبر در بلخ

قاضی العالم شاه عماد خلیفه شاه عالم گجراتی
سنه ۹۰۱ قبر در بسار بلکهور گجرات

شیخ محمد الدین سره شیخ کمال الدین علامه
قدس الله سره قبر در بلخ از اولاد ابی طالب

مخدوم محمود کاکوری البدری الحسینی شیخ ابراهیم بن شیخ
محمد ملتانی قادری قبر در [illegible]

سید حسن رسول نما قبر در دهلی [illegible] مولانا [illegible]

شیخ محمد الدین بن شیخ سراج الدین [illegible] قبر در
دهلی [illegible] خواجه [illegible] از اولاد ایشان شنیده

سید [illegible] قبر او در مقبره [illegible] قصبه [illegible]
[illegible] از خادمان آنجا شنیده

۲۳ شوال

سید صفی محمد صوفی سنه ۱۰۶۶

شیخ ابو الحسن خرقانی رحمة الله

بی بی حاجره والده شیخ [illegible] الدین [illegible] قبر در [illegible]

شیخ احمد بن علی [illegible] قدس الله سره

محمد بن حماد [illegible] امام حافظ فقیه عبد الله ابو
در سنه ۲۷۶ [illegible] الحفاظ

۲۴ شوال

شیخ محمد المشهور شاه [illegible] خلیفه شیخ [illegible]
قدس الله سره

سید محمد مدارسی بیجاپوری مرید و خلیفه شیخ عبد العظیم
[illegible] المکی [illegible] سید صبغة الله [illegible]
۱۰۸۵ در مدینه منوره قبر در [illegible] سید صبغة الله
تولد در بیجاپور [illegible] از نسخه

عرس سید علی [illegible] سید محمد گیسو دراز قدس سره

سید سیف الدین عبد الوهاب پسر بزرگ سید عبد القادر جیلانی
در سنه ۶۰۳ ولادت در شعبان سنه ۵۲۲ قبر در بغداد [illegible]

شیخ محمد داود بن علی البغدادی رحمة الله

شیخ محمد ترک رحمت الله

مخدوم سید کمال صفی [illegible] مرید سید محمد گیسو دراز سنه ۸۸۱

عرس [illegible] از اولاد [illegible] قبر در [illegible]

۲۵ شوال

سید احمد [illegible] شاه [illegible] بن قطب عالم گجراتی قبر در
احمد آباد رحمت الله

شیخ [illegible] محمد [illegible] روز جمعه سنه ۱۰۵۵ قبر در اله آباد

شمس العشاق شاه میرانجی مرید خواجه کمال الدین [illegible]
سید محمد گیسو دراز قدس الله سره در بیجاپور از مریدان ایشان شنیده

امان [illegible] شاه [illegible] مرید سید [illegible] الدین علی روز جمعه
قبر [illegible] در بیجاپور از مریدان ایشان شنیده

خواجه ضیاء الدین [illegible] مولانا نور الدین
عبد الرحمن جامی روز جمعه سنه ۹۱۹ [illegible]

خواجه عبد الله بن خواجه عبد الرحمن [illegible] قبر در [illegible] جهان آباد

خواجه برهان الدین پسر [illegible] شمس العشاق شاه میرانجی
قبر در بیجاپور [illegible] از مریدان ایشان شنیده

سید صبغة الله [illegible] شاه زین الدین
بن سید محمد مدارسی بیجاپوری قبر در [illegible] گجرات

۲۶ شوال

شیخ احمد قاضی رحمه الله

شیخ نظام یمانی قدس الله سره

شیخ ابن حاجب مصنف کافیه رحمة الله

مولانا زین الدین محمد الخوافی رحمة الله

الحاج حبیب شاه عبد الغنی عجم شیرازی

شیخ جلال الله ذاکر رحمة الله

شیخ حسین بن عبد الله بخاری رومی رحمه الله

مخدوم تاج الدین نوری سهروردی قدس الله سره

عارف بالله حضرت از اولاد سید محمد گیسو دراز
در سنه ۹۲۶ از خوارقات

اصبغ بن الفرج ابو عبد الله از سلوک بخاری

۲۷ شوال

شیخ ابو سعید بالسی در سنه ۴۱۲

مولانا رکن الدین محمد الخوافی ۸۳۲ از المقامات

خواجه ابو فاطمه از اولاد سید محمد گیسو دراز از خوارقات

شیخ ابو نصر ابرار قدس الله سره

شیخ ابو بکر شادان بن عارف ... شادان
در سنه یکصد و پنجاه و یک از تاریخ ...

شاه محمد شریف چلبی شیخ میر محمد سلوی ...
بملک صوبه برار ...

111

۲۸ شوال

شیخ حمید بن رفاعی قدس الله سره

شیخ مجد الدین حشیشی رحمه الله

[illegible] ابن سید عبد الله
عید روس رحمه الله ساکن سورت ۱۱۳۱

شیخ تاج الدین بن شمس الدین رحمه الله

محمد بن جریر بن یزید بن کثیر امام حافظ ابو جعفر
طبری رحمه الله سنه ۳۱۰ از تذکرة الحفاظ

۲۹ شوال

شیخ ابو محمد عبد الرحیم قناوی المغربی از اصحاب
شیخ ابو مدین مغربی قدس الله سره

شیخ ابو اسماعیل رفاعی رحمه الله

حاوی ابو محمد عبد الغنی المغربی رحمه الله

شاه محمود بن قطب عالم گجراتی قدس الله سره

شاه ابو الوفا قادری رحمه الله

الشعث بن قیس بن سعد ... الکندی
از ... بعد فوت حضرت علی رضه ...

۳۰ شوال

شیخ ابو عمرو عثمان بن محمد بن سالم بن المرزوقی — شیخ ابو عبد الله الحسین بن محمد البغدادی رحمه الله
معاصر رحمه الله در سال ۵۶۴ قبر در قرافه مصر شرقی

شیخ ابو الفتوح عبد الله مرید عبد القادر رحمه الله مرید — سید محمود بن قطب عالم در سال ۸۹۲ قبر در
سید اسمعیل بن سید ابو الحسن بعد صلوة مغرب در سال ۹۹۴
از تکمله ابرار

غره ذی قعده

شیخ قطب ربانی ابو صالح مرید سید عبد القادر جیلانی — شیخ محمود ملاکس رحمه الله
در سال ۵۰۰ قبر در موصل — بی بی مریم والده مخدوم جهانیان

سید عبد الله بن سید علی الفقیه عیدروس قبر در — ابو الفتوح محمد بن عبد الواحد الدارقی البغدادی
معظمه از شیخ احمد شمس علیه شنیده — فقیه در سال ۴۹۴ و ولادت روز شنبه ۱۵ شوال ۳۵۹

ابو عبد الله محمد بن عبد الحکیم رحمه الله از اصحاب — امام علامه ثقه حافظ رحمه الله در سال ۳۲۱
امام شافعی بود از رساله فقهائیه — از تذکرة الحفاظ

اشعث بن قیس بن معدیکرب الکندی رضی الله عنه — هاشم بن القاسم ابو النضر التمیمی رحمه الله وفات
از اصحاب — در بغداد روز چهارشنبه غره ذی قعده سال ۲۰۷ از

۲ ذی قعده

۱۱۲

خان ناصر الدین سید یعقوب چشتی — شیخ نظام الدین عرف میران شاه بن
قدس الله سره معاصر شاه عالم — حسام الدین مانکپوری روز شنبه در سال ۹ از
غیاث الدین

شیخ بلخی از ائمه عراق قبر در بلده — خواجه سراج الدین حافظ رحمه الله

قاضی سید وجیه الدین رحمه الله — امیر خواند محمد در سال ۹۰۲ از خلفاء الاخیار

سید علوی بن الفقیه المقدم محمد بن علی قدس الله سره — سید عمر در سجده نماز ظهر در سال
در سال قبر در بلده تریم از مشرع — قبر در تریم از مشرع

محمد بن اسحق بن خزیمة المشهور امام الائمه — سید عبد الله بن عبد الرحمن در سال ۱۰۳۰ قبر
الائمه در سال ۳۱۱ و ولادت در ماه صفر سال ۲۲۳ از — در بلده در محله از مجدد شنیده

از

۳ در تعبیه

امیر سید شریف جرجانی مرید خواجه علاء الدین قدس الله سره

شاه قمیص بن شاه ابی الحیات قادریست قدس الله سره که در سال ... سنه ۹۰۲

شیخ برهان الدین ساغرجی قدس الله سره

زین الدین علی رحمه الله

۴ در تعبیه

شیخ معین الدین احمد زرکوب رحمه الله

مولانا رکن الدین رحمه الله

خواجه عثمان سیاح مرید شیخ رکن الدین ابو الفتح سمرقندی قدس الله سره قبر در ...

سید علوی محمد ... از ... تصدر و ... مولد و مرقد بلده ترمذ از مشرع

عبد العظیم بن عبد القوی بن عبد الله بن سلامه بن سعد المعروف ... سنه ۵۸۱ ولادت ... شعبان سنه ۵۸۱ از تذکرة الحفاظ

الشیخ عارف بالله العلامه زین الدین ... بن العلامه عبد الرؤف المناوی ... رحمه الله روز ... سنه ... قبر ...

۵ در تعبیه

۱۲

شیخ ابو اسحاق کازرونی قدس الله سره

شیخ ابو العباس بن عطا در سال ۳۱۱

سالار محمود عارف قدس الله سره

شیخ علی دقاق مرید شیخ ابو القاسم نصرآبادی از شیعه در سال ...

شیخ عبد الودود رحمه الله

ابو الحسین محمد بن محمد بن یعقوب بن اسمعیل بن حجاج النیشابوری رحمه الله المعروف ... حافظ و مورخ ... در سال ... از تذکرة الحفاظ

شیخ خلوه بن موسی ... قدس سره و مرید شیخ ابو سعید قلعه ... که از اولاد ... قبر او در قریه قلعه از دهات ... بغداد

شیخ نجم الدین ابو بکر مصنف مرصاد العباد

شیخ قیس ... رحمه الله

ابن هشام ... مالکی از علما در سال ۷۶۱ ولادت در قاهره روز شنبه ۷۰۸ از تقیح شرح توضیح

۶ ذیقعده

شیخ محی الدین ابو العباس بن ابراهیم فاروقی

سید علی ثانی سید جلال الدین بخاری رحمة الله

شاه عبد المعین الله بن شاه ابو المعالی قدس الله سره مرید و نبیره خود و از اولاد سید محمد گیسو دراز

شیخ اسحاق لحاوروئی قدس الله سره

سید زین بن عبد الله بن عبد الرحمن بن سید محمد بن عبد الله بن محمد جمل اللیل المشهور زین باحسن قدس الله سره در سال ۱۰۸۶ از مشرع

الشیخ العارف بالله عبد الخالق بن ابی بکر بارضا الحفوری قدس الله سره روز یکشنبه در سال ۱۰۸۲ بمکه معظمه از عقد الجواهر

۷ ذیقعده

شیخ ابو الفضل بن فاتح قدس الله سره

سید عبد الغفور مجذوب رحمة الله

السید الجلیل العارف بالله سید عبد الله بن علوی بن محمد الحداد باعلوی قدس الله سره به بلده تریم سال ۱۱۳۲ و ولادتش روز پنجشنبه صفر سنه ۱۰۴۴ از غایة المقصد والمراد

شیخ ابو عبد الله قرشی رحمة الله

114

۸ ذوالقعده

شیخ ابو سعید حافظ ... خلیفه و داماد شیخ علاء الدین ... ابو العباس ... بن عمر الداد ... خلیفه حافظ رحمة الله ... در ماورد قدس الله سره یا در سال ... ولادت ... قبر در ... و در ... در ... سال ... سعید ... و ... قبر ... بغداد ... بعد سه ... از تذکرة الحفاظ ... از نفحات

شیخ اسحاق بن علی بن قاسم ملا ابراهیم سره ...

خواجه علی الحجری مرید شیخ ابا یزید محمد البیلی قدس الله سره

خواجه عثمان خلیفه شیخ نظام الدین قدس الله سره صاحب ولایت سیوستان

السید الجلیل سید احمد العابد بن عبد الرحمن بن سلطان الملک باعلوی قدس الله سره سال ۱۰۳۱ قبر در مکه معظمه والدش ... از عقد الجواهر

۹ ذیقعده

شیخ عبد الحق قطب عالم بن علاء الحق قدس الله سره در سال ۸۷۰ قبر در بلده از فضایل الاولیا

میان قطب الدین سید نعمت از اولاد سید محمد گیسو دراز قدس الله سره از خوارقات

السید الجلیل العارف بالله سید سالم بن احمد شیخان باعبود باعلوی الملک قدس الله سره روز یکشنبه سال ۱۰۴۶ نود و ... تزد جد و الد ... از عقد الجواهر

شیخ جمال الملة والدین الشیرازی رحمة الله

سید جمال الدین سید حامد رحمة الله

۱۰ در فقره

[illegible] المعروف به شیخ احمد [illegible] در خواجه [illegible]
در [illegible] دیگر او از [illegible] شیخ [illegible] از [illegible] شیخ [illegible]
در از [illegible] شیخ قاسم [illegible] شیخ عبد الرحمن [illegible]
محمد ابا بکر صدیق در از سلمان [illegible] از ابا بکر [illegible]
از [illegible] از خزانة الجلالیه

سید محمد عنایت الله سید محمد صوفی [illegible] در سنه ۱۱

امام ابو جعفر الطحاوی

شیخ الامام العلامه سراج الدین ابو الحفص عمر بن
رسلان بن نصیر بن صالح ابن شهاب [illegible] عبد الخالق بن
عبد الحق الکنانی البلقینی المصری [illegible] ملقب حافظ
[illegible] در سنه ۸۰۵ ولادت در شعبان سنه ۷۲۴
از رساله بیان [illegible]

حافظ شیخ [illegible] از رساله [illegible] سید محمد
لکنو [illegible]

شیخ جمالی مرید [illegible] الدین [illegible]
اسمعیل در از صلاة الاولیاء محمد سید [illegible]
جهانیان قدس الله سره در سنه ۹۹۲ [illegible]
از اخبار الاخیار

شیخ ابو العباس مغربی رحمه الله

شیخ عثمان بن شیخ عبد الکبیر چشتی [illegible]

مخدوم جهانیان جهان گشت

شیخ الاحمد نور الحق المعروف [illegible] بن شیخ عمر
علاء الدین علاء الحق [illegible] قدس الله سره
[illegible] در سنه ۸۱۸ از [illegible] الاسرار

السید الجلیل العارف بالله سید عبد الله بن [illegible]
المقدم محمد بن علی علوی قدس الله سره [illegible] سنه ۶۶۲

۱۱ در فقره ۱۱۵

شیخ ابو [illegible] بن [illegible] اسمعیل بن موسی قاضی سراج الدین [illegible]
مرید [illegible] زاده شیخ [illegible] عجم [illegible]

شیخ احمد الجاموسی

السید الجلیل العارف محمد بن علی بن عبد الله بن محمد بافقیه شاه [illegible] العارف بالله [illegible]
باعلوی قدس الله سره بمکه مشرفه بعد صلوة الجمعه در سنه ۱۰۶۲ مقام [illegible] سنه ۱۱۵۳
مولد و مرقد مکه از عقد الجواهر والدرر

۱۲ در فقره

سلطان عبد اللطیف [illegible] شاه عالم گجراتی قدس الله سره

شیخ اسحاق بن ابراهیم بن علی الاعرج زنجانی
مرید همشیره زاده سید احمد ابو الحسن زنجانی
قبر در [illegible]

شیخ منور بن عبد الحمید [illegible] عبد [illegible] قدس الله سره
مرید [illegible] از خلفاء ابرار

شیخ [illegible] خلیفه شیخ [illegible]

شیخ امام [illegible] محمد [illegible] قدس الله سره

شیخ الامام الاجل [illegible] مرید [illegible] شیخ [illegible]
در [illegible] شیخ محمد چشتی [illegible] شیخ حسین محمد [illegible]
[illegible] شیخ جمال [illegible]
شیخ جمال الدین [illegible] شیخ محمد [illegible]
[illegible] سراج الدین [illegible] جمال الدین
علاء [illegible] نور الدین [illegible]
[illegible] در سنه ۱۱۴۲ [illegible]
[illegible] قبر [illegible]

شیخ داود [illegible] قدس الله سره

شیخ یعقوب کشمیری خلیفه مخدوم اعظم شیخ حسین
خوارزمی قدس الله سره در سنه ۱۰۰۳ از طبقات شاهجهانی

۱۳ ذی قعده

شاه داود گجراتی نام شریف ملک عبد اللطیف
لقب داود الملک غازی مرید شاه عالم گجراتی قدس الله سره
در سنه ۹۱۵ از تاریخ گجراتی

سید یمن الله حسینی قادری قبر در مکه از شیخ محمد
شمس امام مسجد مکه شنیده

سید غوث رضا قبر در بغداد رحمة الله

السید الجلیل العارف بالله شیخ نعمت الله
المهدی المکی قدس الله سره شب جمعه در مکه
سنه ۱۰۶۳ قبر در جمله شعب عامر از عقد الجواهر

شیخ دولت کشمیری خلیفه [illegible]

سید جلال بن سید خان بخاری [illegible] قدس الله سره

سید علی در [illegible] قدس الله سره

بی بی راجی والده مخدوم سید محمد گیسو دراز
صاحب سر مخدوم که از مریدان مخدوم بود قبر اوست

میر غالب شهید قبر در دولتاباد رحمة الله

۱۴ ذی قعده

شیخ ابو العباس [illegible] بخاری معروف [illegible]
الله [illegible] قدس الله سره

سید جلال ماه عالم پدر سید مقبول عالم از اولاد
شاه عالم گجراتی قدس الله سره در سنه ۱۰۰۳
قبر در رسول آباد گجرات از اولاد ایشان شنیده

مولانا علاء الدین صالح رحمة الله

مولانا قاسم [illegible] پاره

شاه حسن مرید پدر خود شاه نعمت اصغر از اولاد
سید محمد گیسو دراز قدس الله سره از [illegible]

شیخ محمد حسینی از اولاد سلطان العارفین [illegible]
در سنه ۸۲۳ قبر در احمد آباد

شیخ حاجی [illegible]
مولد گجرات [illegible] شیخ رحمة الله [illegible] شیخ عزیز الله
متوکلی قدس الله سره در سنه ۹۴۲ [illegible]

سید [illegible] الدین [illegible] شیخ [illegible] رحمة الله

خواجه محمد [illegible] قادری رحمة الله

السید الجلیل العلامه ابو محمد عبد الله بن شیخ بن عبد الله
بن شیخ بن عبد الله العیدروسی قدس الله سره روز پنجشنبه
در سنه ۱۰۱۹ در [illegible] نماز عصر قبر در تریم [illegible]
ولادت در سنه ۹۴۵ از عقد الجواهر

۱۵ ذی قعده

عبد الله بن شیخ بن عبد الله بن شیخ بن عبد الله بن شیخ
بن عبد الله العیدروسی [illegible] سنه ۱۰۳۰
ولادت سنه ۱۰۲۴ از [illegible]

تاج الدین ابو اسحق [illegible] رحمة الله

علاء الدین ابو الحسن [illegible] رحمة الله امام و فاضل [illegible]
در سنه ۶۲۹ در دمشق و در قونیه سنه ۶۶۹ از رساله
انوار [illegible]

خواجه ابو حفص عمر الفاروقی رحمة الله

شاه شمس محمود رحمه الله مرید و خلیفه بابا [illegible] شاه [illegible] علی / [illegible] الدین [illegible] در سال [illegible] ۱۱ / مقبره [illegible] از کارهات از [illegible] شنیده

جمال الدین ابو حامد محمد بن الشیخ علاء الدین علی / بن محمود بن احمد الصابونی المحمودی المعروف / به ابن الصابونی رحمه الله [illegible] / سنه ۶۸۰ از تذکرة الحفاظ

[illegible] بن محمد بن ابان بن محمد بن العاص التوزی / [illegible] ابا عثمان البغدادی در شب [illegible] رحمه الله سنه ۲۴۹ / از [illegible]

مولوی شیخ [illegible] رحمه الله در [illegible] / مرقد و مولد [illegible] از [illegible] سیزده

۲۶ ذوالقعده

سید محمد گیسو دراز خلیفه شیخ نصیر الدین محمود چراغ دهلوی در آغاز / ۱۶ [illegible] / [illegible] از وفات [illegible] دهلی [illegible] / [illegible] ۲۲ سال [illegible] / روز دوشنبه وقت اشراق سنه ۸۰۱ عمر [illegible] / [illegible] رحمه الله [illegible]

سید [illegible] خلیفه خواجه رکن الدین [illegible] / و خلیفه شیخ نصیر الدین چراغ دهلوی و خلیفه شیخ محمد [illegible] / قدس الله سره

شاه جلال محمد بن شیخ عبد الله [illegible] العارف [illegible] رحمه الله / در سنه ۹۶۱ قبر در [illegible] عمر [illegible] / [illegible] رحمه الله [illegible]

۲۷ ذوالقعده

شیخ [illegible] خلیفه شیخ نظام الدین اولیا [illegible] / [illegible] قدس الله سره

نصیر الدین عارف قدس الله سره [illegible]

شیخ عظمت الله [illegible] رحمه الله

عاشق [illegible] / شاه [illegible] قدس الله سره قبر [illegible]

شیخ علاء الدین مجذوب بن سلطان قدس الله سره / در سنه ۹۳۵ قبر [illegible] از اخبار الاصفیا

شاه یوسف رحمه الله که مقبره [illegible] / [illegible] / [illegible] / [illegible] تاریخ وفات معلوم نیست

خواجه کبیر الدین [illegible] از اولاد شیخ [illegible] / بن سلطان [illegible] رکن الدین قدس الله اسرارهما

مولانا حمید الدین [illegible]

سید احمد جمال [illegible] قدس الله سره

بابا رحمت الله بن عبد العزیز بن شیخ [illegible] / [illegible] قدس الله سره قبر در برهانپور

میان عبد الله بن عبد الحق [illegible] / مرید و خلیفه سید محمد گیسو دراز قدس الله سره / از رساله اعراس نوشته

العبد [illegible] عبد الرحمن بن احمد بن / محمد بن عبد الرحمن بن احمد بن علی الادریسی / المغربی الملقب بالمحجوب قدس الله سره / بمکه روز چهارشنبه سنه ۱۲۰۳ از عقد الجواهر

سید محمد جمالی از اولیای مشهور ... المحجوب قدس الله سره
قبر در مکه از شیخ احمد ... امام مسجد الحرام شنیده

شیخ علی بن حسام الدین شیخ علوی ... قدس الله سره

شیخ ابراهیم بن محمد بن ابراهیم بن محمد بن ابراهیم
باغوندی الحموی رحمه الله بمکه مشرفه روز چهارشنبه
سال ۱۰۸۹ قبر در المعلی نزدیک ...
از عقد الجواهر

السید جلیل الامام القدوه عالم المدینه نور الدین
ابو الحسن علی بن عبد الله بن احمد بن ابی الحسن
علی السمهودی روز پنجشنبه سنه ۹۱۱ قبر در مدینه
منوره از نور السافر

شیخ حسام الدین ملتانی خلیفه شیخ نظام الدین
اولیا صاحب ولایت ملتان قدس الله سره

حاجی سعید [illegible] رحمه الله قبر در ملتان سنه [illegible]

شیخ احمد بن شهاب الدین [illegible] الحنفی
رحمه الله بمکه روز چهارشنبه سنه ۱۰۸۱
از عقد الجواهر

سید حامد بن سید عبد الرزاق بن غوث
الاعظم قدس الله سره

شیخ علی ... واثق قدس الله سره قبر در [illegible]
که از [illegible] اعمال [illegible]

سید احمد رحمه الله روز جمعه سنه ۸۵۱
در ساعت [illegible] نوشته

[illegible] رحمه الله

شاه [illegible] قدس الله سره

شیخ جمال الدین [illegible] قدس الله سره

خواجه محمود [illegible] خواجه [illegible] قدس الله سره

شیخ سعد الدین [illegible] قدس الله سره

الشیخ الفاضل العلامه حمزه بن عبد الله
بن محمد بن علی الناشری رحمه الله در بلده زبید
روز پنجشنبه سنه ۹۲۶ از نور السافر

شیخ موسی بن [illegible] شیخ عقیل منبجی
قدس الله سره

سید جمال الدین [illegible] رحمه الله

میان [illegible] بن شیخ محمود [illegible]
شیخ احمد [illegible] رحمه الله

سنه [illegible] رحمه الله [illegible]

[illegible] از اولاد سید محمد [illegible]
قدس الله سره از خوارقات

شیخ شمس الدین حاجی محمد رحمه الله

شیخ تقی الدین ابو العباس احمد بن الشیخ شهاب الدین
عبد الحلیم المعروف به ابن تیمیه عالم حافظ
شیخ الاسلام [illegible] در
سنه ۷۲۸ از تذکرة الحفاظ

۲۱ ذیقعده

شیخ ابوالفتوح قدس الله سره که در سنه ۴۳ ... قبرش در باب
بهشت که از دروازهات بر ملک ... مرید تاج العارفین

شیخ علی رضا ... مرید شیخ محمد ابراهیم مراد آبادی قدس الله سره
که در ... حنفی ... قبرش در احمدآباد گجرات

شیخ عبدالقدوس ... مرید تاج العارفین قطب الدین ...
خوش ... قبرش در روضه ...

۲۲ ذیقعده

بابا کمال خجندی خلیفه شیخ نجم الدین کبری قدس الله سره

حافظ ابوالحسن علی بن عمر دارقطنی محدث
در بغداد سه‌شنبه ۳ از اسمای الرجال

شیخ برهان الدین ... شیخ ... رحمة الله

شاه محمد مراد ... رحمة الله

مولانا ... [illegible]

سید کرم الله بن نور الله ... رحمة الله روز ... سنه
سنه ۱۱۰۴

سید شاه نور برهان ... مرید و خلیفه شیخ برهان ... قدس الله سره ... در سنه ۱۱۴۳ قبرش در برهان ...
عمر ... از ... شنیده

114

۲۳ ذیقعده

شیخ ابوسعید ... قدس الله سره

شیخ قطب الدین ... مشهور شیخ برهان الدین بن شیخ
جلال الدین ... قبرش در ... مرید و خلیفه
نظام الدین اولیا قدس الله سره

شیخ صدر الدین عارف قدس الله سره

شهیدان ... یاران ...
رسالت پناه صلعم

سید محمد بن مصطفی ... سید ... الدین قدس الله سره

سید صالح بن سید سالم بن قطب عالم ...

سید شاه ... الله از اولاد سید محمد گیسو دراز
مرید شاه ... الله قدس الله سره از خوارق عادات

سید شاه محمد ... سید ... الدین قدس الله سره

سید محمد ... ابوالحسن از اولاد سید محمد گیسو دراز
قبر در بیدر قدس الله سره

بابا ... والده سید ... الدین

۲۴ ذیقعده

شیخ منصور حلاج قدس الله سره در سنه ۹۳ ... روز ...
از نفحات ... و از ...

شیخ شمس الدین بن شیخ سراج الدین بن قطب الدین ...
شیخ محمد حنفی ... شیخ یحیی المدنی قبرش در لاهور ...

ملک حسام الدین ... رحمة الله

شیخ ... قبرش در ... قدس الله سره
... شیخ محمد بن ... شیخ نظام الدین ...
... از مردم آنجا شنیده
... شیخ محمد ... قبرش در ... سنه ۱۰۲۳

۲۵ در بحره

شیخ ابو اسحاق ابراهیم بن سید عبد القادر جیلانی قدس الله سره در سال ... قبر او در ...

شیخ ابو الفضل محمد بن غوث الاعظم سید عبد القادر قدس الله سره ... قبر در بغداد ...

خواجه احمد بن کمال خلیفه شیخ نظام الدین اولیا ... ولایت ...

قاضی مغیث رحمه الله

خواجه عبد الله ... از اولاد ... قدس الله سره

ابراهیم المشهور به امام بن عبد الله بن حسن بن امام حسن بن علی المرتضی ... در سال ۴۵ ... چهل و ... سال از تاریخ ...

مخدوم شرف الدین عرف شیخ ... که در خلافت ... از اجلاء ابرار

شاه معلی الدین ... سلطان قدس الله سره قبر در ...

۲۶ در بحره

شیخ جلال الدین ... قدس الله سره قبر در ... دیگر ... تاریخ ...

شیخ قطب الدین منور ... خلیفه شیخ نظام الدین اولیا قدس الله سره

مولانا ... سلطان شمس الدین اولیا قدس الله سره

ماما ... شاه ...

۱۲۰

۲۷ در بحره

شیخ جمال الدین علاء ... و خلیفه شیخ نصر الدین ... در سال ۵۶ ... قبر ... از اولاد ... و خلیفه ... قدس الله سره روز جمعه ...

سید شاه نصر الله بن سید محمد الدین ...

شیخ ... قدس الله سره در سال ۹۹۰ ... از کبار ابرار

شیخ ماجد ... قدس الله سره در سال ۹۶۱ قبر در ...

شیخ سیف الدین طاهر القادری رحمه الله

شیخ ... الدین محمود رحمه الله

سید ... الله ... شاه سیف الله رحمه الله

۲۸ در بحره

خواجه علی ... المشهور ... قدس الله سره روز ... در سال ۱۵ ... از ... روایت ۲۱ ... عمر ... سال قبر ... از ...

قطب الاولیا شیخ حسن محمد ... شیخ محمد ... از اولاد شیخ کمال الدین علامه ... در سال ۹۸۲ عمر ... از اولاد ...

شیخ عبد اللطیف ... خادم امام عبد الله ...

سید ... بخاری قدس الله سره

سید موسی بن سید یعقوب ترمذی

... شیخ نظام الدین ... مولانا ... حسام الدین ... قطب عالم ... در سال ۹۸۱ از ...

ابو القاسم سلیمان بن احمد بن ایوب ... الطبرانی رحمه المعروف ... حافظ امام علامه ... در سال ۳۲۰ عمر ... سال

شیخ بدر الدین قادری سهروردی تاج محمود الملتانی
قبر برادر شیخ بهاء الدین ... از خادمان این شهید

سید ابو البرکات رحمه الله از رساله ملک زاده دان
سید محمد گیسودراز در بیان اعراس دانسته

۲۹ ذی قعده

مخدوم سید حامد بن سید عبد الرزاق از اولاد سید عبد القادر
جیلانی قدس الله سره در سنه ۹۷۶ از اخبار الاخیار

شیخ جلال الدین نبیره زاده سید عبد القادر ثانی از اولاد
غوث الاعظم قدس الله سره در سنه ۹۷۸

میر ابو العلا نقشبندی اکبرآبادی قدس الله سره

قاضی ملک رحمه الله

صفی الدین محمد قادری رحمه الله روز جمعه سنه ۱۱۰۵

حاجی محمد ابو الخیر پسر شیخ اوحد الدین ثانی قدس الله سره

شیخ یوسف قتال سنه ۹۰۳ قبر بیرون دهلی مرید
قاضی جلال الدین لاهوری و تعلیمات از جلال الدین یافته

سید نور الدین ثانی سید شریف عفیف الدین عبد الرحمن محمد
الحسینی السمهودی المدنی روز پنجشنبه سنه ۹۱۱ قبر در بقیع
از جذب القلوب

۱۲۱

۳۰ ذی قعده

... در سنه ۹۹۵ ... از ... الاولیا

برادر امام محمد تقی رضا روز سه شنبه در سنه ۲۲۰ از تحفة الکرام

شیخ علی بن ادریس قلندر شیخ علی تقی قدس الله سره
در سنه ۳۱۹ قبر در رباط تقویا از سفینة الاولیا

شیخ رکن الدین ابو القاسم محمد بن ابی الفضل السجاج
الابیوردی قدس الله سره

شمس الائمه شمس الدین قدس الله سره

رکن الدین بابا سید سعد عمران از اولاد سید
محمد گیسودراز قدس الله سره قبر سید سعد در حیدرآباد

ابو عبد الله محمد بن شیخ ابی یعقوب اسحاق بن ابی عبد الله
بن ابی زکریا یحیی بن منده رحمه الله المعروف بابن منده
امام حافظ و محدث ... ۳۹۵ از تذکرة الحفاظ

الشریف الفقیه الصوفی الحافظ المحدث نور الدین علی بن
الصادق بن الحسین المدنی قدس الله در سنه ۹۰۳ از

الشیخ عارف بالله حسین بن ... بن ابراهیم بن محمد قاضی
قدس الله سره بمحله ... روز دوشنبه سنه ۱۰۸۲ قبر
بمقبرة الشیخ ... و الاولیا در سنه ۱۰۹۹ ... از عقود الجواهر

غره ذی حجه

شاه محمود غوث شاه برادر سید شیخ نور سید محمد بن
قطب عالم گجراتی قدس الله سره

شیخ شهاب الدین رحمه الله قبر او از ملتان ... در
... جانب مشرق واقع است از معدن الجواهر

شیخ ابو الحسن علی النوری الغفاری قدس الله سره

مولانا درویش رحمه الله

بابا تاج الملک ... سید نور الدین محمود

۲ ذی‌الحجه

اویس قرنی علیه السلام عمر سعد و شصت ساله

شاه بارک الله حسینی رحمة الله

میان باجی بجابانی رحمة الله

شیخ محمود بیابانی رحمة الله

ابوالحسن نجار رحمة الله

شیخ عارف بالله محمد بن سلیمان المشتهر علیه السلام
سال ۱۰۴۳ ولادت ...

بابو دهلیار رحمة الله

شیخ کوبد سنجاری از اعیان مشائخ عراق قبر در سنجار

۳ ذی‌الحجه

مسلم بن عقیل رض از روضة الشهدا

شیخ بارک الله مدکور

مولانا جلال الدین لطف الله رحمة الله از فضلا در سال
۸۷۱ در هرات از طبقات شاهجهانی

بابا پیر از اولاد سید محمد گیسو دراز از خوارقات

شیخ نجم الدین فضل الله بن یعقوب الاشبور قدس الله سره

بابا تاجره قبر در پانس

حاجی شاه قاسم شفیع قدس الله سره سلسله قادریه
از خلفای او ... این سلسله ...

۴ ذی‌الحجه

رحمة الله

خواجه قطب الدین رحمة الله

سید قاسم بن سید محمود سادات باره از مخدوم جهانیان
قبر در قاسم پوره احمدآباد

علم الدین ابو محمد القاسم بن محمد بن یوسف الحافظ
زکی الدین البرزالی امام و حافظ عالم بوده
در سال ۷۳۹ از تذکرة الحفاظ

الشیخ الاسلام ابو یحیی زکریا بن محمد الانصاری الشافعی
المصری رحمة الله در قاهره روز جمعه دفن شده بعد از ... گشته
... قبر در ... ولادت
در سال ۸۲۶ از کتاب ... نور الله ...

امام ابراهیم شیبانی رحمة الله

شیخ ابوالفتح سید ... قدس الله سره قبر در بستان احمدآباد

میان ابو محمد خوارزمی

حافظ کبیر ابو عثمان عمرو بن محمد بن بکیر الناقد
البغدادی المعروف عمرو الناقد در ... رحمة الله
در سنه ۲۳۲ از تذکرة الحفاظ

۵ ذیحجه

امام علی رضا رضه در سنه ۲۰۲ مسموما از تاریخ یافعی — هابیل و قابیل پسران حضرت آدم

سید عبد روس بن سید عمر کوریه رحمه الله — مولانا برهان حلوانی

سید محمد بعالی الله فقیر سید علی برج العشاقی بن سید جلال برج الدین بن سید علی که اولاد و حضرت سید محمد لیسو دراز از خزینه

شیخ برخوردار افضل محمد بن شیخ دونوی شیخ عبد الله انصاری رحمه مرید بدر خجو در سنه ۱۰۲۴ از اخبار الاصفیا

شیخ بابو کمال بن سید عمر رحمه الله — مولانا صدر الدین هیبة رحمه الله

بابا رابع خواجه عثمان سید محمد کیسو دراز از تاریخ

۶ ذیحجه

امیر سید علی المدنی در سنه ۹۸۶ قبر در صلاح سلسله کبرویه از سفینه و طبقات شاهجهانی — شیخ ضیاء الدین رومی خلیفه شیخ شهاب الدین سهروردی قبر در هراة در راه خواجه قطب الدین

شیخ احمد النقشبندی خلیفه سید صبغة الله که خارج در سنه ۱۰۲۹ امر قدر مدینه منوره و در بقیع ولادت بعشم شوال در سنه ۹۷۵ هجری — مولانا قاسم مرید جامی خواجه عبد الله احرار قبر سند و بکر در سنه ۸۹۱ از رشحات

امیر قوام قبر و قاب مرید شیخ رکن الدین علاء الدوله سمنانی

ملک عبد الحمید بن ملک کبیر الامرا مرید شاه عالم — شیث پیغمبر بن آدم علیه السلام عمر نهصد و دوازده سال

۴۴

محمد ابو بکر بن القاسم بن محمد بن بشار النحوی المعروف ابن الانباری حافظ وار ایراد او را بود و در لعت شعر او غایب و غرائب و فات شیخ عبید در ۳۲۹ از تذکرة الحفاظ

شمس الدین ابو عبد الله محمد بن ابی بکر بن ... شیراز الدمشقی رحمه الله از محدثین تاریخ در سنه ۷۲۳ از تاریخ یافعی

سید علی المعروف قدس الله سره قبر علیه شیخ احمد کالم مسجد بیت الله از مکه نوشته

حسن بن محمد ادرلیسی رحمه المعروف ابو علی الملک النوطنی حافظ کبیر امام و شیخ و صالح بود روز جمعه روز عرفه در سنه ۳۳۱ در وطنه از تذکرة الحفاظ

محمد بن یحیی ابن موسی حافظ متقن ابو عبد الله الاسفراینی المعروف بحمویه روز ترویه در سنه ۲۵۹ از تذکرة الحفاظ

شیخ جمال الدین اربان فقیر از اولاد سلطان در دو از ده از کامرکه خاندان ایشان معتقد انشان از مریدان شیخ نظام الدین اولیا اند والله اعلم

۹ ذیحجه

ابو القاسم السمنانی محمد بن علی المروزی رحمه الله شاگرد بخاری در سنه ۳۸۲ از تاریخ یافعی

صفی الدین احمد بن شاه تنیه از شیخ احمد نقشبندی روز دوشنبه وقت صبح قبر در مدینه نزدیک قبر حلیمه رضیعه النبی صلعم سلسله شطاریه از شیخ احمد

ابو المفتوح مرید از خلفای سلسله اش شاه شنیع

شیخ عماد الدین العماد ابراهیم المعروف الصالحی در سنه ۶۸۹ از تاریخ یافعی

میر سید جعفر بدر عالم نبیره شاه علم بخاری رحمه الله

سید احمد بن محمد تاج الدین ابی العلاء رحمه الله شاه کو در روز چهار شنبه قبر در باغ رستم

حاجی محمد مکی مرید بابا فتح الله قبر در قصبه مورا مل سرکار کولار صوبه دکن از خادمان انجا شنیدم

محمد بن حسن بن ابراهیم الفارسی الاسترابادی رحمه الله   ابو عبد الملک المقری رحمه الله بن محمد بن امام
المشهور به عبد الله الملتی از ائمه فقها در سال ۵۹۵ و در محدث و عابد بود اول روز عرفه سال ۵۴۳
... دعوت شیخ ... از رساله جان ... از تذکرة الحفاظ
از کتاب انوار شافعی و تاریخ یافعی

۱۰ ذی الحجه

شیخ علی الموصلی در سال ... کتب الثعالب
شیخ سعد الدین حموی ... محمد بن ابی ... امام
ابو الحسن محمد بن حموید ... در ایران شیخ نجم الدین کبری
محمد ... جلیفه شیخ رکن الدین ابو الفتح
در ... شیخ ... الدین ...
... شیخ ... در ...
روز جمعه وقت عصر سال ۶۵۰ تولد در سنه ... (؟)
... و سال ۵۸۶ سال عمر ... ۶۳ قبر در بحر آباد
خراسان از تصانیف ... و جواهر الاسرار
شیخ ابو بکر شبلی در سال ۳۳۴ در ماه ... بغداد
سید ... کرمانی قدس الله سره
شیخ علی کوفی ... رحمه الله
شاه ... مرید و خلیفه شیخ محمد از اولاد سید محمد ...

خواجه حسن عطار بن خواجه علاء الدین عطار ...
... سنه سال ... قبر در ... از ...
مخدوم جهانیان خلیفه شیخ رکن الدین ابو الفتح و شیخ ... الدین
و شیخ ... الدین ... و شیخ شهاب الدین ...
روز چهارشنبه در سال ۷۸۵ سال عمر ۷۹ روز ولادت ...
سال ... ماه ... قبر در ... ملتان ... الانوار
شیخ محمد ... حبل ... از اولاد ...
احوال سادات ... در سال ۹۴۵ ...
شیخ ابو محمد صالح الدکانی المغربی
شیخ ... مرید و خلیفه شیخ محمد برهان از اولاد ...
برهانپور ... قبر در برهانپور
شیخ ... الدین ... قدس الله سره
حافظ ... رحمه الله ... شیخ برهان ... الاسرار

۷ ذی الحجه

اوراس پیغمبر علیه السلام عمر شریف ... سال
امام محمد باقر ... روز ... در سال دو صد و ...
اسمعیل پیغمبر علیه السلام
طاوس بن کیسان تابعین در مکه معظمه در سال
یکصد و ... از اسماء الرجال مشکوة
شیخ احمد ... رحمه الله
بابا مریم و ... قطب عالم ...
شیخ تاج الدین ... در سال ... و ولادت
... در سال ... المجاوره ... اخبار
حافظ ابو محمد الحسن بن احمد بن صالح ...
السبیعی الحلبی المعروف ... در سال ۳۷۱
از تذکرة الحفاظ

امام زین العابدین ... روز ... سال ۹۴ در
مدینه منوره و ولادت ... سال
۳۸ عمر شریف ... سال ... و مدت
امامت ... سال ... وقف ...
ابو محمد عبد الله بن عبد الرحمن الدارمی
شیخ عماد الدین ... رحمه الله
شاه ... رحمه الله
ابو بکر احمد بن علی ثابت بن احمد بن مهدی البغدادی
المعروف به خطیب حافظ امام محدث ...
تصانیف ... روز ... در سال ۴۶۳ و ولادت در بغداد
در سال ۳۹۲ ... از تاریخ یافعی و تذکرة الحفاظ
الشیخ العارف محمد بن ...
رحمه الله ... در سال ۱۰۰۵ ...

الفقیه العلامه المحدث شیخ علی بن محمد بن ابراهیم بن مطهر الحلمی الیمنی رحمة الله روز یکشنبه [illegible] سال [illegible] و یک از کتاب [illegible]

شیخ ابو بکر [illegible] شیخ [illegible] روز جمعه در سال [illegible] و چهار [illegible] سال از سفینة الاولیا

[illegible]

سید برهان الدین [illegible] قطب عالم بخاری گجراتی بن سید محمود نبیره مخدوم جهانیان روز یکشنبه در سال ۸۵۷ [illegible] در بتوه گجرات ولادت چهاردهم رجب سال ۷۹۰ عمر ۶۸ سال [illegible] از اخبار الاخیار

شیخ داود [illegible] مرید و خلیفه قطب عالم گجراتی قبر [illegible] از گلزار ابرار

[illegible] ام کلثوم بنت [illegible] روز [illegible]

ابو عبد الله بن عبد الرحمن الدارمی رحمة الله در سال ۲۵۵ و ولادت در سال ۱۸۱ [illegible] فقهای [illegible] در انوار شافعی مذکور است

امام ابو محمد التمیمی البغدادی [illegible] بن محمد بن ابی اسامه المعروف [illegible] رحمة الله روز عرفه سال [illegible] از تذکرة الحفاظ

ابو عبد الله محمد بن ابراهیم المعروف [illegible] قدس الله سره الشافعی العرفی در سال ۳۲۲ قبر در قرافه مصر مشهور [illegible] از تاریخ یافعی

سید محمد فضل الله نبیره زاده قطب عالم گجراتی رحمة الله

ملک شرف الدین [illegible] رحمة الله

شهاب الدین [illegible] رحمة الله

حسن بن علی بن امام علی بن ابی طالب [illegible] روز [illegible] در سال [illegible] از خلاصة الاخبار

شیخ یحیی بن الحمد بن یحیی بن سعد [illegible] حلی رحمة الله از علما [illegible] سال ۶۸۹ تولد در سال ۶۰۱ در کوفه از مجمع الاولیا

شیخ علی النسفی [illegible] از کبار علما و [illegible] در سال ۹۰۰ از طبقات [illegible]

فقیر محمد [illegible] از مریدان سید محمد [illegible] در [illegible]

حافظ [illegible] عبد الجلیل بن محمد الاصبهانی در سال ۵۵۳ از تاریخ یافعی

ابو الحسن علی بن الحسن علان الحرانی رحمة الله المعروف به ابن علان [illegible] و محدث حران [illegible] در سال ۳۵۵ از [illegible]

ابو الربیع سلیمان بن موسی بن سالم بن حسان الحمیری الکلاعی المعروف به کلاعی امام عالم حافظ [illegible] در سال ۶۳۴ از تذکرة الحفاظ

میر سید جلال [illegible] بن سید محمد [illegible] الحسینی مرید سید راجی [illegible] خلیفه شیخ الهداد [illegible] المعروف به شیخ [illegible] بن احمد در سال ۹۶۰ [illegible] از اخبار الاصفیا

ابو حفص عمر بن محمد النیسابوری رحمة الله از کبار شافعیه در سال ۵۵۳ از تاریخ یافعی

خواجه [illegible] الدین مرید [illegible] از [illegible]

مروان بن معاویه بن الحرث بن اسما بن خارجه [illegible] در سال ۱۹۳ از تذکرة الحفاظ

ابو اسحاق ابراهیم بن محمد بن سلیمان [illegible] عارف [illegible] در سال [illegible] از تذکرة الحفاظ

شیخ نظام الدین بن شیخ [illegible] در [illegible] مخدوم [illegible] از اخبار الاخیار

ابو [illegible] بن [illegible] بدر الدین بن شیخ سلیم چشتی رحمة الله در سال ۹۹۰ قبر در مکه از اخبار الاصفیا

١٢٤

۱۱ ذوالحجه

شیخ الشیوخ ابوالوجاهة العلامة عبد الرحمن بن عیسی بن اسد الله العمری الحنفی رحمه الله توفی در سال ۱۰۳۷ اعمرش ۱۶ سال [illegible] عبد المطلب او را [illegible] در وقت جمیع اموال او را و مدفون گردید در مکه معظمه [illegible] از عقد الجواهر

عبد الله بن عمر الخطاب ۲ در سال [illegible] در ایام حج

فوت هود پیغمبر علیه السلام

مولانا حسام الدین [illegible] معلم [illegible]

۱۲ ذوالحجه

امیر المؤمنین عثمان [illegible] روز جمعه بعد عصر شهید [illegible] از روضة الاحباب [illegible]

فاتح الفقهاء شمس الحق والدین محمود الخوارزمی رحمه الله

سید محمود بن شیخ جمال [illegible] قدس الله سره

امام العلامة نجم الدین عبد الرحمن بن یوسف الاصفونی رحمه الله [illegible] در سال [illegible] در مکه قبر در معلاة [illegible] از تاریخ یافعی

جمیل شهید [illegible] برادر [illegible] شاه محی الدین [illegible]

شاه میا محمود حسین بن شیخ نجم الدین بن بهاء الدین [illegible] فرزند شیخ محمد [illegible] ولادت [illegible] پنجاه ساله بوده قبر [illegible] بعد از [illegible] ابرار

مولانا عزیز [illegible] خواجه [illegible] الدین رحمه الله

عبد الله بن زمعة بن الاسود بن المطلب شهید شد یوم الدار عثمان رضی الله از ریاض المستطابه

نظام الدین بن حسام الدین بن رکن الدین بن [illegible] فرزند ملا [illegible] الدین برادر [illegible] شاه عبد الله شهید قبر در [illegible] است

۱۳ ذی‌حجه

صالح پیغمبر علیه السلام [illegible] حیات

شیخ ابو محمد [illegible] شیخ جنید بغدادی قدس الله سره

شیخ نصیر الدین حافظ [illegible] رحمه الله

میان محمود بن شاه جمال [illegible] قدس الله سره

عبد الله زمعة بن الاسود بن المطلب از صحابه شهید شد یوم الدار عثمان الغنی [illegible] روز شهادت امیر المؤمنین عثمان [illegible] از ریاض المستطابه

ابو زکریا یحیی بن عبد الوهاب [illegible] ابی عبد الله محمد بن اسحق بن یحیی بن منده المعروف به ابن منده الاصبهانی العبدی از تذکرة الحفاظ

ام المؤمنین ام کلثوم

شیخ صفی الدین اردبیلی قدس الله سره

برهان الدین ابو بکر [illegible] رحمه الله

شاه عبد الرحمن [illegible] قلندر [illegible] رحمه الله

[illegible] از تذکرة الحفاظ

شیخ ذو النون مصری در سال ۲۴۵ [illegible] الاولیا

۱۴ ذوالحجه

میر اسحق پیغمبر علیه السلام [illegible]

سید [illegible] ۱۰۴۱

مولانا [illegible] الدین کرمانی رحمه الله

شیخ جلال تهانیسری [illegible] خلیفه شیخ عبد القدوس گنگوهی در سال ۹۸۹ قبر در تهانیسر [illegible] از اخبار الاخیار

شیخ عمر [illegible] مرید شیخ نظام الدین [illegible] قبر [illegible] رحمه الله

خواجه صاین الدین علی الصفهانی رحمه الله صاحب
شرح فصوص و شرح قصیده ابن الفارض
در سال ۸۳۰ قبر در هرات از حبیب السیر

ابو عاصم ضحاک بن مخلد الشیبانی البصری
المعروف به حافظ و شیخ الاسلام فقیه و ثقه
بوده در سال ۲۱۲ از تذکرة الحفاظ

میر سید داود بن سید جلال بخاری قدس الله سره فرزند
در ... در سال ۱۰۰۶ قبر در ... از اخبار الاصفیا

شاه دوله قدس الله سره قبر در گجرات ...
محبوب الهی ... سلسله سهروردیه

شاه اسمعیل ... از فرزندان ... محی الدین ...
قبر در موضع ... که از ... سیران ...

شیخ محمد صبغة الله ... بن محمد ... بن سید محمد
صبغة الله بن شیخ حبیب الله بخاری ... ولد سید
وجیه الدین گجراتی ... شیخ محمد غوث گوالیاری ...
عرف ... از فرزندان ...

رقیة الاسلام ... شافعی رحمه الله از اعیان ...
... فقیها ... در سنه ...
... از تاریخ یافعی

۱۵ ذیحجه

بروایتی ... امام عبد الله یافعی ... قدس الله سره
بروایتی سید ابو الحسن ... قدس الله سره ...

سید محمد قریشی رحمه الله

سید حسن ابن سید عالم رحمه الله

مولانا عمر یعقوب رحمه الله

یحیی بن ... رحمه الله فقیه ... و عالم
بعد ... در سال ۲۰۰۲ از تاریخ یافعی

بروایتی شیخ ابو الحسن ... یافعی ...
بروایتی شیخ ... قبر در ...
... رحمه الله
روز جمعه در سال ... از تاریخ یافعی

حافظ محمد ... ابو بکر ... علی بن
... رحمه الله ...
... محمد ... در سال ۲۹۰
از تذکرة الحفاظ

126

۱۶ ذیحجه

میر ... محمد علیه السلام

سید ... قبر در گجرات
... سید ... روضه شیخ عبد الله ... در گجرات

مولانا جلال الدین ... رحمه الله

سید محمد ... رحمه الله

۱۷ ذیحجه

خواجه ... از ...
روز ... در سنه ۱۰۱۵ از رشحات

حافظ عطاء الله رحمه الله

سید محمد بن عبد الله العیدروس ...
در سال ۱۰۳۰ قبر در سورت

مولانا ... رحمه الله

شیخ ... خادم سید وجیه الدین گجراتی

شیخ ابو عبد الله محمد بن ابی الفتوح بن عبد الله
بن حمید بن فضل الادیب الحمیدی المعروف به حمیدی
... در سال چهار صد و ...
... از تذکرة الحفاظ

محمد حسن المعلم ... بن علی بن شیخ الشیوخ
الفقیه محمد بن علی المقدم باعلوی ... در سنه
۸۴۵ از النور السافر

میان حافظ ... قطب عالم
گجراتی قبر ... گجرات رحمه الله

شاه ... رحمه الله

میان حافظ ... گجراتی رحمه الله

عبد الله بن عمر بن الخطاب رضی الله عنهما از کبار صحابه
وفات یافته ... در سال ۷۳ ... بعد قتل عبد الله بن زبیر
... و ...
مردم ...
همان ... وفات یافت

شیخ سعدی شیرازی در سال ۶۹۱ — شیخ بهاءالدین رحمه الله ... [illegible]

۱۸ ذی‌حجه

... شیخ شرف‌الدین ... بن ... الدین ... — شیخ جلال‌الدین ... شیخ فریدالدین ... قبر در ...

سید ... شاه ... سید ... عبدالله ... — سید محمد بن سید ... العالم بن ... الله بن سید ... ارشاد ...

و ... شاه ... قبر در ... — معروف ... قدس سره ... در سال ۸۵۰ ... در بلده ... ارشاد ...

اورنگ‌آباد ... ارشاد ... شنیده — شیخ سراج‌الدین قطب الاقطاب شیخ محمد ... در ... گجرات از اولاد ایشان شنیده

سید محمد بن ... العیدروس ... رحمه الله ... — عبدالله بن ... الاکبر ... روز شهادت عثمان از ... المستطابه

از سید عبدالله معروف ... شنیده

۱۹ ذی‌حجه

مقبره موسی کلیم الله علیه السلام — مولانا محمد بن مولانا احمد ... قبر در ...

سید ... سید عبدالرحمن ... شاه — سید احمد ... رحمه الله

شیخ نظام ... سید ... از اولاد سید محمد ... — الشیخ عارف بالله صفی‌الدین احمد بن محمد ...

مرید ... در سال ۹۵۰ قبر در ... — قدس سره ... در سال ۱۰۰۰ قبر در ...

... از ... — ولادت ... سال ۹۹۱ از ...

حاجی ابراهیم ... در سال ۱۰۰۱ عمر ۸۶ ... — مولانا جلال‌الدین ... الخوارزمی ...

قبر در ... از ... ابرار و اخبار الاصفیا — از ... در سال ۸۳۶ از حبیب السیر

۲۰ ذی‌حجه

شیخ احمد ... سید ... شیخ ... قدس سره ... از ... — بابا ... قبر ... حال ...

سره از خزانة الجلالیه — شیخ ظهیرالدین ... رحمه الله

شیخ محمد ... خلیفه مخدوم ... — سید ... شیخ ... الدین رحمه الله

شیخ جمال‌الدین ... شیخ ... و ... شیخ محمود ... — امام سید یحیی بن حسین بن قاسم بن ابراهیم بن اسمعیل بن ابراهیم

شیخ ... مرید ... شیخ سراج‌الدین ... — بن حسن المثنی بن امام حسن بن علی ... ولادت ...

مرید ... شیخ ... الدین ... شیخ نورالدین ... — در مدینه منوره ... سلطنت ... وفات

... در سال ۹۴۳ از ... — در سال ۲۹۸ از ... المستطابه

سید عبدالله ... باعلوی قدس سره قبر در معلا

۲۱ ذی‌حجه

... هارون ... علیه السلام — شیخ محی‌الدین العربی الطائی رحمه الله

قاضی ... سید ... در سال ۹۳۵ — قاضی بهاءالدین عطار رحمه الله

امام سلطان شمس الدین اولیا — السید الجلیل ... عبدالله

سید جلال محمد عالم بن سید ... محبوب عالم از اولاد — بن جعفر ... باعلوی قدس سره ...

شاه عالم گجراتی در سال ۱۱۱۴ قبر در ... — ... در سال ۱۱۵۹ ولادت

گجرات از اولاد ایشان شنیده — در سال ۱۰۹۳ السید علوی باعلوی ...

امام العلامه محمد علی بن محمد علان الصدیقی ... — سید علاءالدین محمد بخاری ... رحمه الله

... در سال ۱۰۵۷ از عقد الجواهر

۲۲ ذی‌الحجه

مهتر اویس قرنی علیه السلام عمر ایشان ... سال

شیخ ابوالحسن خرقانی روز جمعه در سنه ۱۸ ... عمر هشتاد و چهار ساله از نفحات

شاه محمد عارف مرید و خلیفه شاه ... قبرش در ... شاه امین الدین علی بیجاپوری قبر در ... از خلیفه‌ای شاه ... شیخ

شیخ الفتح علی بن جمال الدین محمد الخالط عبادی در سنه ۹۵۳ از اخبار الاصفیا قبر در آگره

میان شیخ فرید رحمة الله خلیفه میان وجیه الدین گجراتی

سید جمال الدین ... قدس الله سره

میر ضیاء الدین یار خواجه ... نجیبا ...

شیخ فخر الدین زرادی زمان ... قدس الله سره

شیخ ادهن بن شیخ بهاء الدین جونپوری ... شیخ عیسی اما شیخ بهاء الدین خلافت از ... شاه ... و مرید شیخ حسام الدین مانکپوری و مرید ... شیخ علاء الحق و مرید شیخ اخی سراج و مرید خلیفه شیخ نظام الدین اولیا ... شیخ عیسی مرید شیخ ... ادهم و مرید شیخ صدر الدین حکیم و مرید شیخ نصیر الدین چراغ دهلی در سنه ۹۲۳ از اخبار الاصفیا

۲۳ ذی‌الحجه

شیخ صدر الدین بن شیخ بهاء الدین زکریا روز سه‌شنبه ... و بعد در سنه ۶۸۴ ولادت ... در سنه ... ۶۳ ... از فوائد ... و لطایف الاشرفی

امام ابوالمعالی بن محمد ... محمد غزالی قدس الله سره

شیخ ... قدس الله سره

سید بده بن ... شاه ... قدس الله سره

سید محمد ... شاه علی از اولاد سید محمد گیسو دراز در سنه ۹۳۶ عمر ... از ...

۲۴ ذی‌الحجه

امیر اویس ... پیغمبر علیه السلام

خواجه محمد پارسا مرید و خلیفه خواجه بهاء الدین نقشبند روز چهارشنبه در سنه ۸۲۲ از رشحات و طبقات شاهجهانی

شیخ ابوالقاسم ... در سنه ۳۹۴ قبر ... امام احمد حنبل ...

شیخ جمال الدین ... خرقه خواجه قطب الدین بختیار اوشی

شیخ عبدالرزاق ... قادری مرید شیخ ... محمد بن طاهر در سنه ۹۴۹ ... از اخبار الاصفیا

سید ... از اولاد ... روز چهارشنبه قبر ... از اولاد ایشان ...

شیخ عقیل ... مرید شیخ ... شامی

جلال الدین فرید المعروف ... خلیفه عارف ... و مولانا جلال الدین رومی ... برهان الدین محقق ... سلطان العلما بهاء الدین ... مولانا ... خطیبی ... شیخ احمد غزالی ... شیخ ابوبکر نساج ... شیخ ... شیخ جنید بغدادی قدس الله سره روز ... قبر ... از ... مناقب العارفین

۲۵ ذی‌الحجه

شیخ کمال ... خلیفه شیخ عبدالقدوس گنگوهی روز جمعه در سنه ۹۸۹ قبر در ... ۹۶ ... پنجشنبه ... از ... الاولیا و ... الاصفیا

امیر ... الدین ... قدس الله سره در سنه ۸۲۰ ... از نفحات

میر سید محمد ... ابوالعلایی

شیخ ... قدس الله سره

شیخ عبدالله قریشی قدس الله سره

شیخ محمد عقیل قدس الله سره قبر در مکه معظمه در معلی شیخ احمد ... از مکه ...

ابو نصر عبد الرحمن بن عبد الجبار بن عثمان بن منصور الرازی رحمة الله محدث هرات المعروف بالقاضی در سال ۵۴۶ از تذکرة الحفاظ

شیخ [illegible] رحمة الله

سید محمد شهاب الدین [illegible] قبر در مجلد [illegible]

۲۶ ذیحجه

امیر المؤمنین عمر بن الخطاب رضی الله عنه از جراحة [illegible] شهادت روز چهارشنبه سال ۲۴ [illegible] ذیحجه [illegible]

عبد الملک بن [illegible] بن عبد الله [illegible] قدس الله سره [illegible] سنه در سال ۳۵۹ از [illegible]

سید علی [illegible] بن شاه [illegible] قطب عالم [illegible] رحمة الله قبر در گجرات

شیخ عبد الرزاق [illegible] قادریه قدس الله سره

شیخ شهاب الدین امام خواجه قطب الدین [illegible] رحمة الله

سید برهان الدین بن سید [illegible] شاه [illegible] رحمة الله

شاه بابو [illegible] رحمة الله

۲۷ ذیحجه

معقل بن سنان [illegible] در واقعه حره [illegible]

عبد الله بن حنظلة غسیل الملائکة [illegible] در واقعه [illegible] سال ۶۳ [illegible]

عبد الله بن زید [illegible] در واقعه [illegible]

محمد بن ثابت بن شماس [illegible] در واقعه [illegible]

محمد بن عمرو بن حزم [illegible]

محمد بن ابی الجهم [illegible] در واقعه [illegible]

محمد بن ابی [illegible] در واقعه [illegible]

معاذ بن حارث [illegible] الانصار [illegible]

یعقوب از نسل [illegible] عبد الرحمن [illegible]

۲۸ ذیحجه

شیخ فرید الدین عطار [illegible] الله

ابن حجر عسقلانی رحمة الله

سید عبد الحق رحمة الله

شیخ بدر الدین [illegible] رحمة الله

میان سید شیخ جیو [illegible] قطب عالم [illegible] قدس الله سره

بابا [illegible] الله [illegible] سید محمد [illegible] در سال ۹۸۸ [illegible] از خوارقات

الشیخ العالم ابو القاسم الجنید [illegible] المشرع [illegible] رحمة الله [illegible] چهارشنبه در سال ۲۹۷ قبر [illegible]

۲۹ ذیحجه

شیخ نجم الدین کبری قدس الله سره

سید عبد الجبار بن غوث الاعظم قدس الله سره

شیخ تاج الدین [illegible] خواجه قطب الدین قدس الله سره

بابا جمال الدین [illegible] خواجه قطب الدین قدس الله سره

[illegible] ابو [illegible] رحمة الله [illegible] در سال ۲۰۳ از تذکرة الحفاظ

... ۱۳ ... الصا

مروایت عبد الله بن عمرو بن العاص ۶۵ در وقعه

عبد الرحمن بن عبد الله بن حنظله غسیل الملائکه
انصاری کشته شده در حره از اسماء الرجال

عاصم بن عبد الله بن حنظله در وقعه حره در
سال ۶۳ از اسماء الرجال

بریدة بن عبد الله [illegible] بن عبد الله [illegible]
بن اسد بن عبد الله العراقی بن قسیم الاسدی
النوری در روز حره کشته شد [illegible]

[illegible] بن سید محمد [illegible] سنه ۱۰۳۱

شیخ [illegible] خواجه قطب الدین اویسی

میر عرب رحمه الله

سید محمود رضا [illegible] سید احمد شاه

السید الکبیر [illegible] شیخ ابو بکر بن سالم بن عبد الله
ابن [illegible] با علوی قدس الله سره [illegible] یکشنبه
در سال ۹۹۲ بود در قریه عینات [illegible] رحلت
از تریم از نور السافر [illegible]

الشیخ مولانا ابو [illegible] ۶۳ در وقعه [illegible] الصا

بشیر بن ابی مسعود الانصاری کشته شد از صحابه
است در وقعه مذکور

حارث بن عبد الله بن حنظله در وقعه حره از اسماء الرجال

حکیم بن عبد الله بن حنظله الانصاری در وقعه حره از اسماء الرجال

عبد الله بن محمد بن ابی بکر الصدیق [illegible] قاسم [illegible]
[illegible] عائشه صدیقه [illegible] کشته
شد حره از غنیه

شیخ ابو بکر شبلی [illegible] در سال ۳۳۴ عمر ۸۷ [illegible]
قبر در بغداد از سفینة الاولیا

۱۲۹

خواجه سالار رحمه الله

میان حبیب [illegible] رحمه الله [illegible] رحمه الله

الشیخ الفاضل [illegible] عبد [illegible]
بن [illegible] بن عبد الله باکثیر رحمه الله [illegible] شنبه
در سال ۹۸۹ [illegible] ولادت [illegible]
[illegible] در سال ۹۰۵ از نور السافر

۱۳۰

[illegible]

مخدوم سید صالح بن قطب عالم گجراتی

نقیبه جعفر بخاری

الشیخ الفقیه محمد بن علی [illegible] شنبه در سال ۹۵۳ ولادت
در سال ۸۵۰ از اولاد سادات [illegible]
کتاب عقد النبوی [illegible] در کتاب [illegible] وفات
شب جمعه و عمر ۶ [illegible]

[illegible] السلام

شیخ [illegible] خواجه قطب الدین اویسی

مولوی بیر محمد

ابو زرعه عبد الله بن عبد الکریم القرشی [illegible]
از ائمه علماء حافظ بوده در سال ۲۶۳ از [illegible]

غره محرم

شیخ الشیوخ شیخ شهاب الدین عمر سهروردی [illegible] ابو حفص عمر بن محمد بن
عبد الله بن سعد بن الحسین بن القاسم بن [illegible] بن محمد
بن عبد الله بن عبد الرحمن بن القاسم بن محمد بن ابی بکر صدیق [illegible]
وفات [illegible] در سال ۶۳۲ در بغداد ولادت [illegible] رجب [illegible]
[illegible] در سال [illegible] از [illegible]

شاه [illegible] شاه عالم گجراتی [illegible]
شنیده [illegible]

میان [illegible] رحمه الله

الشیخ [illegible] حافظ کوفی در سال ۲۸۱ [illegible]

قعقاع بن عمرو از صحابه کشته شد [illegible] از غنیه

شیخ صلاح الدین [illegible] سید برهان الدین
محقق در سال ۹۶۵ [illegible]

سید نور الدین [illegible] شیخ شهاب الدین [illegible]
قبر در [illegible] خواجه قطب الدین بختیار [illegible]

سید [illegible] قبر در گجرات

میان سید [illegible] رحمه الله

شاه [illegible] رحمه الله

مخدوم سید صالح بن قطب عالم قبر در گجرات

عمرو بن معدیکرب از صحابه کشته شد [illegible] از غنیه

جریر بن عبد الله البجلی از صحابه کشته شد [illegible] از غنیه

شیخ محمد جعفر خلیفه شیخ نظام الدین چشتی اورنگ‌آبادی قبر
در حیدرآباد بیرون دروازه دبیرپوره از شاه ابوالحسن خلیفه
ایشان شنیده

طلحة بن عبیدالله رضی الله عنه از صحابه ... کشته ... سال ۳۶
که با ... امیرالمؤمنین عمر ... سعد وقاص ...
بود ... در بصره ...
... از صحابه ... کشته ... از عینی

زائدة بن قدامة الثقفی الکوفی حافظ حدیث وفات
یافته در اول سال ۱۶۱ از تاریخ یافعی

زید بن الخطاب ... عمر ... در جنگ ... کشته شد از عینی

شیخ سهل بن احمد بن علی الحاکم ابو الفضل ...
فضلا و فقها در سال ۴۱۲ ... در سال ۴۲۹
از رساله انوار شافعی

ابوالحسن علی بن محمد بن ... امام
غزالی ... مستقل سال ۵۰۴ در
نزد شیخ ابوالحسن شیرازی از تاریخ یافعی

فضالة بن ... از کبار صحابه وفات یافته در اول
سلطنت ... از تاریخ یافعی

خالد بن عرفطه از صحابه کشته شد در ... از عینی

۱۳۱

سوم

... علیهم السلام

شیخ ابومدین شعیب المغربی الانصاری ...
... المغرب ... از شیخ ابوالبرکات
... شیخ ابوالفضل بغدادی ... امام محمد غزالی
رضی الله عنهم در سال ۵۹۰ هجری

ابوالحسین محمد بن عبدالله بن جعفر رحمة الله امام حافظ
محدث شام المعروف بتمام الرازی ثم الدمشقی در
سال ۴۱۴ از تذکرة الحفاظ

خواجه حسن بصری قدس الله سره ... سال ۱۱۰ قبر در بصره

شیخ ... قبر ... بالا ...

شیخ ... محمد شاه ... سنه ۱۰۴۳ قدس الله سره

خواجه عبیدالله ... رحمة الله

سید عمر بن عبدالله بن ... بن احمد بن حسن
... بن علی بن محمد ... الدوله ... حلول
در سال ... قبر در بلده ... از ...

۴۴

برادر داود پیغمبر علیه السلام ...

مولانا برهان الدین ... در ... خواجه قطب الدین
... از ... علما ... سلطان
غیاث الدین بلبن بوده ...

شیخ عبدالله انصاری رحمة الله

ابوبکر محمد بن احمد بن محمد بن جعفر الکلاباذی ...
... از فقها ... و علما ... سعد و ...
... از رساله ... فقها ...

۴۴ م

امام زین العابدین رضی الله عنه ... امام حسن رضی
... در سال ۹۴ ... ۶۳ ... ولادت ۳۸
... شیخ ... محمد چشتی قبر در ...
گجرات از اولاد ایشان شنیده

خواجه معروف کرخی ...
به امام علی رضا ...
... سال ۲۰۰ ... در بغداد

شیخ جمال الدین ...

شیخ ... عبدالله ...
...
و اداه ... ابوالحسن ...
بودند ... ابوالمحمد ...

۵ محرم

شیخ زین الدین ... مرید و خلیفه خواجه قطب الدین ... شیخ شمس الدین ... سلطان ... مولانا علاء الدین
... روز پنجشنبه ... سنه ... ۷۶۲ عمر شریف ... [illegible]
۹۵ سال قبر در ... حسام الدین ... از اخبار الاخیار ... و
وغیره
روز پنجشنبه در سال ۹۳۶ از لطائف [illegible]

سید کبیر الدین ... مخدوم جهانیان قدس الله سره

سید عبد الله ... سید علاء الدین شیخ ... ۱۰۵۱

سید محمد بن ابی بکر بن عبد الله بن ابی بکر بن سید
علوی بن عبد الله بن علی بن عبد الله بن علوی بن
فقیه المقدم محمد بن علی از سادات حضرموت در
سال ۱۰۹ مولد و قبر در بلده تریم از مشرع

ابو بکر احمد بن ... محمد بن ابراهیم بن محمویه الکر
... الزدی المعروف ... امام و از
الحفاظ است در سال ۴۲۸ از تذکرة الحفاظ

شیخ جلال الدین عرف شیخ ... قدس الله سره

سید محمد عرف دیوان شاه ... ۱۰۲۷

محمد بن ابی بکر بن محمد از سادات حضرموت در
سال ۱۰۶۲ قبر در مکه در معلی تولد در بلده تریم از مشرع

سید رضی الدین محمد بن عیسی بن امام موسی کاظم رضی
بن امام جعفر صادق رضی الله عنهم در سال ۴۰۶ ... مجمع الاولیا

۶ محرم ۱۲۴۲

ام ... [illegible]

شیخ ابو القاسم ... مرید شیخ ابو بکر شبلی
... ۳۰ ...

شیخ حسن بن ابی بکر المقری العدنی رحمه الله
صاحب ... و کشف در سال ۸۲۲ از تاریخ یافعی

ابو عبد الرحمن عبد الله بن مسلمه بن قعنب الحارثی المدنی
القعنبی حافظ و زاهد جلیل القدر بود روز جمعه سنه
۲۲۱ از تاریخ یافعی

... را با پیغمبر علیه السلام ...

شیخ ابو اسحق بن شیخ حسین مرید شیخ داود ...
... سنه ۹۸۰ ... از ... الاخیار
الاصفیا

الشیخ العلامه فقیه عبد الله بن احمد باخرمه در بلده
عدن در سال ۹۴۶ ولادت ... روز یکشنبه
دوازدهم ربیع الثانی سال ۸۸۶ از نور السافر

۷ محرم

مخدوم العاشقان سید محمد ... شیخ ... و خلیفه ... مخدوم
سید حسین ... قبر در ... روضه ...
از ... ابرار

احمد بن محمد العسقلانی ... المقری ... رحمه الله

سید عبد الخالق ... رحمه الله
شیخ ... روز جمعه مرید خواجه عبد الواحد ...

السید الجلیل صاحب الاحوال والکرامات سید علوی بن محمد
بن علی بن عقیل الشفاف ... روز ... سنه
سال ۱۰۰۹ قبر در مکه معظمه ... آل
باعلوی و ولادت در تریم از عقد الجواهر

شیخ عبد الله ... قدس الله سره

امام احمد غزالی سال ۵۲۰ قبر در قزوین

۸ محرم

تفسیر شعیب پیغمبر علیه السلام عمر او صد و هفتاد و چهار

شیخ ابوبکر بن ابو الطاهر قدس الله سره

سید محمود بن سید شاه شیخ علوی بن سید محمود بن قطب عالم قبر در گجرات قدس الله سره

سید مرتضی صوفی از اولاد سید شرف الدین مشهدی رحمة الله

بدر الدین محمد بن الامام العالم محی الدین عبد الله بن مالک الطائی الدمشقی رحمة الله در سال ۶۸۶ از تاریخ یافعی

السید الجلیل العارف بالله عبد الله بن احمد بن حسین بن عبد الله العیدروس قدس الله سره روز چهارشنبه سال ۱۰۲۵ از عقد الجواهر

۹ محرم

تفسیر ابراهیم خلیل علیه السلام عمر او صد و هفتاد و پنج سال

تفسیر ارمیا پیغمبر علیه السلام

شیخ عبد الله جلمانی قدس الله سره

شیخ حسین محمد بن روح خلیفه مخدوم سید جمال بیروی قدس

شیخ باهر جانبازی مرید شیخ حسین ناگوری در سال ۹۸۵ قبر در تقیه و ثوره سولوه مانو از محلات گجرات

شیخ ابو علوی بن شیخ محمد مرید شیخ فضل الله گجراتی قبر در شهر مولد گجرات قدس الله سره

سید لطف الله تاتاری رحمة الله

شیخ نوری رحمة الله

شیخ ابو الفتح ابو الحسن ابراهیم المعروف بالتانی رحمة الله صاحب تصانیف مشهور در سال چهار صد و نود عمر هشتاد و چهار سال قبر مقابر باب الصغیر از رساله بیان فضیلت حلبه در انوار شافعی

السید الجلیل العلامه ابوبکر بن محمد بن ابی بکر بن عقیل السقاف باعلوی قدس الله سره بعد ظهر در سال ۱۰۴۲ ولادت ۱۰۱۶ تریم از عقد الجواهر

عابد ابو الحسن بن الواعظ البغدادی الحنبلی کشته شده شب عاشورا سال ۵۲۶ از تاریخ یافعی

۱۰ محرم

حضرت امام حسین رض روز جمعه وقت نماز ظهر در سال ۶۱ عمر شریف ۵۸ سال و پنج ماه ولادت روز شنبه چهارم شعبان سال ۴ در مدینه از اهل البیت

عباس بن علی المرتضی ام البنین رضه از قراط السوی

عثمان بن علی از تاریخ یافعی

جعفر بن حضرت علی کرم الله وجهه از الفها

محمد بن علی المرتضی رض

ابوبکر بن علی رض از قراط السوی

عون بن علی رض از روضة الشهدا

عثمان بن علی رض از روضة الشهدا

عمر بن علی رض از روضة الشهدا

علی اکبر بن امام حسین رض از قراط السوی

علی اصغر بن امام حسین رض الفها

عبد الله بن علی رض از الفها

فضل بن علی رض از الفها

عبد الله بن امام حسین رض از الفها

ابوبکر بن امام حسن رض از الفها

قاسم بن امام حسن رض الفها

عبد الله بن امام حسن رض الفها

عون بن عبد الله بن جعفر بن ابی طالب رض

محمد بن عبد الله بن جعفر بن ابی طالب رض

جعفر بن عقیل بن ابی طالب رض الفها

عبد الرحمن بن عقیل بن ابی طالب رض

عبد الله بن عقیل بن ابی طالب رض

ابراهیم بن عقیل رض

عبد الله بن مسلم بن عقیل رض

محمد بن ابی سعد عقیل بن ابی طالب رض

سلیمان مولای امام حسین رض

عبدالله رضیع طوق امام حسین رض
سعد نام غلام عثمان المرتضی رض
شعمه نام غلام امام حسین رض
دعامی بن مالک از روضة الشهدا
عمر بن عبدالله الضا
اشعث بن سعد از روضة الشهدا
جابر نام غلام امام حسین رض
اسد بن ابی دجانه رض
اصباد بن حارث رض
قرة بن ابی قره غفاری رض
یزید بن زیاد ابو الغث رض
سعد بن حارث بن سریع رض
مالک بن عبد بن سریع رض
انیس بن معقل اصبحی رض
شوذب نام غلام عابس رض
وبا نام و با جرنام غلام ابوذر غفاری رض
قیس بن مالک اشمر رض

محمد مقداد از روضة الشهدا
قیس بن ربیع ایضا
حماد بن انس ایضا
سعد بن حنظله از ایضا
عبدالله بن ابی رجاء ایضا
عمرو بن قرظه از روضة الشهدا
محمد بن انس رض
فیروزان نام امام حسین رض
عمر بن جنادة بن حارث رض
حنظله بن سعد عجلی رض
حجاج بن مسروق جعفی که مؤذن امام حسین رض
یزید بن مغفل جعفی رض
ترک نام غلام امام حسین رض
عابس بن شبیب رض
حبیب بن مظاهر رض
عمر بن مطاع الجعفی رض
مالک بن انس مالک رض

۱۳۴

قاسم بن حبیب وقاص برادرزاده عمر سعد
بلال بن نافع بجلی
یحیی بن سلیم المدنی
شریح بن عبید
یزید بن حصین المدنی
عمر بن خالد رض
سعید بن حسان رض
مصعب بن یزید الریاحی رض
غلام حر بن یزید رض
شیخ ... وفات ۳۲۵ ... از نفحات
شیخ عبدالله بلیانی ... وفات ۶۸۶ از نفحات و سفینه
امام الکبراو ... ابراهیم بن محمد بن ابراهیم مهران الاصفهانی ... رحمة الله وفات ۴۱۸ از تاریخ یافعی
شیخ الکبرا ... رحمة ... در ۴۹۳ از تاریخ امام یافعی
شیخ محمد ... عبدالله ...
وکیع بن جراح بن ملیح ... وفات ۱۹۷ از تذکرة الحفاظ

عبدالرحمن بن عروه غفاری
عبدالرحمن بن عبدالله یزنی رض
مسلم بن عوسجه رض
خالد بن عمر بن خالد رض
وهب بن عبدالله کلبی رض
عبدالله بن عمیر کلبی رض
حر بن یزید
علی بن حر بن یزید ریاحی رض
شیخ ابوالحسن ... وفات ۳۲۵ ... از نفحات
العالم ... از سفینه
... از سفینه
شیخ ابو مدین مغربی قدس الله سره
شیخ علاءالدین ... قدس الله سره
ابوالقاسم ابراهیم بن عثمان ... رحمة الله ... سنه ۳۰۳ از تاریخ یافعی
شیخ احمد ... رحمة الله
شاه ...

... بلخی ...

السین الحرث رج

سید شاه عبدالنبی از اولاد سید الطائفه شیخ جنید بغدادی است
خلیفه پدر خود شاه محمد اکبر حسینی و از پدر خود شاه برهان محمد
الحسینی الجشتی و از خواجه عنایت الله و از پدر خود زین العابدین
و از خواجه محب الله و از خواجه محمد عاشق و از خواجه محمود
فضل الله و از خواجه بدر الله محمد فتح و از خواجه محمد افضل حسینی
و از السید محمد محمود و از رضی الله تعالی عنه بروز جمعه در سنه ۱۱۵۹
عمر ۱۱۲ سال قبر او در [illegible] از مریدان ایشان شنیده

ابوالحسن محمد البابوری رحمه الله در سنه ۳۶۶ از تاریخ یافعی

شیخ [illegible] فقیه ابوالفتح نصر بن ابراهیم المقدسی
سنه ۴۹۰ قبر او در دمشق از تاریخ یافعی

سید شاه محمد مبارک چشتی مرید و خلیفه شاه ظهیر الدین است
مرید سید میران خواجه حیدرآبادی [illegible] در سنه ۱۱۲۷
قبر در [illegible] از [illegible] ایشان شنیده

الحافظ محمد بن ابراهیم ابو عبدالله المروزی رحمه الله المعروف
بابن [illegible] در سنه ۲۹۴ از یافعی

[illegible] بن الحجاج القشیری ابوالعباس الکوفی [illegible] السمعانی از [illegible]
بنجارا [illegible] در سنه ۲۲۶ از یافعی

قاضی القضات صدر الدین عمر بن قاضی القضات تاج الدین
عبدالوهاب العلائی الشافعی المصری رحمه الله در سنه ۶۸۰
از تاریخ یافعی

شاه میران برادر سید [illegible] از اولاد [illegible] قبر
در مسجد [illegible] از [illegible] ایشان شنیده

حافظ ابو عبدالله محمد بن [illegible] البجلی البزار رحمه الله محدث در
سنه ۲۹۲ از تاریخ یافعی

ملا الله دیا [illegible] ملا [illegible] در سنه ۹۸۵ قبر
در قصبه [illegible] از ملفوظ ملا [illegible]

شیخ فضیل بن عیاض قدس الله سره در سنه ۱۸۷ از [illegible]

مولانا [illegible] عبدالله [illegible] قبر در سنه ۹۶۰ از [illegible]

محمد بن [illegible] ابو جعفر البغدادی رحمه الله حافظ امام [illegible]
بعد در سنه ۲۶۱ از تذکرة الحفاظ

۱۱ المحرم

سید دین فاروق رحمه الله

قاضی سعدی یار خواجه قطب الدین بختیار رحمه الله

محی الاسلام ابا المحاسن عبدالله بن اسمعیل الرویانی
الشافعی در سنه ۴۹۶ از تاریخ یافعی

شیخ پیر محمد سلونی مرید شیخ عبدالکریم قدس الله سره

الشیخ العلامه رئیس [illegible] شیخ [illegible]
محمد [illegible] رحمه الله روز [illegible] در
سنه ۱۰۲۱ قبر در مکه معظمه [illegible] از عقد الجواهر

الشیخ العلامه شهاب الدین احمد بن عثمان [illegible] محمد [illegible]
در بلده [illegible] روز [illegible] در سنه ۹۶۵ از نور السافر

میان شیخ یحیی بن شهاب رحمه الله

قاضی عبدالکریم السیاح سهروردی رحمه الله

قاضی ابوالبرکات عبدالوهاب بن احمد البغدادی المعروف
به [illegible] حافظ عالم محدث بغداد ثقه [illegible] الروایه
بعد در سنه ۵۳۸ قبر در بغداد از تذکرة الحفاظ

الامام العلامه شیخ عبدالله بن احمد بن علی [illegible] الحضرمی
العدنی الشافعی رحمه الله در بلده عدن روز [illegible] در
سنه ۹۰۳ قبر [illegible] شیخ [illegible] ابا عکیل [illegible]
جوار [illegible] از نور السافر

الشیخ ابوالحسن از اولاد شیخ زین الدین الخوافی در سنه ۹۹۳
قبر در لاهور از اخبار الاصفیا

۱۲ المحرم

شیخ عزیز محمد بن [illegible] محمد [illegible] سید شاه [illegible] قبر [illegible]
ابو عبدالله الشیخ علی بن [illegible] شیخ صفی الدین اسحاق اردبیلی از اولاد
بن علی بن علوی [illegible] الفقیه المقدم محمد بن علی از [illegible] واجداد سلسله [illegible] مرید
سادات [illegible] روز [illegible] در سنه ۸۹۵ [illegible] شیخ زاهد جیلانی و او مرید سید جمال تبریزی
ولادت در سنه ۸۱۸ و عمر ۷۷ [illegible] از کتاب عقد النقی [illegible] و او مرید شیخ شهاب الدین روز دوشنبه
سنه ۷۳۰ از مجمع الاولیا

[illegible]

۱۳ محرم

شیث پسر حضرت آدم علیه السلام

سید محمد برادر حقیقی شاه جمال الدین بابا حاجی

سید ابو محمد اسمعیل بن سید عبدالرزاق بن غوث الاعظم

شاه عبدالوهاب دراسی قادری رحمه الله

رحمه در سنه ۶۰۰ مدفون نزدیک مقبره امام احمد حنبل از

حسن بن احمد بن عامر بن سلیمان بن صالح بن

تحفة القادریه

وهب بن عامر بن حسان رحمه الله در سنه ۴۰ از مجالس

شیخ سلمان بن عفان مقتدای اجلاء از نسل سلطان

خواجه ابوبکر عصام رحمه الله

ابراهیم ادهم است مرید شیخ عمر بن علی غازی از سنه ۱۰۵

سید عبدالقادر المشهور السیدال رحمه الله

بیر متحاور بود در سنه ۹۴۴ قبر در قندهار خواجه قطب الاقطاب

حبیب لوالدی خواهر شاه عالم گجراتی

از اخبار الاخبار

۱۴ محرم

خواجه اقتباس الانوار ابن ابی محمد شاه دیناری

خواجه حسن بن خالد ناگوری قدس الله سره از اولاد

که مرید و خلیفه شیخ نور الدین خواجه بدر

شیخ ابراهیم خرقه خلافت پسر و خلیفه شیخ عبدالعزیز

در سنه ۹۰۹ قبر منوره ملازم ایرج از اخبار الاخیار

پیره و خلیفه سلطان التارکین رحمه الله

قاضی شیخ الدین مرید سید محمد گیسو دراز از اولاد

شیخ احمد بن محمد سلیمان شیخ شیخ نظام بن شیخ

شیخ معز الدین پیر زاده شیخ وجیه الدین محمد از اولاد

بن شیخ حسام الدین مانکپوری در سنه ۹۲۷ از فضائل الاولیا

شیخ عبدالفتاح المعین القادری مرید و خلیفه سید رحمه الله

سید حسن از خلفای شیخ الاسلام شاه در سنه ۱۲ قبرش

لکهنو

از مضافات بنیاد از اقتباس الاولیا

سید محمد افضل بحوی رحمه الله

شاه عبدالقادر قادری قدس الله سره رحمه الله

شاه دولت شیخ محمد لاهوری مرید و خلیفه ملا ...

شیخ الکبیر ذو الکرامات شیخ عبدالرحمن بن ... بابر

مرید شیخ میر لاهوری قدس الله سره از مریدان ...

مرده انجوی شب دوشنبه در سنه ۹۱۴ از روات

سید الجلیل العارف بالله سید العارفین شیخ الحسینی

المعارف بالله قاضی محمد حاوی قدس الله سره مرید و خلیفه

مولف ... در سنه ۱۰۰۳ در بلده احمدآباد گجرات

شیخ نصیر الدین چراغ دهلوی در سنه ۸۰۹ و قبر وی

قبر در ملک ... ولادت روز پنجشنبه بیستم ربیع الاول

در بلده ایرج از زمره الاسرار اقتباس شیخ عبدالرحمن

سنه ۹۲۸ سید علی ... باعث ... تصنیف

الحسینی بن عبدالرسول بن قاسم بن شاه بدر الدین

میان شیخ دانیال و شیخ اسمعیل ... ابو ... العاشقین امیر المؤمنین علی

۱۵ محرم

شیخ روزبهان بقلی در سنه ۶۰۶ از نفحات

خواجه یحیی پسر دوم خواجه عبیدالله احرار از رشحات

شیخ ابوحفص عمر بن سالم حداد از مریدان خلیفه

خواجه محمد یار ... بن خواجه یحیی بن خواجه احرار قدس الله سره

سعید ... در سنه ۲۶۴ از خزانة الجلالیه

از رشحات

خواجه عبدالباقی بن خواجه یحیی بن خواجه عبیدالله احرار ...

قاضی الحاج شاه راجو بخاری از اولاد قطب عالم

واسیران ... شهید شدند

گجراتی قدس الله سره

شیخ شرف الدین محمود شاه بن ... شیخ ... شیخ علاء الدین

سید احمد شهید بن شاه راجو بن شاه عالم ... در سنه ۸۹۵

سعید ... محمود ... قدس الله سره

قبر در رسول آباد گجرات از سید برکت الله تصنیف

احمد بن سعید بن ابراهیم ابو عبدالله المروزی المعروف

شاه اسحاق المشهور شاه ... از اولاد سید محمد

بالرباط در سنه ۲۴۶ از ...

گیسو دراز از خوارقات

مسیان ... سید قطب الدین قبر در قلعه مرج

سید عبد الفتاح حسینی العسکری گجراتی

شیخ رشید الدین قبر در قلعه رحمة الله

خواجه عبد الملک

۱۶ المحرم

شیخ حیات بن عیسی گجراتی قدس الله سره

سید برهان شاه عالم گجرات

سید شهاب الدین [illegible] الدین حسینی

سید عیسی بن الشیخ عبد الله العیدروس قدس الله سره و از
سه سید و در سال ۹۱۴ قبر در بلده تریم ولادت در سال
۸۶۱ از نور السافر

سید شاه محمد الحسینی بن سید عباد بن قطب عالم گجراتی

خواجه ابراهیم مغیث رحمة الله

شیخ رکن الدین شکر خایا رحمة الله

شاه راجو رحمة الله

شاه راجی [illegible] قبر در حیدرآباد

۱۷ المحرم

مهتر عیسی پیغمبر علیه السلام

شیخ عفیف الدین بن عبد الله بن جمال [illegible]
فرزند مخدوم جهانیان [illegible] قدس الله سره

سید قاسم بن محمد ابی الحسین [illegible] قدس الله سره روز [illegible] در سال
۱۰۱۳ قبر [illegible] از نور السافر

شاه بابر [illegible] گجرات

شیخ شهاب الدین [illegible] قدس الله سره از
[illegible] سلطان [illegible]
[illegible] قبر در [illegible]

مخدوم سید احمد [illegible] رحمة الله

ام ایمن مولات محمد صلی الله علیه وسلم که آزاد کرده
بود و او مادر [illegible] است وفات یافته بود بعد
وفات [illegible] از اسماء الرجال مشکوة

۱۸ المحرم

۱۳۷

مولانا عبد الرحمن جامی مرید سعد الدین کاشغری و مرید خواجه
نظام الدین خاموش [illegible] از شیخ علاء الدین عطار وی
از خواجه بهاء الدین نقشبند [illegible] روز جمعه در سال ۸۹۸
قبر در خیابان هرات متصل قبر [illegible] ولادت [illegible]
در سال ۸۱۷ عمر ۸۱ از رشحات و سفینة الاولیا

شیخ عبید الله [illegible] قدس الله سره

شیخ عبد الله الشطاری [illegible] شیخ محمد غوث گوالیاری [illegible]
در سال ۱۰۲۱ قبر [illegible] از گلزار ابرار

شیخ [illegible]
و خلیفه شیخ سعد الدین [illegible]

شیخ جلیل [illegible] رحمة الله

۱۹ المحرم

مهتر شمعون پیغمبر علیه السلام

[illegible] شیخ جلال محمد [illegible]
[illegible] قدس الله سره

العلامة الکبیر شیخ [illegible] زین العابدین [illegible]
ابی بکر [illegible] الصدیقی رحمة [illegible] ببلده زبید [illegible]
روز جمعه در سال ۹۳۳ از نور السافر

شیخ رکن الدین [illegible] قدس الله سره

شیخ [illegible] رحمة الله در سال ۱۰۲۹
از انفاس الاصفیا

[illegible]
[illegible]
از ملفوظ [illegible] جمع کرده

شیخ شهاب الدین ابو الفضل احمد بن علی بن محمد بن علی الفاخر
الاصل المصری المتلقی الشافعی روز پنجشنبه در سال ۹۳۶
قبر بمکه جوار خواجه فضیل بن عیاض از نور السافر

۲۰ محرم

ام البشر حوا رضی الله عنها

بلال صحابی

سعد بن وقاص صحابی رض

خواجه شمس الاسلام مهان بن ابی ابو القاسم الصوفی الهروی
البغدادی تن مولانا علی تمر صوفی تسنه ۹۵۵ قدس الله سره

بابا بوحل مرید شیخ نظام الدین اولیا قدس الله سره

بابا کبر کوار رحمة الله

قاضی نصر الدین نور سید الله الدین علوی ای کبر داش

الحوری عبد الله بن احمد بن اسحاق بن موسی بن مهران المهرانی
الاصفهانی رحمة الله المعروف ابو النعیم حافظ کبیر
محدث صوفی الاحوال بود در سال ۴۳۰ از تذکره الحفاظ

بی بی خواد اریب بنت سید عزیز شاه

۲۱ محرم

هلال ربحی صحابی رض

عرس سید محمد المعز لسم او از سید محمد گیسو دراز در سال
۸۳۶ امام سجاده نشین قوتش در دو ماه و چهار روز
از جوامع اوقات و ملفوظ وغیره

شاه ملک اولیا در سال ۱۰۲۵ قبر در قصبه بادیر
ازخاک ان ان شنیده

سیرن دیوانه رحمة الله

۱۳۸

۲۲ محرم

امام حسن عسکری ... در سنه ... ۲ از کتاب الوفات

عبیده ابن الجراح رض

... شاه عالم ... قبر در ... گجرات

بابای سلطان خاتون بنت خواجه فخر الدین خواجه ... ماوراء النهر

خواجه ابو الحسن ... زاده خواجه ...

سید محمد سعید جو ... رحمة الله

خواجه علی جراح رحمة الله

فخر الدین زرادی رحمة الله

عبد الله بن ابی الحارث ... داود عبد الله ... از کبار صحابه
بعد قتل امیر المومنین عثمان رض بعد جمل ...
... فوت شده از ریاض المستطابه

سید میران بخاری رحمة مقبره ... بابا ...

۲۳ محرم

طلحه بن عبید الله صحابی رض

شیخ محمد الدین بغدادی در سال ۶۰۷ در خوارزم شهید شدند

شیخ محمد ... قدس الله سره قبر در ...
رسید ... بن ... سال ... شده

عبد الله بن عباس رضی الله عنهما روایت ...

سید عبد الکریم بن سید ... بخاری ... رحمة الله

۲۴ محرم

ام المؤمنین رقیه رض

سید حسن بن سید مقبول عالم قدس الله سره در سنه ۱۰۰۳ قبر در رسول اباد گجرات از اولاد السید [illegible]

خواجه احمد کمال تبریزی رحمه الله

شیخ رکن الدین نور سید در سنه ۸۴۴ [illegible]

بی بی رابعه بصری در سنه ۱۸۵ قبر در جبلی قدس [illegible]

شاه ابو المحمد قدس الله سره جواهر زادی سید [illegible] مشهدی قبر در گجرات

سید یحیی شاه [illegible] رحمه الله

۲۵ محرم

شیخ ابو القاسم عبد الکریم قشیری قدس الله سره

سید شاه فاضل که در جانپور [illegible]

خواجه [illegible] شاه ولی الله [illegible] حیدرآباد [illegible] سید جهار [illegible] در سنه ۱۱۵۵ قبر در حیدرآباد

قاضی [illegible] بن ابو القاسم [illegible] بن محمد [illegible] از فضلاء [illegible] سنه ۶۸۳ [illegible] ولادت [illegible] ربیع الاول سنه ۶۰۲ از مجمع الاولیا

سید میر محمد [illegible] و خلیفه سید عثمان [illegible] قدس الله سره

شیخ ابو [illegible] رحمه الله

ابو محمد عبد الرحمن بن سید عبد الرحمن عبد الله بن غوث الاعظم [illegible]

سید عبد القادر جیلانی قدس الله سره در بغداد سنه ۶۱۲ [illegible]

شیخ حسن [illegible] شیخ نظام نارنولی قدس الله سره در سنه ۹۹۸ قبر در [illegible] از اخبار الاصفیا

۲۶ محرم

شیخ نور الدین [illegible] شیخ قطب الدین منور بن شیخ برهان [illegible] قدس الله قبر در هانسی

سید عبد الرزاق بن شیخ عبد القادر غوث الثقلین قدس الله سره در سنه ۶۰۳ در بغداد ولادت [illegible] سنه ۵۲۸ [illegible]

قاضی عبد المقتدر [illegible] خلیفه شیخ نصیر الدین چراغ دهلوی در سنه ۷۹۱ عمر ۸۸ قبر در دهلی از اخبار الاخیار

شاه ابو تراب [illegible] رحمه الله

برادر شیخ ابو النجیب سهروردی مرید شیخ ابو البرکات [illegible] قدس الله سره

۲۷ محرم

امام وهب رض

سید اشرف جهانگیر سمنانی قبر در کچوچه

شیخ تاج الدین الخبیصی رحمه الله

ابو الفتوح احمد بن عبد الرحمن بن محمد بن عبد المعز [illegible] حافظ [illegible] علامه [illegible] از اهل حفظ سنه ۵۴۲

خواجه فضیل عیاض از خوارقات

ملک سلیمان [illegible] شیخ [illegible] زاده سلطان علاء الدین [illegible] قبر در [illegible]

سید علوی بن محمد [illegible] قدس الله سره در [illegible] سنه ۸۸۷ مولد [illegible]

۲۸ محرم

شیخ نور الدین عبد الله بن عبد الله القطبی الفارسی ... امام عبد الله یافعی فارسی قدس الله سره

سید اشرف جهانگیر مرید و خلیفه شیخ علاء الدین ... مرقد منور ایشان در کچهوچه ... [illegible]

شیخ محمد نقشبند رحمه الله

سید عقیل ابن ... از سادات ... در سال ۱۰۶۲ قبر در ... موصوف ...

۲۹ محرم

خواجه عبد الواحد بن زید رحمه

قطب الاقطاب سید علاء الدین ... قدس الله سره

سید وجیه الدین ... قبر در گجرات

شیخ معالی بن سراج الدین ... شیخ محمد ... قبر در شاهپوره گجرات

سید شاه ... در سنه ۱۱۵۸ ...

شاه ... والد سید احمد رحمه الله

میر سید احمد ... سید ضیاء الدین ... الملقب ... مرید شیخ ... در سنه ۹۸۸ قبر در ناوته

شیخ وجیه الدین ادیب ... شیخ برهان الدین غریب قدس الله سره قبر در روضه دیوار منتجب الدین

۳۰ محرم ۱۴۰۰

مقبره شعیب پیغمبر علیه السلام

شیخ ابو ... قدس سره ... [illegible]

... تاج العارفین شیخ ابو الوفا ... در سال ۱۰۶۱ قبر در ...

مولانا زین الدین بابا جانی در سال ۷۹۱ ...

ابو محمد عبد الله بن محمد بن یعقوب ... المعروف به ابو شیخ ... در سال ...

ابو محمد عبد الله بن محمد بن علی بن عبد الله بن عبید الله الحجری الاندلسی ... سنه ۵۹۱

سید علی بن محمد ... باعلوی رحمه الله ... سید علی بن عبد الله العیدروس سنه ۱۱۳۶ قبر در سورت

... صفر

شیخ ... عبد الله بن شیخ ... جلیل ... قطب الاقطاب ... شیخ یحیی چشتی گجراتی روز یکشنبه سنه ۱۱۰۳

خواجه حسام الدین ... نقشبندی ... خواجه محمد باقی سنه ۱۰۴۳

... ابو عبد الله ... در سنه ۱۴۸

مسلم بن عبد الله ...

حاجی عبد الله ...

۲ صفه

سید محمود مختار الله از اجداد سید محمد قاضی

ابو علی محمد بن عبد الغنی محدث ۶۲۹

ابو ... محمد بن ابی المظفر منصور ... در سال ۱۰...

شیخ الاسلام ابو عمرو عبد الرحمن بن عمر بن محمد الدمشقی در سال ۵۳...

مولانا شمس الدین ... شیخ نظام الدین اولیا

... حسن محمد برادر ... محمد ...

شاه محمد ... شاه ... از شیخ نظام الدین

در ارادت شیخ کلیم الله ... قبر در ...

الشیخ عارف بالله محمد بن عمر بن عبد الله بن احمد ... المغفور ... در سال ۱۰۲۲

۳ صفه

شیخ علاء الدین طولی

شاه قادر محجوب در سال ۹۰۲

سید علم الدین عینیه

شاه عبد الرحیم بن سید محمد شیخ البخاری

سید علی الشهید

مخدوم سراج الاسلام شیخ محمود ابن برادر الوالد شیخ ... آباد

شیخ منور فضیل

سید عبد الجلیل قادری شاه ... ۹۸۳

ملک ... احمد ... شاه ...

سلطان سید شاه ...

سید شیخ بن عبد الله بن شیخ ... از سادات ... در سال ۹۷۶

سید محمد ... قبر در ... در ۱۲۱۳

۴ صفه

سید نعمت الله بن سید روح الله ... شاه بدر ... محمد ...

شیخ ... ... شاه ... قبر در ...

شیخ الصالح العلامه ... الدین ... ... قبر در ...

العباس ... در سال ۹۹۲ قبر در احمد آباد گجرات ...

سید جانب ... ۵ ... ۲۵ ۱۲

(۱۴۱)

۵ صفه

ابو درداء الصحابی رض

امام زین الدین صحابی

خواجه دیوانه نقشبندی در سال ۱۱۰۶ قبر در ...

اصحاب ابو هریره رض

ابو ذر غفاری صحابی خاص بعد رسول صلعم

... از ... امام حسین رض

شهید شد ... الفاری ... در عوام الناس

در ... ...

صفحه ۶

خواجه سلمان فارسی صحابی رض

شیخ عبدالعزیز شاطبی [illegible]

سید ابوبکر ما عدا از سادات [illegible] بن سید سالم سید احمد بن سحان بن علی بن ابی بکر بن عبدالرحمن بن عبدالله عیدروس بن علی بن محمد مولی الدویله بن علی بن علوی بن الفقیه المقدم محمد بن علی رضی الله عنهم

سید عبدالله السلام الله عمره زاده امام علی نقی رض

شیخ میان جی [illegible] دداری

[illegible] ه ارحم الله عمره شیخ برهان الدین [illegible] الغفور [illegible]

صفحه ۷

ابوالبشر آدم صفی الله علیه السلام

شیخ بهاء الدین زکریا ملتانی رحمه الله

قاضی [illegible] شاه عالم [illegible] قدس سره

عبدالعزیز بن سعید بن علی بن سعید [illegible] قروان
حافظ [illegible] در سال ۴۰۹

شیخ بدرالدین بن شیخ فریدالدین گنج شکر قدس سره

شیخ ابوعبدالله محمد رحمه الله

مولانا حسن [illegible] شیخ وجیه الدین [illegible] قدس الله

الشیخ العارف بالله [illegible] محمد بن علی بن عراق [illegible] قدس [illegible] روز یکشنبه در سال ۹۳۳

صفحه ۸

[illegible] فاطمه [illegible] رض

[illegible] قدس الله سره
سلطان نجم الدین [illegible]

سید عبدالرحمن [illegible] قدس سره

شیخ شیخ بن عبدالله بن الشیخ علی بن ابوبکر بن السقاف علوی قدس الله سره [illegible] در سنه ۹۸۶

شیخ داود [illegible] قدس سره

شیخ احمد [illegible] شیخ [illegible] الدین گنج شکر قدس الله سره

خواجه علاءالدین بن خواجه قوام الدین رحمه الله

سید احمد بن عبدالله بن علی بن عبدالله باالفقیه باعلوی [illegible] قدس الله سره در سنه ۱۰۱۲

۱۴۲

صفحه ۹

شیخ ابوالحسن [illegible] رحمه الله

سید [illegible] عیدروس [illegible] ۱۱[illegible]

[illegible] شهید [illegible] قصبه [illegible]

سید ابوبکر العیدروس در سال ۱۰۶۸ ولادت [illegible]
قبر [illegible]

محمد بن سلام [illegible] رحمه الله در سال ۹۲۲

سید [illegible] رحمه الله در سال ۹۹۰

خواجه ابوالحسن [illegible] خواجه [illegible] قدس الله سره

شیخ ابوعلی [illegible] شاه زاهد بخاری قدس

میر ابوالعلا نقشبندی [illegible] در سال ۱۰۶۱

قاسم بن الحافظ [illegible] علی بن الحسین [illegible] رحمه الله در سال ۹۰۰

سید احمد بن [illegible] باعلوی قدس الله سره در سال ۱۱۳۲

۱۰ صفحه

بروایتی شیخ ابو النجیب شیخ ابو علی ... قدس الله
شیخ نظام الدین نارنولی مرید خواجه جانی ... در سنه ۹۹۰
حافظ شیخ ضیاء الدین ... قدس الله سره
شاه اکبر الدین ... رحمة الله در سنه ۹۸۰

شیخ احمد خواجه معین الدین چشتی قدس الله سره
شیخ ابو الحسن ... رحمة الله
شاه ... شیخ ... الدین ... قدس الله سره
شیخ ... شیخ رحمة الله در سنه ۹۵۵

۱۱ صفحه

عبد الله والد رسول الله صلی الله علیه و سلم
ملک محمد بن یحیی بوساری رحمة الله
شاه عزیز ... دولت آباد رحمة الله
شیخ تقی الدین محمد المشهور در سنه ۶۰۲ در سنه ۶۲۳

ابو مسلم بخاری
شیخ ... بن سید محمود بن قطب عالم گجراتی رحمة الله
شاه مبارک رحمة الله

۱۲ صفحه

شیخ برهان الدین اولیاء در سنه ... قبر در دولت آباد
شیخ اسمعیل حدیثی رحمة الله

ابو بکر محمد بن ابو المظفر رحمة الله در سنه ...
شیخ محمود ... رحمة الله

بابا کبیر رحمة الله
شاه راجا ... خواجه ... چشتی رحمة الله
شیخ العالم ... چشتی ... بابا ابو ... گجراتی
الشیخ الامام ابو ... محمد بن عبد الحق ... الله عنه
الاولیاء الطوائف الملائک رحمة الله در سنه ۹۵۰

بابا بیجار رحمة الله
شاه ... چشتی قدس سره
جمال الدین ابو الحجاج ... بن ... عبد الرحمن بن
... الفقیه ... در سنه ۶۳۳

۱۳ صفحه

شیخ شهاب الدین ... شیخ ... الدین ... فرید
قبر در ...
شاه ... قادر ... رحمة الله
سید محمد ... قدس الله سره
ابو عبد الرحمن محمد بن شعیب ... سلیمان بن ...
الخراز رحمة الله سنه ۳۰۳

شیخ ابو العباس ... رحمة الله
سید قطب الدین ... سید اشرف الدین ... قدس الله سره
سید ... جلیل ... سید ... الدین قبر در ...
... عالم ... قدس الله سره قبر در ...

۴ الصفر

شیخ علاء الدین [illegible] رحمة الله

شیخ ابو اسحاق [illegible] رحمة الله

سید بابا محمد الخلیل [illegible] غریب الله قدس الله سره روز دوشنبه سنه ۱۰۰۹ قبر در [illegible] گجرات

سید احمد [illegible] مرید شیخ برهان [illegible] در سنه ۱۱۰۹ قبر در اورنگ آباد

شیخ تاج محمود [illegible] از اولاد [illegible] سنه ۱۰[illegible]

خواجه [illegible] الدین بن خواجه سلیمان [illegible]

قاضی محمد [illegible] سنه ۱۰۴۲ قبر در [illegible]

شاه قلندر مرید بابا سعید [illegible] قبر در اورنگ آباد

[illegible] سید عالم ترمذی

سید نعمت الله بن سید نعمت الله [illegible] رحمة الله

قاضی محمد قطب [illegible] شیخ [illegible] در سنه ۱۰۴۳

۵ الصفر

شیخ جمال [illegible] از اولاد شیخ روزبهان [illegible] سنه ۹۳۶ هجری

سید نور الدین [illegible] سید محمد [illegible] مرید خواجه قطب الدین در سنه ۹۴۹ قبر در [illegible]

میان قاضی خان ظفرآبادی خلیفه شیخ حسن طاهر در سنه ۹۰۰ قبر در ظفرآباد جونپور

سید شیخ [illegible] شاه عالم گجراتی رحمة الله

شیخ جمال ابو النور [illegible] خلیفه شیخ نظام الدین

ملا [illegible] خلیفه سید [illegible] گجرات

شیخ محمد [illegible] روز [illegible] سنه ۱۰۵۲

سید بدر محمود از اولاد سید محمد گیسو دراز

شیخ محمد [illegible] معروف [illegible] سنه ۱۰۲۲

۶ الصفر

صدر الدین ابو الوقت [illegible] سید صدر الدین [illegible] سید اسمعیل رحمة الله

[illegible] شیخ رکن الدین ابو الفتح [illegible] سنه ۸[illegible]

شیخ منهاج الدین رحمة الله قبر در [illegible]

شیخ فرید الدین [illegible] شیخ [illegible] خواجه [illegible] گجرات

راجی بن نور جمال شاه

شیخ [illegible] شیخ اسمعیل [illegible]

۱۴۴

۷ الصفر

بروایتی شیخ عبد الواحد بن زید قدس سره

سید ابراهیم بن غوث الاعظم قدس الله سره

سید راجو بن قطب عالم گجراتی قبر در [illegible] گجرات

سید احمد بن [illegible] قبر در احمدآباد

سید عبد الکریم بن سید [illegible] عالم قدس الله سره

[illegible] رکن الدین بن [illegible] الدین رحمة الله

حاجی شیخ محمد یعقوب [illegible] خلیفه شیخ [illegible]

ابو [illegible] سنه ۹۰۵

سید [illegible] بن [illegible] عبد الحی [illegible] در سنه ۱۱۰۲ برادر خرد [illegible]

۱۸ صفحه

پیر علی هجویری محبوب الهی قدس الله سره

سید عبد الله بن غوث الاعظم در سنه ۵۸۹

سید عبد القادر عرف شاه جیا محبوب الله برادر شاه علیا کامل بودند در سنه ۹۵۶

ملک بها والدین ... حسام الدین ... قبر در ملتان

سید محی الدین ... قدس الله سره

سید محمد ... جهانگیر سنه ۱۰۵۲

خواجه ... قدس الله سره

سید عبد الله بن محمد زاهد ... قطب عالم ...

میر محمد نعمان اکبرآبادی مرید خواجه محمد باقی ... شیخ احمد سرهندی ... در سنه ۱۰۵۸ قبر در اکبرآباد

شاه ...

شیخ ابو سعید قبر در دهلی

۱۹ صفحه

شیخ محمد نعیم الله رحمه الله

شیخ نظام الدین بن بدا انالوی رحمه الله

... شاه زاهد

عبد السلام رضوانی

مولانا شیخ ملیح بدانانوی رحمه الله

سید احمد بن عبد الله ... علوی ... در سنه ۱۱۳۲

۲۰ صفحه

شاه ... در سنه ۹۲۱ قبر در ...

خواجه سعید رحمه الله

خواجه ابو سعود ...

سید عبد الرحمن ... سید احمد بن ... سید عبد الله العیدروس در سنه ۱۱۳۴ قبر در ... عمر شریف ۹۵ سال

شاه عارف ... قبر ...

مولانا ... رحمه الله

شاه عبد القادر ... رحمه الله

سید هاشم بن احمد ... باعلوی قدس الله سره روز جمعه در سنه ۱۰۴۳ قبر در ...

۱۴۵

۲۱ صفحه

خواجه عبد الرحمن ... قدس الله سره

شیخ افضل محمد ... شیخ ... رحمه الله در سنه ۱۰۰۰

سید ... بن عبد الله بن عبد الرحمن ... العیدروس ... عبد الله العیدروس ... سنه ۱۱۵۰

حاجی عطاء الله نقشبند رحمه الله

مولانا ... شیخ نظام الدین قدس الله سره

شیخ لطف الدین رحمه الله

... در سنه ۸۴۲

سید فخر ... خواجه محمود ... قدس الله سره

امام محمد ... اعظم ... در سنه ۱۸۹

شیخ محمود دیگر و شیخ ... قدس الله سره ... علم الدین در سر ... از

شاه عبد الله ... از اولاد شیخ ... قبر در ...

شیخ ابو الفتح ... محمد ... در سنه ۹۱۱

شیخ صلاح الدین ... شیخ ... قبر او در ...

امام المحدثین شاه ... الحق الدین ... قدس الله سره

مولانا احمد بن محمد بن قاسم ... قبر او در ...

بابا ... خادم شیخ نظام الدین اولیا

شیخ عبد العزیز رحمة الله

شیخ ... محمد ... در سنه ۱۱۲۳ قبر در ...

ابو بکر محمد بن عبد الله ... الجبلی رحمة الله ... در سنه ۶۲۹

مخدوم شیخ عزیز الله متوکل ... خواجه محمد ... وفات او ... در سنه ۸۵۲ قبر ... در هند و تولد در سنه ...

خواجه ابو القاسم الجلی رحمة الله

خواجه ... رحمة الله

سید ... محمد ... شیخ ...

ابو عبد الرحمن احمد بن شعیب النسائی رحمة الله ... سنه ۳۰۳ ولادت ۲۱۴

شیخ احمد ... شیخ محمود ... در سنه ۱۱۰۴

خواجه شیخ محمد پارسا

امام موسی کاظم رح

شیخ صدر الدین ... شیخ ...

ابو القاسم اسمعیل بن ابی الحسن عباد بن احمد بن ادریس الطالقانی رحمة الله ... سنه ۳۸۵

خواجه ابو بکر اصغر رحمة الله

شیخ احمد ... خادم سید ... رحمة الله

شیخ ... رحمة الله

سید ابو الحسن ... شاه ... ابن الله

سید ... صاحب ... رحمة الله

شیخ محمود رحمة الله

۱۴۶

شیخ احمد مجد الدین ... شیخ ... در سنه ۹۲۷ قبر در ناگور

قطب جهان شیخ ... قدس الله سره

شاه ... سلطان ... دولت آباد

بی بی فاطمه سام بنت سلطان بهاء الدین سام

فاطی ... رحمة الله

سید ... بن سید عبد الرحمن بن ابی بکر بن سید احمد بن سید عبد الله العیدروس قدس الله سره در سنه ۱۱۲۶ قبر در ...

میر سید جلال بن سید ... قدس الله سره در سنه ۹۸۳ قبر در دهلی

سید الجلیل ... سید ابو بکر بن احمد رحمة الله در سنه ۱۰۵۸ قبر در بلده تریم

شیخ احمد بن عبد الله بن ابی اللطف ... الحنفی خطیب مدینه منوره قدس الله سره در سنه ۱۰۹۲

شیخ ابو الغیاث یمنی رحمه الله
خواجه محمد حدادی رحمه الله

شیخ ابو بکر طوسی قلندر رحمه الله در دهلی
خواجه احمد ایلی رحمه الله

شیخ علم الدین قدس سره را و شیخ کمال الدین قدس الله سره
شاه معین الدین [illegible] سلطان قبر در [illegible] بابا

برادر شیخ عبد الواحد بن زید خلیفه شیخ [illegible] در سال [illegible]
شیخ عبد الرحمن عبد الله [illegible] عبد القادر جیلانی در سال ٥٨٠

شیخ ابو المعالی فضل الله بن سید عبد الرزاق [illegible] الدین
شیخ زین الدین قدس سره زاده شیخ لقمان الدین [illegible]

شیخ بدر الدین غزنوی رحمه الله
شیخ صدر الدین [illegible] شیخ قطب الدین بن اسمعیل [illegible]

ملک مصطفی بن ملک محمود بن علی الکوفی رحمه الله
شیخ عبد اللطیف بن شیخ عز الدین بن شیخ محمد [illegible] رحمه الله

شیخ نظام بارولی مرید شیخ خاتون رحمه الله
فضل بن حنبل بن ابراهیم الاعرج البغدادی در سال ٢٥٥

سید محمد عارف [illegible] قبر در [illegible] بابا

قطب الاقطاب شیخ یحیی [illegible] خلیفه شیخ محمد [illegible] در سال ١١٠١
محمد [illegible] شیخ احمد [illegible] عبد [illegible]

شیخ ملک یار رحمه الله
کلیج روانی رحمه الله

شیخ یوسف حاجی
شیخ عبد اللطیف بن صدر الدین بن عبد اللطیف

قدوة العلما ابو عمر و عبد الرحمن بن عمر در سال ١٥٧
عارف بالله سید محمد بن عمر الجشتی در سال ١٠٥٢

[illegible] ملا یوسف ابن القاضی محمود بن ملا
کمال الدین الکورانی در سال ١٠٤٨

١٤٧

امیر حسین [illegible] سید نظام الدین [illegible] قبر در [illegible] بابا
سید [illegible] [illegible] بابا

شاه عباس [illegible] اولیای [illegible]
شیخ ترک بابا

خواجه عبد الله [illegible]
بابا خان

بیست و نهم

مسعود بن محمود در سال ۶۴	سید علی شبستانی
شیخ عبدالله بهاری ۱۰۰۰	شیخ شهاب الدین زکریا الکرمانی ...
شیخ احمد ... سرهندی نقشبند در سال ۱۰۲۴	خواجه عبدالملک بسطامی
شیخ اسمعیل ابن شیخ محمد غوث گوالیری	میر شریف مرتضی علی بن حسین بن امام موسی کاظم بن امام جعفر صادق بن امام محمد باقر بن امام زین العابدین ... ۴۲

تمام شد نسخه تواریخ اولیاء الله بخط حقیر
داود علی خان عرف محمد علی ...
برای خواندن کلانجانب المخاطب دوران
تحریر یافت

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد و سپاس حضرت پروردگاری را که ایجاد ارض و سما به امر کن نمودار کرده
... عالم از قدرت خود آفریده و بنای انسان از ... خاک در ساحت هستی
بنهاده فراغ و دانش و بینش عطا فرموده. مصرعه حلیه سخن بر زبان آفرین ... از
نعت سید المرسلین مصرعه ختم رسل خاتم پیغمبران حرف لولاک لما خلقت
... که ورد زبان اولیست بعد از حمد و نعت الله فرمان عنایت ترجمان نواب
... جناب معلی القاب معدن نوازش مخزن پرورش منبع مروت و احسان مصدر
... دارای و ساله ... میر عیسی ... نواب طالب الدوله بهادر
... نسخه کلیات معالجات اسپان بحرب و حرکات ... بلند مکان
رحیم خان متوطن هندوستان که در شناسای امراض اسپان و ... ایشان مهارتی

واستعداد تمام داشتند نسخه متفرقه و افتاده‌ها را جمع ساختند که نام ادویات و
ترکیبات ادویه و غیره اینها را از زبان فارسی بزبان هندی دارد و در آنجا نموده‌اند
درگاه ... که مستخلص فرحان را با جمع نمودن معالجات حکیم فرمودند که اسهل ترین
ترود ادویه هر مرض با بجا آوردن در بدایت آید نوشته‌اند معتمد ابتدء معالجه هر مرض را اینجا کرده
ادویات بر علاج و ایک فصل مقرر ساخته برایه ترقیم بنشانند که ...
هر مرض بدایت آید **فصل اول** در بیان ... و شناختن ... سودای
این موجب ... و من ... **فصل دویم** در بیان سر درد ... از آفتاب
و ... و ترکیب ... هر نوع و ... و اخته ... چهره‌ها و ...
بروز **باب فصل سیوم** ... **فصل اول** در بیان ... و ... که ...
فصل دیگر ... بول ... در بیان ...
... **فصل پنجم** در بیان [illegible]
... و جمیع مرض‌ها ... **فصل ششم** در بیان ...

بول ... قوت ... و ... دم ... و ... گرم ...
... سرما و گرما که ... و دم و دوا **فصل هفتم**
علاج ... و ... و ... و ... و ... که در چشم باشد
فصل هشتم در بیان علاج ... **فصل نهم**
در بیان علاج ... **فصل دهم** در بیان علاج ...
... و زخم ... و زخم ... و ... و افتادن کرم و بند کردن خون زخم
و ... **فصل یازدهم** در بیان علاج بر آمدن ... زخم و دور کردن
... و عقرب ... و ... و علاج سوخته ... رفتن خون
... **فصل دوازدهم** علاج ... **فصل سیزدهم** در بیان
... **فصل چهاردهم** در بیان ... و
... **فصل پانزدهم** در بیان ... و ...
و ... **فصل شانزدهم** در بیان ... و ... و ...

وزهرباد و مانوکی راه دبول بسته و خون و جوله فصل هیجدهم
در بیان علاج تب زهرباد و هوا زده چشم سانفله یا آماس سینه فصل [illegible]
فصل در بیان دشتر کاله کوک دم فصل نوزدهم در بیان بزنام و لمفام
و خفام و خناق و زهرباد و بیرسام فصل بیستم در بیان هضم شدن
دانه و راتب و حلوای در چهره ها و اسبان و کسیر و فربه شدن فصل بیست و یکم
در بیان هضم شدن دانه و راتب حلوای در چهره ها و اسبان و کسیر و فربه شدن
و علاج کم خوردن و اشتهاء سوخته یا از علت دیگر فربه نشود و دفع باد
خوارد و ناقوت شود و لیکن علم واع و جانشینی بجمیع علت باد و باره [illegible]
بکره کرم شکم و افزون و سرد و اکرم و صفره و بلغم و سودا و لیکن ماده [illegible]
فصل بیست و دوم در بیان توعه فصل بیست و سیوم در علاج بقه
درک فصل بیست و چهارم در بیان علاج موخوره و سیمین و دم و علل
فصل بیست و پنجم در بیان مزاسم دهاشنه و کفار و سم شکاف و سم

خوره

خوره فصل بیست و ششم در بیان کفار و بخته شدن زکام و سینه
د وجع و ورم های سی و زهرباد که بر او در سینه و بغل است فصل بیست و هفتم
در بیان ورم های فسی و و ماو سرفه فصل بیست و هشتم در بیان تبدیل کردن رنگ
اسبان فصل بیست و نهم در بیان تشنج و لیکن و تب خواله و تب خواله
و داغ یافته و لاغر شده و درد لوکس و آبله های دهان و جلاب و سوراک
[illegible] علاج جریان آب فصل سی ام در بیان کرانه هول
و مانند و هول و موسیلی و سنگرام و وسواس و اکوران ورت که عقب
رنگ لطور رسولی فصل سی و یکم در بیان باد قیصو و برن بار
فصل سی و دوم در بیان منجو و لول لحوری و منح و یا خاره و یا سنگ
ح در بیان جلد و رسی یا ت و با کوله و کف سر و کرانی مسر فصل
سی و سیوم در بیان مره و پشه و لوز و موج خواله و برسانی و کلف
فصل سی و چهارم در بیان شناختن اسب ذاتی و آنکه ارقام [illegible] دن

فصل سی و پنجم در بیان سرخ باه و جهلبات و کمانه در... و قرل بای و چهر یا ورخ و موسیلی و تخته فصل اول در بیان بنوری و نشانی و ملک و... و نسوانی بموجب من التصنیف میان ورخ و موسیلی و تخته و لیب و اگر یک سنلیی

بر سر اسب باشد عیب نیست نیک است و اگر دو و یا سه یا چهار یا پنج باشد

بد است آن اسب را نباید خرید و مغل نام آن بنوری را جوسر نهاده اند و اهل نجاب

دوار میگویند و بعضی چمتا سنلیی و قبنجی سنلیی و بعضی منتر ها و جمعی میان

دغرض که سنلیی معتور نام اوست و اگر کسی را بطرف پیشانی زیر بندد زیر گوش

نیاید آن را الف خوال میگویند و آن عیب نیست ملک بند و ان عیب میدانند در بیانی

کشتا مرن و بنوری دانش یعنی همیان و آن زیر گلو میباشد اسب را

مغل همیان و جیانی زر میگویند و بخوشی باید خرید کرد و خرید میسر

باشد یا دو یا چار باشد عیب نیست در بیان بنوری دو دومن بر

اگر زیر دامن کوش یا اگر زیر کردن مثال منع داشت باشد ابراد دین گویند

مبارک است

مبارک است در بیان مرد اول بنوری مرد اول اگر در میان سینه اسب بنوری

بید امرا مرد اولی گویند بسیار است و دشمن جان لشکر طلیه تنها باشد

و اگر در نومن نزدیک او باشد عیب نیست چرا که از باعث در نومن بلا نمیکنند

در بیان بنوری کنده بغل اگر در بغل بنوری باشد آن اسب را ملک جهه نباید خرید

کرد و لیکن نزد مغل ها و قزلباشی مساوی است نه بد است و نه نیک در بیان

بنوری گی اگر در زیر سلم بنوری خواه باشد در قوم مرنته بسیار بدیمن است آن

را کوم نام نهاده اند و هر گز آن اسب را خرید نمیبایند و نزد دیگران بدیمن نیست

در بیان کنگا باش و اگر چه در تنگ نظر آید آن را کنگا باش میگویند

151

... را قیمت ابراد داده خرید میبایند نیک است در بیان کنوتی جای بنوری

و اگر ... اسب بطرف راست باشد یا بطرف چپ یا هر دو است و رخ

... ور زیر باشد کنوتی کان نام نهاده اند هیچ اندیشه نیست بقدر است

در بیان کنوتی او بیار که آن بد است از رخ همان بنوری بطرف یا ... آن کنوتی

اوکھاڑ گویند زینهار نباید خرید که بسیار بد است **در بیان بهنوری**

پیچ بل اگر بهنوری یا بر بازو یعنی [illegible] اگر همان بهنوری بالا

پیچ بل باشند او را هرگز دور نباید کرد و بخوبی باید خرید چرا که زیر دست

میباشد **آنکه ایو بل گویند** اگر در پیچ هر دو گوش بهنوری ها باشند

و یا بر پشت سر باشد آنرا بهنوری ایو بل گویند نیک است و اگر یک است

بد است نباید خرید **در بیان سابن** و اگر سابن در پیچ موی یک باشد

بد است و اگر هر دو طرف است بسیار نیک است آنرا [illegible] میگویند و

اگر یک طرف یک باشد و یک طرف دو باشد بسیار بد باشد **در بیان**

بهنوری چھتر بنگ زیر زین پوشیده می باشد آنرا چھتر بنگ میگویند

آنرا [illegible] بسیار بسیار بد می‌دانند بلکه در شهر [illegible] **در بیان**

بهنوری [illegible] چار بسیار بد است آن بهنوری بر [illegible] میباشد

و آنرا [illegible] مانند **در بیان عیب که موجب حدیث شریف اند**

و سوای آن موافق رسم زمانه بموجب شرع شریف و حدیث [illegible] مجمله آن

یک عیب است و دیگر بد است آنکه بد عیب است آنرا ارجل گویند و دیگر

را بد رکاب است این عیب است **در بیان بتره و موتره و شقاق موتره**

در بیان عقب است در زانو آید یعنی در میان [illegible] رگها می باشد [illegible] در میان

است [illegible] آن رگها بلند می شوند یعنی [illegible] آنرا موتره میگویند

اگر کم باشد عیب چندان نیست اگر زیر فرود آید عیب است **در بیان بتره**

متصل [illegible] رگها اگر در جورها یعنی پیوند استخوان باشد آنرا بتره میگویند

و اگر [illegible] باشد نیک است و اگر [illegible] باشد آنرا [illegible] گویند یعنی صاف

استخوان **در بیان زانو ها میگویند** اگر در زانو یعنی [illegible] آنرا

زانو [illegible] بسیار [illegible] از آن اسب باید که دور [illegible] نباید خرید که بسیار بد است

[illegible] یعنی [illegible] در [illegible] یعنی استخوان های اگر [illegible] باشد

آنرا [illegible] گویند عیب کم است چرا که از معالجه [illegible]

آنرا عیب میدانند در بیان پاگاوی یعنی فربه باشد بغل پهلوی دست
سم است آن بنشک لنگ میکند آنرا حقاول میگویند بد است در بیان
پشتک اگر پهلوی پای را همین حال است آنرا پشتک میگویند آنرا علت بی
خیرات باید کرد در بیان کما ما یعنی بر پشتک بلند میباشد آن
پشتک را … آنرا کما میگویند یعنی کم در پایه پای میباشد هیچ عیب نیست
چراکه از پشتک بلندتر است اولک تخواه اگر در تا زنوکی است بیجا لطور
خواهد ماند در بیان بیضه های اسب اگر در دولت یا در پای اسب جهندی بلند باشد
خواه اندرون خواه بیرون برابر بیضه یا کم شود هیچ در ظاهر عیب است
مگر در باطن هیچ عیب نیست مضایقه ندارد در بیان منی ظاهر میکند اگر تیغ
هر دو طرف جای بیضه او باشد آنرا منی میگویند عیب نیست و هیچ خوف نباید کرد
و اگر یک باشد بد است در بیان شناختن عیبهای صورت که بر بدن اسب یکی آنکه
دندان زیر بر لب باشد آنرا شتر دندان میگویند و اگر دندان بالا بر لب باشد

بد صورت

آن بد صورت است در بیان کج پیشانی علامت او همین است یعنی پیشانی
در تا پیشه بلند باشد معلم میگویند که این اسب خبری شرارت خواهد کرد در بیان پرخی گوش
علامتش این است که گوش این اسب شکم باشند مگر اهل ولایت آنرا در قوت از همه
بهتر میدانند او نجابت مطبوط میباشد مگر نزد همه بد است و بد شکل است و در پشه آنرا
با هوا او نیند نیز گویند در بیان تخته گردن آنرا اگر معلم دیگر باشند بمیکنند در بیان

۱۵۴

کماوشانه یعنی پیشانی او بسیار بلند از حد باشد و در لطافت معلوم میشود آنرا
کماوشانه مانند در بیان زین پشت اگر در پشت اسب بسیار خم باشد باید دانست
که بلکه کسی کم خواهد شد معلم آنرا زین پشت میگویند ذات او خبیث است نزد اهل نجد
خوب صورت میباشد در بیان آهو شکم اگر شکم و پشت اسب خمیده باشد
یعنی بلکه معلوم میشود یعنی سینه او بطالب … اگر کلان باشد خواه میانه
خرگوش بچه … آنرا جیبه شکم گفته اند چراکه کم میخورد در بیان … سم
علامتش این است که تیلی و سم خوب صورت میشوند و در پیش کم و بر لوه از

بسیار روغن لاغر میشود خرسمه اگر در سم اسب خم ام باشد یا
زیاده تر از اسب بود بسیار خواهد خواد آنرا خرسمه گویند در بیان مرغ پایی
آن اسب که بر دو پای عقب ریست سپید باشد و خم نباشد آنرا مرغ پای گویند در بیان
تیزکون علامتش آنکه مقعد یعنی پیچهای او در بر باشد آنرا تیزکون گویند در بیان
کلنج میگویند یعنی کلنج اگر زانو یعنی اشته پای اسب با هم مانند آنرا کلنج گویند اگر اعور
باشد گاه گاهی در رفتار زیر دست بکار اسبه گرامی آید ملک سوداگر را
مناسب است که خرید نماید در بیان آنکه روشناختی طوق ازل میگوید آن اسب که ناله پا مرصع
اصل بدین عیب میدانند و فعل عیب میگویند آنرا استر مینامند آنرا انشاله رو میگویند
در بیان آنکه شناختی عیب شیر صورت که در رنگ اسپان آن را پنهان میکنند اگر زیر مرا انگشت
پنهان شود یعنی آنکه تند آنرا استاره پیشانی میگویند در بیان ستاره پیشانی یا اگر در
پای اسب باهم قدر باشد او منحوس است در بیان تبل اگر ستاره هلال
تربیت آنرا اهل هلال میگویند مضایقه نیست در بیان ماه رو اگر هو تا بچشم

شعع

... هلال است اگر ما بروست به ظاهر اگرچه معیوب است اما در باطن .
١٥٤
بسیار خوب در بیان ختوب اگر در پیشانی موی پیچ رنگ ظاهر شود عیب بداست
در بیان پشت بلقی گوید اگر در پشت حنم خواه است خواه حب سفید باشد بلاقی
بسیار بد است و منحوس نیابد خرید در بیان جغر گوید اگر از دم حنم است آنرا
جغر گویند و در باطن بسیار خوب است اگرچه در ظاهر بد است و در زبان و بینی
جغر را بلورین میگویند و بلورین چشم میگویند در بیان گلوبسته اگر دلت چپ
به راست سفیدی باشد آنرا گلوبسته میگویند اگر او را قیمت باشد بد است اند مشرف است
و اگر در دلت راست باشد عیب است در بیان بهم ظاهر میکنند اگر در سفیدی خال
باشد آنرا ادرم میگویند از هر چه بهما خوب است اما اهل فعل آنرا بیهمل میگویند و میکنند
در بیان ارجل اگر در پای اسب سفید باشد خواه دست خواه چپ آنرا ارجل
گویند بسیار بد است و عیب یعنی کم بخت است اگر جوان پیشانی باشد آنهم عیب است
چرا که جناب پیغمبر صلی الله علیه و سلم آنرا بد گفته اند در بیان رنگ و سنجاب اگر

سوار است یا سنجاب آن بدست مگر اهل ایران آنرا اسند میکنند بهنوا اعجمی عجب
است که هیچ بر آن اسب کنتور سوار نمیشد در بیان رنگ اسبان اول آنکه
از همه بهتر کمید دویم خنگ سیوم سمند آنکه از همه از کمید کم است مگر از همه
بهتر است چهارم مشکی پنجم قلّه ششم از همه کم سبز او را
هفتم سبز رنگ هشتم شترغه از همه کم نهم بچلیان او هم از همه کم است
دهم جای دیگر رنگ از این رنگ کمتر اند یازدهم در بیان پنج عیب شرعی آنکه
یکی آنکه لنگی در رفتار کم لنگ میکند مگر در بسیار رفتن یعنی منزل بسیار لنگ
میکند شناختن آن مشکل است دویم کمری خاصیت آن این است تا بوله
آنرا بر اشته یعنی بر بلندی کوزه زده روان کند اگر جای برف کمری نیست
و اگر بماند کمری است و اگر شکسته و در استادن چیزی حرکت نماید کمری است سیوم
اگر کم خوره کم و در است و اگر چیز کمی خورد کند [illegible] باید [illegible] کم خوار است
بکار بود اگر آن عیب آید چرا که [illegible] شود چهارم اگر آنرا [illegible] کنند عیب و [illegible]

میشود

میشود مگر در تعلیق اسب بجز آن نمیرود پنجم شب کور یک چادر سفید در شب
سیاه رو بروی او انداز مگر که اسب از دو رفت نماید یا نه اگر در رفت نماید شب کور
نیست و در شب چادر نه [illegible] در بیان خوبی اسب در هندوستان اول
نفیس اصیل که کم میخورد و لیکن بسیار روان میشود دویم چنگل دندان پنج نیست در بیان
شناختن سن و سال اسپان اگر دندان اسب [illegible] سفید باشد مقرر در سن است
تا که دندان سفید باشد آن اسپ بچه است آنرا [illegible] گویند اگر یک دندان بشکند هیچ دندان
ماند دو دل میشود اگر دو بشکند آنرا [illegible] گویند [illegible] در دو سال بعینه [illegible] در آرند
آن [illegible] است دندان هر قدر که سیاهی کم باشد [illegible] شوند در [illegible] بسازند که
[illegible] است و اگر سیاه با الکل رنگ [illegible] است [illegible] بالای چشم او [illegible]
اگر بجای [illegible] آنجا ساییده یعنی [illegible] آن اسب یعنی ضعیف است وقتی که
اسب [illegible] باشد آن اسب شناختن مشکل است فصل در بیان [illegible]
[illegible]

دوم در ترکیب چون پیشاب خونی و پلید و شبیه درد از زرداب ... اگر تیره باشد علاج موافق کلانست و اگر بادی
باشد علاج آن موافق حجره و معالجه کلم باید داد و موسم را دریافته سازند
در بیان شناختن بیماری که چهار قسم است اول آنکه از مثانه دوم آنکه از کلیه سیوم
از پیشاب چهارم شناختن آن بسیار مشکل است چون در جسم ... ابتدا از قوم ...
مثانه گویند جسم بعضی گونه جسم را در بیان شناختن بیماری ... اگر از کلی مثانه کلانی
باشد هیچ مرض نیست در بیان سردی اگر در مثانه سفیدی است بی شک باید دانست که
خلل تعداد سردی است موافق چهار توله ادرک ... روزانه دو چهار روز بدهند شفا خواهد شد
علاج یک چمچه با یک بادام ... زیاده از یک ... بدهند در دو چهار روز البته سردی
دفع خواهد شد در بیان ... اگر در مثانه زردی باشد از بادی و سردی است علاج ... و آرد
مرتبه مورچ سیاه آمیخته اول از آب و ادن ... بخورانند علاج دیگر زنجبیل یعنی سونته
انگوزه ۶ ماشه یعنی هینگ ... دانه شام بخورانند زیاده از ... بدهند علاج دیگر
تخم ... دانه آمیخته بخورانند ... بدهند در بیان ... اگر در مثانه سرخی باشد

بی رنگ

تا رنگ زرد است دارو حال سیاه یعنی چهتا در سرخی پیدا باشد آن ... خواهد
زردیست چرا که در جگر سوراخ پیدا شده باشد علامت همین چهتا خواه کم باشد خواه زیاده
علاج دیگر تلیله ۱۰ توله بلیله ۱۰ توله آمله ۱۰ توله ... کوفته بیخته
نگاه دارند بقدر پنج توله گرفته در وقت در سبوچه آب ... نهند و وقت صبح ... از بخار
بخورانند بعده ... شده باشد ... نگاه دارند ... داده باید است تا که
خلل دفع شود هر روز باید داد علاج دیگر بقدر ... آب ... حل کرده بنوشانند
علاج دیگر زیره سفید ۲ توله مرچ سیاه ۳ توله کشنیز ۳ توله ... آمله ۲ توله مصری ۲ توله همه
... در یک آثار آب ... شب تر کرده صبح همه را سائیده با آب ... زمانه
دیگر علاج که اگر از گرمی ... کشنیز ... ۲ توله آمله ۲ توله بادیان ۲ توله
زیره سفید ۲ توله نمک سیاه ۲ توله همه را کوفته بیخته ... وقت صبح بدهند
علاج دیگر مورچ سیاه ۲ توله یعنی کالی مرچ بادیان ۲ توله کشنیز ... ۶ ماشه نمک سیاه
۶ ماشه ... ماشه ... کوفته بیخته با ... و چندان ...

را از آب شوئیده بعد از آن آمیخته بخشی دانه صبح بخوراند **در بیان شناختن بیماری**

اسب که از بیماری یا بینی اگر بینیش سفید باشد یا شکل سرد است و اگر سیاه باشد

بیماری ... است چند روز در تیر بهار و لکبیر السعد و بیره سفید باید داد و اگر سرخ باشد

آنهم از گرمی است و بینی زرد باشد و کنده یعنی کاره از بادی است **در بیان شناختن**

بیماری اسب که از سرکین یعنی از پلید اگر پلید تبلی بلند آمرا دانه بهضم کم میشود و بدبو هم باشد

چند روز آن اسب را دانه نباید داد چند روز مصالح باید داد چرا که بدبو دفع شود علاج سی

سنبل یعنی نمک ... دو مثقال بدهند و اگر پلید چنین است بطور روغن ... انبار ... که

باید داد **در بیان ترکیب دادن شیر بجهت ... ها** آن اسب را جو باید کرد و دو ...

که عیب ... شده باشد و شیر بر ... شیر انار ... سیر گندم نیم بریان یک سیر جو آب

کرده یعنی دلیده و پخته و وقت صبح بخوراند اسب ... خواهد شد **ترکیب دادن مرچ سیاه**

یعنی کالی مرچ هر روز ... چهار ... جو کوب نموده در قدر آرد آمیخته بخوراند و بالای آن

آب ... چرا که شیر و مرچ ... **ترکیب دادن راتب** تحفه بریان

... سیه

یک سیر گرفته نان پخته در جو انار شیر نان ... آمیخته مالیده بعد از آن باید در ...

چار ... **ترکیب دادن زرد چوب** نیم انار زرد چوب جو کوب کرده در شیر خالص

یک ... نموده در ... آنرا خورانیده بالای آن بهاری بخوراند تا ... انار ...

قدری هر روز زیاده میکرده باشند **ترکیب دادن راتب ... داد** در موسم گرما بخورد

157

یا هر چیز که منظور باشد کنده یعنی ... روا ... اگر ... گردن عوض حرانه

هم اسب باید داد و شام و صبح بدهد ... **ترکیب**

خوید یعنی زراعت و قیله جو ... لائق خوردن ... بیاید و بعده ... کس

... که ... تازه بخوراند ... سیاه ... خوید دیگر تازه

... اسب ... و ... انار ... سبز یعنی ... میلاده

باشند که ... تر ... شوند و یا ... سبز بدهند ... روغن زرد و نیم انار بدهد

و هرگز دانه ... زهر ... آن اسب ... تاریکی باید ... هوا باو نرسد ... تاریکی

چراغ روشن باید کرد ... اولیست ... یعنی ... باید ...

و بستی برون او نماند و تا بلبلان آنها است ساییده نکنی میکرده باشد بعده دیگر حب یا سنگی
دیگر نمی باید کرد و علاج قدر عمل نماید بکمیت یا کس نکیک سال نمی تر و سرد نماید تا که
[…] نکرده باشد تا چهل روز رگ پای نماید [...] در ترکیب بر آوردن بچه دو سه ماهه
تیلهٔ بریان مجمد همراه آب بدهد که بچه بر آرد و بعد آن چار بند را داغ باید داد در بیان
بیان داغ چار بند در هر چار اندر رون دست و پا هر خط در میان زانو باید داد ترکیب
دادن کلهٔ باب پنیر یک کله را اول خوب پخته نماید که گوشت از استخوان جدا شود آنرا در دانه آمیخته
بخورد بدهد تا یک سال قوت کم نشود و اگر با همه روز بدهد بسیار خط به بیند در بیان
تولد شدن بچه از اسپ وقتیکه بچه از اسپ تولد شود او بر زمین نه نهند و در کله […]
ادلیته خوب حساب دیده بر زمین نهند بتعین که حلال شود در بیان آخته نمودن بچه وقتیکه
بچه تولد شود روغن زرد در حوطه او مالد بعده حلال شود در ظاهر او اطوار مثالی آخته نمایند در حاجی
هم مثل آخته نشود معالجه […] نیست بر گچور چهار توله تخم سویه چهار توله مازو خلاد
چهار توله سونتهه چهار توله مرو […] چهار توله […] چهار توله اجوائن چهار توله بای برنگ

نیم انار

نیم انار […] چهار توله […] چهار توله دلت […] چهار توله با ولبنه نیم انار قند سیاه یک انار
[…] مرز چهار توله این همه ادویه را کوفته و بیخته آمیخته گولی بوزن نخل […] توله ساخته بوقت
صبح داده باشند بسیار فایده خواهد شد باب فصل سیوم در بیان آزارهای اسپ که […]
[…] اول آنکه اسپ دم را معلوم باید کرد که حساب […] شده یک […] سرخ
در تبرزه […] باید […] آنرا […] داده تا که نفع […] نماند خوب سرد
[…] آزار دویم از شکم دم […] بخلط قند سیاه
در […] آن […] علاج سبحانه بلبه
بریان […] علاج دیگر یک پارچه چوب نیم در […] باید
بست […] آزار سیوم که از باعث […] انجیل بعضی
مرو […] علاج آنکه شیر […] روغن زرد
نیم انار گرم […] آزار چهارم که
از باعث […] طرف […] باید کرد و اگر به
[…] علاج دیگر آزار پنجم […]

سیمن شده ساده باشد علاج دیگر روده او یعنی است او [illegible] برود

خواهد ماند است چنانچه مرد علاج دیگر از آزار کشتی طور اگر آزار بادت آید باشد است به نشینند و اگر خورد

کنه شده در روده او چسبیده است چاره کله آوده خوب چغر انجم یعنی خوب [illegible] است [illegible] نماید

[illegible] اید بعده [illegible] او [illegible] انداخته شود باید کشید و الله از و دیگر ادویه آن شده [illegible]

نمیکند آزار ششم آنکه از باعث درد قولنج است و آثار شیر و نیم آثار روغن زرد

او بالش ما نیده [illegible] کند ان الله تعالی دفع شود و اگر از آن هم دفع نشود متصل [illegible]

[illegible] داغ چهار جا ببرند معالج آزار [illegible] درخت مات نیم پاو کوبیده برنج

از دور دلوا و قیمی شفا یابد علاج دیگر کالی مسیحی چهار ماشه [illegible] چهار ماشه آب [illegible]

بقدر [illegible] آزار [illegible] شود [illegible] علاج دیگر [illegible]

شکم و قولنج است شیر [illegible] شکم و قولنج زود دور دهد علاج

دیگر [illegible] چهار آثار روغن [illegible] چهار [illegible] بخورانند [illegible]

[illegible] شود و قرص [illegible] شکم بهتر شود علاج دیگر نمک سنگ [illegible] انداخته [illegible] گرم

[illegible] بیرون آورد [illegible] با روغن [illegible] آمیخته [illegible] تا چهار روز بدهد علاج دیگر

دعا برای

دعا برای درد [illegible] نوشته بر شکم بندد یا رب یا رب [illegible] یا غنی [illegible]

[illegible] یا مجری [illegible] من النفس [illegible] فاسق یا شافی یا کافی یا الله علاج [illegible]

آسیای اصحاب [illegible] نوشته بر گردن است بندد آیت اصحاب کهف [illegible]

[illegible] بنویسد [illegible] علاج درد شکم

[illegible] ده درهم ماشه [illegible] سه درهم ماشه و نمک سیاه [illegible]

و آب گرم همه را کوفته [illegible] انداخته [illegible] بنوشانند علاج دیگر درد شکم است [illegible]

در جهت [illegible] آب [illegible] روغن [illegible] علاج دیگر در قولنج اول آنکه

زبان است گرفته [illegible] زیر زبان [illegible] باشند

[illegible] شراب کند [illegible] علاج [illegible] نمک [illegible] بلیله

بلیله [illegible] علاج دیگر درد شکم

[illegible] ده درهم ماشه نمک سنگ [illegible] آمیخته تا [illegible] گرم [illegible]

علاج آزار [illegible] جغرات [illegible] سه توله [illegible]

[illegible] سه توله نمک سنگ [illegible] نمک [illegible] کوفته [illegible]

آب در جغرات آمیخته یا در صبر کرده ادویه را آمیخته حل کرده از نلی به دهن [illegible]

علاج گر گرفتن اسب مرچ سیاه توله لونگ توله زیره سفید توله نمک سیاه توله [illegible]

توله اگری توله [illegible] توله همه ادویه را بطور [illegible] حرارت کرده کوفته بیخته [illegible]

یافت علاج [illegible] توله [illegible] توله بار [illegible] توله [illegible] توله

جراتیا [illegible] توله [illegible] توله اجوائن [illegible] توله [illegible] دو توله مغز املتاس [illegible] توله برگ [illegible]

[illegible] همه ادویه را کوفته بیخته دو آثار آب انداخته تا آنجا جوش دهند که یک آثار

آب باقی ماند [illegible] بخورانند شفا حاصل شد علاج

[illegible] یک آثار روغن زرد یک آثار [illegible] آثار [illegible] چهار توله نمک سیاه

چهار توله نمک سفید چهار توله [illegible] توله [illegible] توله

ادویه را کوفته و بیخته یکجا کرده [illegible] به اسپ [illegible]

شفا یابد علاج [illegible] [illegible] توله [illegible]

[illegible] زیره سیاه [illegible] نیم ماشه زیره سفید [illegible] نیم ماشه [illegible] یک

توله [illegible] ماشه [illegible] یک توله [illegible] ماشه [illegible] ماشه [illegible]

بمورن [illegible] کوفته بیخته [illegible] روز بخورانند علاج [illegible]

[illegible] که [illegible] اسب [illegible] باید که این همه ادویه [illegible]

مرچ سیاه ۲۰ دانه [illegible] توله نبات توله [illegible] یک [illegible] این همه

ادویه تیار کرده [illegible] اسپ [illegible] علاج [illegible] اسپ [illegible] که

[illegible] نمک سنگ توله [illegible] توله مغز املتاس [illegible] توله [illegible]

این همه ادویه کوفته و بیخته بخورانند علاج [illegible] توله [illegible]

توله لونگ توله مرچ سیاه توله [illegible] توله نمک سیاه توله زیره سفید توله

[illegible] توله [illegible] این همه ادویه را کوفته [illegible] آمیخته [illegible]

[illegible] بخورانند علاج [illegible] اسب [illegible] باشد [illegible] که

باشد مرچ سیاه [illegible] توله [illegible] توله [illegible] ۲ توله [illegible] توله [illegible]

توله نمک سیاه توله [illegible] این همه ادویه را [illegible]

در آب [illegible] جوش داده [illegible] آثار آب باقی ماند [illegible] این را در ظرف

مکاذن بلذ اهو و اگر الک را راتب چو زرانده باشد روغن زرد و اینچنین بلذا
و اگر راتب چو زرده نباشد روغن زرد انداز دن بلذ اهو از بلی بنوشن
شفا خواهد یافت **علاج گوگرد ریب** بهلی گرواله بهت ورم بوحت ا
سوخته بهت ورم این همه بغیر این برگرم را کوفته کوبا لبته بر دمان ا
صحت کرد **علاج برای زفت بول و درد شکم** خردل هم خام هم توله نمک سیاه د
جغرات چهوا با و انار خردل و نمک را سائیده در جغرات آمیخته بخورند
بوقت صبح بدهند **برای نفع شدن کرم و شقاقات شکم** رای بریان سه توله ابلوه
توله اجوائن سه توله مرو زبهلی سه توله بلادس پابره سه توله جراعنا سه تو
بابل بتر سه توله بستا مکای سه توله باوکنبه سه توله بابرنک تخم انار خرفا لی
سیراشبک کومبی از بزن تخم انار قند سیاه اینهمه ادویه را کوفته بیخته قند سیاه
مرکور را آمیخته گولی ها بسته بوزن چهار چهار توله بسته گولی را همراه روغن زرد سه توله
آمیخته بخوراند بدهند **نسخه ...** سنبل توله

تتمه سعید

حقنه سعید بهم ... بتول بلکه دورق این برگرم ادویه را خوب باریک سائیده بلغم
گولیه به بندد بعد را بعد خورانیدن دانه بیمار بعد از چهار گهری یک پا مادر را بخورانند
بعد از آن چهار گهری قیف ... بعد از آن اب ... از باعث خوردن ... این گولیه
... شکم ... ده قراقر ... بعد مشغول **نسخه ... برای ... کرم شکم**
... از شکم ... ... آنوله ... بهیرا رای الجوان اجواین
سوخته چهال ... همه را کوفته ... جغرات ... آب ... آمیخته
... موافق ادویه همه ادویه را ... خوب
... هفت روز ... باشد
بعد خوردن دانه بدهد اگر ... نافع آید شدت ... باشد اگر ... باشد
بعضی جغرات ... بدهد **علاج که از کرم میشود** ... تخم ... سوخته تخم
ساکوان ... باریک این همه ادویه را کوفته و بیخته بموزن آرد گندم بریان
کرده آمیخته تخم ... انار روغن زرد کوفته ... گولی بسته بدهند
آب شیر گرم بدهند **علاج ... کرم ...** دو حبه ...

بدرن مرابر سوده با روغن لنجد یک هفته بر بدارم مرابوس بکهور بند و بمکره الکه

بیرون آمده است فربه شود **علاج دیگر در باب کرم و شقاق مقعد** هسچی بمار زنجبیل

نوله بیسنا و کل شماره و بت بعلین یک و نیم سیر از ان بهم آورده زاکو

و بحیه دور کل فند لیند آمیخته گوله با لسته مقدار نقل یعنی اطلا بچی دانه به

و هر روز ناهار بمثل از دانه یک گوله بدهد و وقت شام یک گوله بدار دا

بدهد تا یک هفته بخور انند کرم بمیرد و شفا خواهد شد **علاج دیگر حالت غصه**

و در باب بستگی بول و تسلسل بول که دم بدم میکند زنجبیل یعنی سونته شور ده و عرق لیمو

ترش سائیده بر خصیه لیپ کنند یعنی ضماد کنند اندرون و بیرون شفا

خواهد شد و هر کل آب یعنی برهمان یک ابریق یعنی حل از آب برکرده اندرون

دنی القعود نشاند کنند **علاج** بنبه یعنی روی مقدار سه درم مهره و عرق لیمو

برآورده بنبه را خوب ترکرده در سوراخ است بنهد و زود شفا خواهد شد **علاج**

بستگی بول باید که در ... یعنی موی است سافته اندرون و بیرون

شوره سائیده جسپانیده بر مهره است بنهد از ... خواهد شد سوراخ شود ...

سنگی
علاج

162

علاج بستگی بول دارچینی قدری کافور در زیره است باید در سوراخ فرج است ملایم باشد

بعد بول بخور کنانیده شود **علاج دیگر** یک دانه سیر یا دو دانه عدد فلفل گرد یعنی

مرچ سیاه سائیده بهم خائیده بطوریکه بالای آن نشیده بعلیج قدر در است بنهد

زود بول کند **علاج دیگر** قدری سیر و فلفل در از سائیده موافق مزاج است بمحان

گولی بندد و اگر تو باشد در زیره بنهد و اگر ماده باشد در فرج بنهد بکرم الله تعالی شفا

خواهد یافت و زود بول کند **علاج بستگی بول** خانه زاغ که مرد در حقه مانده آورده

در آورد یا در دانه بحیه بر بود مرد ولی نشاسته کند **در بیان تسلسل بول که است دم بدم میکند** حکیم

و سویه مجرب گرفته بعد خوردن دانه شام گفته گوله هر روز تا دو چهار روز بخورد صحت گردد

فصل باب چهارم در بیان علاج و رسانی ها یعنی قیچر که آنرا قمرزده میگویند لب شر طبکه

چون کنند ماند یک مرغ از لغاد ادلام فرج عوده در آب جوش داده جوش و بادها

او دور کرده معه الا لشی چهار بلویند که استخوان در گوشت یکسان شود باز دوا آثار

حمیله امیخته دیگر آثار نشر است آنقه بهم با در ... سیاه آمیخته بخورانند وقت شام

بدهد تا چهل روز در جای که هوا نرسد بندد و آب سرد نمیداده باشد علاج
کلبیس دکبیر میدهند شفا می یابد علاج ده بیست کدی حیض آلاله ورد
انار و آب بجو نبات بندد و فتیله تصوف مانند بانداو نوشانید تا پنج روز بنهد علاج
کنگی بهار نکی احموده و مال کنکنی بار بزنک حرا تیا حقیقه کوتو کا یفل
فلفل دراز اجوائن خراسانی انزروت موچله اجوائن هندی بلیله عنک سوبحم
زردچوب گل دهاوره بهیلی بعضی کیلا این همه ادویه را ایک جا کرده هموزن
آب امیخته تورن سیرده توله کتنی ماشه وقت شام بدهد و دانه بخوراند و آب بگیرد
بدهد نجار دانه میتهی نیم آثار و گندم یک آثار روزن پخته و برنج دو توله یک نیم ماشه
هر دانه میتهی و گندم بوقت شام بدهد و از چهار طرف اسپ را سایه کند علاج
اسپ را لکد را لکد از روغن کتان یک آثار روغن سرشف را یک آثار روغن
کنجد یک آثار روغن سداالحمر یعنی ارندی یک آثار روغن مال کنگنی یک آثار جمله
روغن حرارکرا سیب الله الله وا انسوه نر نشد درک دهتوره شیره برگ سنبهالو
ریکا بین الکاس

۱۶۷
ریکا بین الکاس یون بالسته یعنی سنجیه بیداانجیر یعنی ارندی بلکوی سیاه سنبل الواحته به برد
یک جوش الشی مجرب بدور وده لیتزای را ابرزنبی فرهاد اوله از روغن شیر گرم اسپ را
بیبت نیز در این چهار پای اسپ بار رخصه کدو روفات ماشه به بندد تا روغن بر سم نافند
بعده لیپ کند جمله بارها از جهار یا ران و او میانی برطرف شود مجرب است علاج
جانور زده تخم سنبهالو یک توله ریوند چینی یکتوله سیر سوتی یک توله قرنفل
یکتوله اجوائن خراسانی یک توله انزروت بسته یک توله بهیلی یک توله سنبل الطیب یک توله
قلفی یک توله عقرقرحا تنکی یکتوله کرول لیتی ماشه بلادر یک بیره یکتوله در شراب بار صد
حیض زنان شوبره جسطلی گرفته بر شود بیت و را دو دو کرده و بار برابر انگشت دوم و کله
آن بریده بعد از آن گرفته بیا میزد و بعد از آن همه را کوفته و بیخته امیخته از بلا نوشانند
و در هر دم گوشت پاره ۲ توله انوار زد و از شبه گوشت را خوب پخته دو بندکند یک وقت آب
شیر گرم و دانه و کاه خشک بدهد بفضل الله شفا خواهد شد علاج گلو بند
دیگر اگر گلو بند شده باشد از ... امیخته شهد ... توله ... سه ماشه پیلا مهر

بنفشه ماشه سنبل و از نفش ماشه عاقرقرحا ماشه این همه ادویه را کوفته
در پارچه بیز نموده و آمیخته بر زبان هر جا از حرف که خوب مالش دهد تا چهار پنج روز صحت
خواهد شد **نسخه مالش جانور نیزه** بیر بهوتی یک ماشه کلان ابهل یک ماشه قرنفل
یک ماشه سونتهه یک ماشه بهوین رنگنی یعنی [illegible] همه ادویه را اول کوفته
و بیخته در پارچه بیز نموده در شراب چهار تولا آمیخته بر زبان مالش دهد شفا خواهد شد
علاج دیگر سونتهه نیم ماشه و بلدی زرد نیم ماشه و اجواین خراسانی نیم ماشه و اسگند ناگوری
و گل نیم ماشه و سجی [illegible] نیم ماشه و کنگنی نیم ماشه و بابرنگ نیم ماشه همه ادویه را
کوفته و بیخته در آرد موتهه نیم ماشه و وقت شام بدهد آب [illegible] جوشی داده یکدم
آب بدهد و دانه بعد ۳ روز یک انار بریان دهد **علاج** مرچ سیاه یکتوله
نمک سیاه یکتوله سونتهه ۲ ماشه [illegible] ماشه [illegible] یکتوله [illegible] یکتوله
بلیله چوبهار ۳ ماشه [illegible] این همه ادویه را کوفته و بیخته بدهد تا چهار روز
بواده باشد **[illegible] سینه [illegible] باشد [illegible]**

موجود است

موجود است اول [illegible] یعنی [illegible] روز [illegible] یعنی
[illegible] موافق [illegible] دیگر باشد بهتر باشد و بهتر است و [illegible]
قدم [illegible] سینه بند است کونبل [illegible] نیم ماشه نمک [illegible] نیم ماشه و
هر دو را کوفته و بیخته بخورانند تا ۳ روز صحت یابد و آب [illegible] گرما
باشد آب [illegible] یکدم [illegible] و دانه را بریان ساخته یک انار بخورانند
و بوقت [illegible] اجواین اندرون [illegible] اجواین [illegible] در آب انداخته جوش
دهند و بعد آن [illegible] **علاج سینه بند** [illegible] هر دو را
[illegible] کوفته و بیخته بخورانند [illegible] گرم کرده [illegible]
[illegible] بخورانند **علاج دیگر** [illegible] بادام گرفته [illegible]
آمیخته بعد [illegible] وقت شام ۳ [illegible] بادام [illegible]
گرفته در مغز بادام آمیخته بعد دانه شام بخورانند و دانه نیم [illegible] و آب [illegible] در
یکدم بدهند **علاج دیگر** افیون یکتوله [illegible] یکتوله [illegible]

دو توله افیون را در آب حل کرده و در آرد گندم آب ملا بوره آمیخته ادویه مذکور را
کوفته و بیخته به آرد مذکور آن ادویه را برابر کند و گولی سازد و در بنبول سینه اندود
تا پخته سرخ شود بعد از آن برآورده آن گولی را بکوبند و یازده گولی بندد و در
یک گولی یابس ازدانه ناهار و یک گولی بعد دانه شام بدهد **علاج دیگر ازین است**
ماک لنگنی ۵ توله بلادر ۵ توله اجوان خراسانی ۵ توله کنجد سیاه ۵ توله سیر
۵ توله برگ [illegible] زرد نیم آثار این ادویه کوفته و بیخته برابر بیضه مرغ گولی بندد و
بعضی ازدانه صبح آب نیم گرم کرده بدهد و گاه جنس ازدانه نیم چندی یعنی نصف خوراک
بدهد **علاج دیگر** سونهته نیم آثار رمال لنگنی نیم آثار لهسن نیم آثار کنجد سیاه نیم
آثار نوسادر یک توله سوهاگه یک توله قند سیاه کنند مقدار ادویه اول کنند سه روز
آب را فاقه داشته بعد از آن این مصالح هفت روز بدهند در این فاقه باید داشت
بعد از آن دو سه فاقه بدهد و آب گرم یکوقت بدهد **علاج سینه بند ازین است**
اگر سینه بند را با جویله بکردانند که سینه خوب بیاید و بعده از پارچه ها دکمل خوب

بهبود شد

۱۶۵

بهبود شد و بعده در جایکه هوا نباشد بکردانند که سینه خوب فراخ شود و بعده
در جایکه هوا نباشد نه بندد و شیر [illegible] یک آثار از [illegible] را بنوشاند که تا
[illegible] و بعد از آن برآید و همچنان بدین ترتیب سه روز عمل کنند بفرمان حق سبحانه
تعالی صحت کرد و **ترکیب دیگر** در آب [illegible] یعنی شنادر بجای این
عمل اکثر اهل ولایت میکنند **علاج سینه بند** نوفری بلخ یعنی کدو دو توله [illegible] ال
دو توله لحله دو توله کالا زیری ۵ توله سونهته ۳ توله اقرمل یعنی الکالس [illegible] پاو آثار
برگ دتوره پاو آثار زنجبیل بلادی دو توله نمک کناری [illegible] این همه ادویه را در
بول آدمی تر کرده بیخته تا سه روز لیپ نماید **علاج سینه بند** اسپند نیم پاو اسپند
نا کوری نیم پاو اجوان خراسانی نیم پاو زنجبیل بلادی نیم پاو هینگ کوکل نیم پاو مال لنگنی
پاو آثار لهسن خشک پاو آثار هینگ [illegible] توله [illegible] سه ماله [illegible]
چشمانک [illegible] چشمانک این همه ادویه را کوفته و بیخته در قند سیاه [illegible] یک آثار
آمیخته [illegible] گولی به بندد و یک گولی [illegible] ازدانه ناهار و یک گولی بعد از دانه

شام بدهند والا نه بدهند چند روز آب را کم دهند و گرم بدهند یا سنگلاخ کرده
بدهند و این نسخه کامل است و مجرب است بعمل آرند بعون الله شافی مطلق صحت
گردد **علاج دیگر** جواهر یعنی بیخ زباد آثار طوطیا یعنی مله طوطیا یک توله همه ادویه
را کوفته و بیخته در سرکه آمیخته حب کولی به بندد و دو حب از دوا نه نهاری
و بعد دوا نه شام هر روز یک یک کولی بدهد شفا خواهد شد و در وقت که
گرما باشد دوا نه کم بخوراند و با سرما باشد آب را کم نوشاند الله تعالی فضل کند
علاج دیگر سوخته نیم آثار رال [illegible] نیم آثار [illegible] نیم آثار کنجد سیاه نیم آثار
کنجد سیاه نیم آثار [illegible] ده نیم آثار زرد چوب نیم آثار نوشادر چهار توله
سوهاگه خام چهار توله همه ادویه را کوفته و بیخته در قند سیاه آمیخته چهار ده کولی بندد
یک کولی [illegible] از دوا نه صبح بعد از شام بدهد و دوا نه و آب کم بدهد و کاه خشک میداده باشد
علاج سینه بند سرد و گرم و چشنیه مرچ سیاه چهار توله [illegible] چهار توله [illegible] چهار توله [illegible] موز
چهار توله این همه ادویه را کوفته و بیخته اندرون شهد انداخته بیامیزد و در ظرف چینی

بنخاله نیکو

بنخاله نیکو بپیچ و یک توله صبح و یک توله شام بدهد و در موسم سرما دو توله بدهد و آب را
گرم کرده بدهد سرد ساخته بدهد بلدی **علاج سینه بند یعنی جهاتیه بند** [illegible] نیم آثار
بوت یعنی [illegible] باد آثار حالون نیم آثار کوکلا نیم آثار سابن چهار توله این همه
ادویه را کوفته و بیخته و حالون را سالم با کوفته آمیخته کولی بوزن نیم پاو بسته بعد
دوا نه شام بدهد و آب را [illegible] گرم یک وقت بدهد و دوا نه و کاه خشک بخوراند **علاج**
سینه بند بوقت صبح بدهد حالون سالم پاو آثار اجوائن پاو آثار قند سیاه پاو آثار
[illegible] ۵ توله سابن ۵ توله بلدی ۵ توله [illegible] ۲ توله همه ادویه کوفته و بیخته اجوائن
و حالون سالم را آمیخته هر روز از ادویه یک آثار بدهند تا ۲۱ روز دانه [illegible] و کاه خشک بدهد
[illegible] و دانه نصف [illegible] بدهد و آب شیر گرم [illegible] بدهد **علاج لیپ** روغن ارندی پاو آثار
[illegible] ۵ توله سوین [illegible] ۵ توله در روغن افیون یک توله گرم کرده [illegible] انداخته سوخته کرده
خوب حل [illegible] بعد [illegible] را سائیده انداخته [illegible] که دارد [illegible] دو ماشی
بو بندد در میان [illegible] تا که قطره روغن [illegible] **علاج سینه بند و یا خون**

جمع شده باشد دران یک اثار تول کل یک و نیم پاو انار مثل کم مانده قرنفل نیم پاو دیسیل یک نیم پاو انار جابیل چهار توله خاکستر چهار توله بلادر سه پاو انار قند سیاه سه اثار کل اک چهار اثار پنج اک چهار اثار روت اک یک اثار این همه ادویه را کوفته و بیخته گولی وزن نیم فلوس بیضی نخود ماننده بسته موافق مزاج داده باشند شفا خواهد شد بفضل الله تعالی صحت گردد

علاج سینه بند اببه بلادر سه توله سبجی لون سه توله تول کل سه توله اسپند دو توله اسکند ناگور دو توله گوند ببول نک چکنی دو توله مال کنگنی دو توله قند سیاه چهار توله جهار ساله واین همه ادویه را کوفته و بیخته تا لون را سالم انداخته و ادویه مذکور پاو انار در پارچه کرده توتلی بسته اندرون آب انداخته و بنوشانند سه روز دانه بدهد شفا خواهد شد علاج دیگر برای سینه بند

وجمع مرضها را مجرب است شنگرف یکتوله منیته یکتوله بچهناک یکتوله مشته سفید یکتوله مرلسه یکتوله لکر اسلی یکتوله زنجبیل یعنی سونته یکتوله مرچ سفید یکتوله عاقرقرحا یکتوله تینشکار یکتوله سبل یکتوله قرنفل یکتوله کوکل یکتوله بلادر یکتوله سبجی یکتوله زنب عجائب یعنی هتلر یکتوله برتال یکتوله نوسادر یکتوله انکوزه یعنی تک یکتوله افیون یکتوله سنکیا

یکتوله سنکیا

یکتوله سنکیا سرخ یکتوله زهر هلاهل یکتوله لعنقر اپاو انار رتیقه سفید پاو انار مغز بادام پاو انار روغن کجلا یکتوله بیلادهور یکتوله اسپند یکتوله تخم هلیل یکتوله ام مجحل یکتوله قرنفل یکتوله جوز یکتوله زعفران یکتوله تخم سویا یکتوله اجواین خراسانی یکتوله بیزال یکتوله کالسر یکتوله کوزح یکتوله برگ لیمو یکتوله عود و یکتوله زهره گاو یکتوله عود عرق ادرک یک اثار روغن کنوار تلی یکتوله اجواین دشتی یعنی خولای یکتوله بارهنک یکتوله این همه ادویه را کوفته و بیخته در میان زهره گاو و در کیل حل کرده بعده به عرق ادرک حل کرده بعد آن در عرق ادرک حل کرده بعد آن در عرق کیکوار خوب حل ساخته نگاه دارند و گولی موافق کنار بند و یک گولی هر روز بدهد ان شاء الله تعالی صحت کامل گردد علاج سینه بند و جوکیره این همه ادویه را برابر گرفته کوفته وقت صبح بیخته بیمار بوزن نیم پاو همراه آرد گندم بدهند شفا خواهد شد سبجی جالون بلادر تلی کاه زیره علاج آنکه از زنبور بهتر شود باید که برد و بقدر از خار مغیلان قدری

یمنش آب دادن گولی مذکور را بدهد و بالصحت چهار بدهد علاج دیگر نمک اجوان سه توله سه توله برگ تنبول دو توله فریته برگ انبه دو توله همه ادویه را کوفته و بیخته است را بخوراند یمنش نهار صبح بدهد نسخه دیگر برای تبدی و شرارت وجهت نیم پاو کفته سعید کافور سه توله تخم لیمو کاغذی نیم پاو و پنج تر که قبل بخواند و پنج درخت سرو نیم انار در جهت لیمو نیم پاو و تخم حنا نیم پاو و این همه ادویه را با رنگ ساخته کوفته و بیخته گولی بوزن هرت توله به بندد اگر درد زیاده باشد بوقت صبح بدهند اگر درد زیاده تر باشد دو وقت بدهند تا روز هفت میخورانند علاج حصار که از قوت ولا علاج بسیار کنند مرچ سیاه چهار توله لونت بنیره لونت بلیله سه توله لونت هرا املاه سه توله انوله سه توله زیره سفید سه توله گوند کتیرا سه توله کحل سه توله کل گلاب سه توله کشنیز چهار توله نمک سیاه چهار توله نمک سنده سه توله نمک لاهوری سه توله شکر سفید سه توله آرد مرچ سه پاو و این همه ادویه را کوفته و بیخته آرد مرچ آمیخته در مغز کیکوار خمیر کرده بوزن چهار توله گولی بسته صبح شام وقت وقت صبح یمنش از دانه وقت شام بعد از دانه بدهند مجرب است علاج ارمی سونتهه سه توله

سونتهه سه توله

دار چینی سه توله مرچ سیاه سه توله نمک سیاه سه توله هینگ سه توله انکوزه دو ماشه لکری سه توله این همه ادویه را کوفته و بیخته بوزن آرد نخود برابر آمیخته بعد دانه شام بدهد و بور خاوله سه بدهد علاج است اگر در نگاه شود و در چشم نقطه سیاه افتاده شیا نه نظر وازین ادویه بهتر شود و استاد ان بخی با نوشته اند شافی الله تعالی است کتیرا یک اثار گرفته با شکر خام بدهد بهتر شود علاج اگر کدام میشوند کشنیز یکتوله انوله خشک یکتوله موتف یکتوله زیره سفید یکتوله نمک سیاه توله این همه ادویه را سائیده گولی بندد و علی الصباح یمنش از نهار دانه بخوراند تا وقتیکه بهتر شود علاج ارمی که شباب خون میکنند تا سه روز دوا بکند و بعده این نسخه بکند هتکری بریان یکتوله آرد جو سه پاو انار این همه ادویه را یمنش از دانه بخوراند بعد از آن آب بدهد و بعده فایده کند دمان دهند شفا خواهد یافت علاج دیگر کری آب مرچ سیاه دو توله ماکیان توله زیره سفید توله کشنیز توله کلونجی ماشه نمک سیاه چهار ماشه کلیجی سه ماشه سونتهه توله این همه ادویه را بهموزن کوفته و بیخته با رنگ سائیده تیار ساخته و مصالح سه توله و ماشه وقت کیکوار البته بدهد شفا خواهد یافت علاج ارمی و نفس و شرارت که بسیار میکنند تخم تنبول

خون بر آورده بلعید با و بوش زیند این ادویه را سه روز ببند بلادر نیم آثار

حالون نیم آثار کوکل نیم آثار سابن چهار توله این همه ادویه را سالم آمیخته

کولی بوزن نیم ماشه بسته بعد دانه بر بندد باب شیر گرم دو دانه حب ملاده باشند

نسخه دیگر سوهاگه تجلیه سه توله سونت نیم پاو نمک سیاه نیم پاو منک یک توله با رب

چهار تانک بسیل چهار تانک فلفل گرد چهار تانک اجوائن نیم پاو همه را کوفته و بیخته در

عرق سیخه کولیها بسته بقدر دو توله بسته یکی بوقت صبح و بوقت شام یک کولی بدهد

ان شاء الله تعالی در میان هفت روز فایده بخشد فصل پنجم در بیان خون [illegible] کردن و علاج قوت

دل و جگر و گرمی پای [illegible] دم میکند و چنان یعنی گرم در موسم گرما [illegible] سیر دم که آبها

دم بکند و در بیان [illegible] موسم گرما اگر اسپ را در سفر گرمی کند باید که اسپ مذکور را از آب بشوید

یعنی [illegible] گرمی آفتاب یعنی دهوپ [illegible] گرمی رسد از آب کم میسر شود

در هر دو چشم دو قطره و در بینی [illegible] و قطرها بر تر و بسیار هر قطره در چشم بریزد

وهر چشم

168 و هر چشم هم بسیار بریزد اگر بدن اسپ سیخه باشد مضایقه نیست آرد گندم ماد

آثار نمک [illegible] چهار توله هر دو را یکجا کرده چون بر منزل رسد این هر دو را بخورانند

بعده دانه روز [illegible] را کم [illegible] دادن دانه اسپ مذکور لاغر شود مضایقه نیست

علاج دیگر قند سیاه سه توله بلادر توله کوکل توله سابن توله افیون سه ماشه تخم [illegible]

یک [illegible] یک توله این همه را سائیده کوفته و بیخته آرد گندم چهار توله آمیخته کولی

بسته بعد دانه شام بدهد در موسم گرما بر وقت شود [illegible] دو توله بلادر دو توله

این همه هر دو را کوفته و بیخته قند سیاه آمیخته بخورانند در بیان خون کردن پیشاب

اسپ از گرمی باید که تا پنج روز علاج بکند بعد از آن [illegible] او را [illegible] اگر خون

[illegible] علیظ یعنی [illegible] شود آنرا از بالای [illegible] شکر خام دو توله ملاده [illegible] توله

این همه ادویه را در آب انداخته بنوشانند تا صحت شود و [illegible] صحت جاری

ولاد علاج دیگر اگر خون رقیق شود یعنی [illegible] مرچ سیاه پنج توله [illegible] سفید دو توله

[illegible] آرد گندم چهار توله این همه را کوفته و بیخته آرد مذکور را آمیخته کولی [illegible] بدهد

ترنی کاغذی ایک اثار زنجبیل ترن تهیه توله کافور ۲ توله لکهبرا ۲ توله شنکرف ۳ توله بریان همه ادویه
را کوفته و بیخته یک اثار آرد جوار آمیخته از آب در حب تیغ مو بر قطعه کرده گویا لوزان شش توله
هر روز وقت صبح بخورد و آب نبات نره بعنی باسیه بخورد شفا خواهد شد علاج اثار که زیره
دم کند سونف یک توله ملتفی یک توله مای برنک شش ماشه نکر تیغ یک توله اندر جو شش ماشه
یک توله منجیت نشاسته که در زبان هندی و در زبان [illegible] گویند این همه ادویه
کوفته و بیخته بخوراند علاج [illegible] مرچ سیاه ۲ توله آو توله ۳ توله بوت [illegible]
قلمی ۳ توله بوت [illegible] ۳ توله سونف ۳ توله منقی ۲ توله سونتهه ۳ توله [illegible] ۳ توله
بلادر ۳ توله باربرنک ۳ توله [illegible] ۳ توله مغز [illegible] ۳ توله شنکرف ۲ توله بریان
بادیز ۳ توله نمک سیاه توله نمک سنده ۳ توله زیره سفید ۲ توله انکوزه [illegible] یک توله این
همه ادویه را کوفته و بیخته همه ادویه [illegible] بریان آمیخته بعد دانه بوزن شش توله
از آب [illegible] بخوراند [illegible]
مرچ سیاه ۲ توله اجوائن ۲ توله زردچوب ۲ توله منقی ۲ توله نمک [illegible] ۲ توله [illegible] ۲ توله

سه ماشه توله

ملتوله بریان این همه ادویه کوفته و بیخته در آن آرد باجرا آمیخته بعد دانه بوزن
شش ماشه [illegible] توله بدهند علاج دیگر زردچوب یعنی بلادر یک اثار [illegible] کنار
اثار همه ادویه را کوفته و بیخته در ظرف چینی چرب کلی بنهند و بالت [illegible] در زیر
زمین دفن کنند بعده آنرا برآورده خشک نموده ساشیده هر روز بوزن یک توله در [illegible]
آمیخته بخوراند شفا خواهد شد علاج [illegible] دم میکند شراب [illegible] اثار [illegible]
هر وقت که دم میکند همان وقت بدهند علاج [illegible] بسیار کند زیره سفید
دو توله مرچ سیاه دو توله [illegible] دو توله [illegible] دو توله [illegible] دو توله این همه جنس را
کوفته و بیخته [illegible] آب نبات نره [illegible] صبح [illegible] بخوراند علاج [illegible]
که بسیار میکند [illegible] بعد دانه صبح بخوراند و بعد یک
[illegible] لازم [illegible] بخوراند [illegible] قدر بکنند [illegible] بیشتر کنند
و خوف [illegible] علاج دیگر [illegible] از آن ۳ توله بوت [illegible]
صبح [illegible] خواهد شد علاج [illegible] کند

سوق پلپتوله ملتهب پلپتوله [illegible] شناسه نخود تلخ یکی تو له انواد چو پلپتوله [illegible]
با [illegible] صحت [illegible] این همه ادویه را کوفته و بیخته بخورانند فصل چشم
گویند
علاج موی چشم یا ناخنه در چشم [illegible] یا برده یا سفیدی باشد برود نمک در دهن
حل کرده یعنی در دهن [illegible] و آب [illegible] شده در دهن از آنچه در چشم [illegible] تا سه روز
یا چهار روز همچنان کنند علاج دیگر از یلی در چشم [illegible] سه چهار مرتبه
کنند صحت شود علاج دیگر انگشت درخت [illegible] سیاه [illegible]
انشیار را کوفته سرمه ساییده بطور سرمه در چشم کشانند علاج دیگر چینی یعنی
پارچه ظروف چینی را خوب باریک ساییده سه چهار مرتبه بیخته یعنی مثل سرمه ساخته کشد و در
ساخته از یلی سه چهار مرتبه در چشم بکشد علاج دیگر یک [illegible] را در آب ساییده
در چشم کشد [illegible] از [illegible] کوفته در چشم کشد علاج دیگر گرد چوب
[illegible] کوفته شود [illegible] سه حصه کوفته [illegible] ساییده از یلی در چشم بکشد علاج موی چشم
روغن بلادر کوفته افیون [illegible] کوفته [illegible] روغن

روغن بلادر

آن بلادر همه یکجا کرده موافق [illegible] در چشم کشد تا یک هفته [illegible] سه چهار
هفته همچنان کنند علاج [illegible] در چشم [illegible] شوره قلمی [illegible] باریک [illegible] این هر دو را باریک ساییده
اندرون آن انداخته سه چهار روز [illegible] شفا خواهد شد علاج دیگر [illegible]
[illegible] از [illegible] سه مرتبه یا چهار مرتبه هر روز بچکانند تا [illegible] یک هفته
بکنند صحت شود علاج سفیدی چشم [illegible] در چشم کشد و در چشم [illegible] تا
سه روز همین کنند علاج باد که چشم سفید شده باشد [illegible]
[illegible] این همه ادویه را باریک ساییده [illegible] انداخته سه [illegible]
[illegible] شام صبح تا سه روز [illegible] در آب انداخته [illegible] علاج ناخونه آب چشم
[illegible]
را از [illegible] باریک [illegible]
انداخته [illegible] هم باریک [illegible] اندرون [illegible] خوب باریک ساییده
[illegible] علاج دیگر ناخونه آب [illegible]

سه عدد و ادم بلبل و خشک کرده باریک سائیده در چشم کشند نیکو شود علاج دیگر ناخنه

هیچ باریک آس کرده بطریق سرمه ساز ده قدری با ناخونه در چشم بر روز بکشد گل بهیج

بهولا برطرف و شفا خواهد شد و اگر ناخونه قدیم باشد بعضی گفته باید که اول قدری پشم

بکشد و ادویه مذکور که با لادو کشته شده در سفیدی بیضه مرغ آمیخته بر چشم نهاده

مضبوط بندد و نیکو شود علاج گل چشم آب سپیج شنگرف و دمی برابر سوده در ما

سنبوره کرده در چشم زند نیکو شود علاج دیگر برای سفیدی چشم مقویات بهنگرای

یکتوله سنندور ۳ ماشه افیون ۳ ماشه باید که بهنگرای بریان نموده بوقت جوشی

بهنگرای در ادویه انداخته تخت نموده از روغن چنبیلی خوشبو دار بر روز بطور لید دو

سه مرتبه بر چشم چسپانند علاج دیگر که جرب بر چشم آب رسیده باشد میده

یکتوله انبیی بلدی یکتوله شکر سفید یکتوله روغن زرد ۳ توله بطور حلوه پخته بالاء

چشم بهبندد علاج دیگر ناخونه چشم شنجرفی مصری در شهد سائیده

از مرغ تو ببرد چهار پنج ماشه پنج بار چسپانیده باشد و بوقت ناخونه زیاده شود از آستره

جریده و آن

جریده و آن به بطور خیالی افتاده باشد صحت کامل کرده علاج پهوله چشم برگ اکی ا

که در زمان دلخواه ... و آن برگ دو به سار دار شیر آک دو به برگه و به ار و گندم

بهرنده دار ان شیر ماش سائیده و آن ماش را بر آتش سوخته و سائیده بطور سرمه ساخته با چشم

اندک کشند پهوله دفع خواهد شد علاج پهوله و جریده تخم حنظل چهار عدد که در حقه جمع میشود

و نشاسته مغز و لت درخت بکاین نشاسته پاره خردف چینی مرده چینی ادویه را خوب باریک

کوفته و بیخته بعد از ان در عرق لیمو تر کرده ادویه را از بر کوتر در چشم کشند علاج مونچه چشم

سفید و سیاه کوله کیلایت تخم کوله روغن سرشیر یا و انار کفرو را با روغن انداخته حل کنند اندک اندک

دلانه یا نداند و اندک شیر انداخته ادویه را در پارچه بسته آمیخته در چشم بهند بعد از ان بقیه ادویه

آمیخته بندد و به تجه دار پره ب و برگاه که زرم بحیز بدا شر ماش آب ادویه بکنند سپیل یک ماشه مرچ سیاه

یک ماشه چهال پلپل یک ماشه هنز یک ماشه کفرح یک ماشه مغز بیز ایک ماشه سماله یک ماشه

این همه ادویه کوفته بیخته میده کنند و در جامه کنند و یه بیزد و در شیر گوسفند و یا در شیر مایه گاو کوکی بسته

سائیده در چشم کشند شفا کلی بخشد علاج مونچه در چشم سفید سنندور یک توله علک سیاه یکتوله آرد

را بلیتو له همه ادویه را خوب کوفته و بیخته در ظرف ... حاوه و انار با ... و انیسون و ...

... هر کدام سوخته شود بار ... و رخشم ... بلیخته با ... چهار روز ... از ...

شفا خواهد شد **نسخه مجرب** مسقوف زنجبیل چهار ماشه جوزات مغز ... هر یک چهار ماشه تخم

... یک ماشه هر دو جز را کوفته و بیخته از جوزات ... در چشم ...

او کشیر یعنی ... دلستره ... **نسخه دیگر** جمال ... و بیخته در چشم ...

بالای آن مسکه گاو ... **فصل هشتم در بیان خارشت یعنی خارش** اگر ... اجزای ...

خارشت شده باشد ... عاقل ... بحاری زفت ... اگر از ... باشد ... **علاج**

آب چغندر ... باشد ... بجالد و ... از ... آب ...

ادویه ... **علاج دیگر** ... بلیتوله ... بلیتوله

... آب ... آب ...

علاج دیگر ... بلیتوله ... روغن ... بادیه ... برگ ...

... را ... آب ... کنند ... روغن ... با ...

بهتر شود **علاج دیگر** ... انار ... بلیتوله ... روغن ... باو

...

۱۷۳

انار ... را در بیخته ... جل کنند و چهار ... خوب ... را ...

خوب ... جل کنند ... آفتاب ... از آب

... چهار ... بهتر شود **علاج دیگر** ... یک انار ... یک انار بخته

... آن در ظرف ... جل ... از آب ... آب را

بار ... **علاج دیگر** تخم ...

... سیاه ... ادویه را

... جوزات ... انار ... بعد از آن ... کنند

... آفتاب ... بعد از آن ...

... **علاج دیگر** ...

... تخم ... جوزات ...

... **علاج** سیاه دانه ... انار ... انار ...

... روغن ... از ... و ... و

... برگ ... برگ ...

برگ و حلبه و سحنه و بلیله با هم برابر کوفته یکی [illegible] ده بر چهار انار [illegible] سرده انار
سیر ماله کاو بجوشانند تا چهار انار بماند بوقت نماز صبح بنوشند صحت یابد علاج دیگر
کوکنار سیاه دانه برابر کوفته در سفاله بریان کرده تا که آنکه نخود قدر روغن [illegible]
انداخته حل کند بر اندام [illegible] مالیده [illegible] مالیده یک [illegible] زود [illegible] شب مانده [illegible]
بعده بشوید صحت یابد علاج دیگر شوره قلمی یا دو انار [illegible] برگ [illegible] چنانکه
[illegible] نیم انار [illegible] کوفته و بیخته [illegible] در شیر نیم پاو انار [illegible] برداشته صبح تا [illegible]
روز بخوراند علاج دیگر [illegible] نیم پاو [illegible] نیم پاو [illegible] دو توله [illegible] توله [illegible]
توله [illegible] فلفل سرخ این همه ادویه را آمیخته بر اندام خوب مالش نمایند شفا خواهد یافت
علاج دیگر تخم [illegible] در جغرات [illegible] انداخته در آفتاب سه روز بگذارد و بعد سه روز [illegible] را لب کند
متواتر سه دفع بشوید فصل در نسخه های علاج [illegible] باو برگ نیم [illegible] نیم انار [illegible]
را در برنج پخته جغرات آمیخته مالش داده نیم انار بخوراند تا بیست [illegible] بعد از آن [illegible]
آن آب میداده باشد علاج دیگر [illegible] را ذبح کرده [illegible] در [illegible] بر او الله
قطره قطره که [illegible] و دور شود علاج دیگر [illegible] نیم انار برگ نیم پاو و انار
کوفته [illegible] و داغ [illegible] صاف کنند [illegible] تا سه روز [illegible] قدر [illegible]

شود مجرب

شود مجرب است علاج دیگر [illegible] باو جغرات [illegible] ملائی باو انار تخم [illegible] چهار توله کوفته
و بیخته در جغرات آمیخته بر [illegible] مالش [illegible] جغرات [illegible] شود بعد چهار روز [illegible]
[illegible] چسبانیده روز دوم از آب سرد بشوید همین قدر تا چهار روز عمل کند علاج زرنیخ
یک نیم نخود در روغن یاو انار [illegible] آمیخته جای [illegible] بمالد شفا یابد علاج [illegible] و
[illegible] بسیار [illegible] نسخه است تخم [illegible] کاغذی یک انار [illegible] توله کافور
چهار توله [illegible] توله [illegible] چهار توله [illegible] همه ادویه را کوفته و بیخته یک انار آرد جوار آمیخته
[illegible] تخم [illegible] روز وقت صبح [illegible] آب [illegible]
آب [illegible] شفا خواهد یافت علاج دیگر که [illegible] کند [illegible] توله [illegible] توله
[illegible] توله [illegible] این همه
ادویه کوفته و بیخته بخوراند علاج درد [illegible] توله
[illegible] توله [illegible] توله [illegible] توله [illegible] توله
[illegible] توله [illegible] توله [illegible] توله [illegible]

سه توله نمک سیاه سه توله نمک سنبده ۳ توله نمک لاهوری ۳ توله نمک کوهی ۳ توله
زیره سفید ۳ توله انگوزه بهتر یکتوله این همه ادویه را کوفته و بیخته بخوردن ادویه آید
نخود بریان آمیخته بعد دانه بوزن نیم توله از آب خمیر کرده بخورانند علاج اسهال
گرم در موسم مار شیر برما بحار کتانیده بر بندد فایده بسیار دارد مرچ سیاه ۳ توله
اجوان ۳ توله زردچوب ۳ توله منقی ۳ توله نمک کوهی ۳ توله بهنگ ۳ توله سوهاگه [illegible]
بریان یکتوله این همه ادویه کوفته و بیخته و در آن آرد باجرا آمیخته بعد دانه بوزن
نیم توله ببندند علاج دیگر زردچوب یک آثار [illegible] رنگ آثار این همه ادویه را کوفته
و بیخته در آن آرد باجرا آمیخته ظرف چوب گلی به نهد و مابقیت یکروز در جای دفن کنند
بعد آن را برآورده [illegible] نخود ساخته هر روز بوزن یک توله در جمله آمیخته بخورانند شفا
خواهد شد علاج دمه که ایام میکند شیر آب قند نیم آثار کتلی [illegible] هر وقت که دم
میکند همان وقت بدهند از فایده بخشد کتلی را از آب که کند علاج سیر دم که بسیار میکند زیره
سفید دو توله مرچ سیاه دو توله کشنیز خشک دو توله آنوله دو توله مصری دو توله این همه [illegible] را کوفته

حب [illegible]

چو لوت نخود در باو و آثار از آب شب مانده تر کرده صبح آب آن را بخورانند علاج سیر دم
که بسیار میکند بهار و دو آثار باید که یک و آثار از آن بار [illegible] کرده باشد بعد دانه صبح
[illegible] بعد یک شیر آب بدید که بیرون صبح بخورانند تا مدت سه روز عمل قرار کنند اگر فایده
نه بینند بیشتر کنند و خوف کرده نکنند علاج دیگر [illegible] و مال خشک آثار
بوقت صبح در دل آدم تر کنند و بعده [illegible] دانه [illegible] بیشتر شوند علاج دیگر که از
زردم کند سه توله یکتوله ملیتی یکتوله مازریون نشاسته [illegible] یکتوله [illegible] مانند
[illegible] یکتوله [illegible] این همه ادویه را کوفته و بیخته بخورانند علاج دیگر مغز گاو
باو و آثار در روغن کنجد باو و آثار این هردو را چهار [illegible] حل کرده وقت صبح استعمال نماید
[illegible] هر آب [illegible] شبانه روز [illegible] روز سوم [illegible]
باید برده بشوید از [illegible] علاج دیگر زیره سفید شیر گاو [illegible] یک آثار زیره را
در شیر [illegible] و انداخته در شب [illegible] وقت صبح دانه تا مدت [illegible] روز
باشند مجرب است علاج دیگر روغن زرد باو و آثار زعفران [illegible] باو آثار [illegible]
سه ماشه [illegible] همه ادویه آمیخته وقت صبح تا مدت چهار روز داده باشند علاج

بخم بواریا و انار ریشه لهلیلوا ارسته علاوه ازینها ملاوا مغز برآورده سه جا بندد و در دو سر لیمو
است سه روز دفن کند بعد سه روز برآورده و تخم ملاوا مرچ سیاه هر دو را با یک جا کوفته در دوغ
ترشی بار بزاند و نگاه بدارند و زخم است از باعث و شی ... که سیر شود داده
بران طلا کنند چهار یکبار روز تا بسه کرد آفتاب سه بار است ... کنند و بعد از آن از آب گرم
بشوید تا سه روز همین قدر نماید الله تعالی صحت کامل دهد فصل در علاج زخم ها که از کوه و
تیر و تفنگ و شمشیر و زخم تبر و زخم پشت و زخم سینه و افتادن کوه و در زخم دهن ... و
در بیان آنکه زخم ... باشد علاج کل جلبنی یعنی مثل ... برای آن ... کند یا ...
اسبغول و بید یا صابون یا آب گرم کرده همراه ... تا بهتر شود بعده روغن گل سرخ یعنی
گل روغن برای ... جاییکه ... بمالد بعده از آن ... بهتر شود علاج دیگر
زخم پشت آنکه ... یعنی ... یعنی گل روغن با انار ...
در ... آب کرده ... اول آهک را ساییده ... دو بار روغن گل سرخ ...
خوب آمیز کنند و آن آب را در کنند و بعده در چوب پارچه ... از آن بر زخم بندد ...
... بار بر زخم بندد ... خواهد شد علاج دیگر

مرهم ...

۱۷۶

مرهم برای ناسور و تیر و تفنگ و شمشیر و بخته در زخم است اول سیماب را داخل کرده ...
آورند آنچه از چوب نیم ... کنند بعد از آن بر پارچه ... بر زخم بندد به شود ...
... باشد ... مردار سنگ مرچ سیاه ... سیماب ... مرهم
سفیدی بیضه مرغ ... روغن زرد ... بر پارچه ... نماید و بر زخم
بچسپاند علاج زخم پشت این همه ادویه را کوفته باریک ساییده بر پارچه طلا
کنند ... یکتوله ... سفید یکتوله ... یکتوله سیماب یکتوله ...
یکتوله ... یکتوله ... علاج زخم ... باشد سنگ جراحت ... کرده ...
یعنی ... پارچه کرده ... و محکم به بندد ... بعد ... کند آب
بسیار ... شود صحت یابد این علاج زخم ناسور که بر سینه باشد این همه ادویه را علاحده
علاحده ساییده و ... در آتش سوخته داخل کرده همه را در روغن ... گرم کرده
از چوب ... آنکه در چوب ... کرده بعده حل کرده ... پارچه
آلوده بر زخم بندد ان الله تعالی صحت شود دیگر کرد چوب ... یکتوله ...

توله را دو توله ... یک توله روغن گاو ... علاج پر زخم اول
... را ... سوخته ... ادویه را ... و حل نماید و بر
زخم به بندد موم یکتوله ... یکتوله صابون یکتوله ... یکتوله ... یکتوله
... یکتوله ... یکتوله مردار سنگ یکتوله سنگ جراحت یکتوله ... سفید
یکتوله روغن ... سیاه یکتوله علاج ناسور و پر زخم اول ... روغن ...
نماید تا ... شود ... بعد از آن همه ادویه را انداخته و حل کند ... مرهم ساز د
و بعده بر زخم به بندد روغن زرد ... انار ... توله ... توله
... توله ... سیاه ... توله موم ... علاج افتادن
کرم ها ... باشد ... را کوفته و بیخته در زخم به بندد و زخم را از
... شود بهتر شود ... که بر زخم باشد یعنی ... بر زخم ... باشد
... روغن زرد ... چندی روز ... بهتر شود علاج ... زخم
پشت باید که ... کرده باریک ساییده چندی روز بر زخم ... باشد

...

۱۷۷

... علاج دیگر ... ساییده بر زخم ... زخم ...
... علاج دیگر ... یعنی ... باشد بهتر ...
علاج ... زخم باید که کاغذ از آب ... بر زخم ... تا که ...
... علاج ... از زخم اگر خون ... شود باید که ...
... و ... ساییده به بندد خون ... زخم بند ... دوای مجرب است
علاج دیگر زخم ... یعنی ... در آب ... از آن
آب زخم ... و بعده ... برگ ... و ... سیاه ... زرد ...
... بر زخم ... علاج دیگر ...
چوب ... کرده ... ساییده ... نماید و بر زخم ... آن
... در دو وقت ... اگر زخم ... باشد ... آید و بعده فصل
در علاج ... بر زخم ... و ستاره ... یعنی ...
... علاج ... روغن ... در بیان ... زخم اگر خواهد
که زخم ... برگ نیم را در آب بجوشانند و از ... کنند علاج ...

مساج روم یعنی کنگور بریده در آب اندر بغته بجوشانند و عرق آن آب بعد چهار
چهارم بمالد و در گرما است البته الغرض موافق باد و ساعت بمالیده از آن ملکور
نشو بر چهار روز بلند نشسته باشد که مو از اندام است بر آید و آن علت بر طرف
شود **علاج بر آمدن مو بر زخم از پشت است** باید که پیل از آله چوب بیف در لعب
دهن حل شده بر زخم نهند تا بجنبه مو بر زخم پیدا خواهد شد **علاج موی بجود** بر آید
این دوا کند سنجی الگ کرده با روغن تیزه بهم در آن جای بمالد مو بر آید **علاج**
در بیان دور کردن بیشوری بدنیغ بیشوری اگر خواهی که بیشوری از بدن اب
دور کنی باید که پولت آنجا بریده تیل و شند و در آمیخته بر زخم بیشوری ببندد و در چند
روز در آنجا موی ها از پشت برآید **علاج است بر آنکه از بیشوری باشد** سیماب دو ماشه و اخواه
جو اسانی دو ماشه کیته نعد دو ماشه بیله طوطه دو ماشه در آسی بشکره همه ادویه را انزل
نماید و کوبیده و هوا فی کنار به بندد و دو ساعته خشک کرده برادو و در آن سوده بر بیشوری
لیپ کنند بیشوری برود **علاج در بیان دور کردن عقرب ستاره** اگر خواهی که عقرب ستاره
دور شود چنانکه عقرب و غیره باشد بریده زرد چوب خشک کرده سائیده بر او نهند برود

علاج تشنج

علاج تشنج عضله پستان است اگر خواهی که پستان برود قدری سیخ و خونه در آب بجوشاند
دو بالا انداخته یکی به یکی تا چندی بر پستان ... از خود بریده شود **علاج کوشته**
مراد از آنکه بریده باشد برگ دهتوره نمک شور مردار کوفته در آن جا بیله کونت زبانه باشد
ضماد کند در محوان گشته روز بریده شود و بهتر شود **علاج در بیان** خواه از آتش
سوخته و خواه از بارود سوخته باشد عرق بیاز بر روز برادی فی الفور حال صحت شود
بلکه دوای دیگر آن نیز هم عجایب است **علاج است سوخته** برگ حنا خشک کرده سائیده
از آن تک کرده از مال چند مال بر بدن **علاج در بیان کسی که از ابرو انگوه باشد** ادویه است
کوری بادام خوب تر کرده بر او نه بندد و تا که بهتر شود کوری از او جدا نکند **علاج رفتن**
خون چنانکه از کشیده ارک و بخار گوشت و اک بینی و بالشته اگه چند روز مانند باشد
پاره پنبه سنبل در آن بجای که می رود با هم کرده ادویه مذکور نه بندد **فصل هم از دوم**
علاج هوزه است زنبیل آکاله چهار توله و قدری قند سیاه آمیخته نیم دانه بخورانند بعد
چندی روز مجلس کند بهتر خواهد شد **علاج دیگر** موها که بر پای سنسناله همراه آب بیدبید
بر دو لب بالا و اطراف چو کنند و عرق یعنی رگ که از بینی او است باشد آنرا بریده

همگی و بیلادی بارکه رود رساییده به بهند علاج دیگر تیل با وانار ارقنه ارم پرده ده بلاد
باندانه و چونکه درو کوفته شود و خالص شود در یک ظرف مس بند کرده بر روز ده بار بر
زخم به بهند بهتر خواهد شد علاج سیلک تره موم سفید نیم بار و لونک بلکتوله جوز شه عدد
البجوز بخوانه مار جیل خنک یک بیتی لون کبرد بلکتوله [illegible] ادویه را کوفته در
پارچه دو دو تولی بسته بر بابه ارم نمجه صبح و شام سیکه سازند علاج دیگر سبهاله
بریانی بلکتوله شاخ آهو بریانی بلکتوله شاخ گاومیش بلکتوله سپندی سه دانه را جمله چار
را برآورده باید که این هر سه اجزا را سائیده ملاگور را تر کشیده ادویه را کلان کشته
کنند مت کرده در آن انداخته تخت کنند نخود بریان معه پوست انداخته تولد مالیده
تمباکو لبس تولد با زمان عرق از قند باید که چهار روده گویا نمایند و بر روز یک کوبا بر بند
اگر کهنه باشد یعنی اگر قدیم باشد سه رات تمیا ملاگور تیار کرده بخورانند علاج دیگر
حیب مغز ارندی را با رنگ سائیده هر دو در الشر یک نمجه لیف نمایند علاج دیگر بول
سته تولد و دو نیم ماشه سبجی سائیده در بول آمیخته مالش دهند علاج دیگر بغیل علاج
موتره قدیم شیر زقوم ملادر بلک چهار تولد چهار درهم ماشه برک سداجیر بلکتوله دو ماشه

در بول جیان

در بول جیان حل نمایند له لیت ارد عمده ده ولیت ملکور بلند بهتر خواهد شد او دهم
شده است علاج دیگر بکوهری سرآدمی و بکوهری ترکس یعنی بهدال و بکوهری کره و بکوهری
جندل چون سبجی لیار سبهاله تمله بریان شاخ گاومیش له کوم برآورده باشد بهنگری
همه بکوهری و شاخ را علیحده علیحده کوفته و سبجی وغیره در آن آمیخته در پارچه بیخته همه را
بموزن کرفته یک یک لحبه تولد دو ران بهند و دو وقت صبح در آب انداخته است را بنوشانند
و اگر بعض بهتر نشد و ربله انداخته بنوشانند بعده آب ار بابی است انداخته باله ریوان
حل شود و اگر موتره نو باشد در یک هفته و اگر کهنه باشد در دو هفته دور خواهد شد حیب دیگر
لیت دوم است مو ای جا له موتره باشد از بستر دکستره قدر لکلک با ریک زده له چون
برآید بعده ادویه بد اجالا و به خشود سبجی بسته سهاگه و شه کوبت سفت مانه باین زن کرو در
لب نماید و بعد دیتوره ... را بالای آن به بندد علاج دیگر شاخ گاومیش را سوخته خاکستر آن
بوزن شه ماشه در شمال آرد آمیخته است بخورانند علاج دیگر ملمانه سه آدم وسط قوتک
اده از زغال الک جوزد و زبان سک با آتش وناخن ... و شاخ نجه گاومیش انجمله

ادویه را ایلچی کرده کوفته بیخته گولیها بسته یک گولی هر روز هر بامداد و دو وقت بخورد
علاج دیگر بول بز دو توله سجی چهار ماشه با یک روز در ... دیگر سو بچل ملتوله دو
ماشه خوب ایکی کرده مویها از حمام موتره دور کرده و ادویه مذکور همراه با شیوه خلت مالیده
بمالد و برگ دتوره بران ببندد تا هفت روز کند **علاج دیگر** میتهی یک آثار حلوی یک آثار
شکر تری یک آثار روغن زرد یک آثار سبعاله یاو آثار میتهی دو نیم آثار شبهای ببندد
وقت صبح شام هر بامداد ان الله تعالی صحت گردد **علاج دیگر** استخوان ادمی موافق سیر شیابی
خنک سائیده در دانه بخورانند ماشه ۳ مغبه بجهان کند حاجت که موتره بر بود
بلادر یک آثار رجند سیاه یک آثار زرد چوب یاو آثار میتهی کوکل یاو آثار سونهاله نیله چهار توله
خاکستر کهوپر آدم چهار توله همه ادویه کوفته و بیخته و بوات و برگ زرد داتگره بیخته
گولی بوزن چهار توله یکوقت یک دانه هر روز دانه خنک آب گرم بکوفت بربند **دیگر**
دکهن و دوا بیت را خوردن دهد نیله طوطه چهار توله موی سر آدمی چهار توله کهوپر سر آدم
چهار توله این همه سوخته خاکستر نموده ادویه ها بوزن یک ماشه بسته و بوزن نیله طوطه الضف بسته

عجوه سورنجان

علاوه بوری خالص یک تنبول هم ماشه بسته در آب بوقت صبح چند نموده بلکوری
نموده از ان مریضی را بوری یکروزه دو ببندد مجرب است **علاج دیگر** سجی توته زنگی هر ۲ توله
کوکل ملتوله نیله طوطه دو توله نبات غانی ملتوله کچی سفید ملتوله تخم سوبا دوازده توله حرمله
ملتوله کهوپر آدم سوخته عاید شاخ گاو همه ادویه خام دسته کوفته با ربخته تعوند سیاه گولیها
بندد هفت روز هر روز وقت صبح میشی ارد دانه و بوقت شام و تعوذ هر دانه بخوراید ه باشند
ان الله تعالی صحت کلی خواهد شد **علاج دیگر** بلادر چهار عدد جوارکی چهار ده توله این همه را
کوفته و بیخته با رنگ سائیده قدر آب انداخته چهار ده گولی بندد و هر روز بوقت صبح یکگولی
بدهد **علاج** موتره پیلا مرد سه ماشه برگ تیلا کار یک مثقال هردو را کوفته یک گولی
بسته بوقت صبح بخورانند چهار ده روز بدهد شفا خواهد شد **علاج موتره** کهور گلری یاو آثار
مرچ سیاه یاو آثار سبعاله یاو آثار زیره یک یاو آثار انیسی بلادری یاو آثار دنبلی یاو آثار
رومی مصطکی یک توله سوخته سه توله یاو آثار همه را کوفته و بیخته اول سبعاله و دنبلی را آب ترشی
هند و برنج نموده ادویه را کوفته و بیخته نیم یک گولی بسته بخورانند شفا خواهد شد

بلو روغن مصطکی را در آب تر نموده در ادویه مذکور داخل کرده چهل روز روغن زرد از شروع
ادویات بخورند بعده چهار روز دیگر هم شروع نماید ... مذکور کویا
مذکور در پشتی به بادنجان بخورند فصل بیست و دوم در بیان موتره و سودا و علاج ...
... دیگر سیجی یا و اثار سیماله نیم اثار جوالکهار نیم اثار نمک سنگ یا و اثار
و نمک سوچل یک اثار نمک شور کلونجی نیم اثار زیره سیاه نیم اثار زرد چوب یک اثار
بلیله یک اثار ... نیم پاو اجواین یک اثار ... یک اثار ... یک اثار نمک ...
یک اثار جمله ادویه را کوفته آمیخته مقدار سه توله هر روز میداده باشند موتره و سودا دفع شود
علاج دیگر اول ... زیر ... دو طرف رگ ... را گرم ... کند بعد از ان
سیاه زرد چوب یک اثار ... و بالا ... یک اثار ... و بالا یک سیر ادرک مرده این همه را کوفته
و بیخته چهل روز در دانه بخته بخارد ... شود علاج دیگر استخوان ... کسی ... کرم
برامانس ... ضماد کند بعد از ان ... مغز
... سیماله ... علاج نوزه ... سیجی کمار

دو توله درخت نگار

دو توله درخت نگار دو توله ... دو توله ... بالای ... حجامت کنانیده ... پارچه
ساخته ... مربوط ... ادویه مذکور ... نگاه ... مذکور ...
... نماید ... ادویه ... چهار ... سه دفع ... مجرب است
علاج ... شده نمک سه توله سیجی کهار سه توله جوا کهار سه توله ... مانند
... ادویه را ... نموده ... دو پاره ...
... ادویه مذکور ... آمیخته ... مو آن ... کرده
سه روز ... ادویه که بالا نوشته است
... مجرب
آزموده است دیگر ...
... بخته ... شود
مذکور ... پاره ... دو پاره ... ساده ...
دیگر باقی ... پاره ... اول ... نوشته

بعد آن به پارچهٔ پیوساده را بشویند بعد با جای ابتدا از پارچهٔ [illegible] بشویند و باز از پارچه بشو
بسته بشویند از [illegible] پارچه بشویند و بعد از آن صندل [illegible] را ساخته [illegible]
را بکنند و از [illegible] سازند [illegible] صندل [illegible] کوفته [illegible]
بربندند و بعد از آن استخوان شتر [illegible] تا ۳ روز از این استخوان [illegible] **علاج** [illegible]

[illegible] استخوان [illegible] استخوان [illegible] شتر و [illegible] خام استخوان [illegible] پارچه پوتلی
بسته [illegible] خام را باریک ساخته دو [illegible] آب [illegible] انداخته [illegible] آب [illegible] را در یک سبوچه
انداخته [illegible] سبوچه پارچه بسته [illegible] آتش [illegible] سبوچه [illegible] پوتلی [illegible]
[illegible] کرده [illegible] پوتلی [illegible] بسته داده باشند **علاج دیگر** [illegible]
[illegible] آب [illegible] باریک ساییده [illegible] بالای آن [illegible]
کنند و از پارچه ببندند و بالای آن یک سبوچه آب سرد از دست [illegible] تا دوا
دور شود [illegible] **نسخهٔ** [illegible] زنجبیل نیم آثار [illegible] نیم آثار
هر دو را باریک ساخته و باریک ساییده نیم آثار روغن زرد [illegible] نیم آثار [illegible] ادویه [illegible]

و شکر [illegible] روغن

و شکر [illegible] روغن [illegible] از دست [illegible] سرد [illegible] بخورانند نیم آثار [illegible]
[illegible] آثار [illegible] سرد کرده [illegible] سرما ببندند و اگر موسم گرما باشد
دو وقت ببندند رعایت موسم ضرورت است شرط آنکه اول یک گره [illegible] را [illegible]
[illegible] آثار [illegible] کرده [illegible] در آن [illegible] ببندند [illegible] شود [illegible]
شد و [illegible] واضح است [illegible] است از [illegible] بالای آن [illegible] یک
[illegible] سه روز ببندند **نسخهٔ [illegible]** [illegible] آثار [illegible] آثار
هر دو را بخورانند مجرب است **نسخهٔ دیگر** [illegible] آثار [illegible] سرد [illegible] اول
روز یک [illegible] روز دوم [illegible] سیوم روز [illegible] چهارم روز چهار بخورانند مجرب است **نسخهٔ دیگر** [illegible]
اول [illegible] زنجبیل چهار ماشه [illegible] یک ماشه این [illegible] کوفته و بیخته [illegible]
آمیخته [illegible] انداخته [illegible] بنهند **نسخهٔ دیگر** [illegible] چهار ماشه
کوفته و بیخته [illegible] انداخته بالای آن برگ [illegible] ببندد و بعد چهار [illegible]
[illegible] ببندد **نسخهٔ [illegible]** زرد چوب [illegible] آثار [illegible] آثار [illegible] آثار [illegible]

نیله طوطه یک پیاله عقرقره بلبتوله قند سیاه یک نیم آثار همه جنس را کوفته و بیخته در قند سیاه آمیخته کوله
بسته بوزن یک پاو آثار بسته بوقت صبح یک گوله و بوقت شام یک گوله بخورانند و آب نخته بکلام
بدهند و دانه بالکل نه دهند و گاه خشک بدهند **نسخه دیگر جوکیره** بلادر نیم آثار کنجد سیاه نیم
هر دو را کوفته در قند سیاه آمیخته گوله بوزن نیم پاو بسته صبح و شام بخورانند و آب نخته بکلام
و دانه نه دهند **نسخه دیگر جوکیره** زرد چوب نیم آثار بهنکره نیم آثار سجی لونه نیم آثار مرچ
سیاه نیم آثار زنجبیل نیم آثار پیپل نیم آثار هال کلان نیم آثار اسگند ناگوری نیم آثار مسلا
نیم آثار اجواین نیم آثار زیره سیاه اجوان نیم آثار زیره سفید نیم آثار بیضه مرغ مالکیان ۳۰ عدد
همه ادویه را کوفته و بیخته در قند سیاه گوله یک پاو آثار بسته صبح و شام بخورانند و آب
نخته بکلام بدهند و دانه بالکل نه دهند و گاه خشک بدهند **نسخه جوکیره دو شنبه بند** زنجبیل یک پاو آثار
پیپل یک پاو آثار مرچ سیاه یک پاو آثار عقرقره یک توله برگ تنبول یکصد جوز بلبتوله نیم توله
بلبتوله نیله طوطه یک توله بریان عسل یک آثار ریواد بالا همه ادویه را کوفته و بیخته سه روز
صبح و شام بخورانند و از هوا احتیاط کنند و در جایکه گرم باشد به بندد و بالا آن جهول
و غیره اندازند تا عرق باید آورد و دانه موقوف بعد آن اجوان و تلی بسته در آب اندازند

رنجه بکدیم

آب نخته بکلام بنوشانند **نسخه جوکیره آب گیره دو شنبه بند** و بهوا زده همه را مقوی بکند علف
بلادر یک پاو آثار رکوم بگاو میش بکلد و نمک در کوزه آمیخته بوقت شب همه را بخورانند و
بوقت صبح چهار گهری روز برآمده آب نیم آثار بنوشانند بعد دو گهری نیم نیم آثار
سه روز بخورانند **دفع علت چهارم در بیان سرین و بیرون آمدن موی**
انجا اشتک اول که باشد بهتر شود اگر اسپ را بیرون شده باشد پشکل بلادر
را در آتش بسوزد و فتیله گرم شده بر سرین بندد تا که خوب شود **علاج دیگر** کرده بر
قدری گرم نموده به بندند **علاج دیگر** رقوم شاخ او بعضی تبیض قدری گرم نموده سابن
برآورده بسته ده پاس شمار که به بندد و متواتر تا سه کند موی برآورم پیدا شود و مو
پیدا خواهد شد **علاج دیگر** پهلی شتر اوله گرم کرده بر سرین بندد در روز خوب موی
شود اما موی براو خواهد آمد اسپ سنک و جگر اول اگر باشد آنرا هم این دوا کنند آنهم خوب
خواهد شد **علاج دیگر** سجی کل را بلبتوله سیاه یک توله برگ تنبول نیم توله هم بجز الخر
همه را خوب ساییده در پارچه بندد و سنک و بدو بهتر خواهد شد **علاج دیگر** پهلوی شتر اوله
از آتش گرم کرده بالای سرین بلادر کماد کنند و فتیله به خوب طریق گرم مرسد آنوقت آرد جوار

را اگر کهنه کوبی کلان تر گشته شکاف ساخته با الماس آن ببر بزی بدو به بندد و در دو روز [illegible]
علاج دیگر اگر جوانی که موی آنجا بر آید سنجی اگر کرده به روغن تره بهم در آن جا بلکه موی [illegible]
بمالند زود موی بر آید و پیدا شود علاج دیگر از هر قسم که باشد با هر بیمار چهار توله [illegible]
آب چهار توله ادرک چهار توله باید که این همه ادویه را کوفته کوبی مواتی [illegible]
کوبا صبح و یک گولی شام بخورند برای جوانان است بخورد خشک و گاه خشک [illegible] داده
یکوقت بخورند اگر آب اگر کوبیا دو وقت گرمی کند باید که یکوقت بخورند فصل پانزدهم در بیان
[illegible] باید که موی آنجا اول تر شده
بعده آنجا بحسبه زنند تا که موی چهار شود [illegible] گشیده در آب [illegible]
شود باید که بقدر احتیاج از آن گرفته و کوفته با ریک کرده برابر به بندد تا [illegible] روز
شمار کرده بکنند علاج اگر [illegible]
بر پای [illegible]
[illegible] آن با [illegible] علاج [illegible]
سنجه [illegible]

علاج جلد اول

علاج جلد اول اگر [illegible] زحمت [illegible] قدیم باشد باید که
بجای [illegible] بکنند [illegible] گرم کنند [illegible] گرم کند
[illegible] و [illegible] کند [illegible] بخواهد ماند علاج دیگر زرد
چوب [illegible] جلد اول [illegible] زحمت [illegible]
جای [illegible] اول [illegible] ادویه [illegible]
[illegible] دو باره کند [illegible] به بندد [illegible] کند
شفا خواهد شد [illegible] علاج جلد اول اگر قدیم باشد [illegible] داغ [illegible]
دارو [illegible] مرهم کند و [illegible] کند [illegible] گردد
علاج [illegible] جلد اول موم [illegible] توله [illegible] توله [illegible]
[illegible] توله [illegible] توله این همه ادویه را [illegible]
[illegible] به بندد [illegible]
[illegible] علاج دیگر [illegible]
[illegible] کرده [illegible]
[illegible] کند بهتر خواهد شد علاج [illegible] جلد اول

و هوشیاری و درم بر قیم انشو و درد سر آید بانید ببرد و بیسیند بیدها را آنچه بلادر حک خواهد و در ...
ان سعید خاصه ...روز ... مرهم گوید بعده این هر سه اجزا را ساییده در دبل آدم انداز ...
ولیت گرده با ادوان از پارچه بیه بند و بعد از آن ... سه روز وا کنند و دیگر ... ماشه ...
کنند بهتر خواهد شد و بعد سه لیت اجوایین را سوخته خاک کرده این ابنهم ...
تا هفت روز وا کنند شفا خواهد شد علاج جگر اول خرما ... دمعرل ... ماشه این هر دو را
ساییده بر جگر اول حجامت که بجفه زده اول ... را ... ساییده بعد ادویه ... را
بندد نسخه هر روز سونف سونف نمک سیاه مرچ سیاه ... این همه ادویه برابر
گرفته کوفته بیخته هر روز بعد دانه بدهند شفا خواهد شد علاج بیده ... و جگر اول ...
گوی ... با ... مرهم دوازده ... سند ... دو توله ... سیاه ... دو توله ... را
باریک ... ساییده این هر سه ادویه را باریک کرده مرهم را در آخر وقت گرم ...
چهار ... را در مرهم گرم آمیخته ... جا ... و جگر اول ... بندند بهتر خواهد شد
فصل ... علاج ... آب ... راه ... شاخ و خون ...
و ... علاج ... آلو ... افیون ... توله ...
قند سیاه دوازده توله این همه ادویه را کوفته بیخته ... گوی ... وقت

صح بعد

صبح ... گرم ... خواهد شد علاج نسخه جواره ... ب ...
سنبل ... سیاه ... ساخته ... هر روز بوقت صبح ...
... چهار توله ... بیده باشند و بوقت نیم شب یکبار ... اگر
... علاج ... جوگره
جواهر سنبل ... افیون ... برابر گرفته ...
نخود بسته هر روز ... روز ... بعد از آن ... فاقه کنند علاج
افیون ... ماشه ... ماشه ... علاج ... ماشه ...
و ... علاج جوگره ...
افیون خالص ... ماشه ... نیم ماشه ... نیم ماشه ...
خالص ... ماشه ... نیم ماشه روغن ...
باید که این همه ادویه را ... کرده ... روز اول گویی ...
دهند روز ... روز سیوم ... اندازه ...
... روز اول چهار ... روز دوم ... روز سیوم

بلیلاس و گاه و دانه خشک امید بوده باشد **علاج دیگر** افیون ۳ توله انگوره ۳ توله زنجبیل
دو توله نشاسته اجواین با او انار زرد چوب تخم کشنیز [illegible] توله جیلامور ۲ توله [illegible]
هفت توله نشاسته اجموده ۳ توله گوگل [illegible] توله تخم [illegible] توله سنبل [illegible]
نیم ماشه سهاگه ۳ توله هینگ ۳ توله این همه ادویه را کوفته در برگ ادرک [illegible]
بندد و از برگ ادرک خاشند در رسن چال سحقه بندد [illegible] وقت شام بدهد بعلم الله تعالی
صحت شود **علاج** افیون یک توله نشاسته سهاگه [illegible] یک توله نشاسته [illegible] برنج
یک توله [illegible] ماشه طوطیا ۳ توله [illegible] با او انار [illegible] روغن کنجد باد
انار [illegible] افیون را در آب [illegible] همه ادویه را المحیقه
بعد از آن روغن کنجد انداخته [illegible] داده [illegible] آب داده
بعد از آن این ادویه بوزن دو توله با قند سیاه ۳ توله بخورانند [illegible]
نصف [illegible] **علاج برد [illegible] که باشد** این [illegible] برابر [illegible] علیحده علیحده
[illegible] رفع خواهد شد [illegible] **علاج مرض**
[illegible] را [illegible] آید گوگل با او انار هینگ [illegible] جیلامور با او انار [illegible]

سوس کبیر

سوس کبیر و تخم انار سحیقه [illegible] انار [illegible] دو علاوه [illegible] انار [illegible]
[illegible] انگوره [illegible] قند سیاه [illegible] انار [illegible]
ادم [illegible] دو جوب کوفته و بیخته و چال برگ [illegible] انگوره [illegible]
[illegible] توله بندد و بعد [illegible] بدهد [illegible] شده [illegible]
بر [illegible] حکم الله **علاج [illegible]** سهاگه [illegible] قند سیاه
انگوره افیون [illegible] سحیقه [illegible] این همه ادویه را [illegible] کوفته در
قند سیاه بوزن [illegible] دو توله بندد و [illegible] وقت میدهد
باشد [illegible] آب [illegible] ۳ [illegible] دانه [illegible] بعد از آن دانه نخود [illegible] انار
[illegible] معمول [illegible] **علاج [illegible]** این همه ادویه را
[illegible] بخورانند [illegible] سحیقه ۳ ماشه [illegible] یک توله
[illegible] سحیقه [illegible] **علاج [illegible]**
[illegible] این همه ادویه را [illegible] بخیه [illegible]
مقدار دانه نخود [illegible] بندد [illegible] وقت [illegible]

بجمله در آب شیرام و بعد بلاله دانه چند روز بدهد از ارواحی بسیار باشد و دو تولی صبح و [illegible]

ت هم میداده باشد ارسی کیور بیجتوله املوزه دو توله [illegible] دانه بحسائل [illegible] اطلاع

بیجتوله کیوریح بیجتوله بار برنگ بیجتوله بحسان بلکتوله رومی مصطکی بلکتوله [illegible] طبقی بلکتوله

افیون دو توله نشاسته ابیس بیجتوله تلی بیجتوله مرج سیاه ۳ آثار [illegible] بیجتوله سیاه

[illegible] بیجتوله ها لون بیجتوله عبد الکرز بیجتوله اجواین خراسانی دو توله نشاسته

کالی زیری بیجتوله کالسیر بیجتوله [illegible] بیجتوله برک [illegible] ۳ عدد [illegible] بیجتوله برگ

دو توله نشاسته آدرک یک انار [illegible] **فصل [illegible] علاج تب زیر باد و [illegible]**

چشم [illegible] زیر باد مرج سیاه ۳ توله تلی ۳ توله کالی زیری [illegible]

کالسیر ۳ توله [illegible] ۳ توله [illegible] ۳ توله [illegible] ۳ توله

[illegible] ۳ توله اجواین [illegible] ۳ توله [illegible] ۳ توله نمک سیاه ۳ توله نمک سفید

۳ توله نمک [illegible] ۳ توله نمک [illegible] ۳ توله [illegible] مرج سرخ [illegible] ۳ توله

[illegible] ۳ توله این همه را کوفته و بیخته ارد [illegible] بریان آمیخته در [illegible]

کرده بعد دانه بوزن [illegible] توله [illegible] آب شیر گرم بدهند [illegible]

در شراب آمیخته [illegible] داده باشد **علاج تب زیر باد و [illegible]**

مرج سیاه

١٨٧

مرج سیاه ده توله بشکری بریان نیم توله [illegible] بریان بیجتوله سیماله بیله خام بیجتوله آرد نخود

بریان یک و نیم آثار این [illegible] همه را در همه ادویه را یکجا کرده سیماله خام

[illegible] خل [illegible] از آب سیماله [illegible] بوزن چهار توله بسته بعد دانه بدهند

اگر [illegible] باشد در شراب داده باشد و بلوق آب شیرام بدهند **علاج** تب زیر باد تلی

بلکتوله برگ [illegible] نیم توله [illegible] کوفته [illegible] مرج سیاه دو توله این همه ادویه کوفته و بیخته [illegible]

سائید [illegible] ادویه را آمیخته [illegible] بسته صبح بدهند و بلوق آب شیر گرم بدهند

علاج زیر باد و [illegible] مرج سیاه [illegible] توله تلی [illegible] توله [illegible]

[illegible] این همه ادویه را کوفته و بیخته ارد [illegible] بریان کرده [illegible] آمیخته

در شراب [illegible] چهار توله آمیخته بعد دانه [illegible] بدهند بلوق آب شیرام بدهند

[illegible] را بدهد مفید است و مجرب است **علاج زیر باد** سنبل [illegible] ماشه

[illegible] خام [illegible] ماشه بشکری چهار ماشه سیماله بیله چهار ماشه این همه ادویه را کوفته

در پارچه بیخته بوزن ۳ [illegible] بسته بعد دانه یک [illegible] در پارچه [illegible] گندم [illegible]

و بلوق آب شیر گرم که بنوشانند مفید است **علاج دیگر** [illegible] نیم ماشه

کوکل نیم توله اجوائن نیم توله سکونه انکوری نیم توله بار نگ دو توله نمک سونچل نیم توله
تا که نکن دو توله این سفوف صبر را کوفته بیخته بعده آمیخته ادویه کرده
بوقت شام بعد دانه خورده باشد مفید است و قرینه و هم به اعجب نمانده علاج
کابلی زرد چهار توله صبر بیخ ایلوه چهار توله بهلیله کوکل چهار توله سیر دو آن توله این همه
ادویه را در آب و بیوره خوب حل کرده ابن را صاف نموده اندازد دو شراب دراحل کند
و بالیده وقت ناید در بیک بلک و بعد تا خشک نشود علاج دیگر مرچ سیاه
دو توله کابلی زرد چهار توله صبر ماهی بریک دو توله بار کشنه یک توله زرد چوب دو توله تلی
یک ماسه مغز کلکله یکتوله کندهال یکتوله اندر جو نمک سیاه دو توله این همه ادویه را
سائیده و در شیشه نگهدارد اندازه کولی بوزن دو توله ساخته بدهند علاج دیگر
کابلی زرد یک دانه مرچ سیاه یک دانه قند سیاه نیم دانه بیخ کالا کوزانیم دانه اندر نیم دانه
مغز کلکله نیم دانه اندر اون نیم دانه و کابلی کهجور دو توله اندر جو دو توله تلی دو توله این همه را کوبیده
سائیده هر روز بعده نیم دانه بدهند از روز یکی باشد یا هر روز دو وقت بدهند و بیاید
حوالی نحود خشک و آب سه بار و در بالستان و در کرما در بار شیر آب اجوائن داده بدهند
شفا خواهد شد علاج دیگر کابلی مرچ یک سولف پنج توله بار زنگ یک توله اجوائن

بست توله

بست توله زرد چوب ده توله نمک سیاه بست توله سوچنه بست توله نمک سانبهر ده توله
نمک ... ده بست توله ... اندر جو چهار توله بار کشنه ده توله بال هر ده توله
تلی چهار توله سنهج کهار چهار توله بابر کهار چهار توله و لهار تیله چهار توله کابلی زرد بست توله مغز
کلکله ده توله اندر اون ده توله باید که این همه ادویه را سائیده عرق فرود توله این مصالح
ادرک چهار توله داده باشد از حل زیر بالا بسیار باشد باید که این هر سه اجزا را اشربک
کنم و اگر کم باشد در اجزا مذکور این را اشر یک بلکند اندر جو بلخ مغز کلکله اندر اون خشک
سنبل سنبله یکتوله شنگرف توله لته بابر یا چهار توله هر سه را کوفته از آب ادرک یک جا بهر دانه
نخود کولی بسته یک کولی وقت صبح بیش از نهار دانه و یک کولی وقت شام بعد از دانه
بدهند اگر کولی ... باشد در آب حل کرده از یکی بخوراند دیگر سنبل سنبله شنگرف ایلوه
کته سفید هر چهار بوزن برابر کوفته به آب ادرک سا... آب ادرک یکجا شود و آب سوچنه
دانه قند ... بنخ خشک هر کولی بدهند و یک کولی پیش از دانه بدهند علاج دیگر
... سنبل یکتوله کابلی بهل اگر یکتوله سوچنه یکتوله همه ادویه را کوفته بیخته در بار ...
... صبح و شام هر دو وقت بدهند از بار مذکور دفع خواهد شد فصل پنجم علاج

هم بست علاج بدنام اول حباب سیاه کوفته با ریک سائیده دو توله اصفر مرچ سیاه دو آن
آمیخته و بیخته به عالی وزن یکوقت در دهد آمیخته ... صبح و شام ... ذاتنر که صحت شود و
آرام باید علاج بدنام و کمنام سنبل کهار یکتوله بیخ مانه شنگرف یکتوله بیخ دهم ماشه
کته سفید دو ال... توله یازده ماشه ادرک نخود توله ده ماشه برگ تنبول کته ماشه علاوه همه را در کوفته
اندازه با ریک سائیده آمیخته حل دو دو کولی بالسته یک کولی وقت صبح یک کولی وقت شام بدهند
بهتر خواهد شد علاج بدنام کسوت بیخ توله تیلمور نیم توله و ده ماشه سهاکه بریان سه توله
دو ماشه و نیم ماشه اب آب هر روز بخوراند مفید شود علاج دیگر قرنفل یک علاوه انبر بل یکمنت
برگ کنکنی یکمنت هر سه را خوب کوفته و بیخته آمیخته قدری هر روز بعمل آرد تا که صحت شود علاج
بدنام از آن شود آنچه از آن مکروه سوین کبیر دو سه بار و مرچ سرخ بار و آثار هر دو را کوفته و بیخته
یک آثار آرد جوار آمیخته از عرق نیموز کولی بوزن نیم دانه و بدهند نیم دانه و یک وقت بدهند دو دانه خشک
و آب شیر گرم میداده باشد علاج دیگر بدنام شیر درخت انکره بیخ آن چهار توله در روغن زرد
چهار توله در آب ... یکبار شود بعد از آن هر دو را آمیخته بر آتش بنهد تا که بطور لیپ گردد
بهتر کرده بدنام مذکور به جسپانند تا که بهتر شود علاج دیگر مرچ سیاه یک بار و آثار بلادر بار و آثار
کابلی زرد یک آثار سهاکه تیله بار و آثار تیله طوطه بریان بار و آثار سوین کبیر و نیم آثار مرچ سرخ

با نیم آثار

بار و آثار ... ربع ... نیم آثار کل کیر و بار آثار این همه ادویه را کوفته و بیخته آمیخته در
عرق برگ انبره کولی بسته و کولی بوزن نیم آثار رو دانه و بالا بسته بوقت صبح بدهند و دو دانه
خشک بعد بلادر آن یکوقت بدهند و بهتر خواهد شد علاج دیگر بلادر یک دانه آثار کنجد سیاه
یک دانه آثار برگ اک یک دانه و آثار قند سیاه یک آثار همه ادویه را خوب کوفته در قند ملول کولی
بندد و هر دو وقت صبح و شام مقرر کنند هما نوقت داده باشند ان الله تعالی در چهل روز درست
دور صحت یابد علاج دیگر سنکهیا ... نیم توله در روغن چیلی یکتوله شیر اک یکتوله
تیار کرده بدهند صحت شود علاج کمنام عوک نبوه آوادی جو خرطه باید در پارچه جامه
بپیچند و دور گلو ... ببندد تا که عوک میرد و خشک شود و کمنام و خنام ... دفع شود
علاج دیگر خنازیر و بدنام در برسات تلی نه ماشه شنگرف یکتوله و نه ماشه کوکل نه ماشه
تخم کونچ نه ماشه کوچی نه ماشه کات زیره نه توله کته سفید نه توله الجوده نه توله اجوائن
خراسانی نه توله ادرک بار و آثار زنجبیل یکتوله لیبوسه علاوه آرد سنکهار آثار و آثار ... همه
ادویه را با ریک سائیده کولی موافق نکار صحرائی ببندد یکوقت صبح و یک شام بدهند
نخود بریان که داده باشند علاج دیگر نهار باب شنبه نیم کمان سرد ... بلتوند
کمنام دفع خواهد شد علاج خنازیر و بدنام در برسات مرچ سیاه نه توله نه ...

دیگر کاله کوک ورم میکند مرچ سیاه نیم توله لنکی چهار توله لونت چهار توله
کمالیه زیره چهار توله زرد چوب چهار توله باربرنگ چهار توله گلجن چهار توله هنگری
بریان چهار توله سبهاکه یله بریان این همه ادویه کوفته و بیخته بمقدار ادویه کوفته برگ
نیم امیخته گولیها بوزن نیم توله بسته هر دانه بدهند یک گولی بوقت شام بعوض آب
شیر گرم بدهند علاج دیگر اگر از شکم خون میرود باید که این همه اجزا آتوله
تیار کرده بدهند برنگ برنیان وانار زیره سفید چهار توله لونت کشنیز چهار توله انوله نیم توله
ارد مرچ کوفته انار این همه ادویه را کوفته و بیخته در عرق کیوزا گولیها بوزن لنکی توله
بسته یک گولی بوقت صبح و شام و آب شیر گرم و دانه دکاه خشک میداده باشند
علاج دیگر انوله سه توله بولت هریره سه توله بولت بهیره سه توله لونت سه توله نیم هری
سه توله بیل گری یکتوله غنچه گلاب سه توله گل جو درنش توله گل بهلو [illegible] سمغ
نیم توله مغز کنوار نیم انار ارد گندم یا وانار این همه ادویه را کوفته و بیخته از مغز
گولیها بوزن نیم توله بسته بعد بدهند آب شیر گرم یکوقت دکاه و دانه خشک میداده
باشند علاج دیگر لنکی یکتوله بیل یکتوله مرچ سه توله کمالیه زیره سه توله باربرنگ

سه توله

سه توله بار برنگ سه توله [illegible] سه توله کهوزیح سه توله مغز [illegible] سه توله اندراون سه توله سنداول
سه توله نمک سیاه سه توله اندراون [illegible] سه توله سنداول سه توله نمک سیاه سه توله نمک سانبهر سه توله
نمک [illegible] سه توله کلنجن چهار توله این همه ادویه را سائیده در [illegible] یکجا نموده هر روز بوزن دو توله
وبعد قوت آن با در آب [illegible] بدهند علاج دیگر برگ نیم یک [illegible] سه توله چهار توله
زرد چوب یکتوله نمک [illegible] چهار توله این همه ادویه را کوفته با ریک سائیده [illegible] هر روز
بخوراند تا سه روز همین قدر کند علاج دیگر هزار کلان یکتوله پشیرا یکتوله انوله خشک یکتوله [illegible]
خشک [illegible] توله زیره سفید سه توله کاهر [illegible] این همه ادویه را باریک یکجا کرفته کوفته و بیخته
صبح همین وزن و بوقت [illegible] همین وزن و بوقت شام همین قدر بدهند بخوراند سه روز [illegible]
کلان و [illegible] و آمله خشک [illegible] توله بدهند علاج دیگر کاله کوف ورم زند برگ [illegible]
چهار توله شکر سفید [illegible] چهار توله [illegible] آب گرم کرده بدهند علاج دیگر لنکی یکتوله شراب
[illegible] لنکی را باریک سائیده شراب [illegible] همین قدر [illegible] روز بخوراند فصل نوزدهم
در فصل چار و فصل اول در بیان علاج [illegible] و [illegible] ثانی [illegible]

۱۸۹

[illegible] که اگر [illegible] باشد [illegible] و اگر [illegible] ادویه [illegible]

نیم توله خاک صدف نیم توله بریان کرده و بیخ توله کاکژ سنگی نیم توله مرداسنگ لاهوری نیم توله همه ادویه
کوفته و بیخته چون نیم آثار در پارچه بیخته زخم را بشوند از شیر صاف که مرد انداخته و مروارید انداخته هم
باشد هر روز دو بار بجا آرند تا که در چند روز شفا خواهد یافت علاج دیگر خناق
است سنجاب سوخته نیم توله پالش سر مالکه کافور ماشه یک ورق پالکی بقفعه خود برون دهد علاج دیگر
شاخ گاو و برگ حرجره جا باید و نمک مار یک ساییده در دهان در شیره کرده بند برود بیرون
شود اگر حرجره را به نزد نمک سنگ انداخته بدید خناق و خام دفع کرد علاج دیگر
تمام روز یکشنبه که در آخر ماه باشد این دعا بنویسند و در گردن بر بندد بسم الله الرحمن الرحیم
حرزیات ی احصی برت بعزت الله العزیز الحکیم الا الی الله تصیر
الامور بری بمن مثل خناق که نام خدا بزرگ است فصل دیگر علاج در بیان گشایه برگ
درخت بنگلتانی اهک برابر بر سانیده آب را هر جایکه شود باید که درخت مذکور را سیر
جایکه هست باید بعد از آن آهک را مالش کرده در تمام روز بجا آرند و از آب مالیده در
هر روز یک علاج بنگلتان آب را بخورانند علاج دیگر مرچ سیاه دو توله برگ مارشت توله اجواین
خراسانی یک توله پشیر حنظل چهار توله کاه زیران یک توله این همه ادویه را کوفته و بیخته گولی نورس
نخودی توله بسته هر روز یک گولی باید خورد صحت خواهد شد علاج دیگر برگ کوبت نیم توله

جریبی مرغ

خورکی مرغ دو توله این هر دو را باریک کرده صندل سفید چون صندل شود زخم را از آب
سرد شسته خوب صاف کرده زخم است کنند شفا خواهد شد علاج دیگر چینی آب دو آثار
صابون تبری دو عدد نمک سیاه نیم توله سیچی کلار چهار توله سیراب یک توله این همه ادویه
را کوفته آمیخته حیل گولی بسته هر روز وقت صبح یک گولی بخورند و دوانه و گاه خشک
بخورانند علاج دیگر مرهم لاکه جیره نیم پاو سفیده دو توله بنگلر دو توله روغن کنجد
را در آن انداخته گرم کرده ادویه را کوفته و بیخته در پارچه ململ چهار تا یکی بسته خوب در
روغن انداخته پخته که بر زخم بسته باشد تا که زخم سفید شود هر روز بستک داده شد
تا که بهتر شود خاتم علاج حب و بادوی لکنکم و اموق دستی در روی دکر دی شود
ولغم و سود و ذیب پاد خورده فصل بستم در بیان بیماری که در دانه و در انتهی حلوای
بحره بسیار و کبیر و خره شدن و علاج کم خوردن و چرا این است و از اسناد دو شتهای سوخته
و علت و بلار دو شدن بخورانند دفع باد و فرح کلاه و باقوت شده و لیکن پنج خلط که کم
داغ دارد را بلیتو له غلک بلیتو له کری بلیتو له بنمک بلیتو له در آورد آمیخته خوب جو کوب
کرده هر روز بوزن چهار توله بعد دانه همه بخورانند تا یک بهر قایضه کنند بقیه خوب خواهد
شد و خوب خواهد شد علاج دیگر در بیان طلم شدن دانه مینهای بیخ دوغ یک آثار در موشته ده آثار

آمیخته بپزند اگر کم شود نصف بپزد مصالح هم در کار نیست و پیاسوف دو آثار
اول نصف بریان نموده بدانند و ترتیب حلوا اینست که بقدر نیم پاو هر روز
بعد دانه بپزند تا ملیدای قایضه در حق است یک است در بیان راتب حلوای
ادرک و بحیره و بسیار دیگر جواری و بستم ها روغن زرد دو آثار و نیم آثار زرد
خوب دو نیم ادرک بیختی دو نیم آثار روغن زرد در ظرف چوبی داده زرد خوب را
در او بریان کنند بعد آن بیختی و ادرک را در انداخته وبی این بر دو دال ستار بکشند شیر بیخ
پنج آثار شیر ده آثار در آن انداخته حلوا ساخته پاو آثار آب آمیخته بپزند هر روز رفته رفته
زیاده کنند تا یک آثار بپزند این حلوا اگر در همه سرما اسب را خورانیده باشند ستار چهار حواس
که این نسخه عجب است و خوب آزموده است نوع دیگر دادن پنیر در عوض دانه اگر خواهد
که پنیر بپزد مهله موشته بیخته در شیر باندازه و شیر بیخته در اندازه و بار دیگر آتش
نهد خوب پخته شود عوض دانه بپزند و اگر کم باشد برابر بوزن این بسته تمست
که هر قدر که بر موضع باشد بجای بپزند نسخه اسب را حرارت دادن مرچ سیاه نیم پاو
زنجبیل نیم پاو و تر پهله نیم پاو و بودینه نیم پاو و لونگ نیم پاو و تخم سویا نیم پاو و کنگلی نیم پاو
سپهاکه تیله بریان شکر توله اجواین خراسانی چهار توله نشاسته آلوره بریان کرده

روغن زرد

در روغن زرد نشاسته حرول بعینه راس نیم پاو چهار نمک پاو آثار بنگلر بریان نیم توله
حبها چهار چهار توله نمکی ماشه در آرد موشته چهار چهار توله هر روز میداده باشد نسخه مصالح
حرارتی زیب نوشته نیم آثار اجواین پاو آثار بادیان پاو آثار کحول پاو آثار
زیره پاو آثار تر پهله یک و نیم پاو و تخم سویه یک و نیم پاو و پار برنگ پاو آثار بنگلر یک و نیم
پاو گل بودینه پاو آثار سپهاکه بریان نیم پاو و کنگلی پوست چینه پاو آثار بلیله پاو آثار
هر چهار نمک یک و نیم آثار انگوره چهار توله نشاسته توله احمودی پاو آثار کوفته و بیخته در
چهل روز بخورانند نسخه دیگر پول گاو و مشک یک توله ملازن سیچی دو توله هفت و نیم ماشه
نمک لهاری شش توله هفت توله بنه و نیم ماشه نهک سیرده توله یک و نیم ماشه بیارت و
نشتی توله ۳ ماشه بول نیخ درخت سنجنه یک توله ۳ ماشه برگ سونگری یک و نیم
دال [illegible] ماشه زنجبیل سیرده توله یک و نیم ماشه پار برنگ هفت توله نیم ماشه هیئی بیخ توله
سلاجور سیرده توله یک و نیم ماشه فلفل پیپل کو بعینه کانتی پیپل
بیخ توله ده ماشه همه را کوفته در بول مشکی آمیخته ماشه ۳ روز در آب ماده شته بعد روی بکام
[illegible] دانه بوزن نشتی توله داده باشد علاج دیگر نیز ذبابه بو علاو دوار

کرده جرول پنجاه و تولة لسی ماشه مرچ سیاه سیزده تولة و نیم ماشه و نقل جوز
توله یا نه ماشه زنجبیل زنت توله نیم ماشه جمله را کوفته و بیخته روغن کنجی
انیخته سه روز دانسته بعد هفت روز و از مقدار اخوت اسب بخورانند و اولی
اندک اسب را لاغر کنند **علاج فربهی اشتها** هلیله بلیله تولة اجمود اجوایی
شاخ گربه قند سیاه همه را کوفته و بیخته آمیخته با آب شیر گرم
بدهند در هفت روز خشتها پیدا شود و گاه خم نمی راخورد **علاج** کنجی
را کوفته و بقدر دو انار در میان و لیده بدهند آغاز زمستان بامداد تا ده
چند روز فربه شود **علاج دیگر** اگر اسب لاغر بسیار طرح فربه نشود اول جو او
باید کرفت و بعد از آن روغن ماله گاو دیگ انار زنبرات خالص یک انار بر دو درا
یکجا کرده بدهند فربه شود **علاج فربه شدن** مرچ سیاه یک انار قند سیاه پنج انار
گنجد پنج انار روغن زرد پنج انار پلاس دو نیم انار مثقی یک انار اسل جنک یک انار
آرد گندم پنج انار کنجد دانیم کنجد کرده همه ادویه را کوفته و بیخته یکجا کرده آمیخته
گولی بوزن نیم انار بسته هر روز یک گولی بوقت صبح بدهند اسب فربه شود **علاج**

یا رب علت دیگر

علت دیگر فربه شدن بتواند مانند ریو یا سوی از جوب مصالح نخته از آرد ماش
بدهند تا چهل روز بخورانند بحکم الله تعالی از حد بیرون فربه خواهد شد **علاج فربه شدن و اشتها**
مرچ سیاه یک پاو آنار پلاس یک پاو آنار گوکهل یک پاو آنار نانخواه یک پاو آنار
روغن زرد یک پاو آنار شکر سفید یک پاو آنار دروداه یک پاو آنار شکر سرخ پنج آنار
اول روغن را در دیگ انداخته جوشی داده بعده با لذان ادویه کوفته با تواند خوب
بریان نموده قبل حلوه ساخته هر روز صبح یعنی نهار یا دو انار اسب را بخورانند مفید شود تا چهل
روز بخورانند فایده بسیار بخشد **علاج دیگر** نیم انار دلیده کرده قدری از آب
تر نموده در نیم تنک ها نداده و بوقت صبح گندم نیم آنار دلیده کرده برود و انداخته روغن زرد
شکر پاو آنار انداخته بخورانند و وقت شام آنچه که راتب باشد بدهند و این مصالح
بیش از جو دادن او ران یا و آنار داده باشد **علاج فربه شدن اسب** زرد چوب یک آنار
فلفل گرد یعنی پیپلا موریک انار اسگند یعنی دهنیان یک انار زیره سفید یک انار زیره
فلفل یک آنار **نسخه دیگر** آرد نخود بریان که همه ادویه را بار یک سائیده نان پخته روز
دو آنار بدهد و تقی یک انار تخم سویه یک انار نمک سنگ نیم پاو اسگند یک انار فلفل گرد
دو انار سوبته پا و انار نمک گوگرد نیم پاو دو پاو تریک پا و انار **علاج دیگر اسب**

این همه ادویه را آمیخته بار یک ساخته چهل گولی بسازند و بعد دانه یک گولی بدهند فربه
شود شنکرف سه تولة پول جینی سه تولة ببول لا بندرک تولة آرد نخود یک پاو انار
نسخه دیگر آرد و نمک ساییده بوقت صبح و بعضی از مالیدن بدهند **نسخه دیگر**
شاخ رقوم یعنی سیند خار دار مقدار دو فلوس سه پهره کرده بلادر لسی ماشه
بدهند فربه خواهد شد **علاج خوردن** جو را ساخته و بوقت صبح سه تولة
و بوقت شام چهار تولة بدهند سونف سونتهه اجمود بیخ فراسیابی بار یک مرچ
سیاه پیپل تر کلان بلیله و آن تولة سهاگه نمک سیاه نمک لاهوری جوانجار
همون از نقبه تیار کرده بخورانند **علاج مجرّب** جو را ساخته در جمله مقدار دو تولة موتره
مجرّب ایمن دو بعت افیون سه تولة رال سه تولة اسبغول سه تولة بلادر سه تولة نمک سه تولة
کماییه زیره سه تولة جوانکهار سه تولة **علاج اسهال اسب** بعد دانه شام در
زمستان بدهند و دو تولة لسی ماشه و در ایام دیگر یک تولة سه ماشه بدهند بلادر ده تولة
برگ انار ده تولة کیوریج ده تولة کتیرا ده تولة الکوزه ده تولة سرشف سه نمک پنج تولة اجوایین
خراسانی ده تولة **علاج فربه شدن** الکوزه یک و نیم پاو دو شراب یک تولة سرمه ساخته
وارد موتهه بریان سه پاو آمیزد تولة چهار علوفه هر روز یک پاو **علاج دیگر** سونتهه

تولة سهاگه

تولة سهاگه شنگرف سه تولة کیوریج سه تولة بار یک سه تولة کمیلی سه تولة الکوزه
ده تولة **علاج تیار شدن اسب** مرچ سیاه ده آنار پیپلا مول گانتهی نیم آنار پیپلا موز
ده انار سونتهه نیم انار مثقی دو انار زرد چوب دو انار نانخواه دو انار زیره یک انار
روغن زرد دیگ آنار شکر سرخ دو انار شیر ماده گاو یا نیم آنار ماده گاو یا نیم ده انار
ماده گاو یا نیم آنار این همه ادویه را خوب بار یک سائیده روغن زرد انداخته حل نماید
بعد از آن در سبوچه گلی یا در ظرف دیگر نگاه داشته شیر ماده گاو را در آن انداز نه دو دانه نخته
بدهند و مصالح اندک نخته نموده آب نخورانند مجرب **مصالح دیگر** نمک ملاه دار ده تولة سونتهه
یک انار رسوت یک آنار گوکل یک تولة افیون یک تولة مثل یک تولة ابرک همه سوا آرد موت
در آتش پنول کرده او را گرفته در شراب داخل کند و داخل کرده لسی آن را در روغن کنجد از
صبح تا شام حل کند و گولی بوزن یک تولة لسی ماشه کرده دیگ گولی دو وقت علی الصباح پیش از
نهار یعنی وقت بیماری بخورانند و علاج قدر سه روز یا نهایت یک هفته و بعد و برای اشتها و هضم
یک گولی بطریق مذکور دهد و گاهی گشنیز دانه حنظل بدهد **مصالح دیگر** سهاگه دو تولة
... دو تولة آرد موتهه جو آنار روغن کنجد نیم آنار شراب دو دانه پاو آنار سنگ دو تولة
علاج برای اشتها بعده دفع شدن رنج نمک سنگ یک آنار زیره یک آنار را در یک آنار

اینهمه ادویه را کوفته و بیخته سرمه سازد و در چشم کشد که بغایت مطابق مزاج آب را آتش
بند کند **علاج دیگر** مرچ سیاه یک آثار زرد بلادر یک آثار روغن زرد با دو آثار شیر
را در روغن زرد مرکب نموده چو کوب کرده بلادر که و بوقت آب دو توله آمیخته خمیر کرده
بینی آرد آنها بخوراند بعده آب جوش نمانند تا رنگ سیاه شود و رنگ الت باز آید و قت
تمام پیدا کند **علاج اگر آب قریب بشود** اگر آب قریب شود آن هنیه همراه بول می
دشنام زرد کنند چهار درم لالایچه سه توله اورد را سه توله نشاسته هر دو را آب مامیرو
مالم کاو بعده توله نشاسته آمیخته یکجا کرده هر روز بوزن عملی و ازان بخوراند شب هم
شود و زیره گرد **علاج قریب دقوت** دولت بزالجلال یکتوله بولت بنترا یکتوله آنوله
یکتوله برگ خشک دو توله آرد سه دو توله چنانکه یکتوله شنبلد سه توله هر دو را کوفته آمیخته
و بینی آرد آنها بخارن یعنی صبح خورانیده بعده آب بوشانیده خورانیده باشد **علاج دیگر**
هر روز شناح گاو میش یک آثار شیر با دو آثار هر دو را آمیخته در ظرف گلی بنهاد و آب
نهاده در آتش بجوشانیده بعد ازان گلو بپکرموکل سیچی ثلثی جوشانده بیسیل بیلسان بموز
کوفته و بیخته آمیخته هر قدر که خاک باشد دو چندان ادویه مذکور باشد روز اول
بوزن کم ماشی و هر روز دوم بوزن سه توله و هر روز سیوم چهار توله و هر روز چهارم
و هر روز پنجم هفت توله و هر روز ششم هشت توله و هر روز هفتم ده توله و دهم سیوم باز
ز چهار توله

در چهار توله یکی بعد دو روز بوزن چهار توله بخوراند بغایت قوت در رنگ محلل خواهد شد بعینه
جوان خواهد شد **علاج بادوید باخمه** این همه ادویه را با رنگ سای تماره هر روز مید اده
شد در حبها یزرات دو که بعد دادن و انه بدبند و اگر از حبول بند شده باشد بوزن نیم با و زهد
خوراند در آب دو آثار جوش دهید و حصله یک آثار بماند بعد بسوشته نیم با و حرا سیاهی
نیم پاو زیره سفید نیم آثار اجوان خراسانی یک آثار تحوی تمک رنگی یک آثار زبان بزرگ یک آثار
وت برگ تمک آثار بوت هیزه یک آثار ریح بول یک آثار نمک اسیاه نیم پاو انکوره یک آثار
ران نیم پاو نمک خور نیم پاو نمک سنگ نیم پاو فلفل دراز نیم پاو مرچ سیاه نیم پاو کائی زیره
نیم پاو **علاج ضرب خورده را و تیغ زده بنده را و بندوق خورده را و ناقوت شده را**
اسرودی ازان علاج خواهد شد قند سیاه پنج آثار روغن زرد چهار آثار گل هیزه یک آثار بلادر یک آثار
حالون یک آثار میتھی نیم آثار زرد چوب یک آثار دال تلکنی نیم آثار سیده بلاریخ آثار
باید که حالون را نا کوفته باقی همه ادویه را کوفته و بیخته نگاه دارد و اول شیره گرفته یک آثار
بلادر مذکور چوکوب نموده در شیر انداخته بنهد و الطوس که ممده مذکور روغن مذکور در دیک انداخته
آرد گندم در روغن خوب بریان کند که سرخ شود بعد ازان همه ادویه مذکور و قند انداخته
هر روز بقدر نیم آثار بخیته بر روز بوقت صبح بدهند از این نوع جوان شود که حکم
مرهمان میدارد **علاج جراحت را که خرب ندارد** قند سیاه دو توله بلادر دو توله

هیزه کوکل دو توله روغن زرد نیم پاو شراب نیم آثار گرفته همه ادویه را کوفته و بیخته
یکجا کرده روغن زرد در شراب نیم آثار گرفته انداخته سه روز جوش دهد و جوش دهد
شیر گرم از بلادر بنوشاند و بوقت صبح داده باشد و یکوقت آب شیر گرم بدهد بسیار فایده
دارد و آدم را هم نصف نسخه از وزن مذکور بوقت حرارت بسیار دهد از علاج سرکه گشت
بدهند بسیار مفید است **علاج تپ ضربت خورده که حکم داغ دارد** بلادر نیم آثار
برگ بکاین نیم آثار سابن نیم توله سه گنه نیم توله همه ادویه را یکجا خوب کوفته و بیخته
مانند مسکه کند و نصف ادویه گرفته بر ضرب لیپ کند **علاج بدنبلی ساکه**
ضرب بلکه آدمی را مفید است اینهمه بلادر دو توله ناریل کهنه دو توله سل سرادی دو توله
کلونجی سیاه دو توله اجوائن خراسانی نشاسته همه ادویه را کوفته و بیخته یکجا کرده
سه توله ازان با مضبوط بسته هر دو وقت سکی داده باشد **علاج تپ ضرب**
بدنبلی کلونجی پنج توله افیون یکتوله چال کونته چهار توله روغن ارنڈی با دو آثار سه
ادویه را خوب سائیده موافق سرمه کرده روغن مذکور انداخته جل کرده بر آتش گرم
نموده لیپ کند شفا خواهد شد **علاج تپ ضرب خورده که ناسور بی** شده باشد نیم آثار
روغن میتھی بنه ماشه بید انگیر یکتوله روغن کنجد نیم آثار روغن مصطگی بتیره
و در روغن مذکور بلادر بسته دیگر بعد انداخته خوب حل کرده باز بر آتش ... همه
زنده اخته

ادویه انداخته لیپ و بعد شفا خواهد شد **علاج تپ قریب شدن است** روغن زرد ده
آثار اینهمه بلادر سیه ... توله نمک سفیده تنگی ... هر دو ادویه را سائیده و ریزه ریزه کرده بیخته در
روغن انداخته تا یکپاس حل نماید و در چهار پای کاسه خاک مضبوط بسته لیپ دهد
و مالش کند که در جسم اسپ جذب شود چهار روز از آن کم نشود بعد آب قریب شود
علاج تپ تنفد رسیده باشد برگ سنبهالو نیم آثار برگ ارنڈ جنگلی نیم آثار برگ تیر دار
نیم آثار برگ بادام نیم آثار برگ املی نیم آثار نمک کهی کهنه یک آثار خاک تبت یک آثار
همه اجزا را قدر قدر خوب جوکوب کرده سر گین گاو میش دو آثار آمیخته در آب
انداخته بلیاس تحت نماید و شیر گرم بر جسم لیپ کنند بعد سه روز آب گرم کرده
بشوید و آن هم بسیار باشد شفا خواهد شد **علاج مغالجه تپ که بسیار درآید درد است**
هضم نشود و ستم کند کاسنی بسیل چهار توله انگوزه چهار توله اجوان خراسانی چهار توله اجوائن جهود دنی
چهار توله تخم بلبل چهار توله سیر چهار توله کالا سیر چهار توله السکند ناگوری چهار توله تیار
ساخته نگاه دارد و بوقت حاجت بکار برد **علاج دیگر** ادرک دو توله مرچ سیاه
دو توله لهسن دو توله تلکی دو توله عقرقرحا دو توله خوب کوفته گولی بندد و بعد از چهار روز

واده باشد صحت شود **معجون بسیار اشتها آورد** مرچ سیاه و بلتوله کوفته ۶
ماشه بسبل کشته ماشه زراوند بریان کشته ماشه نمک سیاه کشته ماشه نمک شیشه کشته
نمک سیندو کشته ماشه نمک لاهوری کشته ماشه نمک جوا ... ماشه نمک کچ کشته
بانز کهار ۳ ماشه جواکهار ۳ ماشه سجی کهار ۳ ماشه سهاگه بریان ماشه سنک
لحم بلتوله بسباسه مود ... ماشه گنگلی ... ماشه موز ... چهار ماشه ... ماشه چهار
ماشه ... یکجا ... توله همه ادویه را کوفته در ... آمیخته بخورانند
مجرب است **جاشنی ... که بیدا ... فصل ... بخورانند**
اینک ... بسبل ... کوفته ...
بهادزیره ... زیره ... نمک لاهوری ... اندر ...
کوفت ... الیوه ... بودار جوا ... توله تر ... بوست
هیچ ... جاشنی ... این جمله ادویه را ... ساییده
در ... آمیخته ... قند ... در آفتاب خشک ... اغلیه ...
شده ... اسمه آتار ... بخورانند ... اغلیه ... با

صفره ... سوداء

... سوداء ... علت ... بیدا شده باشد باشد ... اگر ... باشد ...
... از ... کرفته باشد ... را ... اتار ادویه مذکور ... در
... قند ... در ... نخوده خشک ... سلیم ... بابول ...
... در ... همه ... آرد ...
... اتار ادویه مذکور ... بول بیدا شود ... بول ... اتار
... اتار مذکور بخورانند اگر این هم ... باشد ... اتار ادویه ... بار
مذکور ... **جاشنی** در ... فصل سوداء و بلغم ... سوداء ... در ...
فصل ... بخورانند هیچ علت ... و بلغم و سوداء ... وجود ...
بیدا ... جاشنی ... جوا ... ر
... اتار ... اتار ... اتار ... اتار ... سفید
... اتار ... اتار ... اتار ... زیره هیچ اتار زیره سیاه
... اتار ... نیم اتار ... هیچ اتار ... اتار ... نیم اتار ... حو
اتار ... اتار ... ده اتار ... اتار ... نیم ... هیچ اتار

هیچ ... یک اتار ربع اندراون ... اتار ... هیچ اتار ... ده اتار ...
... اتار ... نیم اتار ... نیم اتار ... نیم اتار ... اتار ... اتار
... هیچ اتار ... نیم اتار ... نیم اتار ... هیچ ... هیچ اتار ...
هیچ اتار تخم ... اتار تخم ... اتار ... ده اتار ...
اتار این همه ادویه ... کوفته ... بخورانند **جاشنی تجمیع**
علت ... و ... سلیم و ... ... اتار
... اتار ... اتار تخم ... یک اتار ... یک اتار
... یک اتار ... یک اتار ... یک اتار ... یک اتار
... یک اتار ... یک اتار ... یک اتار ... یک اتار ... یک
یک اتار ... یک اتار تخم ... یک اتار ... نیم اتار ... یک اتار
... یک اتار ... یک اتار ... یک اتار ... یک اتار ...
اندراون یک اتار ... یک اتار ... یک اتار ... یک اتار این همه ادویه ...
یک اتار ... خشک کنند ... یک ... را

... در شکم

... در شکم کرم شده باشد ... هیچ ... بخورانند ... تمام
کرم ها در شکم ... باشد ... آید ... باشد ... علت
را ... بخورانند علت رفع شود **...** این ادویه جاشنی
را مدام بخورانند علت ... و بلغم و سوداء که در وجود ...
بیدا شود ... بخورانند ... **جاشنی ...** ... اتار ... و اتار
... اتار ... اتار ... اتار ... سفید ... اتار ...
ده اتار ... ده اتار ... ده اتار ... ده اتار زیره سیاه ده اتار
زیره سفید هیچ اتار ... ده اتار ... هیچ اتار ... نیم ... اتار ... نیم اتار
... اتار مرچ سیاه ده اتار ... ده اتار ... ده اتار
... نیم اتار تخم ... نیم اتار ... اتار ... هیچ اتار ... یک اتار
... هیچ ... اتار ... هیچ اتار ... ده اتار ... هیچ ... اتار ...
نیم نیم اتار ... نیم اتار ... نیم اتار ... سیاه ... اتار ... هیچ اتار
... هیچ اتار ... نیم اتار ... نیم اتار ... نیم اتار ... هیچ ... هیچ اتار ...

بنج انار تخم بنت ده انار تخم حرفه ده انار تخم سرب ده انار بادنجان ده انار بادیان

ده انار رازیانه ده انار اینجمه ادویه کوفته و بیخته ویبراک رازیانه ساده و رب خوله ایسم باد

وزن آن مرباع ایسنافه بوده باشد **مفرح دیگر بفصل مصالح** مرجع سیاه یک انار

کابلی زیره باد و انار بابونه یک باد و انار زاجوان باد و انار رسنا باد و انار رازیانه یس درام

زعفران هم باد و سرکوان نقش درام مال کنکیف نقش درام میقی بنجدرام بلیله زنگی هم باد و بلیله کابلی

باد و انار بهمن انیم باد و مستنرچیل نقش درام بح ... دستدرام اسکندرقا کوری بکلرام باد و بان

ننده درام کشنیز خشک النقش درام زیره سفید دو درام سیچ سیاه لحران تلخ سنده درام نای کابلی

خشک سنده درام ومایی خوله وخشک دو درام سیلا مخوز سه درام مغلفل خوله ننشنده درام کل جل

دو درام جرامعاره سه درام بند ال سیاه نقش درام کو کل است هم باد و کبوری نقش درام بح جرا سیابی

بکلدرام نمک سیاه سه درام بلاس پاره سه درام نمک سفید النقش درام زرد چوب نیم باد و اکولر جو

بکلدرام انکوره بکلدرام سیاه مرمان نقش درام سیر خشک له درام زنجبیل نقش درام کوکود کلانی دو درام

کلونجی بکدرام حرب جینی سه درام کلنجی نقش درام نمک کوهی نیم انار موصلی سیاه نقش درام برنکوی

ده درام بادرنبه دو درام سیچ لبته دو درام املتاس بکلدرام کمال بکلدرام و وقت سحر باد رسات بلکنم

ملوکس عالملکین

ملوکس عالملکین و بوقت یاسمان یک توله س عالملکین بعد دوانه بخورند و بران مانوبکه و بدوشنان

سکینه و هر علتی که باشد نافع است **معالج زحیر باد البیاد مجرب** مرجع سیاه باد و انار رگیتکی جهار توله

باد و زنک جهار توله کابلی سیر جهار توله کابلی زیره جهار توله جوز یک جهار توله مرجع کالاشمر جهار توله

بلالیز باد و انار سیک بکتوله سفید باد و انار بسیل مور جهار توله عنقوره جهار توله آرد موشه برباین

باد و انار کوفته جها اله کولی بندد مدت روز بعد بند صبح و شام عالیقه جهار کبری خورکنند **برای زخم**

و طبق مفید است سنبل سنکلیه بکلدرام شنکرف بکلدرام کتته بابر با جهار درام برکسته الوخه

از آب ادرک ابر بخره کولی بسته بلطا بدالو یک صبح و یک بیشی از جهار روانه و یک شام بعد از

دانه بخورانند اگر ملول اب گرفته باشد در آب حل کرده و زبان بدهند **نسخه دیگر**

سنبل سنکلیه و شنجرف ابلوه کتته سفید هر جهار ادرک برابر در آب ادرک باد در آب کوفته

موافق کنار و شیتی کولی بندد و یک کولی بیش از دوانه بدهند **صبح نوع دیگر معالج** کوسیل

شنعالو لحله کندهان بندهان اندوایی نیم باد و بقایی و دولت بنج ان دولت جاهی

دولت سیخه دولت سیچه و شیتی برک اولسه برک بان برک تلسی برک لونیکی

برک است لونه بنج از ندین بلهل برک بان برک بنباره دولت املونه برک ... دولت بنج

پلاس کو بنیا املتاس برک جتوره زرد و لدون بنج ترا بلخ کریله لحری باد ... بیغنیه

برگ صبر و دوات سنبل و پوست بلیله کوفته بیخته در آرد و امیرکام آرد باید داده

باشند **علاج لیث بار خوره مجرب است** تخم مرغ سه عدد عنکبوت حلوا باید پخته خورد

تخم مرغ از زرده خالی کرده این بر دو را یکی نموده آمیخته بر تمام بدان لیث بمالید و

مالش دهد روز دوم لیث از آب گرم بشوید اگر بار خوره باشد صاف شود **فصل دیگر**

علاج مانوکیا لیث را مجرب است قند سیاه یک پاو انار ساین یک پاو انار سبحی کهار یک پاو انار بلوتی

یک پاو انار ترج سیاه یک پاو انار هالون نیم پاو کمیرو نیم پاو دنسیه کوکل نیم پاو خشکار نیم پاو

سیاه کله تیله بریان یک توله قرنفل یک توله افیون یک توله برگ آک خشک عدد این همه ادویه

را کوفته و بیخته در قند سیاه انداخته منجمله آن معالجات علاوه گولیها بسته بر روز یک گولی

بوقت صبح تا سه روز بخورد بهتر خواهد شد **علاج دیگر** قند سیاه یک توله بلدی

یک توله کوکل یک توله ساین یک توله افیون سه ماشه تخم سالون یک عدد پشک یک توله

همه ادویه را کوفته و بیخته آرد گندم چهار توله آمیخته گولیها بسته بعده دانه بخورد **علاج**

که از سوار ماندن شده باشد باد برنگ سیزده توله یک و نیم ماشه زر

نیم ماشه دار بلدی سه توله نیم ماشه نمک سانبر سه توله نیم ماشه نمک سنگ سه توله نیم و نیم

ماشه نمک شور سه توله نیم و نیم ماشه بیخ سنبل اسرغ سه توله نیم و نیم ماشه برگ نیم خشک

سه توله نیم و نیم ماشه

سه توله نیم و نیم ماشه بیخ چنبه سه توله نیم و نیم ماشه انار شیران خالص چهار ابهر یک بار وقت

صبح خورده آید تا تا بیماری بیرون آید **علاج برای مانده و پسر** مغز مرغ سیاه یک انار کهالی

زیره یک پاو انار رتاو بزرگ یک پاو انار اجوایی خراسانی یک پاو انار سما چهار و نیم توله زرالکشی توله

اتوله نیم پاو سرکن نیم پاو مالکنگنی چهار نیم توله هفت بیخ توله بلیله زنگی نیم پاو و بلیله

کلان یک پاو انار نیم پاو سپید بیل کشی توله بیخ سندرسه توله اسکلا ناگوری یک توله لونگ

چهار و نیم توله کشنیز خشک چهار و نیم توله زیره سفید دو توله سیچ سیاه دو توله کمرایچ چهار و نیم

توله ماهی خشک کلان چهار توله ماهی خوار خشک معه دا توله سیلاخور سه توله قلقل چور و ب چهار و نیم توله

ماهی خشک کلان کل بیل دو توله حرایتا سه توله منرال سیاه نشی توله کوکل یک نیم پاو و کهور یح

نشی توله بیخ خراسانی یک توله نمک سیاه سه توله علاسی یا مرده سه توله نمک سند چهار و نیم

توله زرد چوب نیم پاو اندرجو یک توله سنبک یک توله سهاکه بریان نشی توله سیر خشک یک و نیم توله

تو شیر ... توله کمور و طلان دو توله کلونجی ۲ توله چوب چینی سه توله کلیجن چهار توله نمک

کوکنی نیم انار موصلی سیاه چهار و نیم توله برکنگی دو توله مازو دو توله ... اطلاسی

یک توله کالی سرسی توله ودر نکام سرما و باران یک توله یک و نیم توله بعد ... نکام بالستانی

بعد دانه بید بیند بر آن مانند یکی و چون بشدن حسنه هر علتی که با سو معید است **فصل**
بیست و دوم در بیان علاج بیماری بوغمه است اگر شیفته زیاده باشد و ازار احدا ملکه بیمانی
است اما معالجه این است خاکستر را در بیرون او مالش دهد تا آنکه شیفته خشک شود
بهتر است والا احدا حافظ و تا آنکه دو گل بالای سر در میان هر دو گوش بریند باز
یک گل بر بن دم است بید همکین باشد که اسب خوب شود از حق تعالی فضل خود کند
از این بیماری او را شکم دانه بندد **ترکیب دیگر** بیر مونشه اسب را از خار مغیلان
زنند و از آن خار خون بیرون کند و یک صد با بوشی بزنند دیگر موشته را ایمانی
قدر بعمل آرند و از سر دم قدر این بریده خون بر آورده هر بر دم چشم کنند **نسخه**
فارسی دیگر اگر موی اسب از بوغمه خشک شود در زیر آتش بگذارند و از سوراخ بینی در دم
بسیار رود و او را فارسی همین است **علاج دیگر است** بخر هندی چهار توله موی
زنگلی دو ماشه نوشته سه ماشه گلهای بهل دو ماشه این همه ادویه را کوفته
در پارچه ببخته دو توله در علی انداخته هر روز دو و بته داده باشد تا که صحت شود خوب
است **فصل بیست و سیوم در بیان بهته در کسپار مفید است** با بنیه

تمت

یعنی هست او را گرفته در بول ادمی آمیخته بر بندد و بعد از آن هر بلغه نه کند و
علاج دیگر روغن بگیرد با روغن سرشف یعنی گزدا افیون بگیرد و هر سه ادویه را
حل کند هر بلغه او مالش دهد برگ درخت جوار را گرفته در بول بخته شیر گرم کرده
در پارچه نهاده **علاج دیگر** کیلا بگیرد تازه بالای بر دو را گرفته کوفته در بول ادمی بخته
لیب و بعد از پارچه لعل چون بسته بگاه بود را داده و همچنین قدر سه روز بکند صحت شود
علاج دیگر نمک لاهوری نیم اثار برگ اندری قدر آن آورده نمک را کوفته چهال برای نیم گرفته یک
اثار بریان بسته بطور رنده اندر آن نمک همه انداخته بالا دو آن پارچه کمل فر بوط بسته
تا سه روز همچنین تجویز کند بهتر خواهد شد **علاج دیگر** ابتر چهال سنبل با واثار بلادر نیم اثار
در بول ادمی بخته بالای شیر گرم ادویه مذکور را داشته فر بوط ببندد و نه بندد تا سه روز
نگاه بدارد و بعده و اکنند شفا خواهد شد **علاج** دیگر آرد ازو گرفته خمیر کرده بطور نان یک
روی پخته روغن بگیرد بلکو به هر ادویه نشسته در بالای آن و سته بخته بالای آن انداخته بطور
به بندد بعد سه روز واکنند همچنین تجویز سه دفع بعمل آرند شفا خواهد شد **علاج دیگر** نمک کیاری
نیم پاو در دو اثار آب در ظرف گلی انداخته جوش دهند چون نصف آب بماند لعیب بر بیخ کنند

و براوبه بند بود بعضی جای که باشد زده کنند بهتر خواهد شد **فصل بیست و چهارم علاج دم** [illegible] شد و گرسنه ... به بند **علاج دیگر بعضی** خوب است بن همه اعضا گوسفند خاک کنند و با شیره بنوشد خاک را بیخته

و موی خوره و بعضی در بیان **دم و عیال** آب بریخ شکسته که دم عیال را [illegible] که بعضی خوب مالش دهند تا که سرخ شود و بعد ادویه اکور بامدت ... از بر دم است مالش کنند

بجا کند فایده میشود **علاج دیگر از شکستن موی دم و عیال** شیر گاو و میش یک اثار و با [illegible] خواهد شد **فصل بیست و پنجم در بیان ترس سم و باشد و لگد و علاج سم شکاف**

مرچ سیاه ... ساییده در پارچه بیخته در شیر انداخته جوش داده سرد کنند **و سم خوره را بکار آید** آنکه بعضی چونه ... برابر کوفته با روغن سائیده بر [illegible] باشیده

بر دم و عیال مالش دهند تا که خوب جذب شود و بعد سه روز از آب سرد بشویند موی ... سم به بند ... تلی سم اسب نو برآید **علاج دیگر** اول فصد بگیرد و از ... روغن

دم و عیال را ترقی خواهد شد **علاج دم شکسته** با لاو و ... سینه ... خون باشد تا که آب آید و از آب ... فصد یک اثار خون بگیرد و بعده

سابن ... باید که دم اسب گرفته ... خون ... تا که او برابر شود در ... روز ... زده ... خون بگیرد و ... سیاه ... اثار ... سیاه کهنه

گرفته در میان ریسمان از پارچه بسته بطور کنند زیر دم ... ... روغن زرد نیم اثار ... ماهی ... دو از ده اثار ... مصالح ... ادویه

هر دو ادویه خوب کوفته و بیخته خوب مالش کنند چهار ... بار ... کنند تا که بهتر شود **علاج** کوفته اجزا ... مصالح که نوشته شد ... مغز ... بعده

موی خوره که در عیال دم باشد قدری ... آب ... **علاج بعضی که در دم میشود** روغن ... دم ... روغن

جوالها ... ای همه ادویه تیار که سوخته خاک کرده ماشیره کنند ... بعده ... روغن را ... و با ... اثار ادویه ... روغن

خاک را آمیخته تا که بعضی خوب مالش دهد ... ادویه را تا مدت سه روز بر دم ... بسته تا چهار ... آب را ... خوب سیک

الت مالش کنند ... خواهد شد مرچ سیاه دو تولہ ادرک خوب سائیده و در پارچه بیخته ... **علاج دیگر** ... یک تولہ ... دو تولہ ... وده

... یک تولہ ... بیل یک تولہ شیر ... تولہ ... یک تولہ اگر ... باشد

تمام شد رساله

ورق جفت بسیل ودوده درخت [illegible] دو توله برگ چنبیل یکتوله روغن سیاه یکتوله
تل کنجد سیاه یکتوله سن [illegible] توله اول فصد بگیرد واز هر دو رگ سینه تا یک
آثار خون واگر از رگ [illegible] اب بر آید باید که تا دو فتیله ات [illegible] سرخی آید موقوف
نماید واز هر دو رگ شیرک حجامت بشتر زده تا آثار خون بگیرد علاج دیگر
روغن کنجد نیم پاو بلادر ده عدد افیون ششماشه شنگرف ششماشه سندور
ششماشه نیله طوطه ششماشه ابلوه یکتوله روغن [illegible] یک ماشه [illegible] یکتوله
موم دو توله اول بلادر را در روغن سوخته وادویه کوفتنی را کوفته بعده همه ادویه
را در بجان [illegible] روغن بلادر انداخته سوخته کند واز دست [illegible] تا [illegible] الغرض
سائیده ملغم ساخته واثر در سم باقی ماند آن مرهم را در لته [illegible] مالیده
کند علاج دیگر موم [illegible] توله سندور ۳ توله مردار سنگ یکتوله نیله طوطه
چهار توله زال چهار توله [illegible] دو توله [illegible] ۹ توله [illegible] کاو یا و آثار
همه ادویه را خوب کوفته وبیخته [illegible] کرده در یک [illegible] در یک [illegible]
پارچه [illegible] زرد [illegible] کرده [illegible] ادویه مذکور را [illegible] بر پارچه [illegible]
[illegible] روغن اندرون انداز [illegible] سم را [illegible] ۳ [illegible]

ریزه سم

روز در سم تراش [illegible] کرده باشد علاج [illegible] سم خورده مردار سنگ دو توله
[illegible] دو توله نیله طوطه نیم ماشه سندور چهار توله [illegible] چهار توله این همه ادویه
را کوفته بیخته بعده عرق لیموی ترش انداخته باید آن [illegible] هر روز ۳ چهار روز
[illegible] انداخته باشد [illegible] اگر [illegible] انداخته [illegible] از آب
لیموی ترش [illegible] باشد بهتر خواهد شد مجرب است علاج سم اسپ که پی
[illegible] چهار توله [illegible] چهار توله نیله طوطه چهار توله سنبل [illegible] دو ماشه [illegible] کوفته
[illegible] همه ادویه را باریک [illegible] در سم اسپ [illegible] علاج شگاف سم تجربه شیخ
سالوتری [illegible] اول روغن [illegible] دو ماشه [illegible] انداخته
[illegible] همه ادویه را کوفته در پارچه بیخته در آن [illegible] در سم اسپ [illegible]
[illegible] موم [illegible] توله [illegible] ششماشه شنگرف [illegible] توله [illegible] روغن [illegible]
بیست وپنج توله روغن [illegible] توله زال [illegible] پنج توله علاج
سم اسپ [illegible] کند [illegible] برای [illegible] براین [illegible] کرده [illegible]
تر [illegible] موافق [illegible] ادویه [illegible] پارچه [illegible] بعد [illegible]

وتحلیل او را به نهد و یا موت کند [illegible] این قدر ادویه مذکور را بعد از بر وقت و با
سرکه این حنظل کرده اند [illegible] بود **علاج دیگر** مگر از باعث ورم کلالیه
سنجیده چهار توله کشنیز ماند بادیان چهار توله کشنیز باشته شده طوطه چهار توله و سماق سنبل
سنبله و دمانه و مهره زرد و برنج برشته علاوه باید که این همه ادویه را هر روز بیدار
بدار بدار از باعث فرق ورم و ترکیب مکرر نوشته شد **علاج دیگر** کج کنند یعنی
جز او ما بیدار کچور باشد یعنی مرتبه دوازده حوایج که باشد زرده سرخ شود ادویه
مذکور ساییده جوشانیده در باشته اندازند و زیر پای او حنظل بدار **علاج**
نر سم که کوده باشد موافق کف پای زمین آتش کنند چنانکه زمین گرم شود آتش را
از آنجا دور کنند و سم او را با روغن مادهٔ گاو طلا کنند و بالای زمین نهند تا بجوید که
زمین سرد شود و سم استوار گردد **علاج باشته** اگر باشته است یعنی مرتبه آن
جرود کنند و معجون خار در زود بیکو شود کجاره کنجد بکوبد و شیر گرم کرده در باشته
بسته اندر بیکو شود **در بیان کجاره و پخته شدن زکام و سینه و وجه و نوع آن یعنی برباد**
کمودر حاصل است فصل بیست و ششم علاج یعنی زکام نامت گفته

باکاغذ یا پارچه ملاحضرات کوده کوفته در بینی و دود آن و فتیله دود در بینی رود منخر و بینی
بیرون آید **علاج دیگر** کاه بهل ساییده از نی در بینی دم کنند یا به عرصه چهار روز
که همه الاشی بروی بیکو شود **علاج دیگر** در سیر اشیر مسحوق و روماب افغان حنظل که
ساییده نصف نمک لاهوری و نصف و نصف روغن زرد اشده بیخته کرده خود بدارد و وزن
دو سرخ در بینی بدمد **علاج دیگر** روغن زرد چهار توله قرنفل گرم که کشنیز چهار توله
آمیخته در آن میان اندا خته فوری کاه بهل آمیخته در بینی برساند و برابر او بار حلال نگار
که در سوراخ بینی دیگر برساند همین قدر چهار روز بکنند بهتر خواهد شد **علاج دیگر**
بسیل مدار سوخته بیشان این برشته را آمیخته شیر گرم خوراند و بعد از سه روز مرطوف
شود **علاج پخته شدن زکام** کاه بهل اگر چهار توله آرد ماجرا با وفات او کوفته
و بیخته کشنیز در آن بسته بر رو دیگ لولی در آرد مذکور آمیخته در شراب حبس ساخته بطور نان
که یک طرف پخته و دود آورده سرد کرده تولی بسته بدهند و بوقت صبح آب شیر گرم کمه
و دانه و کاه حنظل داده باشد **علاج سینه یعنی زکام و بو غیره** مرچ سیاه [illegible] فلفل
چهار توله بسیل چهار توله هیلا مغز چهار توله کاه بهل بلتوله تخم دهتوره بلتوله [illegible]

نیم توله قند سیاه با و انار از این همه ادویه را کوفته و بیخته گولی بوزن چهار توله هر بهم [illegible]

و بعد دانه بر بندد و از چهار [illegible] یک صبح و یک شام بخوراند و آب شیر گرم دو دانه

و گاه [illegible] بر بندد **علاج [illegible]** آرد نخود بریان با و [illegible] نیم توله [illegible]

توله [illegible] را کوفته و بیخته در آرد آمیخته بعد دانه [illegible] توله از شراب [illegible] بر بندد با

شیر گرم گاه و دانه [illegible] بر بندد **علاج [illegible]**

شود و زهر باد [illegible] ماشه [illegible] ماشه

[illegible] این همه ادویه را کوفته و بیخته [illegible] یک بوزن [illegible]

[illegible] مجرب است **فصل [illegible] علاج [illegible] مجرب است [illegible]**

[illegible] چهار توله [illegible] انگوره [illegible]

گرم بخته [illegible] و بعد دانه بخورانند [illegible] بخورانند

علاج دیگر [illegible] بر آب بر بند **علاج دیگر** [illegible]

بعد از [illegible] آب بر بند **علاج دیگر** [illegible] گرم

بخته بخورانند [illegible] **علاج دیگر** [illegible] انار [illegible] کوفته و بیخته [illegible]

تا [illegible] روز [illegible] بعد دانه [illegible] شام [illegible] چهار توله بر بندد [illegible] بخوراند **[illegible]**

علاج [illegible] [illegible] چهار توله [illegible] چهار توله

٢٥۴ [illegible] چهار توله [illegible] دو توله

قند سیاه نیم انار [illegible] را کوفته و بیخته و قند سیاه آمیخته گولی بسته بوزن چهار توله

بسته بعد دانه بر بندد یک وقت شام و یک وقت [illegible] گرم دو دانه [illegible] بر بندد **علاج [illegible]**

[illegible] سیاه [illegible] توله [illegible] توله [illegible] توله [illegible]

دو توله [illegible] چهار توله قند سیاه [illegible] توله این همه ادویه را کوفته [illegible] گولی

بندد و بوزن [illegible] یک گولی صبح و یک شام بخورانند و آب گرم دو دانه [illegible] بر بند **علاج دیگر**

[illegible] توله [illegible] ساخته از آتش [illegible]

تا [illegible] روز [illegible] **علاج [illegible]** [illegible] آب

بهم [illegible] کرده [illegible] شود **علاج [illegible]** [illegible] کاغذ [illegible]

گرم بریان [illegible] بعد دانه دو وقت شام تا [illegible] روز بخورانند **علاج** [illegible]

[illegible] نیم انار [illegible] زیره سفید [illegible] دو ماشه روغن گاو [illegible] نیم انار [illegible]

پسانیده یکجا کرده هر روز تا هفت روز بمالند و روز دیگر **نوع دیگر** علاج کرده مثل
سنج پنج آثار گشنیز یکتوله پنج و نیم ماشه در شیر مادینه بجوشانند و از زن نیکه آثار
تا چهار آثار بماند آنرا با شیر گرم بخورد بدین علاج خوب شود **علاج سرخ شدن آب** بیضه مرغ ده عدد
در سرکه سه روز بنهاده بعد از آن در دهان [illegible] که بغایت نرم باشد [illegible]
است آرد از کاه و دانه باز داشته روز دوم روغن ماده گاو و [illegible] مثل یکتوله پنج و نیم
ماشه بسایند یکجا کرده بجوشانند و بعد سرد آن بیضه مرغ که در سرکه [illegible] انداخته است
در دان اندازد و بسیار بمالد بدین [illegible] شود مجرب است **علاج [illegible]** [illegible]
دو نیم آثار روغن زرد ماده گاو و دو نیم آثار آمیخته وقت شام بدین علاج شود **فصل**
بیست و پنجم در بیان تبدیل کردن رنگهای اسپان که از هر رنگ که باشد اگر اسپ مثلا
را ابلق کند برای سفید [illegible] بیاید روز سیوم و اگر موی سیاه سفید برآید
علاج مکس و مکس ابلق شود این ادویه را ریزه ریزه کنند و در [illegible]
کند دانسته تا بهشت بار در دانسته بعده در کوزه [illegible] کنند بعد از آن آلاله آب [illegible] مکس
است [illegible] چوب نیم [illegible] بعد چهار روز [illegible] بمالد و [illegible] کنند بر

مکس خال سفید

مکس خال سفید می شود لاکن احتیاط کنند که دست آدم نرسد **علاج دیگر**
ابلق شود شیر ماده گاو و نیم آثار عسل بیضه [illegible] آثار این ادویه را خوب حل کرده
و بعد از آن هر اندام اسپ بمالد هر جا که باشد از برق کم باشد خال [illegible] خواهد است
او انجا را بخار دار تیل کنجد چرب ساخته ادویه مذکور هر آن انداخته بمالد و بعد سه
پهر از آب بشوید همه خال سیاه گردد **علاج دیگر** چونه پخته دو ماشه مردارسنگ
سه توله چهار ماشه صابون لاهوری سه توله چهار ماشه سجی نیم پاو و آبخور دو توله **علاج**
رنگ کردن دم اسپ هینگ [illegible] یکتوله صابون پاو و انار [illegible] کنجد [illegible] دو نیم توله لیمو [illegible] انار چونه
[illegible] دو توله اسپلی نام یارده است **علاج ابلق [illegible]** یک [illegible] کلان آوله سوراخ
کند و کنده نیم در او اندازد و مردارسنگ مذکور را در او [illegible] کرده بدارد و در میان
[illegible] بسته دارد چو آب [illegible] جا که باشد موی [illegible] در ساعه [illegible] سازد
و این [illegible] بمالد موی آنجا سفید برآید **علاج دیگر کردن رنگ دم** [illegible]
دو توله [illegible] یک توله سجی یکتوله لیمو پاو و آثار روغن زرد پاو و آثار **[illegible] در بیان**
[illegible] دود گرفته [illegible] دهان [illegible] مجرب

و نسخهٔ دیگر واسطهٔ دیگر مجرب و مجرب و برای ... باب ... مفید است گیاه کنجد

تازه هلیله ... در زیر آب گرفته در ... آرد آمیخته لیت ... و از ماده حمل خوب بسته نگاه داده

و علاج قدر سه روز کند صحت گردد نسخهٔ مجرب دیگر نمک کوهی نیم آثار برگ

ارندی قدر آنکه نمک کوفته جهال و برگ نیم نیم آثار کوفته و پخته ... بسته بطور ...

اندرون نمک هم انداخته بالای آن پارچه حمل مضبوط بسته تا سه روز انداخته باشد

نسخهٔ مجرب ابتر جهال ... آثار ... در نیم آثار کوفته و پخته ... بسته بطور ... اندرون

نمک هم انداخته بالای آن ... در ... خوب پخته بالای ... گرم مضبوط بسته

سه روز نگاه داده و بعده واکنند شفا خواهد شد نسخهٔ مجرب دیگر آرد ماش ... پخته

خمیر که بطور نان ... پخته روغن کنجد یک توله انداخته بالای آن ... انداخته

مذکور بسته بندد و بعد سه روز ... قدر تا سه روز ... دفعه ... شفا

خواهد شد نسخهٔ مجرب دیگر مازو سه توله ... سه توله ... سه دانه

... سه توله ... کوفته و پخته آرد گندم چهار توله آمیخته آب

انداخته پخته ... از آتش ... بالای آن ... مضبوط بسته بندد و بعد

هفت روز

هفت روز ... از آب گرم بشوید شفا خواهد شد نسخهٔ مجرب ...

... را مفید است جالون چهار توله ... چهار توله ... چهار توله ...

چهار توله ... نیم آثار این همه ادویه را در شیر انداخته یک آثار ... تمام شب ... و

بوقت صبح ... تا چهل روز ... چهل روز میداده ... خواهد شد ان شاء الله

... خواهد گشت مجرب ... گل ... تخم ... الایچی ...

206

خشک ... نیم ... باشد و خشک شده باشد ... و ...

... داده این همه را ... جوش ... آب باقی ماند سه روز ...

... مجرب درد ... روغن ... یک توله ... سه ... آمیخته

... شفا کلی خواهد شد مجرب ... یک توله ... یک توله ...

... یک توله ... سیاه یک توله ... یک توله ... یک توله ... سه

... این همه ادویه را کوفته و پخته ...

... آمیخته در دهان ... آبله دهان دفع خواهد شد نسخهٔ جلاب ...

... نیم ... کوفته و پخته سه توله

وقت صبح یک گولی بخورند **علاج** سوزاک بسیار مجرب است است
بلتوله کوهی سفید بلتوله انگوزه بلتوله کتیره سفید بلتوله سهاگه بلتوله السی بان بلتوله
کنور بلتوله بخورانند **علاج** انزال مجرب است گلولی بمحبوله نشاسته بمحبوله
بادیان بمحبوله تخم ریسیاه بمحبوله کشنیز بمحبوله این همه ادویه را کوفته و بیخته نگاهدارند
و در وقت حاجت بکار آرند **علاج دیگر** کنجد بلتوله املاچی بلتوله کافور قرص اللوله
سه ماشه بوست سبزی بلتوله بیج بلتوله و دارچینی بلتوله این همه ادویه را باریک سائیده
آمیخته و استعمال کافور گولی ساخته وقت حاجت بکار برده **علاج دیگر** مرهم مرداسنگ
رال سفید زنگار سنگ جراحت کتیره سفید الاچی موم سفید روغن همه را بجوشانند کرفته
روغن ملائی بلکرد و بلحاظ رشوسیده بکار برند شفا خواهد شد **علاج** جریان آب للاله
بلتوله بسیل سه ماشه قرنیا سفید سه ماشه تخلیه مصری بلتوله شیر آب باشیر باشیر
کاو با کوکه بنید و بکار برد ان الله تعالی صحت خواهد شد **فصل سی ام در بیان**
کرم و نکول و موسیلی و سنکرام و کولس و و کولس و دارباجون بینشابی دان
علاج کیوی در آسید جب است عق نمک بطور رسولی بیدا شود نیله طوطه باو اثار

نجعه کرف

سبجی نکاهم باو خونه کلی باو اثار همه ادویه را کوفته و در بار ریخته نگاهدارند و بر زیر جای
کرده بجسته خوب زده باید و آن بر چهار روز و در هر روز چهار مرتبه از آب آمیخته حساب نبوده
باشد **علاج** کرم نکول زیر کوش جب بطور رسولی باشد برای سولی ملاکو محافت
کله بجسته زده آن برگ تنبر بمخواه آکه روغن ارندی حساب نبوده از آتش گرم کرده باید بنبد
بنبد بنجبار با ضعف بار تا که بر آن بسیار رود و همه ادویه کرده باشند ببلکو شود
کلو و موسیلی بر دو نام نام مرض است گلنار دو توله املوه دو توله تریاب دو توله چتر مول
دو توله لحله سه توله تا رسفالو دو توله همه ادویه را در عرق شراب و یا و بتوره سیاه
سائیده لیپ بکند و سیت مدبر طبق زیر پاک و جای جلیح غدود باشد مجرب است **علاج**
سنکرام بیاید جبر ما لکی رکه در بر سفال بر روان نباید میبر و نبد و در سایه خشک کرده خوب باریک
سائیده سه روز بالش وید از آن عابده نه بنبد جمله و درم و بار بار از آن حکیت بحال شده باشد
تخم کنان بیاید و آسیا بکنند و تا آسیا وبید در زمان ببلکو شود یا اگر عفونت در محل باید کرد که
خالص مرداخ باشد و اگر تاب کیوان تاکسی تواند قدری ملات خالص در دماغ اندازند
علاج دسواسی بلوچین انگور کیجور زنقالنگ باغ نمک سنگ ولت چندان

... فلفل دراز زیانه علاء لیلی هو تیه الحی ایله ارسی بسوزند و جوالشه
لدبو زنه بخورند و بعد از وجوب بیخ لندو از ایم رابلیجا آرده میده کند و لصقی هم
ادویه معجون و لصقی بسعد ابد بند رلت چند و لف و کو انیو کف و کو اسی و بولوانس بانیم
رود و رکیه بابک و رلت بیشتاب میکند و بر این ادویه بخورانند و صحت شود **فصل بیست و یکم**
در علاج در مرض قیصر و علاج برای بیمار را مجرب است ... سیاه
نیم باو و زنجبیل نیم باو بادیان برنک نیم باو و نمک سیاه نیم باو اجوان چنانکه گفت
سبز رسته توله این همه ادویه را کوفته و بیخته در آرد جوار ادو باو آمیخته کوبسته بعد
دانه شام بخورانند و آب گرم که بلوقت دهد **علاج** دهویه و بران باله نه دردا
نشود برگ درخت تر در و وقات سیر **علاج** برای بانه ... دوانه شود بای
برنک بلکوتوله بادیانه بلکوتوله قرنفل بیلی بلکوتوله الوزیج بلکوتوله ترکچور بلکوتوله ... بلکوتوله
بلادر بابره بلکوتوله کاچیا چهار توله اجوان ... بلکوتوله کوفت یک آثار همه ادویه را
کوفته و بیخته ارد گندم چهار توله آمیخته گولی بسته بلوقت آب نیم گرم داده باشند
و از کار دو قدر اکرم جای کرده در چشم ... بطور کامل ... شفا خواهد شد **علاج**

تم حیدر اکبر

باد قیصر اگر است باله ... زده باشد و در زمانه تو سعد را دفع کرده بعول او ام بیارد چند تا
نوشانند بلکو شود **علاج دیگر** اینست از باد قیصر اگر آن است مخمور شده باشد کاه و دانه
همراه بخورند بعده کاه کشیده باشد سخت کرده یا برگ بانه آتش کرده سه روز تا چند خورند
در هو صحت کردد **فصل بیست و هفتم** ۲۷ در بیان منجوله و کول کلجوی و منیع یا فار یا سنگ
یا سنجوان که در بیان است جلیده باشد و در بیان جلد و در سی بابت و بیاکوتوله و کف سنجوار از بر سر
برای منجوله و منجور است اگر شان برزن ... بیخ و برگ کوفته شیره بگیرد و در روغن کنجد و سنجار و نمک
شود هر چهار چیز یک جا کرده آمیخته بجای منجوله بمالد تا سه روز متواتر کند بهتر خواهد شد **علاج کلجوی**
برای ... قسله بول صاف زیره سعید و سیاه سبحه بهار نیلی کرد آل ... یک پل ... وزن
برابر کوفته میده کرده هر روز نیم توله بخورند تا سه روز بدهند و اگر ضعف زور بدهد سه توله بدهند
کول کلجوی از ... بسیار لرزان کرده شدو برود خواهد رفت **علاج** در بیان منیع یا فار یا سنگ
... اجوان ... جلیده باشد حرفت یعنی اینست لازم کرده و برادیته یا ... و سم او بند
و بر او آب اندازد تا که از ... استوار شود ... دو سه روز کند صحیح شود و اگر نشود تا زه باسول
در باب انداخته تا در سه روز شفا خواهد شد یا بجای قرار قوا را لازم ... بندند **علاج در بیان درس کما**
و فسیله رسی پیدا شود اگر چه مردلت باشد فایده را و ... بکار ... اگر بهار است باشد

... و مویزه و سپستان و بنفشه و سپوس را مطبوخ ساخته بابونه ده بیست روز از آن اجابت کند
و نوشیدن است و اگر خواهی بند گشت آن یک مثقال چوب چینی یا قرنفل یا پلو را پیرو دوا کوفته بخورد از غم دور
گردد انشاء الله حاصل سازد و دورو بلی بر کند و بندد تا دو یا سه روز شفا خواهد شد **علاج دیگر** اگر
آب پیازان با کف بادام الله باشد مغز جوز آب گرفته بغل را برندد و بر آن ...
و بر آن گره زده بر پای راست آلاء بندد و بیلو شود مجرب است بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الباری
بسم الله الماء و صلی الله علی خاتم الانبیاء و رسول الاصفیاء **علاج** راست آب اجوائن یک آثار
بلیله یک آثار کابلی یک آثار بهلیله آثار سنج بلیله پوست رای بلیله ... نیم مالون
بلیله ... بلیله ... نیم ماشه ... بلیله ... شکر ... تولیه ... گل ماوراء
نیم ماو سیحه ماوان بار ... را یکجا کرده کوفته بر روز دو وقت صبح و شام ماوان ... غالب
خواهد شد **علاج بار کوره** این همه ادویه را خوب باریک ساخته ... تولیه ... عرق
و لیت سنجیده ... حل کند و ... و بعد دو سه روز دو دو تولیه بدهد برای بار کوره
مجرب است کمالی زیره سیاه ماو کمالی نیم ماو رای اسری ... دو تولیه مشک دو تولیه
... نیم ماو ... نیم ماو ... نیم آثار ... نیم آثار ... نیم
ماو ... نیم ماو اجوائن نیم آثار ... نیم ماو ... آثار سنجی نیم ماو **علاج** بار ...

هر که بار گرفته باشد

اگر بار گرفته باشد ... باشد حوالی و بعد بالا ... برود **علاج** کف
که در ... باشد تخم ... نیم ماشه ... یک تولیه ... ساییده ... ماکسی
درد دفع شود **علاج** مرجان ... ساییده در بینی ماکسی ... **علاج** ...
... آب گرفته ... خالص در روغن ... در دماغ آب برند
و یک ... را با ... ماکه ... بعد از آن یک ساعت ... لخلخه ...
که ... بر ... **فصل ... و ...** در جای ...
و ... **علاج** در جای ... طبقی ... (۲۰۸)
... چهار ... بعده ... خام کند و موافق
... کرده ... در آن انداخته ... در جای ... چهار
... بعده ... آن ... الف آب
تمام روز ... و اگر ... بعد از چهار روز دیگر بدهد
قدر دو چهار ... تا ... خوب نشود **علاج** در جای ... باشد
باید که ... کاغذ ... روز ...

صحت شود علاج در بیان بیتی اسب اگر اسب سبی برآید بولت را بعضی کلیچ
که بو رسیده نباشد بهتر و نو باشد در قند سیاه آمیخته بخوراند تا که بیخ دور شود
و صحت یابد علاج دیگر انغیست کرو چهار توله و نشماشته مرچ سیاه چهار توله
و نشماشته بسیار باریک سائیده آمیخته هر روز بدهد تا که زده دور شود اگر
موج هم خواهد شد بهتر شود علاج در بیان سه اسب اگر اسب را صفرا بیرون بعضی
بیرون آمده باشد و از ضعف گرده و غیره معلوم شود و سیح نوع بهتر شود علاج پیه
شیر گاو اضافه شیر گرم بر سوده طلا کند بهتر شود علاج موج خواهد اگر اسب را موج
خواهد شد روغن مالکنگنی گرم طلا کند و سرگین او شیر گرم بر بندد و بهتر شود علاج
کوند سفید مثل داغ کوند سفید است که اگر بر جای شود آن را جابجا میکوبند علاج آن
انغیست باکاهی بریده در آب انداخته را فی الحال خوب مالیده آن آب را بر داغ بریزد
بهتر باشد بعد تفتیش است که در بیست روز آن داغ بهتر شود و بیشتر خواهد شد از مدت که گاهی
فرق نیاید علاج دیگر برهمی و چهیر و شنگرف دو ماشه سهاگه دو ماشه و سندور دو ماشه
زال خام هفت ماشه گل پامری هفت ماشه نیله طوطیا هفت ماشه روغن زرد نیم آثار ...

تمت شد

هفت ماشه علاج برهمی سندری بیخ گوشته اورک و ... جوز ...
قند آمیخته هفت روز خورانیده ... **فصل سی و چهارم** در بیان ... اسب
دانی و گرفتن بچه و مدت بودن ماده اسب و غیره اگر خواهد که ماده اسب را بچه فرج
او دلت بعد و بر شده اسب نیز بر او دلت و بعد تقشله در چند ایام ... کند بچه
اسب ... و بعد خواهد شد و اگر خواهد که اسب ... نر ... را اگر ...
بر ... او ... بار ... تا که ... کم شود بر ... خواهد ... علامت
اسب ... بسیار خوب ... منحصر است و اگر ماده اسب فرج ...
در از ... اسب ... آن است که فرج خواهد باشد **در بیان مدت بودن**
ماده اسب ... بچه ... و غیره اگر خواهد که ماده ... آید باید که این دوا
... یک آثار ... یک آثار هر روز یک آثار ... سه روز بدهد تا ... باید که حملی
... که ... آخر شود ... و اگر در ابتدا خواهد ... حمل نخواهد ماند
و اگر طفل ... باشد ... سه روز ... حمل ... نشود لازم که
... بچه در شکم ... ضایع خواهد شد یا اسقاط حمل خواهد شد

و ماده است که امروز طفل زاید محتاج الانگشت ماء [illegible] ششماه اورا است [illegible]
مقرر حمل خواهد شد لاکن سه روز چون نزدیک زائیدن آید لازم که اورا
هر روز روغن زرد با آب انار تا چهل روز بدهد مشکل زائیدن آسان شود و در
طفل قوت بسیار پیدا خواهد شد و اگر خواهد الفک مع قوت شده باید که آب
[illegible] بر فرج او بریزد و برای [illegible] بیغیی الفک [illegible] است باید که این ادویه
را تا سه روز بدهد [illegible] اگر کوچک باشد یک بیه بدرو اگر کلان باشد دو
چهار بدهد

فصل بیست و پنجم

[illegible] بار [illegible] چنگلها
دکات [illegible] و فرج [illegible] و فیل [illegible] چشمها [illegible] و موسلی و تخم [illegible] صندل [illegible]
کباب زیره [illegible] کرده این همه ادویه نیم توله هر یک کوفته در عرق گشنیز سبز ساییده در ساغر
[illegible] بر جلاب [illegible] سه رتبه [illegible] ساییده باشد بفضل الله تعالی صحت گردد

علاج دیگر

[illegible] رود توله زرد چوب یک توله آرد گندم یک توله نیم با و این همه ادویه را
کوفته و بیخته ساییده چوب [illegible] جائیکه مرض نمودار باشد لعاب [illegible] از [illegible]
و [illegible] ان شاء الله تعالی در عرصه سه [illegible] صحت کند

علاج [illegible]

شنبلیله کوفته

شنبلیله کوفته یک وقت همراه دانه میداده باشد فایده خواهد کرد [illegible]

علاج

درد حقنه [illegible] دار چهار توله [illegible] چهار توله [illegible] چهار توله [illegible] سپید
خالص با آب انار [illegible] با آب انار [illegible] با آب انار [illegible] زرد [illegible]
کرده [illegible] کلان زرد با آب انار [illegible] سیاه نیم توله [illegible] با آب انار [illegible]
لاهوری نیم توله [illegible] نیم توله [illegible] نیم توله [illegible] نیم توله همه ادویه را
کوفته در [illegible] کلی انداخته [illegible] آنقدر انداز که چهار انگشت باشد [illegible] سه چهار روز
نم شود بعده [illegible] بعد از آن زنجبیل آمیخته [illegible] و بوزن [illegible] توله است
میداده باشد ابتدا

علاج

چنگلهای [illegible] کباب زیره [illegible] سیر [illegible]
شراب قند سیاه عرق [illegible] این همه ادویه را در عرق [illegible] مذکور حل نماید
که [illegible] صحت گردد

علاج کانجه است

اگر کانجه است بیرون آید باید که کانجه را [illegible] این همه ادویه را [illegible] روغن [illegible]
این همه را جوش [illegible] آب [illegible] مانند [illegible] کلان
[illegible] باید که چهار توله روغن زرد [illegible] جوشانیده [illegible]

ور روغن هم زرد اندرون آن جریره بکلند از ین علتی قدر نخورانند و رحندی ایام صحت یابد

علاج مرغ بیضه دراز بدم حلقه را باید که موافق بیضه کوفته ۳ روز بندد و بالای از

سه روز و اکنده همه الدارش بیضه بیرون افتد صحت کرد و نسخه دیگر توتیای

و مالیدو تخم بیضه ماشه جل بیت بیضه ماشه سبهاله بیضه ماشه قنبیل هر چهار

چیز را کوفته کوفته و آمیخته از پوست بید انجیر بیضی اندرون به بندد و روز دیگر در انداختن کم

خواهد شد صحت کرد و علاج جبهر بای است بیضه مرغ ماکیان چوزکی شکسته بلغده ی

و زردی او را گرفته در ظرف مسی یا آهن اندا خته بالای آتش و بگذارند که تا ورد

است نهاده آتش نرم سوزانند و از جمجمه مسی یا آهن انداخته بالای آتش و بگذارند که ورد

است بیضه ها را گردانند و آنچه روغن از آن برآید از جمجمه گرفته نه بندد و سوخته بیضه ها را

دور کنند و روغن که از آن بیضه برآید قدری قدری بر جبهره بمالد بهتر خواهد شد ان شاء الله تعالی

و در چندی ایام صحت خواهد شد از نظام بیک ایلچی نسخه نوشته شد علاج تخ ادو

سنجار زرد چوب سیاه دانه تلخه ماده گاو و روغن تنزه و روغن تلخ گرفته نیم کوفته

را یکجا کرده ملا کن و ... باشد در لته نرم خود بند اند و جراحت یعنی

طلا کنند یعنی لیپ

طلا کنند یعنی لیپ کنند بفضل حق تعالی در چندی ایام صحت شود علاج دیگر سنجار

ستان بیجهال رگ که سفید باشد برابر گرفته تا آب ساینده و رخ آب را

انجنان بکار دارد که چون از رخ سیر آب آلا و برآید دو دوقت او و بعد کور بران آب

زخم لیپ کنند روز دوم بحانو وقت بطوری که کرده است زخم رخ را بخاله و ادویه

دیگر ماره سائیده لیپ کنند اگر در عرصه ۳ روز بهتر شود بهتر است یا زیاده شود روز

دران جا بیکه زخم است لیپ کنند و لیپ کرده باشد تا بهتر شود علاج چوب ادویه

بعد لیپ کنند و اگر یک رگ ملخ باید بهتر است بعد از آن گل نیدن خواهد بود باید که

که بمغز ادمی و روغن یکجا کرده جوش انند و در آن زخم لیپ کنند بهتر شود علاج رخ

است و مو سیلی شیر زقوم ده و نیم ماشه جوز چهار تولهٔ چهار و نیم ماشه جو را ساییده

بالای رخ لیپ سازد اند یا سیک و بد بهتر خواهد شد علاج تخمه است چون

است که تخمه و درون ماشه هر دو دولت ایس و پس قرار لیپ ابله تخمه در دل اندک است بگیر اللہ یعنی

علاج شود و به بندد و نسفاده برکند باید که آب کلیقی جوشیده است را ایلا بود در یک

هفته تخمه بیرون آید اما بسی شکل خواهد شد انه ا... دیگر تا که است را صحت شود

دیگر علاج ماهی زهره را خوراک او اده در میان دوغ انداخته کنده کند چون
در دوم روز سیوم و چهارم ماهی مذکور کنده شده با دوغ جاالده آنرا در قلم جالادیر
تا استخوان و غاره او و بولت ماهی و دولت مذکور بر آید و آن ماهی تیمچان
با دوغ که با و تخمه شده بیت اسب را بود بتخمه بیرون آید بیرون زند و ملوکه
علاج دیگر اینست اسفند در شیر ماده گاو بخیساند آنار نفت را تر کند و بوقت صبح ناشتا
نیم آثار سرخ امیز کرده بدهد سیوم روز البته تخمه آب بیرون بر آید و داغ
کند تا فرو نشیند علاج دیگر زهره سفید ماکانچی لب اید بیرون کمانچی لیت دهان
و لب را بشوید و بار بجاید بهلتار یعنی هیوین و زنگلینی بزرگ و خود او سابین
مسهوب لیوکر و لقمه بنگره و بولت کل دهان و ره گشنیز بلیله مربک بوزن برابر
کوفته بیخته کرده هر روز بوزن چهار آثار و بوقت نماز شام بخیساند و دهان بیلوشود و تخمه
را مفید است علاج دیگر بلیله با دو برنگ دهانی بیلوشود و تخمه را مفید است علاج
دیگر هلیله بادو برنگ گشنیز و اربلدی بنفشای چوده بها ربلی اگرغ برابر مابین شهید
سیاه بوزن برابر کوفته بیخته هر روز چهار آثار در سانمه آثار آب ناقی باید جو شانیده

شنبلید نیم آثار

شنبلید نیم آثار روغن سنور و نمک سیاه و نمک سنگ چوالهار نمک اره برابر
درو هیم ماشه گرفته باریک سائیده آمیخته بوزن نیم آثار خوراک دیگر علیه
نسخه تیزاب هشکاری شوره بوزن ادویه گرفته در دیگچه گلی انداخته و
بالای آن سبوچه گلی که نو شسته در آن سوراخ کنه نلی بطور قلم در آن کرده باید بلطرف
نلی در سبوچه و طرف دوم نلی در آبدیه عرق در آن میچکد نسخه بیل بوشته بیل
مرچ سیاه شهید نسخه جهانیه بند نوشته نیم آثار مال کنگنی نیم آثار الهسن خشک
نیم آثار کنجد سیاه نیم آثار بهلاوه و زرد چوب نیم آثار نوسادر چهار توله سهاگه
خام چهار توله قند سیاه کند مقدار ادویه اول آب و رفاقه بداله بعد از آن
این مع الحیث روز بدهد در بخته جاقه باید و انسب بعد از آن السیم و سوفاقه
بدهد و آب یم بکوفت بدهد نسخه شنجرف نوشته بلادر و سنجرف سنکه
سهاگه جوکیه سهاگه کبریا هر تال طلق هنگری گفیدی هنگری شنج هیکه نوشته
کنه گفید کو کلف هیر سینگ سیاه سنجیهی نوشته مال کنگنی لوبک خانجی اهک اجوده
اجواین خراسانی کوت ابهی بلکی ... واسی اندر جو منیه بیلیم

[illegible] جوانکار بسبلا [illegible] سنجبیل انار سیاه لونگ هلیله سرخ هلیله

سفید [illegible] عاقرقرحا افیون کچله بسپل [illegible]

هرتال سفید تخم سویا جنبا [illegible] اسگند ناگوری اسگند لاهوری مغز [illegible]

[illegible] ادویه را [illegible] کوفته و بیخته [illegible] و [illegible] آنرا

عرق ادرک [illegible] انار [illegible] مقله ها را در این ادویه [illegible]

داخل کند [illegible] بمقدار نخود به بندد روز اول یک [illegible] **نسخه** سپند

بند مال [illegible] بنجوله بلادر بنجوله اجوائن خراسانی بنجوله [illegible] تولا بنجوله

[illegible] بنجوله برگ [illegible] بنجوله [illegible] ادویه را [illegible] به بندد [illegible] از دانه

صبح [illegible] گرم کرده [illegible] بندد [illegible] دانه نیم [illegible] بندد [illegible]

سپند [illegible] تولا [illegible] دو تولا [illegible] بنجوله [illegible]

[illegible] باو آثار [illegible] باو آثار [illegible] دو تولا [illegible]

این همه ادویه را [illegible] بیخته [illegible] میکرده باشد **نسخه** [illegible]

[illegible] بنجوله [illegible] تولا [illegible]

[illegible]

[illegible] دو تولا **نسخه** برساییه هرتال [illegible] تولا [illegible] انار

نسخه [illegible] طوطیا سبز [illegible] صاف کرده

[illegible] شود [illegible] طوطیا سبز [illegible] در تمام روز [illegible] چهار بار [illegible] باشد

نسخه [illegible] سبجی [illegible]

[illegible] برنیان [illegible] باشد [illegible] همه [illegible] علیحده

علیحده کوفته سبجی [illegible] آمیخته [illegible] را [illegible] کرده [illegible] تولا [illegible]

[illegible] آب صحیح [illegible] بعضی [illegible] انداخته [illegible]

و بعده آب **نسخه چینی** که بسیار فایده است [illegible] باو آثار اجوائن خراسانی

باو آثار [illegible] باو آثار [illegible] باو آثار [illegible] باو آثار

[illegible] باو آثار [illegible] باو آثار [illegible] بنجوله [illegible] بنجوله

[illegible] بنجوله [illegible] بنجوله [illegible] بنجوله همه ادویه را کوفته و بیخته [illegible]

[illegible] انداخته [illegible] چهار [illegible] باشد [illegible] چهار روز [illegible]

و بعده [illegible] دو تولا [illegible]

باشه آمده بحر فراخ است میداوه باشد نسخه اشتک آبینه بلدی بسته باشد
سیماله جلد بسته با ... تحفه کوفته آنحفه بادانجان را دو باره که باشیده
بر آتش ... تحفه بر اشتک است شیرکم به بندد و هر روز ... قسم به بندد
اگر اشتک تازه ... الفور صحیح خواهد شد نسخه ... بولت ... حالی دار
یعنی زقوم بقدر چهار انگشت گرفته سیماله ... کوفته باشیده بر آتش تحفه
شیرکم ... بولت ... یعنی زقوم ... به بندد ... نسخه
برای دفع تندی و حرارت است منجت نیم با و کعبه سعید ... گاو ... تولد
تخم لیمو نیم با و تخم حنا نیم با و جمله را باریک کوفته ... ماشه گولی
بند و دوا اگر ... وقت صبح ... تا ... فراخ معمول
باشد صبح و شام دو وقت ... در یافت فراخ است ... لیکن
... استعمال ... اجابت ... هر چند که ...
هم ... لیکن در یافت فراخ است خود است نسخه ... لیکن
یک ... سیاه ... نسخه ...

روسیان بولت

او میان بولت بلیله دو تولد بولت بلیله دو تولد آمله دو تولد ... دو ...
بلکوله کوفته بیخته ... صبح و ... شام ... جواب ... آب ... اند
عنزا ... یا ... روغن ... نسخه حطاب حفظ ... بولت بلیله
زرد نیم با و بولت بلیله نیم با و آمله نیم با و برگ نیل نیم با و برادة ... بلکوله برادة
آهن بلکوله ... ساعته ... طوطه ... این همه را کوفته خوب ... کوب
... در آب ... نیم ... در روز ... بعد آن آب ... آن را ...
دور کند ... برادة ... را گرفته ... آب ... نیم ... آن آب را خوب ...
... وقت حاجت ... آب آمله
ساییده ... نسخه ... پنجاه عدد ... پنجاه عدد ... پنجاه
عدد ... عدد ... حلوان ... بلکوله
بولت ... بلکوله ... دو تولد ... بلکوله ...
گل ... بلکوله ... دو تولد ... دو تولد ...
دو تولد ... دو تولد ... دو تولد ... دو تولد ...

سفید دو توله شقاقل مصری دو توله بوزیدان سفید دو توله اگر عرقی نشاسته ورد

وودع عربی یک توله ... کتیرا یک توله ... یکتوله مصطگی رومی دو توله

تخم ریحان دو توله قرص یکتوله آمله دو توله پوست بلیله کابلی دو توله خرفه دو توله

گلاب یک آثار کیوره قند سیاه پنج آثار ریخته در وقت قوام یک آثار در وقت کیوار

دو آثار را جوایی چکردن باید نسخه ما موبلا در نسخه چای یک پاو آثار

قیمه کوفته پاو آثار هر دو را بجوش آنند مجرب است نسخه دیگر

هلیله نوه پاو آثار بینی بجنبد جهت گلی سیر و پای بریده اول

روز یک چیلر روز دوم سیوم روز سه چهارم روز چهار بخورانند

مجرب است نسخه دیگر موی چشم نسخه اول بعوض ریجیل

چهار ماشه حنظل چهار ماشه تخم حنظل یکماشه دو خسی

رفته بخته در حنظل انخته در چشم ... بالای آن ملای نسخه ماهیه

به بند و نسخه

به بندد نسخه دیگر جمال گوته دو ... کوفته و بیخته در چشم انداخته

بالای آن مسکه ... و از بجه بندد نسخه دیگر ... جهار ماشه

کوفته و بیخته در چشم انداخته بالای آن ... بندند بعد چهار گهری ... باز نمک

انداخته پتی بندد مجرب است نسخه دیگر جمال گوته در شیر بخته کرده بعده

کوفته و بیخته در چشم انداخته بالای آن ملای بندند مجرب است تمت تمام شد

الکتاب بخط غریب محروم علیشاه قادری ۲۱۵

[illegible]

مصالح [illegible]

فرج بیاه	تالی ریزی	تار [illegible]	اجوان	کسیاب	[illegible]
یک آثار	[illegible]	باو آثار	باو آثار	باو آثار	[illegible] دوم
اوبله	سرکوب	مال [illegible]	[illegible]	بلعله [illegible]	بلعله [illegible]
[illegible] باو	تقش دوم	تقش دوم	پنج دوم	پنج باو	باو آثار
بلعز [illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	باو [illegible]	[illegible]
پنج باو	تقش دوم	سه دوم	یکدوم	[illegible] دوم	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
دوم	سه دوم	سه دوم	شش دوم	دو دوم	سه دوم
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
شش دوم	دو دوم	سه دوم	شش دوم	پنج باو	[illegible]

۲۱۶

بیاع حوریاتی | محمد بیک | ییلاق پاره | محمد بیک | دروغچه | الغورجی

یکدم | سه درم | ... | شش درم | ... | یکدرم

رشتوره | سیاه برنا | ... | رنجیس | ... | کلوچکی

سیدام | شش درم | ده درم | شش درم | ... | ... درم

جانجلبی | کلجی | محمد ... | خوجعلی ... | ترکمدی | ... جرم

... درم | شش درم | ... | شش درم | دو درم | دو درم

[illegible]

[illegible]

... دانکی

فعلها شیبه ... محمد

پنج سیاه | کوشه | ... | ... | محمد بیک

یکتوره ۲۱۷ | ... | شش ... | شش ... | شش ...

علی ... | ... | ... | محمد ... | ... | ...

[illegible]

[illegible]

۲۱۸

یا شافی

مفتاح جاروب

ادرک	مرچ سیاه
[illegible]	[illegible]
لیمو	فلفل
[illegible]	[illegible]
عرق [illegible]	[illegible]
[illegible]	

[illegible]

بسم اللہ الرحمن الرحیم

یہ رسالہ بیانمیں سوال وجواب کے ذکر دین عیسوی اور جواب محمدیان اور دین محمدی کا اور اوس عیسوی کے مسلمان ہونے میں واسطے
معلوم ہونے مسلمانوں کے ہاتھ ہو کہ اس بارہ سو بیالیس ہجری نبوی میں لکھا گیا اور چند الفاظ معلومہ کا مذہب اس رسالہ
کے جاننے پر لکھے گئے ہیں معلوم ہووے غرض یہ ہے کہ ہر ایک مسلمان بھائی بعد مطالعہ اس کے دوسرے بھائیوں کو للہ یا
یاد دلا کر دین نور اللہ تعالیٰ اون بھائیوں کا مقصد اور مراد دینی و دنیوی بحق دین سید آخر الزمان محمد مصطفیٰ صلی اللہ علیہ
وسلم کے برلاوے اور دین محمدی پر قایم و دایم رکھے اور طفیل میں اون بھائیوں کے اس عاجز خاکسار کے بھی عاقبت اور ایمان
کی مراد دارین حاصل ہووے آمین یا رب العالمین ایک روز کسی جگہ پر ایک کافر شیطان کی دعوت
میں ہر سو لوگ جمع ہو گئے تھے تب اوس میں ایک شخص عیسوی کے دین کا مرد نے شراب اور سور کا دعوت میں لایا ایک
داخل مجلس ہوا تو صاحب خانہ نے اوس کو الگ بٹھلایا جب سب لوگ کھانے سے فراغت پا چکے تب اوس کو لیے
کھانا ملوا کر شوربہ چن دیا تو اوسنے ہرگز نہ کھایا ہر چند صاحب خانہ اور سب لوگ سمجھاتے تھے مرد نہیں سمجھتا
تھا اور یہی کہتا تھا کہ کیوں تم نے علاوہ شریک مجلس نہ کیا ہم بھی تو ایک کتاب منقول اس انجیل پر ایمان لائے ہیں اور
اوس پر عمل کرتے ہیں پھر کیوں تم ہم سے اس قدر انکار رکھتے ہو تب حفاظ مجلس کے الگ ہو کر کہنے لگے
کہ اول تم بھی کھانا کھالو پھر بعد اوسکے جواب عیسوی کا پاوسے فراغت پا کر اون سے مخاطب ہو
کے کہا کہ وہ سبب کیا تھا جو تم نے ہم سے انکار رکھتے ہو کیا تب لوگوں نے کہا جو کچھ کہ تب اوس
کو ... اس کی ... علاوہ ... بتلایا تا ... نہ ہووے غرض اوسنے نہ مانا تب اون میں سے ایک شخص

جو محمدی ...

جو محمدیان تھے اون میں سے ایک نے کہا کہ ان باتوں کا سبب یہ ہے کہ حاصل ہو اور دعوا ... اعتقاد ...
اور یہ بات ہے کہ اگر تم عیسیٰ کی امت ہو اور اوس کی کتاب منقول انجیل کے معتقد ہو تو خلاف ... تم کو کیا کرنا
تھا تو تم نے اون سے یا یہ حضرت مسیح کے ابن اللہ ہونے بلکہ بر زعم مسیح کو ... الوہیت تو اس اعتقاد کا
کہ برخلاف حکم خدا اور عیسیٰ مسیح کا ہی ہو گئے اور ... کہ مسیح خدا کا بیٹا ہے نعوذ باللہ ... اس
لئے ہم کو ... ان دین عیسوی سنتے ہی غصہ ہو گیا تھا کہ وہ کون سی بات اور کون سے اعمال ہم میں
پاتے جاتے ہیں بیان کیجئے محمدی کہنے لگا کہ یہ وقت تمہارے غصہ کا نہیں اور وقت ہو رہا ہے
تم اپنے اور باتیں کیا کرو عیسوی کہنے لگا کہ کیا بات ہے جب تک ہمارے اوپر انسان ہم پر ظاہر ہووں پر ...
ہمارے نہ اٹھو لگا محمدی کہنے لگا ان باتوں کے کہنے سے کیا فائدہ ہر شخص کو اپنا مذہب پیارا ہوتا ہی
اور کوئی کسی کی نہ مانتا ہی اور حق قابل تابع ہونا ہے دیکھو تو کیسے کہتے ہیں اور کسی بعد ا ہوتے اور ...
معجزہ بتلانے پر ... نہ مانتا تھا جو ان کو نہ مانے اوسنے کیا خوب الزام دیا ... تو نہیں ہی تو تمہارا
پیغمبر نے تمہیں ... نکار ... آپ نے کتاب سے ثابت کر دو تو میں اپنے مذہب سے ... بارا اول
اور دین محمدی کو اختیار کروں اگر اس اقرار سے پھروں تو محمدی اپنے عیسیٰ کی ذات و خواں کی قسم ہے محمدی
کہنے لگا اگر میں ... اپنے معلومے کی صورت سے اپنے مذہب سے نہ پھروں ... سے اپنے خالق
کی وحدانیت ... کرو ... طفیلہ جہان کی بات تمام ہووی اور رعایت ... کلام کی
ہرگز نہ ... در لحاظ انصاف ایک بات پر رکھیں تا حق و باطل خوب معلوم ہووے اور ...
عیسوی کہنے لگا کہ اس کیا بہتر ہے بہت روز کی آرزو بار آئی ہے ... ارجت ہوئی کیا

عیسوی کا سوال تم محمدی لوگ کہتے ہو کہ معراج کی رات تمام آسمانوں پر جا وہاں کا
سیر کر کے خدا سے ہم کلام ہو پھر آئے تو کچھ بالکل نہ تھا ہم اور لوگ آسمانوں پر جانا محال جانتے ہیں اس
لئے کہ آسمانوں کو خرق و التیام نہیں یعنی دراڑ پھٹتے ہیں نہ ملتے اور نہ ان کو در دروازے ہیں

محمدی کا جواب اگر یہ باتیں تمہارے عقیدے کے موافق سچ ہیں تو پھر عیسے اور پولوس
کا جو عیسوی ہو کر چودہ برس ہوئے تیسرے آسمان پر جانا کیونکر ہوا چنانچہ پولوس کے تصنیفات میں پولوس
کے دوسرے مکتوب کے بارھویں باب میں جو قرنتیوں کو لکھا تھا کہ جس میں اپنے مشاہدات معراج
اور لقاء کا بیان کیا ہے ۲ سطر سے ۵ سطر تک لکھا ہے وہ یہ ہے کہ ایک شخص مسیح میں
ہو کر چودہ برس گذرے ہوں گے کہ دفعتاً تیسرے آسمان پر چلا گیا خدا جانے وہ جسم سے گیا یا بغیر جسم
کے اور [illegible] وہ باتیں سنیں کہ جن کا بولنا بشر کا مقدور نہیں انتہی کیا تم ان دونوں کا آسمان
پر جانا محالات سے نہیں جانتے

عیسوی کہنے لگا ہماری انجیل میں لکھا ہے کہ مسیح روح قدس
سے تھے او وہ آسمان پر اپنے باپ کے داہنے بازو پر بیٹھا ہوا ہے اور وہ ہو [illegible] دوسرا
ایسا نہیں اور اوس نے مردوں کو زندہ کیا ہے اور اندھوں کو بینا اور لنجوں کو ہاتھ و پیر بخشے اور [illegible]
معجزے بتلا [illegible] اور روٹیاں بخشے [illegible] ہمارے کو [illegible] ہو کر اوس کے
بچانے سے جنہوں نے عیسے کو صلیب یعنی دار پر کھینچا وہ [illegible] کہتے ہیں کہ بعد موت کے تین
روز کے عیسے قبر سے نکل آسمان پر چلا گیا یہ بات مشہور ہے

محمدی کا جواب
تمہارے [illegible] کو خرق و التیام اور در دروازے نہیں [illegible] ہوتے ہو کہ عیسے آسمان پر گیا ہے اور

بایں کہ

اپنے باپ کے داہنے بازو پر بیٹھا ہے واہ یہ عجب بات ہے شاید تم جو یہ کہتے ہو [illegible] تمہاری انجیل کا
ہے کیونکہ تمہارا احوال تمہارے دعوی کے خلاف و بر عکس ہے اور عیسے کا آسمان پر جانا ممکن
ہوا کیونکہ محمد پیغمبر و نبی برحق تھے اور تم جو کہتے ہو کہ مسیح روح قدس کا بیٹا ہے [illegible] دلیل سے جو
تمہارے عقیدے موافق بعد موت کے تین روز کے پھر جی اوٹھا ہے سبحان اللہ مسیح روح قدس کہلاتا اور تین
روز کے بعد جی اوٹھنے سے خدا کا بیٹا کیسا ہو گا کیونکہ کل پیغمبروں کی ارواح اور تمام ملائکہ مقربین
روح قدس نام پاتے ہیں چنانچہ جبرئیل کا نام بھی روح قدس ہے اور ہر پیغمبر سے بعد نوح کے سو برس
سے پھر جی اٹھا عیسی کا رب کیا خدا کے بیٹے ہوئے اور محمد رسول اللہ کہ جن کا لقب نور اللہ و روح
الروح و ابو الارواح یعنی نور اللہ کا اور روح تمام روحوں کی اور باپ تمام ارواحوں کا ہے وہ نور خدا کا بیٹا
نہیں کہلایا پھر مسیح روح قدس کیونکر خدا کا بیٹا کہلا سکتا کہ جسمیں شرک پایا جاتا ہے اور حقیقت یہ کہ
مسیح کا بیان معلوم ہوتا ہے کیونکہ پولوس کے مکتوب کے پہلے باب میں جو رومیوں کو لکھا تھا کہ
کہ جس میں دین عیسوی کے اصول کا بیان ۳ سطر سے ۵ سطر تک لکھا ہے وہ یہ ہے کہ جسم کی جہت
داؤد کی تخم سے ہوا اور روح قدس کی نسبت جیسا کہ اوس کی جی اوٹھنے کی دلیل سے قوت ثابت ہوا
خدا کا بیٹا ہے یعنی ہمارا مسیح انتہی ... اس سے صاف معلوم ہوتا ہے کہ حضرت عیسے علیہ السلام
اپنے جیتے جی نہ خدا کے بیٹے اور خدا انہیں کہلاتے تھے لیکن تم لوگوں نے اوس کو خدا کا بیٹا
اور خدا بات [illegible] قرار دیا ہے پہلے سے نبو کا کیا اعتبار ہے بلکہ عیسے اور خدا پر تہمت [illegible]
جاتے ہیں [illegible] ہے کہ خدا واحد و لاشریک ہے نہ اوسکو کوئی بیٹا ہے نہ بیٹی نہ ماں ہے نہ بہن

ہو روح ہی بلکہ [illegible] اور وہ مان سے پاک ہے رقبا اس سے برتر وہ اوس کو تحت ہی نہ فوق
نہ کم ہے نہ زیادہ ہے اوسکا علم سبھونکی علم سے الگ بلکہ سبھونکا علم ہر علم اوسکا محیط
ہی یہہ عیسی اوسکا بیٹا کیونکر ہوا اور متی کے انجیل کے پہلے باب میں ابتدا سے انتہا
تک لکہا ہی کہ عیسی یوسف کا بیٹا اور کہ باپ میں داود کا اور کہیں ابن آدم اور کہیں
تو خدا کا بیٹا ہی واہ یہہ عجب بیٹیان شرکت کا پایا جاتا ہی جسے تو کیا بلکہ اوسے اور یہہ حال
کہیں نہ دیکہا اور نہ سنا ہوگا **سوال** عیسویں کہتے کہ لکہا متی کے انجیل کے پہلے
باب میں لکہا ہوا ہی کہ عیسی مسیح کا تولد اسطرح ہوا کہ جب اوسکی ماں مریم یوسف سے منسوب
ہوئی اوس سے پہلے کہ وہ باہم ہوویں وہ روح قدس سے حاملہ پائی گئی تب اوسکے شوہر
یوسف نے جو مرد عاقل و عادل تہا اوسکی تشہیر نہ چاہ کر ارادہ کیا کہ اوسے چپکے چہوڑ دیوے
ان اندیشوں میں تہا کہ دیکہا کہ خدا کا فرشتہ خواب میں اوسپر ظاہر ہوکر کہا کہ اے یوسف
بن داود تو اپنی جورو مریم کو اپنے پاس رکہنے سے مت ڈر اسلیئے کہ وہ جو اوسکے پیٹ
میں ہے سو روح قدس سے ہی اور وہ بیٹا جنیگی اور تو اوسکا نام عیسی رکہنا کیونکہ وہی بیٹا
اپنی امت کو اونکے گناہوں سے بچائیگا اور یہہ سب اسلیئے ہوا جو کہ خداوند نے نبی کی
معرفت سے کہا تہا پورا ہووے کہ دیکہو ایک باکرہ پیٹ سے ہوگی اور ایک بیٹا جنیگی
اوسکا نام رکہا جائیگا عمانوائیل جسکا ترجمہ خدا ہمارے ساتہہ تب یوسف نے سوتے سے
اٹہہ کر جیسا کہ خداوند کے فرشتے نے فرمایا تہا کیا اور اپنی جورو مریم کو لیا اور

ابا اور اوس

[illegible]

آیا اور اوس سے کہ جب تک پہلا بیٹا نہ جنی ہم بستر نہ ہوا اور یوسف نے اوسکا نام عیسی رکہا
محمدی کا جواب سبحان اللہ یہہ بیان متی کے انجیل کے پہلے باب میں لکہا ہوا ہی [illegible] کمال غلطی
اور تہمت پائی جاتی ہی اور خلاف تمام عیسویوںکی تعلیم کے بہی ہی کیونکہ [illegible] مریم کی نسبت
ہو مرکب ہیں اور سوا اوسکے خدا کی یہہ عادت نہیں کہ کسی کا جورو لیوے [illegible]
سے ہم بستر ہوئے کا حاملہ کرے اور اوسکو ناحق اوسکا شوہر سے جدا کرے اور خود شوہر بنے
ملک میں اپنا تصرف کرے نعوذ باللہ اور یوسف کو خواب میں فرشتہ کی معرفت سے کہلا بہیجا
تہا کہ یہہ روح القدس کی ہی اور اوسکا نام عیسی رکہنا اور جب تک یہہ اپنا پہلا بیٹا نہ جنی ہم
بستر نہ ہونا تو اوس سے کیا وہ خدا کا بیٹا ہی ہوگا جو تم کہتے ہو ... واہ کیا
خوب خدا کا بیٹا ہی رکہتا ہے معاذاللہ یہہ خدا تمہارا ایسا ہی اور حضرت عیسی کی [illegible]
[illegible] ویسا ایک یہہ بہی ہوگا اسلیئے خدا تمہارا اعلم [illegible] ہوگا کہ [illegible] زادہ ہی
ایسے ہونگی جیسے باپ ویسے بیٹے جیسے [illegible] مثل مشہور [illegible] انسے یہہ تمہارا عجب تعلیم پائی
اور ایک عجب بات کیا سے نکالے کہ کسی نے یہہ بات نہ کہی تہی ... ان
جو نبی اللہ کے ہوتے آئے ہیں کہتے اور تعلیم دیتے گئے کہ خدا واحد لاشریک ولا ولد اور
پاک وہ بیٹا [illegible] سے جدا ہوا ہو نہ اوس سے کوئی بندہ کے او سے کوئی بشر اور ہے دوسرا
کوئی نہیں [illegible] لکہا ان پانچوں انجیل [illegible] لکہا ہی کہ خدا واحد ولا شریک ہی نہ کوئی اوسکو
حد ہی نہ حد ہم حلول ہی نہ اتحاد نہ وہ تحت میں ہی نہ فوق میں نہ کم ہو نہ زیادہ اوسکا علم مخلوق

[illegible]

سے علم یا اعمال اسسے مراد اس جگہ علم مراد ہے علم نے احاطہ کیا ہے کسی بات کا یہ مقولہ
ہے جو معلوم ہوا مسیح کو خدا کا بشارت دینے ہو سو تعلیم مسیح کی پہلی ہے اور نہ وہ انجیل ہے کہ جو عیسیٰ کے
حمد اور قرآن میں درج ہے بلکہ یہ تعلیم کے ہے اور عیسیٰ کے ہونے کے پیچھے نام یوسف رانے یعنی
سولی صلیب پر کھینچا گیا تھا اور یہ انجیلیں بہت لوگوں نے لکھیں ہو نکلیں جیسے آگے بہت سے
جہان جھوٹ کے عار کرتے جاتے تھے چنانچہ ان انجیلوں میں ایک بیچ تسمنت جیسا
ترجمہ ہے انجیل کتاب مقدس اور کتاب آسمانی ہے زمانہ قریب سن انگلینڈ اٹھارہ سو ستیس
عیسوی میں لندن نے چھپی ہو داور دہ ہزار فضیلت تمام ملا ہے اور عام انجیلوں میں ہے
اور سماوی بہتے ہاں الٹی تعلیم کی پائی جاتی ہیں اور باقی سواء شرک اور بغاوت کے
دوسری کو بات خدا کی طرف یا نبیوں کی کتابوں کی نہیں پائی جاتی ہے دوسرا انجیلوں بطور اکو کیا
وہ جاتا ہے اس تمہاری کتاب اور ہماری کتاب سے اور جعلی اور غلط ہے دستور یہ ہے کہ ایک دین
حق کی کتاب دوسرے دوسرے دین جعلی کی کتاب کو اور ایک مذہب صحیح کی دلیل دوسرے مذہب
غلط کی دلیل کو باطل کرتے ہیں پر تمہارے عجب حق کتابیں اور دلیلیں ہیں کہ آپس میں
ایک دوسرے کو باطل کرتے ہیں عوض تم جو عیسیٰ کو خدا کا بیٹا کہتے ہو سو غلط ہے اگر ہمارے بات
جھوٹ سمجھتے ہو تو بھلا ہو دو تک بات کو تو خلق یعنی سند لاؤ اے مسیح سمجھو یہ جو کہتے ہیں
کہ عیسیٰ یوسف نجار کا بیٹا ہے اور کوئی کہتا ہے داؤد کا بیٹا اور کوئی اسکو ابن آدم اور بعضی
اسکو خدا کا بیٹا جانتے ہیں اور یقین کرتے ہیں کہ یہ ساحر ہے اور لوگوں کو ... ہے اسکو

حمد کیجیے

قول لیجیے چنانچہ یہ بیان کیا اوس انجیلوں میں موجود ہے ... کہ لکھے ہیں متی باب
کی انجیل کے پہلے سطر سے انتہا تک لکھا ہوا ہے ... اور قوم مسیح نے
عیسیٰ کے منکر ہو باندھ کے پنطوس کے حوالے کیا اور حاکم نے ... سے
تو سنکار کے قرمزی پیراہن پہنایا اور اونہوں نے کانٹوں کا تاج بنا کے اوسکے سر پر رکھا
اور ایک سینٹھا اوسکے داہنے ہاتھ میں دیا اور اوسکے آگے گھٹنے ٹیک کے یوں لگے
اوس سے تمسخر کیا کہ اے یہود کے بادشاہ سلام ہے اور اونہوں نے عیسیٰ پر تھوکا اور سینٹھے
کو لیکر اوسکے سر پر مارا الغرض صلیب پر چڑھایا اور کہنے لگے کہ تو ہیکل کا ڈھانے والا
اور تین دن میں پھر بنانے والا ہے اپنے کو بچا اگر تو خدا کا بیٹا ہے تو صلیب سے اتر آ
اور کہا اوروں کو بچایا اپنے تئیں بچا نہیں سکتا اگر تو بنی اسرائیل کا بادشاہ ہے تو صلیب پر سے
اتر آ ہم تیرے معتقد ہونگے اوسنے خدا پر توکل کیا اب اگر اوسکا پیارا ہے تو اوسے
رہائی بخشے انتہی اس صحیفہ میں حضرت عیسیٰ جو نبی اور خدا کے بیٹے اور معجزہ
نما تھے تو کیوں یہ اپنے ضعف میں ظاہر نہیں کیا بلکہ اوس وقت قدرت نمائی معجزہ بتلا کے
ہدایت پر لاویں اور خدا اونکا زور دکھلاویں تا اونکو خدا کے بیٹے ہونے اور نبی ہونے
کی دلیل ظاہر ہو ولیکن تمہارے دعوی پر کچھ دلیل نہیں یہ فقط زور ہے

سوال عیسوی عیسوی کا جواب ہونے لگے کہنے لگا کہ دل کا تب اور کلام بعضی
قوم یہود نہیں مانتے تھے اس لیے مسیح خاموش ہو گیا اور صبر کیا **محمدی کا جواب**

کیا اور لکھنے میں عیسیٰ کے ہونے اور خدا کے بیٹے ہونے پر زور دیا ہے اس لئے کہ
وہ معجزہ بتلاتے اور ہدایت کرتے تھے ضرور تھا کہ ہدایت کے لئے معجزہ بتلا
کر ان کے دل میں [illegible] کا ساقط ہو جاوین اگرچہ کلیسیا آفت میں یا مصیبت گرفتار ہو پر اپنے
عہد سے پھر گئی اور خالق کے فرمان بردار میں رہیں پھر یہود مانیں یا نہ مانیں
کیونکہ حقیقت میں اللہ جس کام کے لئے ہوا ہونے آئے وہ وہی جو اپنا کام کر گئے اور
اپنے بندوں پر حجت کو تمام کیا بالفرض اگر انہوں نے کچھ کہ معجزہ بتلانا فائدہ
نہ کیا کر حاصل کیا ہو تو ان پر اعتراض نہیں کیونکہ وہ انبیاء تھے بخلاف حضرت عیسیٰ کے
کہ یہ تو خدا کے بیٹے تھے اور دوسرے قول سے تمہارے خدا ہی تھے افسوس
ہے کہ خدا نے کیا حجت کو تمام نہ کیا باوجودیکہ یہود کہتے تھے کہ ہم تجھ پر ایمان لاویں گے جس سے معلوم
ہوا کہ دعویٰ خدائی کا عبث تعلق ہے **عیسیٰ کا سوال** عیسیٰ ہنسا اور کہتے
لکھا کہ وہ بیٹا خدا کا ہے جو صلیب پر کھینچا گیا تھا **محمدی کا جواب**
معاذ اللہ اگر وہ بیٹا خدا کا برحق کا تھا کہ جس کو یہود نے مجلس میں اور صلیب پر
کھینچا تو پھر خدا نے اوس کی تائید کیوں نہیں کی اور بچا نہیں لیا نہیں تو بندہ بچا لیتا ہے
پھر وہ تو اپنے فرزند [illegible] اور رحیم جو نوح کو طوفان سے ابراہیم کو آگ سے موسیٰ کو
رود نیل سے [illegible] کو [illegible] بہت بعید از قیاس بات ہے [illegible] سے نجات نہ پا سکا
اپنے بیٹے کو بچا نہیں سکا اور متی کی انجیل کے پہلے باب کی دوسری صفحہ میں ۲۳ سطر سے
۲۶ سطر تک لکھا ہے کہ اللہ تعالیٰ نے بیٹے کی معرفت سے عیسیٰ کا نام عمانوایل رکھا تھا جس کا

ترجمہ خدا

ترجمہ خدا ہمارے ساتھ ہے انتہی عجب ہے کہ خدا [illegible] نہ ہوا اور [illegible]
تعین ہوا کہ خدا اوس کے ساتھ نہ تھا اگر کہیں کہ تھا تو شاید [illegible] غافل تھا جو [illegible] نہ بچا سکا یہ
غافل تھا تو خدا غافل نہیں اگر یہ بھی نہیں تو شاید [illegible] کہلا بیٹا اور [illegible] ہے کہ خدا
جھوٹا کو جھوٹا کہتا ہے اور سچی کو سچا اور متی کی انجیل کے ستائیسویں باب کی ۳۸ صفحے
میں ۴۶ سطر سے ۴۶ سطر تک لکھا ہے وہ یہ ہے کہ جب عیسیٰ صلیب پر کھینچا گیا تب اوس نے
چلا کے کہا ایلی ایلی لما سبقتنی یعنی اے میرے خدا کیوں تو نے مجھ کو چھوڑ دیا انتہی
اس بات سے معلوم ہوا کہ خدا اوس کے ساتھ نہ تھا اگر ہوتا تو پھر وہ ایسا نہ چلاتا اور خدا نے چلایا
اور بیٹوں کو بچا لیا [illegible] اللہ بچا لیتا اور اوس کی صفحہ میں [illegible] سطر سے ۵۱ سطر تک لکھا
ہے کہ عیسیٰ صلیب پر دو بار بڑی آواز سے چلایا اور جان دی انتہی · اس مضمون سے معلوم
ہوا کہ عیسیٰ [illegible] صبر نہ تھا [illegible] صبر کر نہ سکا اور چلا چلا کر جان دی سبحان اللہ کیا خوب حضرت عیسیٰ
کی انجیل میں بیان ہوئے ہیں انجیل تو [illegible] حضرت عیسیٰ کے پائے جاتے ہیں کیونکہ حضرت عیسیٰ
مردوں کو زندہ کرتے تھے اور یہ آپ کو مردہ کرتے ہیں غور کیجئے کہ حقیقت یہ ہے در اصل جیسے ایوب صبر کا بہر
مشہور ہے اور یعقوب اور ادریس اور خلیل اللہ وغیرہ تھے سو سب اپنے خالق کے فرمان بردار اور
رضا جو تھے میں کیسے [illegible] سبحان اللہ مسیح ہے اور خدا کا بیٹا کہلاوے پھر صبر نہ کر اور چلا چلا کے
جان دی [illegible] چلاوے پھر تم اوس کو خدا کا بیٹا کہتے ہو عجب ہے کہ تمہارے [illegible] یہ مردہ [illegible]
نہیں رکھا [illegible] تمام عمر اوس کو [illegible] آپ میں پر وہ کر [illegible]

پیچھا [illegible] مریدان [illegible] اعتقاد کہ [illegible] جسمانی بیٹا کو اور [illegible] لوگوں کی
[illegible] ہو جیسے عزیر [illegible] معتقد کافر ہوئی [illegible] تم [illegible]
[illegible] لعنت خدا اور [illegible] عزیر [illegible] وہ بھی اپنے ذہن ناقص
میں اعتقاد [illegible] کہ عزیر کو خدا کا بیٹا کہتے تھے کیونکہ وہ سو برس کے بعد جی اٹھا تھا
لیکن تم عیسوی [illegible] عیسی کو خدا کا بیٹا ٹھہرا لیا اس لیے کہ تمہارے قول
سے وہ مر [illegible] تین روز سے [illegible] اور آسمان پر اپنے باپ کے [illegible]
بیٹھا ہوا ہے حاشا للہ [illegible] آج تک کہتے ہیں کہ عیسی [illegible]
[illegible] قبر سے [illegible] نکال لے گئے چنانچہ یہ بیان متی کی انجیل کے آخر باب میں لکھا ہوا
ہے اس صورت میں ہمارا [illegible] تمہارا اعتراض کرنا بہت بجا ہے [illegible] کتاب
ہو کر بہت [illegible] مشرک ہوتے ہیں لیکن اپنے خالق اور بزرگان پر تہمت نہیں کرتے اور
تم عیسوی [illegible] کتاب ہو کر اپنے خدا اور نبی پر تہمت کرتا ہوا اور بہت [illegible] سے مشرک و کافر
ٹھہرتے ہو [illegible] ٹھہرایا جاتا ہے اور وہ خدا کو صاحب اولاد کیسے
اپنے [illegible] کو خدا کا بیٹا نہیں کہتے بخلاف [illegible] تمہارا تو فی الحقیقت [illegible] خدا میں
کس قادر ہوئی [illegible] یعنی بیٹا باپ روح قدس عجب تماشے کی بات
ہے کہ خود را فضیحت دیگران را نصیحت **عیسوی کا سوال** عیسوی [illegible] لکھا
اگر چہ انبیا و رسل بہت سے پیدا ہوئے پر مسیح سا کوئی بے پدر نہیں ہوا اس لیے ہم اس کو
خدا کا بیٹا

[illegible]

خدا کا بیٹا کہتے ہیں **محمدی کا جواب** مسیح [illegible] سے خدا کا بیٹا کیسا ہو گا پہلے
آدم جو بے ماں اور بے پدر پیدا ہوا اور وہ اول خلقت انسان اور سبھوں کا باپ اور [illegible]
کا مسیح ہے کیونکہ اس کو خدا کا بیٹا نہیں کہتے جب آدم خدا کا بیٹا نہ ہوا [illegible] آدم سو [illegible] خدا
کا بیٹا ہو گا **عیسوی کا سوال** عیسوی [illegible] بات تو [illegible] ہے [illegible] کس نبی نے
ایسے معجزہ دکھلائے [illegible] جیسے مسیح نے دکھلائے محمد [illegible] تو معجزوں [illegible] انکار کیا [illegible] نبوت [illegible] دلیل
ہے **محمدی کا جواب** جتنے نبی اللہ کے ہوئے [illegible] استعداد موافق
اللہ تعالی نے قدرت دی [illegible] کہ کافر دل [illegible] تمام [illegible] دل [illegible] ہر ایک زمانے میں کفار [illegible]
معجزات طلب [illegible] دکھلانے [illegible] نہ ہوا جس سے حجت نبوت کی [illegible]
اگر چہ بہت لوگ ایمان لائے [illegible] بہت [illegible] کافر رہ گئے [illegible] کا مقدور [illegible]
ایسے [illegible] اور [illegible] ہم [illegible] اور ان [illegible] تو نہ بہت [illegible] کافر
رہ گئے چنانچہ زمانے عیسی [illegible] باوجودیکہ عیسی سے معجزے مردوں کو زندہ اور اندھوں کو بینا
اور [illegible] کہتے تھے کہ عیسی مسیح پیغمبر نہیں [illegible] ساحر ہے اور
موسی [illegible] ہم [illegible] ایمان لاویں اور اس کی
بات مانیں [illegible] اللہ تعالی [illegible]
[illegible] مقبول کیا [illegible]
آنکھ [illegible] بشارت حق [illegible] نور [illegible] محمد مصطفی

صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم کا خیال آنے یا خبر پانے [illegible] اپنے وقت میں دل میں تھا اور خلقی نہ تھی کتابوں سے
انبیاء [illegible] معلوم ہوتے تھی لیکن [illegible] معجزہ یعنی ظہور میں آیا کہ محمد اور آپ کی اولاد کے مجلس [illegible]
کا ہر جا اور لات و منات وغیرہ اور ہبل بت اوس وقت کے اوندھے منہ گر پڑے جیسا کفار
اور [illegible] جاکر [illegible] دل میں [illegible] ہلا سکتے تھے اور حقیقۃ خود دیکھا اوس سال بہت عورتیں حاملہ تھیں
سبکے لڑکے پیدا ہوئے [illegible] اور شعلہ کا [illegible] نہایت ہوئی دوسرا معجزہ شق القمر ہے اور بہت سے
معجزے اور [illegible] ہیں کہ [illegible] ایک طومار عظیم ہوتا ہے واسکے لکھنے کا [illegible] کفایت ہوتے
اگر تمکو توجہ ہو تو اوس [illegible] قیاس کر لو • قصہ اوس معجزہ کا یہ ہے جس [illegible] اور غیرہ اکثر
اوقات حضرت رسالت مآب کے خدمت میں آیا کرتے تھے اتفاقا ایک دن بسر [illegible] آجمع ہوئے جب
رسول خدا نماز مغرب سے فراغت پا چکے تب اونہوں نے باتوں باتوں میں یہ سوال کیا کہ اے محمد اگر تم
سچے پیغمبر ہو تو سب سے معجزہ دکھلاؤ [illegible] یہی دکھلانا کہ آسمان پر چاند دو پارہ ہوجاوے اور
[illegible] ہم تم پر ایمان لاویں اور پیغمبر مانیں [illegible] سبحان [illegible] حلقا اور
ہم نے سنا ہے کہ جو [illegible] آخر زمانہ کا ہوگا جو چاند کا دو [illegible] خاتم الانبیاء ہے اور ایک
اشارہ اوسکا [illegible] طرف کرتے ہی [illegible] کیا اوسوقت بہت سے کافر ایمان لائے
اور بعض کافر [illegible] گمراہ رہ گئے • سچ ہے کہ دل [illegible] ایمان میں جو [illegible] سوال [illegible]
یہی ہے اور اوسکا اظہار [illegible] غرض [illegible] کہ جو شخص معجزے تلاش کرے منکروں کو ہدایت کرنے کے [illegible]
ہیں سو کیونکر [illegible] صاحب [illegible] آخر الزمان کہ [illegible] حضرت محمود [illegible] رحمۃ اللہ علیہ
مردوں کو جیتا کیا اور بے اولاد کو اولاد دی اور بہت سے [illegible] کو [illegible] • [illegible] تنہا کیا
اور حضرت

اور حضرت امام [illegible] اعلی [illegible] اور حضرت قاری علی القضا [illegible]
[illegible] قم باذن اللہ کہکر مردوں کو زندہ کیا [illegible]
خلق سے بعد اوس کے [illegible] اولاد سے بعد [illegible] معجزہ بہت ظاہر ہوئے جو محمد کی آل پاک سے
ہوئے [illegible] مبارک حضرت امام حسین رضی اللہ عنہ کا نیزے پر [illegible] ہوا [illegible] روز تک [illegible] شہر
لوگوں کو نصیحت کرتا اور تعلیم دیتا اور تلاوت قرآن کی کیا کرتا تھا [illegible] عالم میں مشہور
ہے یہاں سے سمجھ لیجیے کہ آل اور امت محمد کا [illegible] عیسی کے معجزوں [illegible] محمد کی
قدرت کیسی ہوگی [illegible] اور لوگوں [illegible] اور محمد کی خبر جو ہر ایک نبی
نے اپنی کتاب میں [illegible]
انجیل [illegible] فارقلیط [illegible] سبحان اللہ
جبکہ انجیل [illegible] کامل [illegible] بات ہے [illegible]
لیجیے محمد علیہ السلام کو معجزہ کی قدرت [illegible] شہر [illegible] ترکستان و [illegible] خراسان و [illegible] روم و
شام و مصر و حبش و کابل و قندھار و مشرق و مغرب و ایران و توران وغیرہ کہ آتش پرست [illegible] کفار
[illegible] وغیرہ اور [illegible] ایمان لانے اور
کلمہ محمد علیہ السلام کا [illegible] ہم سے [illegible] ایک فرقہ
[illegible]
[illegible] ایک ذات [illegible] امام محمد علیہ السلام ہے اور [illegible]
[illegible] مسلمان کیا ہوگا اور دین [illegible] ترقی پایا ہوگا

معاذالله که اسوقت ایک بهی مسلمان نهوتا لیکن وه [illegible] دنیا سے طلب [illegible] ظهور تها اور سلف کے

انبیاء برحق کا ثبوت کسیطرح نهوتا **عیسیٰ کا سوال** عیسویوں نے عمل کر کے لیئے لکها سیح [illegible] تو معلوم هوتا

هے که محمد [illegible] نے انبیاء سلف کے اوس [illegible] علم کے لیئے کیا **محمدی کا جواب** تم جهوٹ کهتے هو کیونکه کیسے

هو موسے علیه السلام وداود علیه السلام اور یوشع بن النون وغیره کا جنگ کیا هے لیکن محمد علیه السلام کے

جنگ کا یه سبب تها که خداوند نے فرشتے کی معرفت نبیوں کی کتابوں میں یعنی توریت و زبور وانجیل وغیره میں جو

خبر دیا سو ادا هو تا که ایک نبی اخر الزمان بڑی عظمت وشان کا [illegible] پیدا هوگا اور وه تعلیم لوگوں کو کریگا اور

اوسکی تعلیم و تادیب اور اونکی تعلیم و تادیب سے بهتر اور برتر ایسے اور اوسکی عبادت و شجاعت دوسرے

کی عبادت و شجاعت سے فائق اور اوسکا هاتهه اور دونوں هاتهه سے برتر اور اوسکا علم و حلم اور دونکی

علم و حلم سے بڑهکر رهیگا اور اگلی زمانے کے انبیاء مظلوم کی فضیلت اور مشرکین ظالمین کی

ضلالت اوس سے ظاهر هوگی دل سے عام [illegible] علیهم السلام اور رسولوں کی تصدیق اور اونکی حرمت

وعظمت علی الخصوص عیسے روح الله کے اور اونکی ماں بیبی مریم کی بالکل واقع اور اونکی مصیبتوں کا حقیقت

اور ظالمین طالبی جو نبیوں کے ساتهه عیسے تک وقوع میں آئے تهے اور اون ظالموں کو سخت سزا کے واجب

اور [illegible] بطعن نبی آخر الزمان محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم که مشهور آفاق هوئے خصوصا اشرار

مشرکین یهود و نصاری کے غرض جیسے کہ پیش آئے تهے ویسے هی محمد علیه السلام آدمی بهی زندتهے جهاں تک

که اونکو مکه معظمه و مدینه منوره اور عرب و عجم و روم و شام و مصر و دیلم وغیره اور بعضه اولی بعض تخت الملوک

سے جو مولا عیسے علیه السلام کا نام نکلواد یا چنانچه اب تک اونکا دخل وهاں دشوار تر هے بلکه زیارت

تک میسر نهیں تب اگر دنیا نے اوس پر ایمان لاکے عیسے علیه السلام اور اونکی ماں بیبی مریم کی عزت

وعصمت پر گواهی دی اوس کے سبب تمهاری میسر نها آئے ورنه یهود یونکی عداوت کا اوس مشهور هے ملا

سو حضرت

تو حضرت عیسے تک نبی اس [illegible] کے ایسا هی [illegible] لیکن تو انبیاء سلف کا بهی نه تها

کیا هوتا تو انصاف کیجئے قطع نظر اور دلائل کی فقط [illegible] محمد علیه السلام کی نبوت ثبوت هوتا

کم هی ان خرافات کو یهی اوس پر ایمان لاؤ اور تابع دار هو جاؤ ورنه تم مر مر مار هو گئے اس کا عیسے علیه السلام

اور ایمان آئے هی گرچه تها هی دیکهو نسخه اعمال کا انجیل کے پہلے باب میں ۳ سطر سے ۹ سطر تک لکها هوا

هے اس عجب تمهارا رحم کرنے اور غفلت هی که واجد عیسے کا رکهے کیا ان محسنوں کا محسنے اور اونکی

رسالت و نبوت کو نهیں مانتے اور اوس کے بنسبه مشرکین کو ظلم سمجهتے هو حالانکه انکار معجزات کا اور طالب

هونا عیسے پر ثابت هوتے هی چنانکه متی کی انجیل کے بارهویں باب کے ۳ صفحے کے ۳۸ سطر سے ۴۲

سطر تک اور اوسی انجیل کے سولهویں باب میں پہلے سطر سے آخر سطر تک اور مرقس کی انجیل کی

اٹهویں باب کی گیارهویں فقرے تک اور متی کی انجیل کے دسویں باب میں ۲۴ سطر سے ۸۶ سطر تک

اور لوقا کی انجیل میں بهی لکها هوا هی وعلی الترتیب المذکور یه هے که بعضے کاتبوں اور کاهنوں نے

کها اے معلم هم چاهتے هیں که تیرا معجزه دیکهیں مگر اوسنے وهاں جواب دیا اور کها که اس عصر کے شریر

[illegible] حرام کار قوم معجزه ڈهونڈتے هیں مراد نهیں سوال وانسے نبی کے معجزے کے دکهایا نه جائیگا انتهی

فریسی اور زادوقی امتحان کے لیئے اوس سے طالب هوتے که ایک آسمانی معجزه هلود کهلا وسے

جواب میں اونهیں کها که اس عصر کے شریر اور فاسق لوگ معجزه طلب کرتے هیں مگر کوئی معجزه یونس

نبی کے معجزے سوا دکهلایا نه جائیگا انتهی فریسی نکلے اور اوس کے امتحان کے لیئے کوئی آسمانی

معجزه طلب کر کے اوس سے مباحثه کرنے لگے تو اوسنے آه سرد بهر کر کها که اس عہد کے

لوگ معجزے کے طالب هیں میں تم سے سچ کهتا هوں که اس عصر کے لوگوں کو کوئی معجزه دکهلایا

یہ جانا انتہی ۔ اگر وہ یہود مومن ہو گئے تو بہتر ورنہ عیسیٰ نے ان کی ہلاکت اور اونکے آنے کی دعا کی
[illegible] سے جو معجزہ دکھلاتا اور مردہ کو جیتا کرتا ہے اسکو قتل کیا [illegible]
ایمان لائے ویں اور پیغمبری کا بعد ازان نہیں عرض دس روز بعد یہود پیغمبر کے ہاں گئے اور دیکھا کہ وہ [illegible] کا کلام
اور دروازہ [illegible] کیا تھا اور [illegible] ہو عیسیٰ [illegible] مشکل [illegible] اور یہ کہتے
لکن کہ یہ معجزہ تھا دکھایا ہو اور پیغمبری نبوت کا زور کمان کیا [illegible] تو بیداد و مکار ہیں اور [illegible]
انہا عیسیٰ اپنے شاگردوں سے کہا کہ تم یہ گمان مت کرو کہ میں زمین پر ملاپ کرنے آیا
ہوں سچ ہے کہ میں ملاپ کرنے والا نہیں بلکہ تلوار چلانے والا ہوں میں اس لیے آیا ہوں کہ مرد
کو اوسکے باپ سے اور بیٹی کو اوسکی ماں سے اور بہو کو اوسکی ساس سے جدا کروں انتہی
ان باتوں سے معلوم ہوا کہ عیسیٰ معجزے [illegible] تلوار نکالنے [illegible] تھا اور [illegible] ظالم اور مفسد سے تھا جو لوگوں
تفرقہ ڈالنے اور تلوار چلانے آیا تھا ۔ واہ اپنے کہتے ہیں ملاپ کے [illegible] آیا تھا اور [illegible] کہتے
ہیں فساد دلوانے اور اونہی کتب سے یہ بھی معلوم ہوا کہ جو لوگ معجزہ دیکھ [illegible]
اور ظالم زیادہ ہوتے ہیں پس تم [illegible] ہو کہ جو محمد علیہ السلام کا معجزہ دیکھنے [illegible] انکار
کرتے ہو بعد ازان [illegible] انکار معجزہ [illegible] ثابت کیوں نہیں [illegible] جو [illegible] لگانے ہو
کیا خوب بات ہے [illegible] محمد علیہ السلام پر [illegible] حرف [illegible] یہ وہی مثل ہے کہ الٹا چور
کوتوال کو ڈانٹے غرض کہ محمد علیہ السلام کا معجزہ یعنی مرتبہ مطلق نہیں جانتے ہو محمد علیہ السلام
کہ خلق [illegible] اول ہے اور ظہور میں سب سے [illegible] آخر [illegible] خاتم المرسلین
ہوا اور جب اللہ تعالیٰ نے آدم کا جسم اپنے ید قدرت سے بنایا اور اسمیں روح [illegible] داخل کیا تب

تب [illegible]

آدم [illegible] دیکھا [illegible] لا اله الا الله محمد رسول الله عرش [illegible] اور [illegible] جنت
کے دروازہ پر لکھا ہوا ہے تب آدم نے حضرت [illegible] سے پوچھا کہ الٰہی خالق یہ کون ہے جو تیرے نام کے ساتھ
اوسکا نام ہے کہا یہ محمد ہے [illegible] میں اول ہے تب خدا تعالیٰ نے [illegible] ظہور کیا
کائنات میں ہو الاول ہو الآخر ہے اور وہ تیری اولاد میں [illegible] اور وہ آخر زمانہ میں پیدا ہوگا
اور تمام انبیا کا سردار ہوگا تو اپنی خاطر جمع رکھ اور شکر کر کہ ایسا بیٹا تیری اولاد میں آتا ہے
تب آدم خوش ہوا اور شکر کیا غرض محمد علیہ السلام کی بہت سے نام ہیں بلکہ حقیقت نام
اللہ کے ہیں اونہی نام محمد علیہ السلام کے ہیں [illegible] ان ناموں سے نور الانوار روح الارواح
برزخ کبری اور تعین اول نام ہے کل نور اوسی نور سے اور سب روحیں اوسی روح سے اور جمیع
برزخ اوسی برزخ سے اور تعینات اسی تعین سے ہوا ہو جیسا کہ محمد علیہ السلام نے انا
من نور الله وكل شيء من نوري فرمایا یعنی میں نور سے اللہ کے ہوا اور تمام شے میرے
نور سے [illegible] اور وہی نور محمدی علیہ السلام ہر ایک جز و کل میں موجود اوسکی [illegible]
[illegible] دیکھتا اور [illegible] جانتا [illegible] جو اوسکے دیکھنے والا ہیں [illegible]
ربتے ہیں [illegible] اوس تعین اول سے ہر تعین نے اپنے اپنے استعداد موافق جو وصف [illegible]
موسیٰ علیہ السلام کہیں عیسیٰ علیہ السلام کہیں ابراہیم علیہ السلام کہیں یعقوب علیہ السلام وغیرہ
نام پایا آخر جو موجود ہو خاتم الانبیا کہلایا ۔ مثلاً ایک تخم ہے کہ ہزار [illegible] ڈال پات پھول
پھل ہوتے ہیں اور ہر ایک کا نام علیحدہ پایا جاتا ہے پر حقیقت اوسکا ہر ایک میں [illegible]

آوے وہ تمہیں ... ہوتا ہے اور جلسا ... آئے گا اور ملاقات بعد میں تو جو خبر صحیح حوالے

طرف سے اونکو پیغام پہونچاتا ہے اور اونہوں نے پاک دمہر ارسے کہا مجھ سے بہت قدر

ور روح القدس کہتے ہیں و لیکن محمد علیہ السلام کو بھی بہت تعلیق پیغمبر اور معصوم کے روح

حق دی اور روح القدس نام پایا اور کئی دفعہ روح الارواح اور تعلیم اول ہی سے یہ روح حق و

روح القدس دوسرا فارقلیط ہے جو مسیح کے حواریوں سے اوسکے آنیکا وعدہ کیا تھا دیکھئے

وہ کلیسا شخص ... اور اوسکی شان ظاہر کی انجیل یوحنا کے چودھویں باب میں ۱۶

سطر سے ۱۹ سطر تک لکھا ہے وہ یہ ہے کہ میں اپنے باپ سے درخواست کرونگا کہ وہ تمہیں

دوسرا وکیل دیگا جو ابد تک تمہارے ساتھ رہے یعنی روح صدق جسکو دنیا قبول نہیں کر سکتی

کیونکہ نہ اوسے دیکھتی اور نہ اوسے جانتی ہے لیکن تم اوسے جانتے ہو کیونکہ وہ تمہارے ساتھ رہتا

ہے اور تم میں ہوویگا میں تمہیں یتیم نہ چھوڑونگا میں تمہارے پاس آونگا تھوڑی دیر ہے

کہ دنیا مجھے پھر نہ دیکھیگی انتہی • اور اوسی کتاب اوسی باب میں ۲۶ سطر سے ۳۱ سطر

تک لکھا ہے وہ یہ ہے کہ وکیل روح القدس جسے باپ میرے نام سے بھیجیگا وہ تمہیں سب سکھلائیگا

اور سب چیزیں جو کچھ کہ میں نے تمہیں کہا ہے یاد دلادیگا آرام تمہیں چھوڑے جاتا ہوں اپنا آرام بھی

تمہیں دیتا ہوں نہ جس طرح سے دنیا دیتی ہے میں تمہیں دیتا ہوں اپنے دلکو پریشان مت کرو

اور ہراسان مت ہوؤ تم سن چکے جو میں نے تمہیں کہا میں جاتا ہوں اور تم پاس پھر آتا ہوں

اگر تم مجھے پیار کرتے تو تم میرے اس کہنے سے کہ میں باپ کے پاس جاتا ہوں خوش ہوتے کیونکہ میرا باپ

سے بڑا ہی اور میں نے ابھی تمہیں ... کہا ہے تاکہ جب واقع ہو تو تم اعتقاد لاؤ بعد اسکے

میں تم سے بہت کلام نہ کرونگا اسلئے کہ اس جہان کا سردار آتا ہے اور اوسکا مجھ میں کچھ نہیں

انتہی • اور متی کے انجیل کے تیسرے باب میں ۱۱ سطر سے ۱۳ سطر تک معمولہ یحیی کا لکھا

ہے کہ میں تمکو توبہ کے لیے پانی سے غسل دیتا ہوں لیکن وہ جو میرے بعد آتا ہے سو مجھ سے توانا تر

ہے یہاں تک کہ میں اوسکی جوتیاں اوٹھانے کے لائق نہیں ہوں وہ تمکو روح قدس اور آگ سے

غسل دیگا انتہی اور رسولوں کے اعمال کی انجیل میں پہلے باب کی ۴ سطر سے ۹ سطر تک

لکھا ہے وہ یہ ہے کہ عیسے جماعت میں داخل ہوکے اونہیں حکم کیا کہ اورشلیم سے باہر نجاؤ

بلکہ جو وعدہ کہ باپ نے کیا ہے جسکا ذکر تم مجھ سے سن چکے ہو اوسکا انتظار کرو اسلئے

کہ یحیی نے تو پانی سے اصطباغ دیا پر تھوڑے دنوں کے بعد تم روح قدس کا اصطباغ پاؤگے

اور اونہوں نے اکٹھے ہوکے اوس سے سوال کیا کہ اے خداوند کیا تو اسی وقت سلطنت بنی

اسرائیل پر مقرر کرتا ہی اوسنے اونہیں کہا تمہارا یہ کام نہیں کہ تم اون وقتوں اور موسموں

کو جنہیں باپ نے اپنے اختیار میں رکھا ہے جانو لیکن جب روح قدس تم پر آویگا تو تم قوت

پاؤگے اور تم اورشلیم اور سارے یہودیہ و سامرہ میں بلکہ انتہای زمین تک میرے گواہ ہوؤگے

انتہی تمہاری غلطی ظاہر ہے کہ باوجود عقل کے انکے بہر محمد کا انکار کر جاتے ہو حالانکہ تم

کہ اگر وہ جھوٹا پیغمبر ہوتا اور دین کو اپنے زور ... رواج دیتا تو اوسکی نبوت کی خبر انجیل میں کیوں دی

جاتی اور دین اوسکا روز بروز کیسا ترقی پاتا اور قائم رہتا اور تمام پیغمبر ذیل پیغمبروں اور مراتب

کیونکر بات ظاہر ہوتی [illegible]
ہوئی ہے [illegible] شفیع [illegible] اور دلیل یہی ہے لیکن عیسیٰ نے اپنے حواریوں [illegible]
کہ [illegible] ایک وکیل یعنی روح [illegible] میرے نام سے بھیجا جاویگا اور وہ تمہیں سب تعلیم دیگا سو وہ
فارقلیط محمد کیونکر ہوا اگر ہوتا تو حواریوں کے جیتے رہنے تک آتا محمد تو چھ سو برس کے بعد حواریوں کے ظاہر ہوا
اسی صورت میں فارقلیط کہ جسکا مسیح نے وعدہ کیا تھا آیا تھا اور وہ زمانہ ہی میں پورا ہو گیا چنانچہ
اعمال کی انجیل میں لکھا ہے دیکھو تو **محمد یکا جواب** سچ ہے یہہ بیان اعمال کی انجیل میں دوسری
باب کی [illegible] سطر سے دس سطر تک لکھا ہے وہ یہہ ہے کہ ایک دن جب حواری اکٹھے بیٹھے تھے ناگاہ آسمان سے
ایک آواز آئی کہ جیسے تیز آندھی کے آندھی ہوتے ہیں اور اوس سے سارا گھر کہ جس میں وے بیٹھے تھے گونج
گیا اور اوسی آن کے زبانیں سے متفرق دکھلائی دیں اور ان میں سے ہر ایک پر آ ٹہریں تب
وے سب روح قدس سے بہر گئے اور اجنبی زبانیں جیسا روح نے انہیں ملفوظ کیا بولنے لگی
غرض اوسی روز تین ہزار آدمی ایمان لائے انتہا [illegible] اس مضمون سے وہ فارقلیط [illegible]
کی آواز [illegible] اور ان زبانیں سے ہیں کہ سارا گھر گونج گیا تھا اگر فارقلیط وکیل یعنی سے
[illegible] جو عیسیٰ نے اپنے حواریوں سے وعدہ کیا تھا کہ بعد میرے [illegible] ایک وکیل میرے نام سے بھیجا جاویگا
[illegible] تو [illegible] آتا اور تعلیم دیتا اور حجت اپنی تمام کرتا [illegible] ایمان لاتے اور
[illegible] لیکن مقصود عیسیٰ کا یہہ نہیں تھا جو فارقلیط فقط حواریوں کی تعلیم کے لیے
بھیجا جاوے [illegible] سخن [illegible] اور روح قدس کا اصطباغ ہووے
[illegible]

یعنی باطن پاک کرنے اور اون کے آرام و قوت [illegible] اور معتقد [illegible] واہ
[illegible] تعلیم نہیں پاتے ہیں یا [illegible] نہیں ہوتے تھے یا
ہو [illegible] آرام و قوت ایمان کی نہیں رکھتے تھے جو عیسیٰ نے
اونہیں کے لیے بھیجا یہہ فقط جعل سے بات ہے اور اسمیں بہت سے نقصانات
پائے جاتے ہیں قطع نظر ان نقصانات کے اول تو عیسیٰ کی تعلیم ہر چند آیا ہو دوسرا
حواری ناقص [illegible] اس لیے کہ مدت تک عیسیٰ کی [illegible] اور بعد ناقص [illegible]
227 بعد دوسرے کے کامل ہوئے اور اجنبی بولی بولنے لگی [illegible] قریب تین ہزار
آدمی ایمان لائے اور [illegible] یہہ عجب بات ہے کہ جب تک عیسیٰ [illegible] حقیقی ہیں اور
معجزہ بتلاتے تھے تب [illegible] ایمان نہیں لائے بلکہ [illegible] مارتے تھے [illegible] بعد [illegible] اسی
اجنبی بولی بولنے پر ایمان لائے اور [illegible] یہہ بات [illegible] نہیں [illegible]
[illegible] بلکہ مقصود عیسیٰ کا یہہ تھا کہ فارقلیط [illegible] یعنی تم کو [illegible] کہ
اس سے [illegible] تعلیم دیگا اس لیے [illegible]
اور اکثر ضعیف الایمان ہوتے ہیں تعلیم ان کو ضرور تر ہے حالانکہ حواری [illegible]
[illegible] تعلیم پائے ہوئے تھے او نکو تعلیم کی کیا حاجت تھی غرض ان [illegible]

مضمون ایسے ہیں لیکن جو اونکی تعلیم ہو پائے جاتے ہیں جو نہ سمجھئے للہ یہہ بات پائی
جاتی ہے جو نہ سمجھئے بلکہ یہہ بات پائی جاتی ہے کہ ایک نبی ذی عظمت اور بڑی قدرت والا
اس جہان کا سردار خدا کی طرف سے اون صفتوں کے ساتھ جو عیسی میں تھیں پیدا ہوگا
اور لوگوں کو تعلیم کریگا اور تعلیم عیسی یاد دلاویگا آرام دنیا اور قوت و سلطنت بخشیگا اور
روح قدس کا اصطباغ دیگا یعنی باطن پاک کریگا اور لوگ اسپر ایمان لاوینگے اور سارے یہودیہ
وسامرہ میں گواہ عیسی کے ہونگے اور اسلام تک ساتھ رہیگا اور اس جہان کا سردار
کہلاتا ہے اور دوزخ کی آگ سے بچائیگا یعنی روح قدس تیسرا ہے اور اسمیں تو کوئی صفت
صفتوں سے نہیں پائی جاتی ہے سو وہ فارقلیط کیونکر ہوگا اور روح تو شیطان سے
ہوتی ہے وہ جب کہ برا آجاتا ہے تو انسے کرتا ہے اور بہت سے بولیاں بولنے
لگا آتا ہی کیا اسے وہ فارقلیط ہے بن جاتا ہے جبکہ وہ سردار اس جہان کا اور
دلیل ہے جدا کا تھا قطع نظر ان باتوں کے پہلا زمین پر تو آیا ہوتا لوگ دیکھتے کہ وہ
مقدور تھا اسکے دوسرا اونکے کیا حق تھا جو ہوسکے باتیں کرے اللہ صلا کیا اور لوگوں کو
ضلالت میں ڈال دیتا جو اونکو جواہر اون کا شاید ایمان کھو دیا تھا دوبارہ ایمان
بخشا یہہ بات سخت مہمل ہے کیونکہ حقیقت نبی الہ کے ہوتے آئی ایک کی آگ اس جہان میں پیدا ہوا

اور علانیہ تعلیم

اور علانیہ تعلیم دیتے تھے اور [illegible] عیسی نے خدا کا تھا جو لوگوں سے مدہ چھپا رہ گیا
نبی کے خلفا بھاگ گیا اور دین دائمی بہی نہیں ٹھہرا **عیسویکا سوال** عیسوی کہتے ہیں کہ وہ
فارقلیط روح قدس ہے عیسی کے نام ہی سے ہوتا ہی کیونکہ عیسی نے کہا تھا کہ میرے نام سے بھیجا جائیگا
پس وہی نکلے فارقلیط ہے اور اوسکا نام عیسی ہی تھا **محمدیکا جواب** محمدی کہتے ہیں کہ
یہہ تحقیق کیونکر معلوم ہوا کہ اوسکا نام عیسی ہی تھا عیسوی کہتے ہیں کہ وہ جو عیسی نے کہا تھا کہ ایک
وکیل میرے نام سے بھیجا جائیگا تم اوسکے منتظر رہو جب وہ آویگا تم اوسپر اعتقاد رکھو وہی ہے
اگر اوسنے اپنی نبوت ہونیکے لیئے نام بتلایا **محمدیکا جواب** یہہ بات ہی نہیں پائی
ہوئی پائی جاتی ہے کیونکہ جب اوسنے اپنا نام بتلایا ہوگا تو دین دائمی بہی بتلایا ہوگا اور ۲۲۳
کوئی کتاب بہی رکہہ گیا ہوگا اسلیئے کہ اوسکی نبوت تو ابد لگ قائم و دائم رہنی ہے بتلاؤ
وہ کون دین اور کون اوسکی کتاب ہے اور تم اب کونسے دین اور کونسی کتاب پر چلتے ہو
اگر تم اگلی عیسی کے دین اور کتاب پر چلتے ہو تو اسکی عیسی کے دین کے منکر ہوئے اور
کافر ٹھہرے اسلیئے کہ عیسی ایک ہی ہیں اس طرح سے اوسکے آنیکی خبر دی ہے اور
اگر تم اسی عیسی کے دین پر چلتے ہو تو پہر اگلی عیسی کے کہلانا کفر ہے اسلیئے کہ دوسرا تب یہ
پائی بعد اگلی کا عمل باطل ہوتا ہی غرض ان دونوں صورتوں میں تم پر کفر ثابت ہوتا ہے
اگر تم کہتے ہو وہ فارقلیط خود عیسی مسیح ہے تھا جو اس طور سے اورشلیم میں آ جوارو نیر
ظاہر ہو روح قدس کی اصطباغ دی کہلاتا یہہ بات ہی حرف ملتی اور کونسی پائی جاتی ہے

کیونکہ یہ عقاید انجیل کے جو دو موجود ہیں یا نہیں ... صاف معلوم ہوتا ہے
کہ ایک وکیل یعنی بیچ خدا کا سوا عیسیٰ کے اون صفتوں کے ساتھ جو عیسیٰ مسیح کے لیے تمام ہوتا
ضرور ہے اقرار اوسکے ساتھ یہ بھی معلوم ہوتا ہے کہ حواری قطع نظر اور باتوں کی روح والی اصطلاح
باقی بھی اس لیے کہ عیسیٰ نے حواریوں سے کہا تھا کہ تم اوسے جانتے ہو کیونکہ وہ تمہارے ساتھ
رہتا ہے اور تم میں ہووےگا لیکن دنیا اوسے قبول کر نہیں سکتی کیونکہ اوسے دیکھتی نہیں
اور نہ اوسے جانتی ہے تو پھر عیسیٰ مسیح کا قول غلط ہے جو حواری کی اصطلاح اور تعلیم دینے کے لیے کیونکر
آیا ہوگا کہ جس سے اوسکی تعلیم مردود آیا ہے اور اگلی تعلیم ناقص ٹھہرتی ہے تب وہ ساکت
ہوگیا اور کچھ نہ بن آئی **عیسوی کا سوال** . بھلا بھلا وہ یہ کیونکر ہوگا جو محمد کے فرد سے
آستین دہرمیں آیا اترا چاند سمایا **محمدی کا جواب** . کتب سے یہ ثابت ہے کہ چاند
دو ٹکڑے ہو کر آسمان سے نیچے اترا لیکن عوام میں مشہور ہے کہ چاند آستین دہرمیں سے ہو نکلا
فرض کیا ہمیں کہ ویسا ہی ہوگا کیا تم معجزہ کے معنی نہیں جانتے اوسکا معنی یہ ہے کہ ایک غیر ممکن
کام کا وجود پانا جو دوسروں سے نہ ہو سکے اور اللہ تعالیٰ نے محض اپنی قدرت کاملہ بندوں پر ظاہر
کیا ہے انبیاء اور رسولوں کو اپنے صفتوں کے ساتھ بھیجا تا اونکو نے عطا ... اوسکا
قدرت میں اور نہ نکلتے یہ بھی ویسا ہی جو اوسکے خاص بندے ہیں سو کہیں نہیں نکلتے اور
نہ کسی سے وجہ ... ہیں مگر جو نکلتے ہیں سو کہتے ہیں کہ یہ کیونکر ہوا اور وہ کیونکر ہوا حالانکہ
اللہ کی قدرت سے یہ کچھ بڑی بات نہیں کہ ایک چھوٹے ... میں اسی ... اور ایک

چھید چھوٹا ہو جسمیں سے نکلے ونکلے کہ ایک چھوٹا سا آئینہ کو چاند یا سورج کے برابر رکھنا تو وہی
دونوں جلسے کی شکل دکھتے ہیں یعنی ویسے ہی اوسمیں کامل نظر آتے ہیں اور آئینہ
اوس کے اگر ذرہ سے ہے لیکن چاند ستارے سورج اور آسمان یا نی وسعت اوسمیں
سماتے ہیں جانتے کہ اوس آئینہ اور ایکے برابر دیسے اور جہاں انیما کا نسلم کیسے
کتنا بڑا پیدا ہوتا ہے ضرور تھا کہ اوس ... کے موافق جسم رکھتے یہ حرف اوسکے
خدا نے جو جان عقل اور جون دیا اوکو کچھ لکھا انسی نہیں اور محمد جو نور سے اللہ کے اور جامع
کل موجودات کے تھے اونکی روبرو چاند کا کیا وجود و مقدار جیسے آفتاب کے مقابل میں شمع
ہر چند وسعت روشنی کے رکھے پر آفتاب کے روبرو بے نور و بے وجود ہو جاتی ہے جیسی
اونکی آستین دہرمیں چاند کا سمانا کیا عجب ہے اگر ایسا تمہیں شک رکھتے ہو تو پھر قدرت روح
قدس جو خدا کے برابر تھا سو کیونکر کبوتر کے برابر ہو کر آسمان سے کیسا اترا ہوگا جو متی ۳ میں
لکھا ہوا ہے اور متی کے انجیل کے انیسویں ۱۹ باب میں جسمیں طلاق اور نکاح اور حساب ... کے
اور ترک مال کا بیان لکھا ہے سو یہ ہے کہ دولتمند آدمی کو آسمان کے بادشاہی میں داخل ہونا
بہت دشوار ہے لیکن سوئی کے ناکے سے اونٹ کا گذرنا آسان تر ہے انتہی
بھلا جب اون باتوں میں شک نہیں تو ایسا تمہیں کب شک ہوگا سبحان اللہ اون لوگوں کا
اعتقاد رکھنا اور ایکا انکار کرنا **عیسوی کا سوال** عیسوی کہتے لکھا ہے تمہارے دلیل
ممکن ہے ... ہیں ہمارے عقل میں نہیں آتے **محمدی کا جواب** مسیح کا ...

پیدا ہونا اور روح قدس کیونکر برابر ہوجانا کیونکہ تمہاری عقل میں آیا اس سے معلوم
ہوا کہ خدا کی خدائی تمہاری عقل اور اعتقاد کے موافق ہو تو صحیح ہے نہیں تو اوسکی
خدائی میں شک ہے معاذ اللہ یہ دعوی تمہارا خدا کے ساتھ ہے اور خود سے دعوی کرنے
والا مشرک و بے دین ہے پس تم سراسر بے دین ہو جو اپنے عقل اور اعتقاد کے
درپے ہو کے خدا کی خدائی میں شک لاتے ہو عیسوی کا سوال
عیسوی کہنے لگا کہ تمہاری بیدینی ہم معلوم ہوئی محمدی کا جواب اگر کہو
ہم تو اپنی غصہ میں آوگے عیسوی کا سوال عیسوی نے کہا دین والے کو غصہ
میں غصہ کا کیا ذکر ہے تو بیان کرو محمدی کا جواب محمدی نے کہا تم میں شروط
ایمان واری کے مطلق نہیں پائی جاتی نہ تمہارا ایمان درست ہے نہ عقیدہ نہ عدل نہ انصاف
نہ سخاوت نہ استغفار نہ طہارت نہ عبادت اول شرط یہ ہے کہ خدا کو واحد جانے
اور بیٹے کو نبی سو تمہارے اعتقاد میں تین خدا ثابت ہیں جو کام ہر ہر میں جا بجا کی
لکھا ہے سن فادر ہولی گوسٹ یعنی باپ بیٹا روح قدس دوسرا
شرط عدل و انصاف اوسکو تو اپنے لکھنے کی رد سے خرچ میں اپنے منفعت کثیرہ اور
دوسروں کا نقصان عظیم ہو دیں سو اس صورت سے مقرر کیا ہے کہ اگر کوئی معاملہ داد و ستد کا
سپریم کورٹ میں جہاں مسند عدالت علیسے کے بچھی جاتی ہے رجوع کرے تو اول وہ شخص
کورٹ کا خرچ یعنی فیس اور لا اور بارسٹر اور گواہ لینے وغیرہ کی فیس خواہی نخواہی داد کے

درمیان شرطیکہ

درمیان شرطیکہ قضیہ اوسکا تھوڑے سے زمانہ ہو دیں اگر جھوٹا کورٹ میں داخل ہو گیا
تو فیصلہ اوس شرط سے ممکن ہے کہ دس قلم تقسیر کی بارہ حصہ اس کے دو کو ... کی
یعنی فیصلے کا اوس سے زمانہ دیا جاتا ہے شرطیکہ قضیہ ایک قلم سے پانچ سو تک
ہو دیں جیسا اوس سے بڑھ کر ہزار تک ہو دیں تو اوسے بقدر خرچ اوسکا بوجھ لیجیے اگر
کوئی بیچارہ نہ دے سکے تو اوسکا قضیہ نامسموع ہوتا ہے اور جستس میں جہاں قضیہ
مار آمار لکھا فیصلہ پاتا ہے اوسکا تو کچھ اور ہی حال ہے کہ جب کوئی مار لیا یا ہو شخص
ذیل ... تو تمسک کے پانچ قلم حقیر اسے کی دو دینی کرو اوہیں اور فیصلہ کا وقت
کسی ایک سے اپنے حرج کیمطابق ایک سے ہزار تک خرچ منضبط مانگ لیتے ہیں
اگر کوئی بیچارہ غریب دینے میں معذرت و عذر داری کی للدوں تو اوسکا مدعا عنق
ہوجاتا حق پہونچی تو اوس سے ذرہ بھی فرض مار ہوتا ہے اگر کسی نے دیا تو وہ سب واصل سرکار
فیض آثار ہو جاتا ہے واللہ یہ عدالت تو نہیں پائی جاتی بلکہ ایک دوکان دغابازی اور غارت
گری کی ہے ۳ تیسرا شرط سخاوت اور دست بازی اول کو تو اس جان لیجیو نہ
کہ بنسبے سوا خرچ اپنے کمانے ملنسے سے اور لباس سرخ و سفید کے اور جمع کرنے کے کسی محتاج
کو دینے میں صرف نہیں بلکہ محتاجوں کسی انکار کریں اور دوسرا کہ اس کہ جب کسی امیر یا غریب
سے کچھ فائدہ پاویں تو اپنے غرض کے وقت اوس سے عہد و پیمان با قرار سلوک و مروت کا
کیا کرتے ہیں اور غرض نکلے بعد وفا کے بدلے حرف بجا لاتے ہیں ۴ چوتھا شرط طہارت

٢٣٣

اور یہ تعجب کی بات ہے کہ جو حالت احتلام یا جنابت کی ہو تو اوسے غسل ضرور نہیں
بلکہ [illegible] حاجت ضرور کے وقت آبدست بھی نہیں لیتے اور کہتے ہیں کہ ان کا غذ لفافت کر کے [illegible]
اگرچہ وہ کاغذ ورق انجیل کا ہو یا کسی دوسری کتاب کا اوس لیے کہ وہ انجیل اپنے ہی ہاتھ کی لکھی ہوئی
[illegible] ہاتھ کی تو لکھی ہوئی نہیں وای بر این دیندار ان بہر انجیل کو ایمان جانا اوس کی ہر قسم
بے ادبی کیا کرتے ہیں ٭ پانچواں شرط عبادت سو اوس کا جواب یہ ہے کہ نماز روزہ کو مخل اوقات
اور قصور عقل سمجھ کے مطلق ترک کر دیا مگر ان تمام نماز ایک روزہ تو اور کے مقرر کیے سو اوس لیے بھی
طہارت کچھ نہیں یعنی مطلقاً نہیں جس حال میں چاہیے اوس حال میں [illegible]
ہے کہ ان کی اشرف مخلوقات ہو کے حیوانوں کی صفت اختیار کریں نہ کھاویں نہ [illegible]
اور حرام حلال میں امتیاز کریں اور جو چیزیں اونھوں کی یہاں حرام ہو دیں اور جو بازار میں
قصاب کی یہاں نجس چیزیں بکیں سو کھایا کیوں [illegible] ہم سے [illegible] لکھا [illegible]
اور ایمانداران [illegible] اور اوس نے کو رت کا خرچ [illegible] فتویٰ کیا تھا کہ [illegible]
کسی کو زنا نہ کرنا تھا یا قضیہ فیصلہ کر کر حرام لیتا تھا یا [illegible] جمع کرتا تھا یا جمع کر [illegible]
کیا تھا یا آپ کچھ تحصا جو ان کو [illegible] ایسے انکار کرتا تھا اور جس سے فائدہ [illegible]
ہوتا تھا یا نجس کیا تھا اور احتلام و جنابت کا غسل نہ کرتا تھا یا انجیل [illegible] سے کاٹت
بال اور اوس ہر قسم کیا تھا اور نماز ایک روز پڑھتا تھا یا روزہ مطلق ترک کر دیا تھا اور
سور یا حرام و مردار چیزیں کب کیا تھا یا داڑھی مونچھہ منڈوا بغل اور زیر ناف کے

بالکو چھوڑ دیا

بالکو چھوڑ دیا تھا اور ختنہ کرانے کو منع کیا تھا اور حکم کیا تھا کہ [illegible]
[illegible] مجلس میں مردونکے ساتھ ناچا کریں اور غیر مردونکے بغل گیر ہو [illegible]
[illegible] حاصل کریں اور شوہر اونکی بیٹھے تماشا دیکھا کریں جو یہ سب باتیں تو نکو اعتقاد
کیا اور ایمان دستور العمل ٹھیرایا قطع نظر تمہارا اس کی دیندار اور ایماندار ایک کیوں کیا ہے [illegible]
کہ ایسے حیوانوں میں بھی نہیں مثلاً ایک مرغ اپنے مادہ کی طرف کسی مرغ کو مائل دیکھتا ہے تو دوڑا
نہیں دیکھتا بلکہ اوس سے لڑتا ہے اور بڑا تعجب انسان ہو کہ اپنے بیبیوں کو غیر مردونکے ساتھ
بغل گیر دیکھ [illegible] شرم نہیں ہوتی بلکہ خوش ہوتے ہو اوس لیے کہ عورت مانند پھول کے ہے
جو چاہے سو سونگھے افسوس ہے کہ عیسیٰ نے تو ایسا فرمایا ہو کہ کیونکہ اوس نے آگے ہی خبر دی ہے
کہ تم لوگ جھوٹے معلمونکے دام میں آؤ گے اور بد عقیدگی ایجاد کرو گے چنانچہ [illegible]
میں [illegible] مکتوب [illegible] دوسرے [illegible] جس میں جھوٹے معلمونکا باب ہے پہلے سطر سے دوسری سطر
تک لکھا ہے وہ یہہ ہے کہ جھوٹے نبی بھی اس قوم میں تھے چنانچہ جھوٹے معلم تم میں بھی ہوونگے جو
بد عقیدگی کو رائج کرینگے اور [illegible] ایجاد کرینگے اور اوس آقا کا جس نے اونھیں مول لیا انکار
کرینگے [illegible] اور بہت سے لوگ فسادونکی پیروی کرینگے اور لوگوں کے باعث سے
راہ راست کی مذمت کیجائیگی اور وہ دلی باتوں کو چھوڑ اپنے نفع کے باعث تم کو اپنی
پیروی کرائینگے انتہی ٭ یقین ہے کہ تم اونھیں جھوٹے معلمونکی پیروی کرتے ہو اور
یہہ تمہارا [illegible] عیسیٰ کا کام تمہارا عیسویوں کا سوال

علیہ السلام نے لکھا ہیں ان باتوں کا جواب کل یاد رکھ کہ وجہ ان دو کاموں کی مجھ پر حضرت وحی
غرض جلا لیا اور دوسرا روز اپنے قرار پر آیا اور بیٹے کے گرنے لکھا ہیں ان باتوں کا جواب
یاد رکھ کہ جو جگہ دو کام ان مجھ پر حضرت وحی غرض جلا لیا اور دوسرا روز اپنے قرار پر
آیا اور بیٹے کے گرنے لکھا ہمارے نبوت تمت میں لکھتا ہے کہ پاک بدن اور اعمال ظاہر
کچھ کام کے نہیں بلکہ پاک دل چاہیے دیکھو تو اگر ابراہیم خلیل اللہ عملوں سے راستباز
ٹھہرتے گناہ پاتا تو اوسے فخر کا جگہ تھے لیکن خدا پر ایمان لایا ہے اوسکی راستی
بازی ٹھہرے اور مردود کو مردود کیا بخشش نہیں بلکہ ادا دین ہی ہر وہ جو کام نہیں کرتا
بلکہ اوسپر جو گنہگار کو راستبازوں میں شمار کرتا ہے ایمان لاتا ہی اوسیکا ایمان راست
بازوں میں گنا جاتا ہی انتہی سوال بسکہ جبکہ ہم عیسی پر ایمان لائے تب ہے سے ہمارا
دل پاک ہوگیا اسلئے ہمنے طہارت بدنی اور عمل ظاہر کو چھوڑ دیا جواب
جب تک جسم ظاہر پاک نہو دل اوسکا باطن کیسا پاک ہوگا نہ ظاہر ہے بیٹے تو باطن کی
حالت تو اگرچہ ایک اپنے نورانی اول ہی سے پاک وصفا تھا لیکن جب اوسکا تعلق جسم خاکی
کے ساتھ ہوا تب ہی سے اوسپر زنگ کدورت آگیا اور وہ زنگ فقط ایمان سے بدون
طہارت اور عمل شرعی کے دور نہیں ہوسکتا اگر فقط ایمان سے پاک ہوتا تو شیطان
کیونکر ناپاک ٹھہرتا اسلئے کہ وہ بھی تو خدا پر ایمان لاتا ہے پس دینداروں کو لازم ہے کہ
اول خدا اور رسول پر ایمان لاویں بعد اوسکے اونکے امر ونہی پر عمل کریں ایمان عمل

مردہ ہے

مردہ ہے اسلئے جب بیٹے اللہ کا ہوتا اپنے رسالے تصفیہ قلب فرماتے ہیں بعض معانی والے
اور پاک ہی جسم پاک تعلیم دینے کیلئے جو انجیل ہے ہمیں شمت میں اونکے یعقوب کا خط کا یہ دوسرا
باب میں جسمانی ظاہر پرستی اور ایمان بے عمل مردود کا بیان لکھا ہوا اور وہ یہ ہے جسنے
رحم نہ کیا اوسکا انصاف بے رحم سے ہوگا اور رحم عدل پر فخر کرتا ہے اے میرے بھائیو اگر کوئی کہے
کہ ایمان دار ہوں اور عمل نہ رکھتا ہو تو کیا فائدہ کیا ایمان اوسکو بچا سکتا ہے اگر کوئی بھائی یا
بہن ننگے ہیں کہ سلامت جاؤ اور گرم اور سیر ہو اور وہ چیزیں کہ جسکا بدن محتاج ہے اونہیں
نہ دیں تو کیا حاصل اسیطرح اگر ایمان کے ساتھ عمل نہو تو وہ فی الحقیقت مردہ ہے شاید کوئی
کہے کہ تجھہ میں ایمان اور مجھہ میں عمل پس تو اپنا ایمان عملوں کے بغیر مجھے دکھلا اور میں اپنے عملوں
سے اپنا ایمان تجھے دکھلاؤں تو ایمان لاتا ہی کہ خدا ایک ہے بہتر کرتا ہی شیطان بھی تو
ایمان لاتا ہے اور کانپتا ہی پر اے واہی آدمی کیا تجھکو یہ معلوم ہوگا کہ ایمان بے عمل مردہ
ہے کیا ہمارا باپ ابراہیم اپنے بیٹے اسحاق کو قربانگاہ پر لاکے عملوں سے راستباز نہیں
ٹھہرا سو دیکھتا ہی کہ ایمان نے اوسکے عملوں کے ساتھہ کام کیا اور عملوں سے ایمان کامل ہوا
اور اوس کتاب میں جو کہتی ہیں کہ ابراہیم خدا پر ایمان لایا اور وہ اوسکے لیئے راستبازی
ٹھہری اور وہ اسکا خلیل اللہ کہلایا پورا ہوا تم دیکھتے ہو کہ آدمی عملوں سے نہ خالی ایمان سے
راستباز ٹھہرتا ہے اسیطرح سے راحاب جو رانیہ تھی جبکہ جاسوسوں کی مہمانی کی اور
اونکو دوسری راہ سے باہر کر دیا راستباز نہ ٹھہری سو جسطرح بدن بیجان مردہ ہے

[illegible]

اور اسی طرح ہم امکانی بے جمال دہ ہیں انتہی ۔ اور بوجھنا اے ملکوت کا تیسرا باب اور دانی صحیح
ہیں ہم نظر سے اوسطرح بلکہ ظاہر وہ یہ ہے کہ خدا کا اینا یعنیہ علیسے آئینہ ہے لیکے ظاہر ہوا کہ ابلیس
کہو یا جعفر کا انتہی ۔ پس یہی اعمال ہمارا نفسانی ہیں یا حقانی عیسائی ہیں یا شیطانی
و غصہ کو تو کو اور جواب دو **عیسوی کا سوال** عیسوی جھنجھلا کے جب سوال کیا کہ
مسلمان لوگ محرم میں علم کھڑا کرتے اور تعزیہ بناتے اور ہر عشرہ کی کرتے اور کرتے اور
ہیں یہ کیا ہے کہ لوگ ... کو ... بیجا و ... جانتے ہیں ... کرتے ہیں **محمدی کا جواب**
بت پرستی اوسکو کہتے ہیں کہ خدا اور رسول کے مقابلہ میں شبیہ کھڑی کر کے پوجیں اور ... تو
ہمارا اعتقاد ہے یا ہمارا رسول محترم میں تو صرف فاتحہ حضرت امام حسین علیہ السلام کی کرتے ہیں جیسے
اور بزرگوں کی فاتحہ اور ... کرتے ہیں یہ کچھ بت پرستی نہیں کہ حسین حلال ایمان کا ...
اگر کہیں کہ یہ علم کا کھڑا کرنا کیا ہے تو اسکی وجہ یہ ہے کہ جب حضرت امام حسین علیہ السلام نے ...
کی ساتھ جنگ کیا تھا اوس وقت آپکے لشکر میں علم ... نشان ... اور لشکر دشمن میں ... تھی
تھا جب محرم کے دس دن تک اوسکی فاتحہ کرنا ... کھانا کھلانا اور اونکا نام ... کرنا تو جب
حسنات کا بلکہ ... سے ہے تب علم کھڑا کرتے ہیں تا معلوم ہووے کہ یہ فاتحہ فلانے کی ہے جو
جنگ میں شہید ہوا تھا لیکن بدعت و بیجا کرتے ہیں جیسے کہ ... کرنا اور ... وہ لکڑی تعزیہ
بنانا اور ... اوسکو ... کہ حسنات سے نہیں بلکہ وہ ... ذکر یہ محرم کی فاتحہ
کرنا منع نہیں اور ان جو محرم میں ... ہیں اوسکی وجہ یہ ہے کہ ہندوستان کا ملک قدیم
سے کفار کا تھا وہاں مسلمان آئے اونکو اولاد ہونے لگی اور صحبت کفار کی ساتھ ...

حرکات ...

حرکات ... اور ... ہوئیں ... کفار وہاں دیکھنے لگے تب جاہلوں ...
امانت لوگ ... آپ ... اختیار ... بنانا اور ... شروع کیا کہ ... طور ...
کے بخلاف اونکے تم عیسوی ادنی اعلی ... علم ... فضل ... اور ... بیچ ...
بت پرستان میں کوئی اعتقاد ہی تو کوئی اعمال ہے اگر ہمکو شک ہو تو ... ولی ...
جان ... کے ... لفظ ... اور ... یعنی بت پرستی کا بیان ... ہے
سو ... ایک فرقہ ... ملک ... کہ وہ اپنے دیولوں میں ... خدا کے
... وہاں ... کے اور اونکی ماں ... مریم کی ... کر کے پرستش کرتے ہیں اور ... کو
خدا کا بیٹا ... سواد ... تصویر ... دیوار ... ہیں الا ... عقیدہ
موافق ہوں ... کیا تھا ... روز کرتے ہو اور لوگوں کو تعلیم ... ہو کہ یہ
عیسیٰ ہمارا خدا کا بیٹا ہیں اور ... ہوئے ہیں اور ... ایک فرقہ ہے کہ وہ
لوگ بت پرستی سے انکار رکھتے ہیں اور اپنے دیولوں میں انجیل پڑھتے ہیں ... دیولوں میں
یہ تصویریں موجود ہیں ۔ اور بعضی ایک فرقہ ہے کہ وہ اپنے دیولوں میں ... نہیں
... ہمارا ... ہیں ... ایک مکان ... سوا ... آراستہ
کر ... ہیں جمع ہوتے ہیں تو ایک ... سے ... لباس ... ایک
بات کا ... اونکو ... کہ ... اور ...
... اونکی ... علم ... ہیں ... اور

اگر ایک صندوق بھول جاوے تو کمال ایک بلا اوس سے نکلی کا اوس صندوق [illegible]
اور کچھ حجر یعنی ایک سیاہ چادر [illegible] کو موگرے سے مارا جاوے تو وہ بلا نکلتا
[illegible] میں [illegible] بیٹھ رہتے ہیں [illegible] اوس [illegible] پر [illegible] اوسکو [illegible]
مارا [illegible] میں [illegible] کچھ کچھ [illegible] تو وہ [illegible] ہو [illegible]
[illegible] عرض اس صورت سے مار [illegible] صندوق میں [illegible]
کچھ [illegible] برادر [illegible] ہو [illegible] میں [illegible] کو نہیں [illegible]
[illegible] حفاظت کرتے ہیں بلکہ کوئی [illegible] اطلاع اونکی وہاں جانے [illegible] اوسکو
[illegible] اگر [illegible] ہو [illegible] اگر کوئی [illegible] کہ تم [illegible]
تو اوسکو بتلاتے ہیں کہ یہ طریقہ ہمارا نہیں بلکہ یعقوب کے امت کا ہے [illegible]
[illegible] اور سوا اونکی تمام [illegible]
اور اہل [illegible] کوئی [illegible] کوئی [illegible]
[illegible] کوئی [illegible] کوئی [illegible] اور [illegible]
عورتیں [illegible] ہیں [illegible] میں [illegible]
تو ایک [illegible] کو [illegible] میں [illegible] ایک [illegible]
[illegible] ہو جاتا ہے تو [illegible] جاتے ہیں اور [illegible] ہیں [illegible]
[illegible] **سوال** [illegible]

یک مسلمان

[illegible] مسلمان اپنی عورتوں کو [illegible] اعتقاد ہو اور عصمت پر [illegible] ہیں اور [illegible]
محل اعتقاد سمجھتے ہیں [illegible] **محمدی کا جواب** جب [illegible]
[illegible] عصمت [illegible] نہیں [illegible] اور [illegible]
والیوں میں سے عصمت [illegible] قطع نظر اسکے اعتقاد عورتوں کا [illegible] عقل [illegible]
اور فسق و فجور عورتوں سے ہوتے ہیں جیسا کہ سارہ ہو او ابن یعقوب کی بہو [illegible] سے
سے خلوت کر کے [illegible] ایک کا نام فارس [illegible] دوسرے کا نام زارح اور اسکا قصہ
توریت کی سفر الخلیقہ میں موجود ہے اور [illegible] زانیہ مشہور تھی [illegible] قصہ [illegible]
سفر میں مرقوم ہے اور [illegible] لوط علیہ السلام کی بیٹی [illegible]
[illegible] قصہ بھی توریت کی سفر الخلیقہ میں لکھا ہے [illegible]
[illegible] داود علیہ السلام کے نکاح میں [illegible] یہ قصہ اخبار الایام میں ہے [illegible]
[illegible] رضی اللہ عنہا کے [illegible] علمائے [illegible] معلوم [illegible]
[illegible] مسلمانوں نے [illegible] قوم کی عورتیں [illegible]
ہو جاتے ہیں [illegible] اپنی عورتوں کو [illegible] اختیار کیا [illegible] تب وہ
لاجواب ہو رہے [illegible] **عیسوی کا سوال** [illegible]
کیا [illegible] تمہارے ملکوں میں [illegible] اور ہمارے ملکوں میں [illegible]
محمدی کا جواب سبب اسکا یہ ہے کہ جزیرہ مکہ معظمہ و مدینہ منورہ وغیرہ [illegible]

اور جو ملک اور بادشاہ حصہ پر واقع ہوئے ہیں وہاں نکلا روز سوا تیسرے پہر کے اور بلاد
روم [illegible] رمیہ اور اندلس وغیرہ کے جو قریب خط استوا کے [illegible]
واقع ہوئے ہیں وہاں نکلا روز ہونے بعد ڈھائی گھنٹے نکلا تھا اور روس اور بلغار اور شہید روم
اور شمال اور اندلس اور اسکے متعلق خط استوا سے بلندی بالیس درجہ اور اقلیم کے
حصے پر واقع ہوئے ہیں وہاں نکلا روز سوا اندر ڈھائی گھنٹے کے اور جب مکہ معظمہ اور مدینہ منورہ
وغیرہ میں آفتاب غروب ہوتا تھا تو ہمارے ملکوں میں کہیں ڈیڑھ گھنٹہ اور کہیں دو گھنٹے دن باقی
رہتا تھا اور وہاں جب دو گھنٹے رات ہو چکی تھی تب ہمارے ملکوں میں شام ہوئی تھی علی الخصوص
بہت ملکوں میں حال ہی [illegible] ہوتا آیا تھا پس شق القمر جو وقت نماز مغرب کے ہوا تھا سو
ہمارے شہروں میں کیسا دیکھا مگر جو شہر کہ نزدیک خط استوا کے واقع ہوئے ہیں وہاں البتہ
نظر آیا تھا **عیسویوں کا سوال** عیسویوں کی کتابوں سے تو بہت معلوم ہوتا ہے کہ بلاد ہندوستان کی
ملک ہے جو خط استوا سے نزدیک ہے جب مسلمانوں کو نظر آیا تو ہندو لوگوں کو نظر نہیں آیا کہ اپنے
بھی اپنی کتاب میں یہ نہیں لکھا کہ فلانے سال فلانے روز اور فلانے وقت شق القمر ہوا تھا
محمدیوں کا جواب [illegible] اپنی کتابوں میں جو لکھا ہے سوا اسکو [illegible] موجود ہندوؤں [illegible] کو مانو کہ
دیکھیے کہ یوشع بن نون کی کتاب میں دسویں فصل کے بارھویں فقرے سے تیرھویں فقرے تک لکھا ہوا ہے
کہ یوشع نبی نے [illegible] بنی اسرائیل کے روبرو [illegible] اور جبعون پر [illegible] چاند اور سورج
دو گھڑی [illegible] رہ گئے تھے اور غروب نہیں ہوتا تھا انتہی اور اشعیا نبی کی کتاب میں بھی
کی [illegible] دسویں فصل میں [illegible] اخبار الملوک کے [illegible] لکھا ہے کہ اشعیا نبی [illegible]
[illegible] کردیا تھا [illegible] دشمنوں سے بدلا لیا تھا
[illegible] لکھا نہیں ہے [illegible] کتاب [illegible] تاریخ میں چاند اور سورج

آسمان پر سے کس طرح حرکت کیا تھا یا جو کیا بادشاہ [illegible] علامت ہوتی تھی حالانکہ
بابل اور فارس اور یونان اور ہند [illegible] کتاب میں نہ لکھا ہے کہ
چاند اور سورج دونو غروب ہونے [illegible] کتاب [illegible] نہیں کیا تھا
نہ لکھا ہے کیا اور چاند اور سورج کا ٹھہر رہنا اور آفتاب کا پھر جانا باطل ہو گیا اور ہندو کو منکر ہے
منکر اسلیے ہیں [illegible] نہ اونکو موسے حق عیسی مگر فقط [illegible]
ہیں اگر وہ شق القمر [illegible] نہ لکھا ہوا ہو تو [illegible] سبب ہے اور مخالف
مذہب کے انکار کر سکتے ہیں اور اونکی [illegible] کو اپنے کتاب سے [illegible] نکال ڈال سکتے ہیں جیسے
یہودیوں نے عیسی کی نبوت و رسالت کی خبر کو باوجود موسی کے لکھنے کے توریت سے جو کتاب اللہ
ہے نکال ڈالا تھا اور کہتے ہیں کہ دیکھو تو توریت میں عیسی کے آنے کی خبر مطلق نہیں پاتے جاتے
ہیں پھر کیونکر ہم اوس پر ایمان لاویں لیکن یہودیوں کے انکار سے عیسی کی نبوت کچھ جھوٹی اور
باطل نہیں ہوتی غرض جب مخالف مذہب کے ہوتے ہیں تو [illegible] اعتبار حق و باطل کا نہیں
رہتا اور یہاں حق کتاب ایسے سے نکال ڈالا جاتا ہی پس ہندو سے شق القمر کا انکار کیا اور
اپنے کتاب سے اوسکا بیان نکال ڈالا کچھ برا کام نہیں کیونکہ جب کلام اللہ کو اہل کتاب نے
کتاب اللہ سے نکال ڈالے ہیں تو ہندو کی کتاب سے یہ بات کیا عجب ہے تب وہ [illegible]
عیسویوں کا سوال تبلاؤ تو یہ کیونکر ہو گا جو محمد صلی اللہ علیہ وسلم معراج کی [illegible] تمام

آسمانوں کی سیر اور خدا سے باتیں کر پھر آئے تو پھر بچھونا جیسے کا تیسا تھا گرم اس لئے کہ ہر ایک
وہاں سو برس کی راہ ہے اور بچھونا گرم [illegible] کہ جب آدمی اُس سے
جدا ہو مثلاً تو تب تک کہ ملک میں دو بار چلا اور تمام ملک کا سیر کر وہاں کے بادشاہ سے مل پھر اپنے
گھر آیا تو بچھونا جیسے کا تیسا گرم تھا یہ بات کیونکر سند آوے **محمدی کا جواب**
مثلاً جب کوئی شخص خواب میں مشرق و مغرب کے ملکوں کو جاتا ہے اور سیر کرتا ہے اور وہاں کے
لوگوں سے مل باتیں کرتا ہے اور پھر آتا ہے تو بچھونا اُسکا جیسے کا تیسا گرم رہتا ہے مثلاً اور اسکا
کیا سبب ہے روح کس طرح آتا اور کیسا لیتا ہو گا اس بیان سے سمجھ لیجئے کہ جب ہم [illegible] تو ہمکو
یہ لب سیر حاصل ہو تو محمد علیہ السلام جو نبی اور نورانی جسم کہ بیان کے مناسب تھا یعنی جسم کی جہت سے
بے سایہ تھا سو اس کو دولت سیر آنا جانا حاصل ہونا کچھ عجب نہیں دیکھئے کہ حضرت جبریل علیہ السلام
اور حور و ملک پلک مارتے تک آسمان سے اُترتے اور چڑھتے ہیں اس سے معلوم ہوا کہ نورانی جسم کو آسمان
پر آنا جانا آنا ادنیٰ بات ہے مگر خاکی جسم کا فقط آسمان پر جانا دشوار تر ہے
اے عزیز فرمائیے کہ عیسیٰ جو خاکی جسم کی جہت سے سایہ رکھتا تھا جب آسمان پر گیا ہوا اور ہو بوس
جسکا ذکر پہلے گذر چکا آسمان پر جا وہاں کا سیر کر پھر آتا ہو تو نورانی جسم آسمانوں کا سیر وغیرہ
آنا جانا کریں تو کیا بڑی بات ہے تب وہ ساکت ہو گیا اور کہا کہ نہیں بڑی **عیسوی کا سوال**
تم قرآن کو کلام الہی ذریعہ ہر دلیل عقلی لاتے ہو کہ وہ رتبہ فصاحت اور بلاغت میں کلام ان کا بے نظیر

ہے کہ

ہے کہ کسی بشر کے کلام کو اس سے برتر لکھا نہیں [illegible] نظیر ہے کہ کسی کا کلام
کو اس سے بہتر کر لکھا نہیں [illegible] بے نظیر ہے کیونکہ شہنامہ فصاحت
ہے اور کسی کتاب فارسی کی اس سے مقابلہ نہیں [illegible] کلام ایسے کہا جاتا ہے
محمدی کا جواب سبحان اللہ شہنامہ فصاحت میں کب بے نظیر ہے اس سے تو دیوان حافظ فصیح
ہے اور اس دیوان سے بوستان علی ہذا القیاس اور بہت کتابیں اپنے اپنے عالم میں فصیح ہیں
اور حقیقت یہ ہے کہ ہر زمانے کے فصحا سے ایک ایک کتاب فصیح تصنیف ہوئی ہے اور
حال میں ایک زمانے سے مثنوی لیلیٰ مجنوں کی طوفان شاعر سے نہایت فصیح تصنیف ہوئی لیکن
ہے چنانچہ ایک بیت مجنوں کی وصف کا یہ ہے ص شعر ہیں رہے شبستان الم
ہر ورق یافتہ بدامن غم مگر کتاب کو یہ الہی نہیں ہوئے کہ فصاحت میں لا ثانی ہو اور
یہ بات مشہور ہے کہ ہر زبان روز ہو اور فصیح ہوتا ہے چنانچہ اکثر ہر ایک زبان ہے یہ نسبت
سابق کے اسوقت میں فصیح تر ہے اور زمانہ فصحا کی زبان سے خالی نہیں باوجود اسکے
محمد صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم کے وقت سے آج تک فصحاء عرب سے کسی نے اس فصاحت و متانت
کی کوئی کتاب تصنیف نہیں کی اور اس زمانے میں بھی فصحاء عرب کا اتفاق تھا کہ کوئی کتاب سابق میں
بھی اس شان و فصاحت کی نہیں ہوئی تھی اسی لئے ہم قرآن کو معجزہ کہتے ہیں اگر تمکو شک
ہو تو اب عرب کے استادان فصحا قوم ہود وغیرہ سے قرآن کی ایک آیت [illegible] فصاحت کے مقابلہ

ہیں وہ تو لفظ اور سب سے فصیح تر ہے جو معنا ایک معجزہ تو للکوا ہے یا تمام [illegible] اور دلیل اور
تھہرا اور نہ رکھتا **عیسوی کا سوال** [illegible] تو ہر ایک قوم کے
شخص لیتے ہیں ویکھتے ہیں کہ تم ہم اونکو جگہ نہیں لیتے بلکہ [illegible] الکاد تیے ہیں لیکن
انہ قرآن کو ہماری ہاتھ میں تو لیا ملکہ چھونے بھی نہیں دیتے **محمدی کا جواب**
نیت لکھا ہے جو کہ ہر ایک اہل کتاب کے بیان اپنے اپنے کتاب کی تعظیم و تکریم
واجب ہوتا ہے بخلاف اونکے تم عیسوی تعظیم کے بدلے اپنے کتاب کو حقیر جان کر
بانچا نے کے وقت اوسکے ورقوں سے جو تم نوچتے ہو اور جو لوگ اپنے کتاب کی تعظیم
وتکریم نہ کریں سو وہ دوسرے کی کتاب کی کیا تعظیم وتکریم کرینگے اور
وہ جو اپنے کتاب کی تحقیر کرتے ہیں سو وہ دو دوکانہ ہیں جیسے کافر ٹھہرتے
ہیں پھر الیو ہے کہ ہاتھ قرآن مقدس کیونکر دیا جاسکتا اس لیئے ہم اوسکو
ہاتھ تک چھونے نہیں دیتے **عیسوی کا سوال** عیسوی نے تھوڑی وقت تامل
کر کے کہا سبحان اللہ تمہاری بیان تک نہیں کی اہانت اور نگ سے کتاب کی تحقیر
ہا ہے جاتی تھی اور تمہاری سب باتیں حق پائے جاتے ہیں اور فارقلیط کہ
جسکا بیان مسیح نے کیا تھا وہ محمد علیہ السلام ہی ہیں اب مجھکو اوسکا دین تلقین
کرو پہلے

تمہ واسطے میں اچھے تو بہ کرتا ہوں اور اپنے باطل مذہب سے باز آتا ہوں [illegible]
محمدی نے تب اوسکو کلمہ محمدی صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم کا پڑہایا اور احکام دین اسلامی
کے سکھلائے اور نام اوسکا میرزا ہدایت بیگ رکھا [illegible] تمام شد

قال

۲۳۹

عیسوی اسکا ہمونیکا نشان جو ان
دین اسلام میں داخل
ان اسلام کا جلسہ ہوا بیان اور بدعتی اور محمدیہ سے سچی ورود
لیکن لوگوں اسلام کو کریں اور رہنما اپنے وہ اسلام میں فساد ہے اسمیں ایک علم سوالات جوابوں وہ مولانا شیخ آباد

بقیہ شرح لغات

صفحہ	سطر	
۴	۵	کانت یعنی ہود اصلح بن الوسلوکتے ہیں جو ابکا ...
۲۶	۱۲	زادوقی یعنی ہود ویں ایک فرقہ ہے
۳۲	۱۰	یہود یہ یعنی کنعان کا تمام زمین اور کنعانی جو ہیں مقصد کو بہت اہتے ہیں
۳۶	۱	
۳۳	۱۰	سامرہ یعنی افرائیم بن یعقوب کے اولاد کے بستیوں ایک بستی کا نام ہے جو بیت المقدس اسرائیل مالک ساب ...
۳۶	۱	

غلط ــ نامہ

صفحہ	سطر	غلط	صحیح
۱	۸	کی	کے
۱	۱۰	طفیل ہی	طفیل سے
۲	۱۱	اتبر بعد اسکے	بعد اسکے
۳	۱۲	بعیہ	ہیرا نبیہ
۶	۳	داہنے بازو	داہنے بازو
۷	۱۰	ربیع الروح	ربیع الارواح
۱۲	۹	جعلی	جعلی
۱۳	برحاشیہ	سنجص	سنخص
۱۵	۹	جونوح کو	جس نوح کو
۱۹	۱۱	کو ئی	کوئی
۲۰	۱۰	نمات وغیرہ اور تیل بتی	نمات اور تیل بتی وغیرہ
۲۱	۱	نصارے	نصاری

صفحہ	سطر	غلط	صحیح
۲۱	۸	خاتم الانبیا	خاتم الانبیا
۳۳	۲	نہ ہو	ہو
۲۳	۴	نصارا	نصاری
۲۳	۱۳	نہ ہو	ہو
۳۴	۱۴	نقصانات	نقصان
۳۴	۱۴	نقصانات کے	نقصانوں کے
۴۲	۸	نہ ہو	ہو
۴۲	۱۰	مصلے	مصلے
۴۶	۱۰	پائے اور نیل طاہر	پایا بیل کے اور ظاہر اعمال
۴۶	۱۳	ونیا	ونیتی
۵۴	۴	علقہ	علقہ
۵۵	۱۴	دسیکھا	لکھا آریکھا

اول ذاکر درود شریف یازدہ یا ده بارگفته اند و بعده ہزار بار زبانی
دعای بخوانند در جبل روز از قید رہائی یابد مجرب است ...

یا خانی یا مخلص یا خلاص بحق خواجہ خضر ...

الیاس ۲۴۰۳